



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

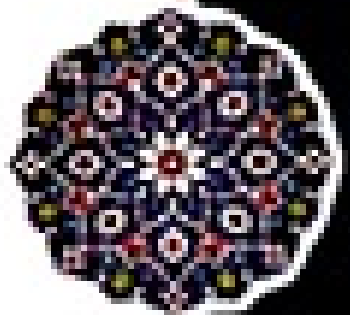
گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

آئین همسر داری
آداب زندگی
در اسلام



کتابخانه دیجیتال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیین همسر داری و آداب زندگی در اسلام

نویسنده:

محمد حسینی بهارانچی

ناشر چاپی:

عطر عترة

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	آیین همسررداری و آداب زندگی در اسلام
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۶	خطبه الکتاب
۲۹	هدف و انگیزه تالیف
۳۲	اسلام و ازدواج
۳۲	اشاره
۳۳	سفارش اسلام به ازدواج و تشکیل خانواده
۳۹	انتخاب همسر شایسته
۴۶	معیار برابری و کفویت در ازدواج
۵۰	قانون ازدواج موقت و دائم
۵۷	قانون مهر و احکام آن در اسلام
۶۴	آداب زناشویی
۶۴	اشاره
۶۵	آداب زفاف
۶۷	آداب همبستر شدن
۸۱	دستور نماز و دعا در شب زفاف
۸۴	استحباب آرایش و زینت
۸۵	استحباب بازی و ملاعبه قبل از جماع
۸۷	وجوب اطاعت و تمکین زن از شوهر
۹۱	پاداش همبستر شدن با همسر
۹۴	مسائل مربوط به فرزندان و حقوق آنان

۹۴	اشاره
۹۵	آداب و پاداش فرزندیاری
۱۰۱	استحباب درخواست فرزند شایسته
۱۰۵	ارزش زن و فرزندان شایسته
۱۰۶	پاداش شوهرداری و بارداری زن
۱۰۸	آداب نوزاد و مقام مادر
۱۱۲	انتخاب نام نیک برای فرزندان
۱۱۵	نام ها و کنیه های فاطمه علیهاالسلام
۱۱۷	اسامی و القاب فاطمه علیهاالسلام
۱۲۵	ترجمه اسامی و القاب فاطمه زهرا علیهاالسلام
۱۳۲	حقوق و وظایف متقابل زن و مرد
۱۳۲	اشاره
۱۳۳	پاداش کمک به همسر در اصلاح زندگی و خانواده
۱۳۴	سفارش معصومین علیهم السلام به تحفظ و پنهان بودن زن
۱۳۸	غیرت مرد و غیرت زن
۱۴۰	ارزش عبادت و خدمات زن در خانه
۱۴۱	پیامدهای خروج زن از خانه و اختلاط او با مردهای نامحرم
۱۴۳	پاداش صبر بر بدخلقی زن
۱۴۴	پاداش اطاعت زن از شوهر
۱۴۶	جلب محبت همسر از راه های غیر مشروع
۱۴۷	آرایش زن برای غیر شوهر
۱۴۸	آزار زن و شوهر به یکدیگر
۱۵۰	ارفاق و احسان به همسر
۱۵۱	پاداش همسر دوستی و معیار احسان به همسر
۱۵۲	مدارا و احسان به زن ها و نهی از اطاعت آنان
۱۵۷	احیای حقوق زن در اسلام

- ۱۵۹ حقوق زن و شوهر بر یکدیگر
- ۱۶۲ عبادت زن مشروط به رضایت شوهر
- ۱۶۵ پاداش تحصیل حلال برای تأمین زندگی
- ۱۶۹ پاداش تقوا و پرهیز از محرمات
- ۱۷۱ توضیح و بیان موارد تقوا در سخنان معصومین علیهم السلام
- ۱۷۴ پیشگیری های اسلام از فساد اجتماع و خانواده
- ۱۷۴ اشاره
- ۱۷۵ نگاه های حرام و پاداش خودداری از نگاه به نامحرم
- ۱۷۷ تماس با زن نامحرم
- ۱۷۸ حرمت گفتگو و مزاح با زن نامحرم
- ۱۷۹ نگاه به پشت سر زن نامحرم
- ۱۷۹ آداب اسلامی در باره ورود به منازل و غیره
- ۱۸۴ سن قانونی نامحرم بودن دختر و پسر
- ۱۸۴ نگاه زن به مرد نابینا
- ۱۸۵ تماس پزشک برای معالجه
- ۱۸۷ زن های نمونه در اسلام
- ۱۸۷ اشاره
- ۱۸۸ اسوه های ارزش و نمونه های بی نظیر
- ۱۸۸ عبادت فاطمه علیها السلام
- ۱۹۰ تسبیحات فاطمه علیها السلام
- ۱۹۱ فاطمه علیها السلام و انفاق زینت های خود در راه خدا
- ۱۹۴ مقام فِضَه کنیز فاطمه علیها السلام
- ۱۹۸ فاطمه علیها السلام و نزول آیه عذاب
- ۲۰۲ عبادت حضرت زینب علیها السلام
- ۲۰۳ عفت و حیای زینب علیها السلام
- ۲۰۵ سخنان فاطمه علیها السلام

- ۲۰۵ - - - - - اشاره
- ۲۰۶ - - - - - ۱- نمره اخلاص
- ۲۰۶ - - - - - ۲- نرمخویی و اکرام بانوان
- ۲۰۶ - - - - - ۳- خوشرویی در چهره مومن
- ۲۰۶ - - - - - ۴- معیار شیعه بودن
- ۲۰۷ - - - - - ۵- مَثَل امام مَثَل کعبه است
- ۲۰۷ - - - - - ۶- ارزش مؤمن
- ۲۰۸ - - - - - ۷- علی علیه السلام و شیعیانش
- ۲۰۸ - - - - - ۸- خلعت های کرامت
- ۲۰۸ - - - - - ۹- بدترین امت
- ۲۰۹ - - - - - ۱۰- انگشتی عقیق
- ۲۰۹ - - - - - ۱۱- نیکوترین ویژگی زنان
- ۲۰۹ - - - - - ۱۲- نزدیک ترین حالت زن به پروردگار خود
- ۲۰۹ - - - - - ۱۳- شفاعت امت گنهکار
- ۲۰۹ - - - - - ۱۴- ثواب صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام
- ۲۱۱ - - - - - ۱۵- خشم همسر، رضایت همسر
- ۲۱۱ - - - - - ۱۶- بهره روزه دار
- ۲۱۱ - - - - - ۱۷- رضایت فاطمه علیها السلام از خدا و رسول او صلی الله علیه و آله
- ۲۱۲ - - - - - ۱۸- حالات معنوی فاطمه علیها السلام در شب ازدواج
- ۲۱۲ - - - - - ۱۹- صبر و ایثار فاطمه در خانه علی علیها السلام
- ۲۱۳ - - - - - ۲۰- عفت و حجاب فاطمه علیها السلام
- ۲۱۳ - - - - - ۲۱- سخن فاطمه علیها السلام در مورد آداب غذا خوردن
- ۲۱۴ - - - - - ۲۲- دعای فاطمه علیها السلام برای گناهکاران امت
- ۲۱۴ - - - - - ۲۳- دعای فاطمه علیها السلام وقت غروب روز جمعه
- ۲۱۵ - - - - - ۲۴- فاطمه علیها السلام از خدا درخواست غذای بهشتی نمود
- ۲۱۵ - - - - - ۲۵- خیرخواهی فاطمه علیها السلام و درسی که به زن ها داده است

- ۲۱۶- صحنه دلخراش و خیرخواهی فاطمه علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۲۱۷- ناله های فاطمه علیها السلام در لحظه های غمبار رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله
- ۲۱۷- مبارزات فاطمه علیها السلام و دفاع از علی علیه السلام
- ۲۱۹- آه و ناله فاطمه علیها السلام از فراق پدر
- ۲۲۰- نگاه فاطمه علیها السلام به حسن و حسین و یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۲۲۰- درخواست فاطمه علیها السلام از بلال برای اذان گفتن
- ۲۲۱- مبارزه منفی فاطمه علیها السلام و سخن نگفتن او با غاصبین خلافت
- ۲۲۱- آخرین وصایای فاطمه علیها السلام
- ۲۲۲- وصیت به مخفی بودن مراسم تدفین و قبر فاطمه علیها السلام
- ۲۲۳- کیفر و عذاب زنان گناه کار
- ۲۲۶- حدیث فاطمه علیها السلام در باره سبک شمردن نماز
- ۲۲۹- اخلاق زندگی در اسلام
- ۲۲۹- اشاره
- ۲۳۰- ارزش اخلاق در زندگی
- ۲۳۱- ۱- اندوه زدایی و پاداش بهشت
- ۲۳۲- ۲- بهترین مردم و بهترین عمل آنان
- ۲۳۲- ۳- عدالت و انصاف
- ۲۳۳- ۴- هدیه و احسان (کادو)
- ۲۳۴- ۵- پاداش احسان
- ۲۳۵- ۶- ماعون (عاریه دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان)
- ۲۳۵- ۶- ماعون (عاریه دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان)
- ۲۳۶- ۸- مواظبت بر صدقه و عمل خیر در هر روز
- ۲۳۷- ۹- سازش و نرم خویی و مدارای با مردم
- ۲۳۸- ۱۰- خیرخواهی نسبت به مردم و انتقادپذیری از آنان
- ۲۳۹- ۱۱- ادب و تجاوز نکردن از حق خود
- ۲۳۹- ۱۲- نگهداری اسرار و آبروی مردم

- ۱۳- رعایت عهد و پیمان ۲۴۰
- ۱۴- مشورت و استفاده از فکر دیگران ۲۴۱
- ۱۵- روح بی نیازی از مردم و توکل به خداوند ۲۴۲
- ۱۶- نگهداری و برگرداندن امانت ۲۴۳
- ۱۷- تواضع و فروتنی ۲۴۴
- ۱۸- احترام به بزرگ تر و ترحم به کوچک تر ۲۴۵
- ۱۹- پاداش احترام به مؤمن و گناه توهین به او ۲۴۶
- ۲۰- کیفر قهر و پاداش آشتی و گذشت ۲۴۷
- ۲۱- گناه غیبت و بدگویی از مردم ۲۴۷
- ۲۲- گناه اسراف و تبذیر ۲۴۸
- آداب زندگی در اسلام ۲۵۰
- اشاره ۲۵۰
- شیرینی و طراوت زندگی ۲۵۱
- ۱- سلام و احترام به برادران و خواهران مسلمان ۲۵۱
- ۲- اجازه ورود به اتاق پدر و مادر ۲۵۲
- ۳- احوالپرسی و پند و اندرز ۲۵۳
- ۴- پاداش سلام و مصافحه (دست دادن) و معانقه (در آغوش گرفتن) ۲۵۵
- ۵- پاداش زیارت و بوسیدن پیشانی مؤمن ۲۵۶
- ۶- آداب عطسه و تحیت آن ۲۵۷
- ۷- آداب آروغ زدن و آب بینی و دهان انداختن ۲۵۸
- ۸- مزاح و خنده و شیرینی سخن ۲۵۹
- ۹- سنت های ابراهیمی و محمدی صلی الله علیه و آله در نظافت ۲۵۹
- ۱۰- نگهداشتن محاسن و برطرف نمودن موهای دیگر بدن ۲۶۰
- ۱۱- آداب ناخن گرفتن ۲۶۱
- ۱۲- پاداش مسواک و پاکیزه کردن دهان ۲۶۲
- ۱۳- پاداش استعمال عطر و بوی خوش ۲۶۳

- ۲۶۴ ۱۴- اجابت دعوت مؤمن و پاداش آن
- ۲۶۵ ۱۵- نکوهش از میهمان بدون دعوت
- ۲۶۶ ۱۶- آداب میهمانی رفتن
- ۲۶۷ ۱۷- پاداش احترام به میهمان
- ۲۶۹ ۱۸- پرهیز از مجالس گناه
- ۲۷۵ ۱۹- آداب مسافرت
- ۲۷۷ اشعار مجالس عقد و عروسی
- ۲۹۴ آثار مؤلف تاکنون
- ۲۹۷ درباره مرکز

آیین همسر داری و آداب زندگی در اسلام

مشخصات کتاب

شابک : ۲۸۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۹۵۸۰۵-۳۸-۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۸۸۳۴۹

عنوان و نام پدید آور : آیین همسر داری و آداب زندگی در اسلام / نویسنده سید محمد حسینی بهارانچی .

مشخصات نشر : قم: عطر عترة، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۳۲۰ ص.

موضوع : زناشویی (اسلام)

موضوع : راه و رسم زندگی (اسلام)

موضوع : اسلام و خانواده

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۲۵

رده بندی کنگره : BP۲۵۸/۵-ح ۹۲۵ ۱۳۸۵

سرشناسه : حسینی بهارانچی، سید محمد، ۱۳۲۳ -

ص : ۱

اشاره

نویسنده: سید محمد حسینی بهارانچی

ص: ۲

فهرست مطالب

خطبه الكتاب ۹ ...

هدف و انگیزه تالیف ۱۲ ...

اسلام و ازدواج ۱۵ ...

سفارش اسلام به ازدواج و تشکیل خانواده ۱۶ ...

انتخاب همسر شایسته ۲۲ ...

معیار برابری و کفویت در ازدواج ۲۹ ...

قانون ازدواج موقت و دائم ۳۳ ...

قانون مهر و احکام آن در اسلام ۴۰ ...

آداب زناشویی ۴۷ ...

آداب زفاف ۴۸ ...

آداب همبستر شدن ۵۰ ...

دستور نماز و دعا در شب زفاف ۶۴ ...

استحباب آرایش و زینت ۶۷ ...

استحباب بازی و ملاعبه قبل از جماع ۶۸ ...

وجوب اطاعت و تمکین زن از شوهر ۷۰ ...

پاداش همبستر شدن با همسر ۷۴ ...

مسایل مربوط به فرزندان و حقوق آنان ۷۷ ...

آداب و پاداش فرزندداری ۷۸ ...

استحباب درخواست فرزند شایسته ۸۴ ...

پاداش شوهرداری و بارداری زن ... ۹۰

آداب نوزاد و مقام مادر ... ۹۳

انتخاب نام نیک برای فرزندان ... ۹۸

نام ها و کنیه های فاطمه علیهاالسلام ... ۱۰۳

اسامی و القاب فاطمه علیهاالسلام ... ۱۰۶

ترجمه اسامی و القاب فاطمه زهرا علیهاالسلام ... ۱۰۹

حقوق و وظایف متقابل زن و مرد ... ۱۱۳

پاداش کمک به همسر در اصلاح زندگی و خانواده ... ۱۱۴

سفارش معصومین: به تحفظ و پنهان بودن زن ... ۱۱۶

غیرت مرد و غیرت زن ... ۱۲۲

ارزش عبادت و خدمات زن در خانه ... ۱۲۴

پیامدهای خروج زن از خانه و اختلاط او با مردهای نامحرم ... ۱۲۵

پاداش صبر بر بدخلقی زن ... ۱۲۹

پاداش اطاعت زن از شوهر ... ۱۳۰

جلب محبت همسر از راه های غیر مشروع ... ۱۳۳

آرایش زن برای غیر شوهر ... ۱۳۴

آزار زن و شوهر به یکدیگر ... ۱۳۵

ارفاق و احسان به همسر ... ۱۳۸

پاداش همسر دوستی و معیار احسان به همسر ... ۱۴۰

مدارا و احسان به زن ها و نهی از اطاعت آنان ... ۱۴۱

احیای حقوق زن در اسلام ... ۱۴۸

حقوق زن و شوهر بر یکدیگر ... ۱۵۱

عبادت زن مشروط به رضایت شوهر ... ۱۵۵

پاداش تحصیل حلال برای تأمین زندگی ... ۱۶۰

پاداش تقوا و پرهیز از محرّمات ... ۱۶۵

توضیح و بیان موارد تقوا در سخنان معصومین: ... ۱۶۷

ص: ۴

- پیشگیری های اسلام از فساد اجتماع و خانواده ... ۱۷۱
- نگاه های حرام و پاداش خودداری از نگاه به نامحرم ... ۱۷۲
- تماس با زن نامحرم ... ۱۷۵
- حرمت گفتگو و مزاح با زن نامحرم ... ۱۷۶
- نگاه به پشت سر زن نامحرم ... ۱۷۸
- آداب اسلامی در باره ورود به منازل و غیره ... ۱۷۹
- دستور اسلام در باره اجازه ورود به خانه ها ... ۱۸۰
- سن قانونی نامحرم بودن دختر و پسر ... ۱۸۴
- نگاه زن به مرد نابینا ... ۱۸۶
- تماس پزشکی برای معالجه ... ۱۸۷
- زن های نمونه در اسلام ... ۱۸۹
- اسوه های ارزش و نمونه های بی نظیر ... ۱۹۰
- عبادت فاطمه علیهاالسلام ... ۱۹۱
- تسبیحات فاطمه علیهاالسلام ... ۱۹۲
- فاطمه علیهاالسلام و انفاق زینت های خود در راه خدا ... ۱۹۵
- مقام فضّه کنیز فاطمه علیهاالسلام ... ۱۹۹
- بیست سال جز با قرآن سخن نگفت ... ۲۰۱
- فاطمه علیهاالسلام و نزول آیه عذاب ... ۲۰۴
- عبادت حضرت زینب علیهاالسلام ... ۲۰۷
- عفت و حیای زینب علیهاالسلام ... ۲۰۹

سخنان فاطمه علیهاالسلام ... ۲۱۱

۱- ثمره اخلاص ... ۲۱۲

۲- نرمخویی و اکرام بانوان ... ۲۱۲

۳- خوشرویی در چهره مومن ... ۲۱۲

۴- معیار شیعه بودن ... ۲۱۳

۵- مَثَل امام مَثَل کعبه است ... ۲۱۳

۶- ارزش مؤمن ... ۲۱۳

ص: ۵

- ۷- علی علیه السلام و شیعیانش ... ۲۱۴
- ۸- خلعت های کرامت ... ۲۱۵
- ۹- بدترین امت ... ۲۱۵
- ۱۰- انگشتری عقیق ... ۲۱۵
- ۱۱- نیکوترین ویژگی زنان ... ۲۱۶
- ۱۲- نزدیک ترین حالت زن به پروردگار خود ... ۲۱۶
- ۱۳- شفاعت امت گنهکار ... ۲۱۶
- ۱۴- ثواب صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام ... ۲۱۶
- ۱۵- خشم همسر، رضایت همسر ... ۲۱۷
- ۱۶- بهره روزه دار ... ۲۱۷
- ۱۷- رضایت فاطمه علیها السلام از خدا و رسول او صلی الله علیه و آله ... ۲۱۷
- ۱۸- حالات معنوی فاطمه علیها السلام در شب ازدواج ... ۲۱۸
- ۱۹- صبر و ایثار فاطمه در خانه علی علیها السلام ... ۲۱۹
- ۲۰- عفت و حجاب فاطمه علیها السلام ... ۲۱۹
- ۲۱- سخن فاطمه علیها السلام در مورد آداب غذا خوردن ... ۲۲۰
- ۲۲- دعای فاطمه علیها السلام برای گناهکاران امت ... ۲۲۰
- ۲۳- دعای فاطمه علیها السلام وقت غروب روز جمعه ... ۲۲۱
- ۲۴- فاطمه علیها السلام از خدا درخواست غذای بهشتی نمود ... ۲۲۱
- ۲۵- خیرخواهی فاطمه علیها السلام و درسی که به زن ها داده است ... ۲۲۲
- ۲۶- صحنه دلخراش و خیرخواهی فاطمه علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله ... ۲۲۳

۲۷- ناله های فاطمه علیهاالسلام در لحظه های غمبار رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله ... ۲۲۴

۲۸- مبارزات فاطمه علیهاالسلام و دفاع از علی علیه السلام ... ۲۲۵

۲۹- آه و ناله فاطمه علیهاالسلام از فراق پدر ... ۲۲۶

۳۰- نگاه فاطمه علیهاالسلام به حسن و حسین و یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله ... ۲۲۸

۳۱- درخواست فاطمه علیهاالسلام از بلال برای اذان گفتن ... ۲۲۸

۳۲- مبارزه منفی فاطمه علیهاالسلام و سخن نگفتن او با غاصبین خلافت ... ۲۲۹

۳۳- آخرین وصایای فاطمه علیهاالسلام ... ۲۳۰

ص: ۶

۳۴- وصیت به مخفی بودن مراسم تدفین و قبر فاطمه علیهاالسلام ... ۲۳۰

۳۵- کیفر و عذاب زنان گناه کار ... ۲۳۲

۳۶- حدیث فاطمه علیهاالسلام در باره سبک شمردن نماز ... ۲۳۶

اخلاق زندگی در اسلام ... ۲۳۹

ارزش اخلاق در زندگی ... ۲۴۰

۱- اندوه زدایی و پاداش بهشت ... ۲۴۲

۲- بهترین مردم و بهترین عمل آنان ... ۲۴۳

۳- عدالت و انصاف ... ۲۴۴

۴- هدیه و احسان (کادو) ... ۲۴۵

۵- پاداش احسان ... ۲۴۶

۶- ماعون (عاریه دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان) ... ۲۴۷

۷- نمک شناس های لعنت شده ... ۲۴۸

۸- مواظبت بر صدقه و عمل خیر در هر روز ... ۲۴۹

۹- سازش و نرم خوئی و مدارای با مردم ... ۲۵۰

۱۰- خیرخواهی نسبت به مردم و انتقادپذیری از آنان ... ۲۵۱

۱۱- ادب و تجاوز نکردن از حق خود ... ۲۵۳

۱۲- نگهداری اسرار و آبروی مردم ... ۲۵۴

۱۳- رعایت عهد و پیمان ... ۲۵۵

۱۴- مشورت و استفاده از فکر دیگران ... ۲۵۶

۱۵- روح بی نیازی از مردم و توکل به خداوند ... ۲۵۸

۱۶- نگهداری و برگرداندن امانت ... ۲۵۹

۱۷- تواضع و فروتنی ... ۲۶۰

۱۸- احترام به بزرگ تر و ترحم به کوچک تر ... ۲۶۲

۱۹- پاداش احترام به مؤمن و گناه توهین به او ... ۲۶۳

۲۰- کیفر قهر و پاداش آشتی و گذشت ... ۲۶۴

۲۱- گناه غیبت و بدگویی از مردم ... ۲۶۵

۲۲- گناه اسراف و تبذیر ... ۲۶۷

ص: ۷

آداب زندگی در اسلام ... ۲۶۹

شیرینی و طراوت زندگی ... ۲۷۰

۱- سلام و احترام به برادران و خواهران مسلمان ... ۲۷۰

۲- اجازه ورود به اتاق پدر و مادر ... ۲۷۲

۳- احوالپرسی و پند و اندرز ... ۲۷۳

۴- پاداش سلام و مصافحه (دست دادن) و معانقه (در آغوش گرفتن) ... ۲۷۵

۵- پاداش زیارت و بوسیدن پیشانی مؤمن ... ۲۷۶

۶- آداب عطسه و تحیت آن ... ۲۷۷

۷- آداب آروغ زدن و آب بینی و دهان انداختن ... ۲۷۹

۸- مزاح و خنده و شیرینی سخن ... ۲۸۰

۹- سنت های ابراهیمی و محمدی علیهماالسلام در نظافت ... ۲۸۱

۱۰- نگهداشتن محاسن و برطرف نمودن موهای دیگر بدن ... ۲۸۲

۱۱- آداب ناخن گرفتن ... ۲۸۴

۱۲- پاداش مسواک و پاکیزه کردن دهان ... ۲۸۵

۱۳- پاداش استعمال عطر و بوی خوش ... ۲۸۶

۱۴- اجابت دعوت مؤمن و پاداش آن ... ۲۸۸

۱۵- نکوهش از میهمان بدون دعوت ... ۲۸۹

۱۶- آداب میهمانی رفتن ... ۲۹۰

۱۷- پاداش احترام به میهمان ... ۲۹۲

۱۸- پرهیز از مجالس گناه ... ۲۹۵

۱۹- آداب مسافرت ۳۰۳۰۰۰

اشعار مجالس عقد و عروسی ۳۰۵۰۰۰

ص: ۸

الحمد لله المحمود بنعمته، المعبود بقدرته، المطاع بسلطانه، المرهوب من عذابه و سطواته، النافذ أمره في سمائه و ارضه، الذى خلق الخلق بقدرته، و ميّزهم باحكامه، و اعزّهم بدينه. و اكرمهم بنبيّه، و هو الذى خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا و كان ربّك قديرا، و من آياته أن خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها و جعل بينكم مودّه و رحمه، و اسبغ عليكم نعمه ظاهره و باطنه.

و هو الأول قبل أوليه الأولين، و الباقي بعد فناء العالمين، الذى قرب من حامديه، و دنا من سائليه، و وعد الجنّه من يتّقيه، و انذر بالنار من يعصيه نحمده بجميع محامده على جميع نعمه و آلائه و نشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أنّ محمّدا صلى الله عليه و آله عبده و رسوله ارسله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدّين كلّه و لو كره المشركون و أنّ أمير المؤمنين على بن ابيطالب و أبناءه الطاهرين عليهم السلام أوصياء نبيّه و هم المصطفين الهادين و هداه الخلق اجمعين.

و صلوات الله الدائمه على نبيّه خاتم النبيين و على وصيّه أمير المؤمنين و على فاطمه الزهراء سيّده نساء العالمين و على السبطين الحسن و الحسين سيّدى شباب اهل

الجَنَّة اجمعين. و على عليّ بن الحسين زين العابدين و على محمّدين عليّ باقر علوم الدين و على جعفر بن محمّد الصادق الأمين و على موسى بن جعفر الكاظم الممتحن الحزين و على عليّ بن موسى الرضا ملجاء الهارين و على محمّد بن عليّ الجواد في العالمين و على عليّ بن محمّد قدوه الهادين و على الحسن بن عليّ المهيمن على المؤمنين و على سمّي المصطفى و كتبه الكهف الحصين و غياث المضطرّ المستكين و عصمه المعتصمين و رحمه للعالمين الذي بيمنه رزق الوري و بوجوده ثبتت الارض و السماء الحجّه بن الحسن العسكري عجل الله فرجه الشريف.

و اللعنه الدائمه على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين سيّما من لعنهم امير المؤمنين و امام المتقين و قائد الغرّ المحجلين و ابوالأئمه الطاهرين عليهم افضل صلوات المصلين فأنه عليه السلام كان يقول في قنوته:

اللّهمّ العن صنمى قريش و جبيتها و طاغوتيتها و إفكيتها، و ابنتيهما اللذين خالفا أمرك و أنكرا وحيك، و جحدا إنعامك، و عصيا رسولك، و قلبا دينك و حرّفا كتابك، و عطّلا- أحكامك، و أبطلا- فرائضك، و ألحدا في آياتك، و عاديا أولياءك و واليا أعداءك، و خرّبا بلادك، و أفسدا عبادك.

اللّهمّ العنهما و أنصارهما فقد أخربا بيت النبوه، و ردّما بابه، و نقضا سقفه، و ألحقا سماءه بأرضه و عاليه بسافله و ظاهره بباطنه و استأصلا أهله و أبادا أنصاره و قتلا أطفاله و أخليا منبره من وصيه و وارثه و جحدا نبوته و أشركا برّبهما فعظّم ذنبهما و خلّدهما في سقر و ما أدريك ما سقر لا تبقى ولا تذر.

اللّهمّ العنهم بعدد كلّ منكر أتوه و حقّ أخفوه و منبر علوه و منافق ولوّه و موء من أرجوه و وليّ آذوه و طريد آووه و صادق طرّوده و كافر نصره و إمام قهره و فرض غيره و أثر أنكره و شرّ أضمره و دم أراقه و خبر بدّله و حكم قلبه و كفر أبدعه و

كذب دَلْسوه و إرث غصبوه و فيبيءاقتطعوه و سحتِ أكلوه و خمسِ استحلّوه و باطلِ أسسوه و جورِ بسطوه و ظلمِ نشره، و وعد أخلفوه و عهد نقضوه و حلال حرّموه و حرام حلّوه و نفاق أسرّوه و غدرِ أضمره و بطن فتقوه و ضلع كسرّه و صكّ مرّقوه و شمل بدّوه و ذليل أعزّوه و عزيز أذلّوه و حقّ منعه و إمام خالفوه.

اللّهمّ العنهما بكلّ آيه حرّفوها و فريضة تركوها، وسنّه غيروها و أحكام عطّلوها و أرحام قطعوها و شهادات كتّموها و وصيّه ضيّعوها و أيمان نكثوها و دعوى أبطلوها و بينه أنكروها و حيله أحدثوها و خيانه أوردوها و عقبه ارتقوها و دباب دحرجوها و أزياف لزموها [و أمانه خانوها].

اللّهمّ العنهما في مكنون السرّ و ظاهر العلانيه لعنا كثيرا دائبا أبدا دائما سرمدا لا انقطاع لأمدّه ولا نفاذ لعدده و يغدو أوّله ولا يروح آخره لهم ولأعوانهم و أنصارهم و محيّيهم و مواليهم و المسلمّين لهم و المائلين إليهم و الناهضين بأجنتهم و المقتدين بكلامهم و المصدّقين بأحكامهم. (البلد الأمين ص ٥٥١ البحار ج ٨٢/٢٦٠)

أمّا بعد: فإنّ الله تبارك و تعالى قال في كتابه: «و أنكحو الأيامى منكم و الصالحين من عبادكم و إمائكم إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله و الله واسع عليم» و النكاح سنّه نبينا خاتم النبيّين و سيره اهل بيته الائمه الطاهرين عليهم افضل صلوات المصلّين و قال النبيّ صلى الله عليه و آله: النكاح سنّتي فمن رغب عن سنّتي فليس منّي.

و قال صلى الله عليه و آله: من تزوّج فقد احرز نصف دينه فليتّق الله في النصف الباقي. و من لا يجد نكاحا فليستعفف و يسئل فضل ربّ العالمين و الزواج افضل بناء في الإسلام بينه المتزوّج و يعتصم به عن وساوس الشياطين و يفوز برضى الرحمان و الجنّه و الرضوان بفضل الله الملك المئان، اللّهمّ اعتقنا من النار و ادخلنا الجنّه مع الأبرار و زوّجنا من الحورالعين بحقّ محمد و آله الطاهرين صلواتك عليهم اجمعين.

غریزه جنسی از حکمت های الهی است که جهت تداوم نسل بنی آدم در سرشت انسان قرار داده شده است. تمایل به جنس مخالف از دوران نوجوانی تا قبل از کهولت و پیری در انسان وجود دارد و هیچ انسان سالمی بدون این غریزه و تمایل نخواهد بود.

این نیاز همانند سایر نیازها باید از راه صحیح تأمین گردد تا انسان را از خطر انحراف و فساد و تجاوز به نوامیس دیگران باز دارد. بدین منظور اسلام به مسأله ازدواج اهمیت فراوانی داده و آن را به عنوان بهترین راه تأمین این غریزه و در ردیف سنت های دیگر دینی قرار داده است. بر هر مسلمان لازم است که برای انجام این سنت اسلامی روش اولیای دین و دستور العمل های مربوط به آن را همان گونه که وارد شده است ملاک عمل قرار دهند تا انجام آن برای جوانان مشکل آفرین نباشد.

توجه به سخنان و سیره و روش اولیای دین روشن می سازد که آنان این سنت را به سهولت و سادگی انجام می داده و حتی توصیه های فراوانی نموده اند که این سنت هرچه زودتر و ساده تر انجام گیرد و هیچ جوانی، دختر و یا پسر، بدون همسر

زندگی نکند و با انجام ازدواج از خطرهای گوناگون و دام های شیاطین محفوظ بماند.

در فرهنگ اسلامی عزوبت و تنها زیستی به عنوان کمبود و نقص دیانت یک مسلمان قلمداد شده است.

به جرأت می توان گفت که وضع موجود و مرسوم بین نوع ما مسلمانان با فرهنگ اسلامی همخوانی ندارد و همان گونه که مشاهده می شود بی توجهی به این مسأله علت عمده انحراف و فساد و آلودگی جوانان ما شده است. مع الأسف دوری ما از دستورات اسلامی و روش اولیای دین باعث شده است تا جوانان ما غریزه جنسی خود را از راه های غیر مشروع ارضا نمایند؛ مسأله ای از این رنج آورتر نیست که اکنون مراسم ازدواج به یک فاجعه اخلاقی و اجتماعی و حتی سیاسی تبدیل گردیده است.

توجه به این مسایل مرا برآن داشت که در حد توان خود کتابی در باره ازدواج و آداب زندگی و همسر داری و دستورات اولیای دین در این رابطه بنویسم و تنها از منابع وحی و سخنان معصومین علیهم السلام استفاده نمایم و دیدگاه ها و افکار بشری را در مطالب کتاب دخالت ندهم تا فطرت های پاک و سالم به خوبی بتوانند از این منابع وحی استفاده و از آن پیروی کنند.

ناگفته نماند که در زمان ما عده ای، به عنوان روشن فکر و مترقی، اسلام را با نظرات و افکار خود می سنجند و احیاناً اگر مطابق سلیقه و نظر آنان نبود آن را غیر قابل پذیرش می دانند و می گویند که علم آن را تأیید نمی کند و یا می گویند که این قانون برای جوامع و زمان های گذشته کارایی داشته و امروزه با پیشرفت علم قابل استفاده نمی باشد و مع الأسف بعضی از این افراد در سلک اهل علم نیز هستند! ای

کاش این گونه افراد برای یک بار هم که شده به معارف اسلامی و سخنان معصومین علیهم السلام توجه می کردند و سیره و سخنان آنان را مطالعه می نمودند و این گونه سخن نمی گفتند و در چنین خطری (یعنی خطر انکار احکام الهی) قرار نمی گرفتند. چه خوب بود آنان در صورت ناسازگاری افکار بشری با منابع وحی این افکار را که خالی از خطا نیست کنار می گذاردند. و به منابع وحی توجه می نمودند.

البته روشن است که بهترین راه برای کشف حقایق، توجه به زندگی و اخلاق و روش اولیای دین است؛ چرا که آنان معصوم از خطا بوده و دانش و علمشان از ناحیه خداوند تأمین شده است. در این مسأله باید به ازدواج امثال امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهما السلام که با نظارت و دستورالعمل های رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام گرفته است توجه نمود و آنان را که رهبران معصوم و الهی ما هستند الگو قرار داد. اعاذن الله من الخطاء و الزلل.

یاد آوری می کنم که چون بنده در کتاب «اسوه النساء - بانوی نمونه عالم» بخش هایی از مسایل مربوط به ازدواج و زندگی امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهما السلام را بیان نموده ام از تکرار آن ها در این کتاب خودداری می کنم و خوانندگان محترم را به آن کتاب ارجاع می دهم. از خداوند متعال توفیق تفقه و فهم معارف اسلامی و پیروی از فرامین معصومین علیهم السلام را خواهانیم.

اقل الطلبة سید محمد حسینی بهارانچی

در قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام فراوان به ازدواج سفارش شده است. اسلام، ازدواج را به عنوان یک عبادت معرفی کرده و آثار دنیوی و اخروی فراوانی برای آن برشمرده است. در مقابل، از عزوبت و پرهیز از ازدواج نیز نکوهش زیادی شده و کناره گیری از ازدواج و تشکیل خانواده دلیل نقص در دیانت معرفی گردیده است.

از دیدگاه اسلام، ازدواج دلیل کمال دین و عزوبت و ترک ازدواج دلیل نقصان آن است. اسلام، ارزش عبادت شخص متزوج را هفتاد برابر عبادت شخص عذب (مجرد) برشمرده و می فرماید: شخص متزوج، با ازدواج خود، نصف ایمان و دین خویش را از خطرها و آفات حفظ نموده است.

(۱) اینک به بعضی از آیات قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام در باره این موضوع اشاره می کنیم: خداوند در سوره نور می فرماید: «عزب های خود را به ازدواج در آورید، [بلکه] غلامان و کنیزان خود را نیز تزویج دهید؛ اگر آنان تهی

ص: ۱۶

۱- (۱) کراهه العزوبه و الحثّ علی التزویج ۱- قال الله سبحانه و تعالی: وأنکحوا الأیامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم إن یکونوا فقراء یغنیهم الله من فضله و الله واسع علیم. و قال سبحانه: و لیستعفف الذین لایجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله. (سوره النور آیه / ۳۲)

دست بودند خداوند از فضل و کرم خود آنان را بی نیاز خواهد نمود. [البته] او دانا و گشایش دهنده است.»

و در باره کسانی که راهی برای ازدواج ندارند می فرماید: «آنان باید عفت پیشه کنند تا این که خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز نماید.»

(۱) و در سوره روم می فرماید: «از آیات و نشانه های خداوند این است که او همسرانی از جنس شما آفریده است تا وسیله آرامش شما شوند و بین شما و آنان محبت و رحمت قرار داده است و این برای اندیشمندان از نشانه های خداشناسی می باشد.»

(۲) ۲- علامه مجلسی در کتاب بحار، با سند خود، از قداح نقل نموده که گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی خدمت پدرم امام باقر علیه السلام رسید پدرم به او فرمود: آیا ازدواج نموده ای؟ آن مرد گفت: خیر. پدرم فرمود: من دوست نمی دارم دنیا و آنچه در آن است را مالک باشم و یک شب را بدون همسر طی کنم. سپس فرمود: دو رکعت نماز متزوج از عبادت یک شبانه روز عزب افضل است سپس پدرم هفت دینار به او داد و فرمود: با اینها ازدواج کن.»

ص: ۱۷

۱- (۱) و قال سبحانه: و من آیاته أن خلق لكم من انفسكم ازواجاً لتسكنوا اليها وجعل بينكم موده و رحمه إن في ذلك لآياتٍ لقوم يتفكرون. (سوره الروم آیه / ۲۱)

۲- (۲) ۲- و فی البحار عن قرب الإسناد عن القداح عن الصادق علیه السلام قال جاء رجل الى ابی فقال له: هل لك زوجة؟ قال: لا قال لا احب أن لی الدنيا و ما فیها و ائی ابیت لیله لیس لی زوجة، قال: ثم قال: إن رکعتین یصلیهما رجل متزوج افضل من رجل یقوم لیله و یصوم نهاره أعزب

(۱) امام صادق علیه السلام سپس فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: ازدواج کنید تا روزی شما فراوان شود.»

(۲) ۳- در همان کتاب، از خصال صدوق، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «سه چیز وسیله آسایش و راحتی مؤمن است: خانه بزرگی که تأمین آبروی او کند، و زن صالحه و شایسته ای که او را بر امر دنیا و آخرت او یاری دهد، و دختر و یا خواهری که آنها را با ازدواج و یا مرگ از خانه خارج کند.»

(۳) ۴- و در همان کتاب، از کتاب خصال صدوق، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که آنحضرت در ضمن حدیث معروف به «چهارصد سخن» خود فرمود: «ای مردم! ازدواج کنید؛ چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها می فرمود: هر که می خواهد پیرو سنت من باشد باید ازدواج کند، و می فرمود: یکی از سنت های من ازدواج است پس ازدواج

ص: ۱۸

۱- (۱) ثم اعطاه ابي سبعة دنانير و قال: تزوج بهذه. ثم قال ابي: قال رسول الله صلى الله عليه و آله اتخذوا الأهل فإنه ارزق لكم. (البحار ج ۱۰۳/۲۱۷ عن قرب الاسناد ص ۱۱)

۲- (۲) ۳- و فيه عن الخصال عن الصادق عليه السلام قال: ثلاثه للمؤمن فيهنّ راحة: دار واسعة تواری عورته و سوء حاله من الناس، و امرأه صالحه تعينه على امر الدنيا و الآخرة و ابنه و اخت يخرجها من منزله بموتٍ او بتزويج. (البحار ج ۱۰۳/۲۱۸ عن الخصال ج ۱/۱۰۴)

۳- (۳) ۴- و فيه عنه الأربعمأة: قال اميرالمؤمنين عليه السلام: تزوجوا فإن رسول الله صلى الله عليه و آله كثيرا ما يقول: من كان يحب ان يتبع سنتي فليتزوج، فإن من سنتي التزويج و اطلبوا الولد فاني اكاثر بكم الأمم غدا. (البحار ج ۱۰۳/۲۱۸ عن الخصال ج ۲/۴۰۵)

کنید و به وسیله ازدواج [از خداوند] طالب فرزند باشید همانا من فردای قیامت با فراوانی امت خود بر امت های دیگر مباحثات می کنم.»

(۱) ۵- در همان کتاب، از امالی شیخ طوسی، از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: «زنی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: خدا شما را صالح بدارد، من زن مبتله ای هستم. امام باقر علیه السلام فرمود: مقصود تو از این کلمه چیست؟ او گفت: من هیچ گاه اراده ازدواج نداشته ام. امام علیه السلام فرمود: برای چه؟ آن زن گفت: این را برای خود یک فضیلت و ارزش می دانم. امام علیه السلام به او فرمود: این سخن را رها کن؛ چرا که اگر فضیلت و ارزشی در این کار می بود فاطمه علیها السلام که کسی در فضیلت به او نمی رسد به آن سزاوارتر بود.

(۲) ۶- در همان کتاب، از امالی شیخ طوسی، از امام صادق، از پدرانش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «هر که ازدواج کند نصف دین خود را حفظ نموده است؛ پس نسبت به نصف دیگر آن از خدا بترسد [که آن را از دست ندهد].»

ص: ۱۹

۱- (۱) ۵- و فيه عن امالی الطوسی عن دعبل عن الرضا علیه السلام قال: إِنَّ امْرَأَةً سَأَلَتْ اباجعفر علیه السلام فقالت: اصلحك الله انني متبتله فقال لها: و ما التبتل عندك؟ قالت: لا أريد التزويج ابدا قال: و لِمَ؟ قالت: التمس في ذلك الفضل، فقال: انصرفي فلو كان في ذلك فضل لكانت فاطمه عليها السلام احقّ به منك، انه ليس احد يسبقها الى الفضل. (المصدر ص ۲۱۹ عن الامالی ج ۱/۳۸۰)

۲- (۲) ۶- و فيه عنه عن الصادق عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من تزوّج فقد احرز نصف دينه، فليتق الله في النصف الباقي. (المصدر)

(۱)۷- در همان کتاب، از ثواب الأعمال صدوق، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «دو رکعت نماز کسی که ازدواج نموده باشد بهتر از هفتاد رکعت نماز کسی است که عزب باشد.»

(۲)۸- در همان کتاب، از کتاب روضه الواعظین، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «کسی که دوست دارد با پاکی و طهارت خدای خود را ملاقات کند باید با داشتن همسر از دنیا برود.»

(۳)۹- در همان کتاب، از جامع الأخبار، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز نقل شده که فرمود: «ازدواج و نکاح سنت من است و هر که از سنت من اعراض کند از من نخواهد بود.»

(۴)۱۰- و فرمود: «ازدواج کنید تا جمعیت شما زیاد شود؛ همانا من در روز قیامت به وسیله [جمعیت] شما بر امت های دیگر مباحثات می نمایم، گرچه فرزند سقط شده باشد.»

ص: ۲۰

۱- (۱)۷- و فیه عن ثواب الأعمال عن الصادق علیه السلام قال: رکعتان یصلیها متزوج افضل من سبعین رکعه یصلیها غیر متزوج. (البحار ج ۱۰۳/۲۱۹ عن ثواب الأعمال ص ۳۷)

۲- (۲)۸- و فیه: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من احب ان یلقى الله طاهرا مطهرا فلیلقه بزوجه. (المصدر ص ۲۲۰ عن روضه الواعظین ص ۳۷۳)

۳- (۳)۹- و قال صلی الله علیه و آله: النکاح سنتی فمن رغب، عن سنتی فلیس منی.

۴- (۴)۱۰- و قال صلی الله علیه و آله: تناکحوا تکثروا فائی اباهی بکم الأمم یوم القیامه و لوبالسقط. (المصدر ص ۲۲۰)

(۱) ۱۱- و فرمود: «کسی که ازدواج کرده باشد اگر در خواب هم باشد، نزد خداوند، از شخص عذب روزه دار و شب بیدار [در عبادت] افضل خواهد بود.»

(۲) ۱۲- و رسول خدا صلی الله علیه و آله به شخصی بنام عکاف فرمود: «آیا ازدواج نموده ای؟» گفت: خیر. فرمود: «آیا کنیزی داری؟» گفت: خیر. فرمود: «آیا تمکن مالی داری؟» گفت: آری. فرمود: «باید ازدواج کنی و گرنه از گناهکاران خواهی بود.»

(۳) ۱۳- و فرمود: «بدترین شما عذب ها هستند؛ آنها برادران شیطانند.»

(۴) ۱۴- و فرمود: «هر که بکوشد تا ازدواجی انجام بگیرد خداوند از حورالعین به او تزویج خواهد نمود و برای هر قدمی که برداشته و هر کلمه ای که به زبان جاری نموده عبادت یک سال برای او نوشته خواهد شد.»

(۵) ۱۵- در همان کتاب، از نوادر راوندی، از موسی بن جعفر، از پدرانش، از

ص: ۲۱

۱- (۱) ۱۱- و قال صلی الله علیه و آله : المتزوج النائم افضل عند الله من الصائم القائم العذب.

۲- (۲) ۱۲- و قال صلی الله علیه و آله لرجل: ألك زوجة؟ قال: لا- یا رسول الله قال: ألك جاریه؟ قال: لا یا رسول الله قال: أفأنت موسر؟ قال: نعم قال تزوج و الآفأنت من المذنبین.

۳- (۳) ۱۳- و قال صلی الله علیه و آله : شرارکم عزابکم و العزاب اخوان الشیاطین.

۴- (۴) ۱۴- و قال صلی الله علیه و آله : خیار امتی المتأهلون و شرار امتی العزاب.

۵- (۵) ۱۵- و قال صلی الله علیه و آله : من عمل فی تزویج حلالٍ حتی یجمع الله بینهما زوجة الله من الحورالعین و کان له بكلّ خطوه خطاها و کلمه تکلم بها عباده سنه. و قال صلی الله علیه و آله : ما من شاب تزوج فی حدائنه سنه الا عجب شیطانہ: یا ویله یا ویله عصم منی ثلثی دینہ فلیتق الله العبد فی الثلث الباقی. (البحار ج ۱۰۳/۲۲۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «هیچ جوانی در اوایل جوانی ازدواج نمی کند جز آن که شیطان فریاد می کند: «وای بر من! وای بر من! او دوسوم دین خود را از شرّ من حفظ نمود»، پس باید نسبت به یک سوم باقی مانده از خدا بترسد.»

(۱) ۱۶- و فرمود: «عزب های خود را به ازدواج در آورید تا خداوند اخلاق آنان را نیکو و رزق آنان را فراوان و مرّوت آنان را زیاد کند.»

انتخاب همسر شایسته

انتخاب همسر مسأله بزرگ و حساس زندگی است و هرگز انسان عاقل، سرنوشت یک عمر دیانت و اسرار و آسایش زندگی و... خود را به دست کسی که از دیانت و اخلاق و عادات و کمالات او آگاهی ندارد نمی دهد. و بیش از همه چیز در انتخاب شریک زندگی اش دقت می کند. این وظیفه برای پدران و مادران نیز وجود دارد.

اسلام با آن همه تشویق و ترغیب به ازدواج و توصیه به این که جوانان پسر و دختر را هرچه زودتر به ازدواج در آورید، در مسأله انتخاب همسر، سفارش اکید نموده که باید پدر و مادر واریسی کنند و همسری که دارای دیانت و اخلاق زندگی باشد برای فرزندان خود انتخاب نمایند و گرنه فرزندان خود را تباه کرده اند.

اینک به بخشی از روایات این موضوع توجه فرمایید:

در بعضی از روایات آمده است که امام علیه السلام می فرماید: «اذا جاءکم من ترضون

ص: ۲۲

۱- (۱) ۱۶- و قال صلی الله علیه و آله: زوّجوا ایاماکم فانّ الله یحسن لهم فی اخلاقهم و یوسّع لهم فی ارزاقهم و یرزقهم فی مرّواتهم. (المصدر ص ۲۲۲)

(۱) ۱- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از امالی مفید، از حضرت رضا، از پدران، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نموده که فرمود: «بهترین زن های شما دارای پنج خصلت هستند.» گفته شد: آن پنج خصلت چیست؟ فرمود: «آنها دارای برخورد شیرین و لین هستند، و از شوهران خود اطاعت می کنند، و اگر شوهرانشان نسبت به آنان خشم کنند می کوشند تا آنان را راضی نمایند، و در نبودن همسران خود امانت دار آنان هستند، و حق آنان را ضایع نمی کنند [یعنی مال شوهر خود را حفظ می کنند و خود را نیز که امانت او هستند از مردان نامحرم حفظ می نمایند].»

سپس فرمود: چنین زن هایی کار پردازان الهی هستند که خسران ندارند.»

(۲) ۲- و در همان کتاب، از معانی الأخبار، از امام صادق علیه السلام، از پدران، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ای مردم! از سبزی هایی که در محل های آلوده رویده است دوری کنید.» گفته شد: مقصود شما چیست؟ فرمود: «مقصود من زن زیبایی است که در خانواده فاسد رشد نموده باشد.»

ص: ۲۴

۱- (۱) ۱- فی البحار عن امالی الطوسی عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه السلام: خیر نساء کم الخمس: [فقیل: و ما الخمس؟] قال: الهیئته اللینه المواتیه التي اذا غضب زوجها لم تکتحل بغمض حتی یرضی، و التي اذا غاب زوجها حفظته فی غیبه فتلک عامله من عمال الله لا تخیب. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۱)

۲- (۲) ۲- و فیہ عن معانی الأخبار عن الصادق علیه السلام عن آبائه عليهم السلام: ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال للناس: ایاکم و خضراء الدمن، قیل: یا رسول الله و ما خضراء الدمن؟ قال: المرأه الحسناء فی منبت السوء.

(۱)۳- در همان کتاب، از ابراهیم کرخی نقل شده که گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: همسر موافق و خوبی داشتم از دنیا رفت و تصمیم دارم باز همسری انتخاب کنم. امام صادق علیه السلام فرمود: «بنگر با که می خواهی زندگی کنی و چه کسی را می خواهی شریک مال خود و مطلع از دین و اسرار و امانت های خود بگردانی؟ پس اگر تو را چاره ای از ازدواج نیست با زن باکره معروف به خیر و از خانواده ای خوشنام و دارای اخلاق نیک ازدواج کن و بدان که زن ها، چنان که شاعر در شعر خود بیان کرده. سه قسم هستند:

(۲)۱- زنی که فرزندآور و اهل محبت است و در امور دنیا و آخرت به شوهر خود کمک می کند و در سختی ها صابر و باوفا می باشد.

ص: ۲۵

۱- (۱)۳- و فيه عنه: عن ابراهيم الكرخي قال: قلت لأبي عبد الله: انّ صاحبتي هلكت و كانت لي موافقه و قد هممت ان اتزوج فقال: انظر اين تضع نفسك و من تشرکه في مالک و تطلعہ علی دينک و سرّک و امانتک، فان كنت لابداً فاعلاً فنکرا تنسب الی الخیر و الی حسن الخلق و اعلم [أنهنّ كما قال الشاعر]:

۲- (۲)الا- إنّ النساء خلقن شتى فمنهنّ الغنيمه و العزام و منهنّ الهلال اذا تجلّی لصاحبه و منهنّ الضلام فمن يظفر بصالحهنّ يسعد و من يغبن فليس له انتقام و هن ثلاث: فامرأه ولود ودود تعين زوجها علی دهره لديناه و لآخرته و لاتعين الدهر عليه، و امرأه عقيم لا ذات جمال و لا خلق و لاتعين زوجها علی خیر، و امرأه صحابه ولاجه همّازه تستقلّ الكثير و لاتقبل اليسير. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۲ عن معانی الأخبار ص ۳۱۷)

۲- زنی که عقیم و نازا است و از جمال ظاهری و اخلاق خوب بی بهره است و در هیچ کار خیری به شوهر خود کمک نمی کند.

۳- زنی که فراوان شیون می کند و در خانه آرام نمی گیرد و زیاد عیب جویی می کند و احسان فراوان همسر خود را ناچیز می داند و احسان ناچیز او را نمی پذیرد.»

(۱)۴- در همان کتاب، از معانی الأخبار، از بعضی از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل شده که گویند: از امام صادق علیه السلام شنیدیم که فرمود: «زن برای انسان مانند قلاده ای است که به گردن می اندازند. پس دقت کن چه چیزی را می خواهی به گردن خود بیندازی؟»

سپس فرمود: «برای زن خوب و زن بد نمی توان قیمتی تعیین نمود اما ارزش زن خوب هرگز [برابر] طلا و نقره نیست بلکه از طلا و نقره بالاتر است، و زن بد را با خاک [هم] نمی شود مقایسه نمود، چرا که از خاک پست تر است.»

(۲)۵- در همان کتاب، از مکارم الأخلاق، از حضرت کاظم علیه السلام نقل شده که

ص: ۲۶

۱- (۱)۴- و فيه عنه عن بعض اصحابنا قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: انما المرأة قلادة فانظر ماتتقلد، و ليس لامرأة خطر لالصالحتهنّ و لالطالحتهنّ فأما صالحتهنّ فليس خطرهما الذهب و الفضه هي خير من الذهب و الفضه و اما طالحتهنّ فليس خطرهما التراب التراب خير منها. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۳ معافی الاخبار ص ۱۴۴)

۲- (۲)۵- البحار عن مكارم الأخلاق عن الحسين بن بشار قال: كتبت الى ابي الحسن عليه السلام: ان لي قرابه قد خطب اليّ و في خلقه سوء قال: لا تزوجه ان كان شيىء الخلق. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۴ مكارم الأخلاق ص ۲۳۲)

حسین بن بشار گوید: نامه ای به آن حضرت نوشتم که یکی از خویشان من از دخترم خواستگاری نموده اما اخلاق او خوب نیست. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «اگر بد خلق است، دخترت رابه او تزویج مکن.»

(۱)۶- در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «کسی که فقط برای زیبایی یک زن با او ازدواج کند، هرگز از جمال و زیبایی آن زن استفاده نخواهد نمود؛ و کسی که برای ثروت یک زن با او ازدواج کند، خداوند او را به خودش واگذار خواهد کرد. پس بر شما باد که با زن های با دیانت ازدواج کنید.»

(۲)۷- در همان کتاب، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: [می دانید] بهترین عمل زن ها چیست؟ [کسی پاسخ نداد]. پس فاطمه علیها السلام فرمود: بهترین عمل زن ها این است که مردهای نامحرم را نبینند و مردهای نامحرم نیز آنان را نبینند. رسول خدا صلی الله علیه و آله از این پاسخ فاطمه تعجب نمود و فرمود: فاطمه پاره تن من است.»

(۳)۸- در همان کتاب، از کتاب غایات نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب

ص: ۲۷:

۱- (۱)۶- و فیه عن روضه الواعظین: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من تزوج امرأة لا یتروّجها الا لجمالها لم فیها ما یحبّ، و من تزوجها لمالها لا یتروّجها الا و کله الله الیه فعلیکم بذات الدین. (المصدر ص ۲۳۵ روضه الواعظین ص ۴۷۴)

۲- (۲)۷- و فیه عن مصباح الأنوار: روی عن امیرالمؤمنین علیه السلام أنّ رسول الله صلی الله علیه و آله قال: اخبرونی ای شیء خیر للنساء؟ فقالت فاطمه علیها السلام: ان لا یرین الرجل و لا یراهنّ الرجال، فاعجب النبی صلی الله علیه و آله و قال: انّ فاطمه بضعه منی. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۸)

۳- (۳)۸- و فیه عن کتاب الغایات: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الا اخبرکم بخیر نسائکم؟ قلنا بلی یا رسول الله قال: إنّ من خیر نسائکم الولود الودود السیتره العفیفه العزیره فی اهلها الذلیله مع بعلها، الحصان مع غیره، التی تسمع له و تطیع امره، اذا خلایها بذلت ما اراد منها. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۹ الغایات ص ۹۰)

خود فرمود: «به شما بگویم که بهترین زنان شما کیانند؟» اصحاب گفتند: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین زنان شما زنی است که عقیم نباشد و مهربان و پوشیده و عقیف باشد؛ بین اهل و خویشان خود عزیز و برای شوهر خود ذلیل باشد؛ خود را از غیر شوهر مصون دارد و مطیع شوهر خود باشد و چون با او خلوت نماید آنچه او می خواهد در اختیار او گذارد.»

(۱) ۹- و فرمود: «به شما بگویم که بدترین زنان شما کیانند؟» اصحاب گفتند: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بدترین زنان شما زن نازا و عقیمی است که از هیچ عمل زشتی پرهیز نمی کند و چون شوهر او غایب باشد زینت های خود را بر دیگران آشکار می سازد ولی نسبت به شوهر خود امتناع می ورزد و به حرف او گوش نمی دهد و دستور او را اطاعت نمی کند و چون با او خلوت می کند مانند حیوان چموش از او امتناع می ورزد و عذر او را نمی پذیرد و از خطایش نمی گذرد.»

ص: ۲۸

۱- (۱) ۹- و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ألا اخبرکم بشرّ نسائکم؟ قالوا: بلی یا رسول الله قال: إنّ من شرّ نسائکم العقیم الحقود التي لا تتورّع من قبیح المتبرّجّه اذا غاب عنها بعلها، الحصان مع بعلها، التي لا تسمع قوله و لا تطیع امره، اذا خلا بها بعلها تمنّعت علیه تمنّع الصعب عند رکوبها، و لا تقبل منه عذرا و لا تغفر له ذنبا. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۹ الغایات ص ۹۲)

(۱) ۱۰- و فرمود: «بدترین چیزها و سخت ترین دشمن مؤمنین زن های ناشایسته هستند.»

(۲) ۱۱- و فرمود: «بدترین زن های شما زن بی حیای عبوس و فحاش و سخن چین است.»

معیار برابری و کفویت در ازدواج

در اسلام، معیار ارزش انسان، معرفت و تقوا و عبودیت او نسبت به ذات مقدس الهی است. این معیار، وسیله ای برای سنجش ارزشیابی در همه ابعاد زندگی و شخصیت انسان هاست. با این معیار، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، ارزش های کاذب و دروغین زمان جاهلیت را ابطال فرمود و کسانی را که مردم جاهلی با اعتبارات خود شریف می پنداشتند بی اعتبار و کسانی که آنها را ناچیز و پست می شمردند عزیز و سربلند نمود.

در مسأله کفویت زن و مرد نیز با معیارهای زمان جاهلیت مبارزه شد و معیار شرافت و شخصیت از عناوینی مثل نسب و مال و رنگ و عشیره و قبیله خارج گردید و منحصر در معرفت و ایمان و تقوا شد. البته عده ای هنوز معیارهای غلط زمان جاهلیت را رها نکرده اند و همانند آن زمان فکر و عمل می کنند. قانون اسلام در این مسأله بسیار روشن و واضح است.

ص: ۲۹

۱- (۱) ۱۰- و قال صلی الله علیه و آله : شرّ الأشياء المرأه السوء.

۲- (۲) ۱۱- و قال صلی الله علیه و آله : اغلب اعداء المؤمنین زوجة السوء. (المصدر ص ۲۴۰ الغایات ص ۹۲)

اینک به سخنان معصومین علیهم السلام و سیره عملی آنان در مسأله کفویت و ازدواج و انتخاب همسر توجه فرماید تا این حقیقت برای شما روشن گردد.

(۱)۱- در کتاب وسائل الشیعه، از ابو حمزه ثمالی نقل شده که گوید: من خدمت حضرت باقر علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت گفت: من از دختر یکی از دوستان شما، به نام ابن ابی رافع، خواستگاری نمودم و او مرا برای زشتی صورت و غربت و فقری که دارم رد نمود.

امام باقر علیه السلام چون این سخنان را شنید به او فرمود: «برخیز نزد او برو و از جانب من به او بگو: محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام می فرماید: دختر خود را به من تزویج کن.»

ابو حمزه گوید: سپس امام باقر علیه السلام فرمود: «مردی از یمامه، به نام جویر، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله به اسلام مشرف شد و در مسلمانی خود پایدار بود لکن مردی کوتاه قد، زشت رو و فقیر و برهنه و از سودانی ها بود... روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله

ص: ۳۰

۱- (۱) الکفویة فی الزواج ۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی حمزه الثمالی قال: کنت عند ابی جعفر علیه السلام له رجل: ائی خطبت الی مولاک فلا ین بن ابی رافع ابنته فلا ینه فردنی و رغبتی و ازدرانی لدمامتی و حاجتی و غربتی، فقال أبو جعفر علیه السلام: اذهب فأنت رسولی إلیه، فقل له: یقول لک محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب: زوج منجیح بن ریاح مولا ی بنتک فلا ینه، و لا تردّه «إلی أن قال:» ثم قال أبو جعفر علیه السلام: ان رجلا کان من أهل الیمامه یقال له: جویر ائی رسول الله صلی الله علیه و آله منتجعا للاسلام فأسلم و حسن اسلامه، و کان رجلا قصیرا دمیما محتاجا عاریا، و کان من قباح السّودان «إلی أن قال:»

از روی محبت و رقت به او نظر کرد و فرمود: ای جویر! ای کاش همسری می گرفتی و به وسیله آن عفت خود را تأمین می کردی و او برای دنیا و آخرت تو یار و یاورت می بود.

جویر گفت: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای شما باد! کدام زنی به من رغبت پیدا می کند؟ به خدا سوگند، من از حسب و نسب و مال و جمال محروم هستم، چه زنی به من توجه می کند؟

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جویر! بدان که خداوند به برکت اسلام کسانی را که در زمان جاهلیت شریف و عزیز بودند پست و بی ارزش نمود و کسانی را که پست و بی ارزش بودند شرافت و عزت داد و نخوت ها و مفاخرت های زمان

ص: ۳۱

۱- (۱) و إن رسول الله صلی الله علیه و آله نظر إلى جویر ذات يوم برحمه له ورقه علیه فقال له: یا جویر لو تزوجت امرأه فعففت بها فرجك و أعانتك على دنياك و آخرتك، فقال له جویر: یا رسول الله بأبی أنت و أمی من یرغب فی فوالله ما من حسب ولا نسب ولا مال ولا جمال، فأیة امرأه ترغب فی؟ فقال له رسول الله صلی الله علیه و آله: یا جویر ان الله قد وضع بالاسلام من كان فی الجاهلیه شریفاً، و شرف بالاسلام من كان فی الجاهلیه و ضیعا، و أعز بالاسلام من كان فی الجاهلیه ذلیلاً، و أذهب بالاسلام ما كان من نخوه الجاهلیه و تفاخرها بعشایرها و باسق أنسابها، فالناس الیوم کلهم أبيضهم و أسودهم و قرشیهم و عربیهم و عجمیهم من آدم، و ان آدم خلقه الله من طین، و ان أحب الناس إلى الله أطوعهم له و أتقاهم، و ما أعلم یا جویر لأحد من المسلمین علیک الیوم فضلا إلا لمن كان أتقى لله منك و أطوع، ثم قال له: انطلق یا جویر إلى زیاد بن لیید فإنه من أشرف بنی بیاضه حسباً فیهم، فقل له:

جاهلی که به عشیره و قبیله و انساب خود تکیه داشتند را از بین برد و امروز همه مردم، از سیاه و سفید و قریشی و عربی و عجمی، یکسان هستند، همه آنان فرزندان آدم علیه السلام می باشند و آدم را خدا از خاک آفرید و عزیزترین و محبوب ترین مردم نزد خداوند کسانی هستند که تقوا و اطاعت آنان در مقابل خداوند بیشتر باشد و امروز من کسی را بهتر از تو بین مسلمانان نمی دانم، جز آن که تقوا و ورع او بیشتر از تو باشد!

(۱) سپس به جویر فرمود: از طرف من نزد زیاد بن لبید که بزرگ قبیله بنی بیاضه است می روی و می گویی: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تو پیام آورده ام و او به تو دستور داده که دختر خود دلفاء را به من تزویج کنی.»

در پایان این حدیث آمده است که زیاد بن لبید خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و آن حضرت به او فرمود: «جویر، مؤمن است و مؤمن همتا و برابر با مؤمنه است»،؛ یعنی مرد مؤمن [از جهت ارزش] با زن مؤمنه برابر است، چنان که مرد مسلمان نیز با زن مسلمان برابر است. سپس فرمود: «دخترت را به جویر تزویج کن و او را رد مکن.»

مؤلف گوید: در ذیل این حدیث در کافی (ج ۵/۲۴۰) آمده است که پس از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله زیاد بن لبید دختر خود را به جویر تزویج نمود و برای او خانه و لوازم زندگی و لباس مناسب تهیه کرد ولی جویر چون داخل حجله زفاف

ص: ۳۲

۱- (۱) اَنِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِلَيْكُمْ، وَهُوَ يَقُولُ لَكَ زَوْجٌ جَوِيرًا بِنْتِكَ الدَّلْفَاءُ الْحَدِيثُ، وَفِيهِ أَنَّهُ زَوَّجَهُ أَيَّهَا بَعْدَ مَا رَاجَعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ لَهُ: يَا زَيْدُ جَوِيرٌ مُؤْمِنٌ وَ الْمُؤْمِنُ كَفَوُ الْمُؤْمِنَةِ، وَ الْمُسْلِمُ كَفَوُ الْمُسْلِمَةِ فَزَوَّجَهُ يَا زَيْدُ وَ لَا تَرْتَبِعْ عَنْهُ. (الوسائل ج ۱۴/۴۳ الفروع ج ۲/۸)

شد و این همه نعمت را مشاهده نمود با خود عهد کرد که برای شکر این نعمت ها سه شبانه روز خدا را عبادت کند و پس از آن از همسرش استفاده نماید.

از این رو جویبر در کنار عروس مشغول عبادت شد و روزها را روزه می گرفت و چون شب ها مشغول عبادت بود عمل زفاف به تأخیر افتاد و زیاد بن لبید خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله! شما ما را امر فرمودید که دختر خود را به این عجم سیاه بدهیم در حالی که او نیاز به ازدواج ندارد و در این سه شبانه روز فقط به عبادت مشغول بوده است!

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله جویبر را طلب نمود و به او فرمود: «مگر تو نگفتی نیاز به همسر داری؟» جویبر گفت: آری، چنین است لکن من خواستم در مقابل نعمت های الهی ادای شکری کرده باشم و با خود عهد کردم که تا سه روز عبادت خدا را نکنم از این نعمت ها استفاده ننمایم و امشب رضایت آنان را حاصل خواهم نمود.

در پایان این حدیث نیز آمده است که چیزی نگذشت که جویبر در یکی از جنگ ها به امر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرکت نمود و به فیض شهادت رسید.

قانون ازدواج موقت و دائم

[\(۱\)](#) خداوند در سوره مؤمنون صفات و نشانه های مؤمنان را برشمرده و

ص: ۳۳

۱- (۱) المتعه و ثوابها قال الله سبحانه: والذين هم لفروجهم حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايما نهم فانهم غير ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون (المؤمنون/۶) و قال سبحانه: و احل لكم ما وراء ذلكم ان تبتغوا بأموالكم محصنين غير مسافحين فما استمتعتم به منهن فاتوهن أجورهن فريضةً ولا جناح عليكم فيما تراضيتن به من بعد الفريضة ان الله كان عليماً حكيماً. (النساء/۲۴)

می فرماید:... مؤمن ها خود را از بهره وری و آمیزش با زنان جز همسران و کنیزان خود حفظ می کنند. و کسانی که بخواهند از زن های غیرقانونی تمتع و بهره گیری کنند متجاوز شناخته می شوند.»

بنابراین جز کنیزان زر خرید تنها راه استفاده و بهره وری از زن های دیگر به وسیله ازدواج امکان پذیر است و مطابق مدارک قرآنی و روایی بین شیعه و اهل تسنن ازدواج یا دائم است و یا موقت.

ازدواج دائم مورد اتفاق همه فرق اسلامی است ولی ازدواج موقت، در اثر حوادثی که بر اسلام و مسلمین رخ داده، توسط خلیفه دوم ممنوع گردیده است. او گرچه گفته من آن را حرام نکرده ام بلکه تنها از آن جلوگیری نموده ام لکن پیروان او یعنی (اهل تسنن) آن را حرام می دانند. و در بعضی از روایات معروف و مشهور آمده است که عمر بن خطاب خود تصریح به مشروعیت متعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نموده و می گوید: «متعّان کانتا محلّلتان زمن رسول اللّٰه و انا احزّمهما و اعاقب علیهما.»

یعنی دو چیز بود که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله حلال بود و من آنها را حرام می کنم و کسی که مرتکب آنها شود مجازات خواهد نمود [یکی عقد موقت و دیگر تمتع در حج].

شگفتا که او با اعتراف به حلال بودن آنها در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به خود جرأت داده که حلال خدا و رسول او را حرام نماید!

اکنون به بخشی از آیات قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام در باره مشروعیت و استحباب عقد موقت توجه فرمایید:

خداوند در سوره مبارکه نساء، بعد از ذکر زن هایی که ازدواج با آنها حرام است می فرماید: «و جز آنها ازدواج با بقیه زن ها برای شما حلال است تا شما با اموال خود، به صورت مهریه و یا خریدن کنیز [مطابق قانون]، نه از راه زنا، آنان را برای خود حلال نمایید. و در مقابل بهره و استمناعی که از آنان می برید واجب است پاداش آنان را [که همان مهریه است] به آنان پرداخت کنید.»

در کتاب کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «متعّه و عقد موقت در قرآن آمده و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر آن جاری بوده است.» و از امام باقر علیه السلام نیز، چنان که گذشت، نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام همیشه می فرمود: «اگر قبل از من پسر خطاب متعه را حرام نکرده بود جز افراد شقی و بدسیرت زنا نمی کردند.»

(۱) ۱- علامه مجلسی، از کتاب احتجاج نقل نموده که حمیری نامه ای خدمت

ص: ۳۶

۱- (۱) ۱- البحار عن الإحتجاج: كتب الحمیری الى الناحیه المقدسه سائلاً عن الرجل مَمَّن يقول بالحق و یری المتعه و يقول بالرجعه إلا أن له اهلاً موافقه له فی جمیع اموره و قدعاهدها ان لا یتزوج علیها و لا یتمتع و لا یتسرى و قد فعل هذا مذتسع عشره سنه و وفی بقوله فربما غاب عن منزله الأشهر فلا یتمتع و لا یتحرک نفسه ایضا لذلك و یری أن و قوف من معه من اخ و ولد و غلام و وکیل و حاشیه مَمَّا یقلله فی اعینهم و یحبّ المقام علی ما هو علیه محبّه لأهله و میلاً الیها و صیانتا لها لنفسه لالتحریم المتعه بل یدین الله بها فهل علیه فی ترک ذلك مأثم ام لا؟ فخرج الجواب: یستحبّ له ان یطیع الله تعالی بالمتعّه لیزول عنه الحلف فی المعصیه و لومرة واحدة. (البحار ج ۱۰۳/۲۹۸ الإحتجاج ج ۲/۳۰۶)

حضرت بقیه الله علیه السلام فرستاد و سؤال نمود که مردی از موالیان شما که اعتقاد به متعه و رجعت شما دارد، با همسر خود پیمان بسته که همسر دیگری و یا کنیزی را بر سر او نیاورد و مدت نوزده سال است که به این پیمان وفا نموده و بسا ماه ها از منزل خود دور می شود و برای آن پیمان و حفظ آبروی خود نزد آشنایان و تأمین رضایت همسر خود سراغ متعه نمی رود گرچه آن را حرام نمی داند و معتقد به حلیت آن است. آیا خودداری از متعه برای او حرام بوده و مرتکب گناه شده است؟

پس حضرت بقیه الله علیه السلام پاسخ داد: «مستحب است در باره متعه ولو یک بار از خدا اطاعت کند تا عهد و پیمانی که در معصیت خدا انجام داده از بین برود.»

(۱) ۲- در همان کتاب، از کتاب قرب الاسناد نقل شده که شخصی به نام ازدی گوید: از امام صادق علیه السلام در باره متعه سؤال نمودم، امام صادق علیه السلام فرمود: «من خوش ندارم مسلمان از دنیا برود و یکی از سنت ها و خصلت های رسول خدا صلی الله علیه و آله به عهده او باقی مانده باشد و آن را انجام نداده باشد.»

(۲) ۳- در همان کتاب، از کتاب «رساله المتعه» شیخ مفید، از ابوبصیر نقل شده

ص: ۳۷

۱- (۱) ۲- و فیه عن قرب الإسناد: ابن سعد، عن الأزدی قال: سألت ابا عبد الله علیه السلام عن المتعه فقال: اکره له ان یخرج من الدنيا و قد بقیت علیه خله من خلال رسول الله صلی الله علیه و آله لم یقضها. (المصدر عن قرب الاسناد ص ۲۱)

۲- (۲) ۳- و فی البحار: عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن أبی حمزه البطائنی، عن أبی بصیر قال: دخلت علی أبی عبد الله علیه السلام فقال: یا أبا محمد تممت منذ خرجت من أهلک بشیء من النساء؟ قلت: لا، قال: و لم؟ قلت: مامعی من النفقه یقصر عن ذلک، قال: فأمر لی بدینار و قال: أقسمت علیک إن صرت إلی منزلك حتی تفعل قال: ففعلت. (البحار ج ۱۰۳/۳۰۶)

که گوید: من بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، ناگهان به من فرمود: «آیا از وقتی که از همسر خود جدا شده ای تاکنون متعه کرده ای؟» گفتم: خیر. فرمود: «برای چه؟» گفتم: نفقه و مالی که همراه دارم گنجایش آن را ندارد. چون چنین گفتم دستور داد تا دیناری به من دادند و فرمود: «من تو را سوگند می دهم که تا به منزل خود باز نگشته ای متعه ای انجام دهی.» و من به دستور آن حضرت عمل کردم.

(۱)۴- در همان کتاب، شیخ مفید، از شخصی به نام عقبه نقل نموده که گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا برای متعه و عقد موقت ثوابی هست؟ امام علیه السلام فرمود: «اگر برای خدا و مخالفت با عمر بن خطاب باشد هر کلمه ای که با او (زن متعه ای) می گوید خداوند حسنه ای برای او می نویسد و چون به او نزدیک می شود خداوند گناهی را از او می بخشد و چون غسل می کند خداوند به اندازه هر مویی که آب بر آن جاری می شود گناهان او را می آمرزد.» گفتم: به اندازه هر مویی؟ فرمود: «آری، به اندازه هر مویی.»

ص: ۳۸

۱- (۱)۴- و فیه: عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن عبد الله عن صالح بن عقبه، عن أبيه، عن الباقر عليه السلام قال: قلت: للتمتع ثواب؟ قال: إن كان يريد بذلك الله عز وجل و خلافا لفلان لم يكلمها كلمة إلا كتب الله له حسنه، و إذا دنا منها غفر الله له بذلك ذنبا، فإذا اغتسل غفر الله له بعدد ما مرّ الماء على شعره، قال: قلت: بعدد الشعر؟ قال: نعم بعدد الشعر.

(۱)۵- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چون من به معراج رفتم جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! خداوند عزوجل می فرماید: همانا من مردهایی که [در دنیا] متعه انجام داده اند را بخشیدم.»

(۲)۶- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هیچ مردی نیست که متعه انجام دهد و پس از آن غسل نماید، جز این که خداوند از هر قطره آبی که از غسل او می ریزد هفتاد ملک را خلق می کند که تا قیامت برای او استغفار نمایند و بر هر که از متعه پرهیز می کند لعنت نمایند.»

(۳)۷- در همان کتاب، از کتاب متعه شیخ مفید، از بشر بن حمزه، از مردی از

ص: ۳۹

۱- (۱)۵- و فیہ: عن أحمد بن علی [كذا] عن الباقر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لما أُسرى بي إلى السماء لحقني جبرئيل فقال: يا محمد إن الله عزوجل يقول: إني قد غفرت للمتمتعين من النساء. (البحار ج ۱۰۳/۳۰۶)

۲- (۲)۶- و فیہ: عن أحمد بن محمد، عن موسى بن علي بن محمد الهمداني عن رجل سمّاه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما من رجل تمتّع ثم اغتسل إلا خلق الله من كل قطره تقطر منه سبعين ملكا يستغفرون إلى يوم القيامة و يلعنون متجنّبا إلى أن تقوم الساعة، و هذا قليل من كثير في هذا المعنى. (البحار ج ۱۰۳/۳۰۷)

۳- (۳)۷- و فیہ: عن ابن قولويه، عن محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن بشر بن حمزه، عن رجل من قریش قال: بعثت إلى ابنة عمه لي لها مال كثير: قد عرفت كثره من يخطبني من الرجل و لم أزوجهم نفسي و ما بعثت اليك رغبة في الرجال غير أنه بلغني أن المتعه أحلها الله في كتابه و سنتها رسول الله صلى الله عليه وآله في سنته فحرّمها عمر فأحببت أن أطيع الله و رسوله و أعصى عمر فترّوجني متعه، فقلت لها حتى أدخل على أبي جعفر عليه السلام فأستشيره فدخلت عليه فاستشرته فقال: افعلي. (البحار ج ۱۰۳/۳۰۷)

قریش نقل شده که گوید: دختر عمه من که صاحب مال فراوانی بود به من پیغام داد: تو می دانی که مردان زیادی از من خواستگاری کرده اند و من با آنان ازدواج نکرده ام و اکنون نه برای علاقه به مردها برای تو پیغام فرستادم بلکه چون خداوند متعه را در قرآن حلال نموده و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز آن را سنت قرار داده است و عمر آنرا حرام نموده من دوست داشتم که خدا و رسول او را اطاعت کنم و از گفته عمر تخلف نمایم و تو با من به طور متعه ازدواج کنی. پس من در پاسخ او گفتم: باید با حضرت باقر علیه السلام مشورت کنم و چون خدمت آن حضرت رسیدم و با او مشورت نمودم فرمود: «به آنچه گفته است عمل کن.»

قانون مهر و احکام آن در اسلام

(۱) علت این که در ازدواج، مرد باید مهر بپردازد و زن حق دارد آن را دریافت نماید، باین که زن و مرد از جهت استفاده جنسی از یکدیگر مساوی هستند بلکه زن

ص: ۴۰

۱- (۱) المهر و احکامه فی الإسلام قال الله سبحانه: و آتوا النساء صدقاتهنّ نحلهً فان طبن لكم عن شیءٍ منه نفسا فكلوه هنیئا مرینا. (النساء / ۴) و قال سبحانه: و ان طلقتموهنّ من قبل ان تمسوهنّ و قد فرضتم لهنّ فریضه فنصف ما فرضتم إلا أن یعفون او یعفو الذی بیده عقده النکاح و ان تعفوا اقرب للتعوی و لاتنسوا الفضل بینکم إن الله بما تعملون بصیر. (البقره ۲۳۶/۲۳۷)

غریزه بیشتری دارد و چنان که در روایتی آمده غریزه زن ده برابر مرد است و اگر حیا را خداوند مانع او قرار نداده بود او به طرف مرد می رفت این است که خداوند مرد را قیم و مدیر زندگی قرار داده و نیازهای زن را به عهده او گذاشته و زن را از تجارت و معامله در بازارها منع نموده است.

از سویی، زن باید خود را کاملاً در اختیار مرد قرار دهد و بدون اجازه او از خانه خارج نشود و جز در واجبات و محرمات باید تابع دستور مرد خود باشد به طوری که مرد بتواند هر لذت مشروعی را از او ببرد و در یک کلمه زن در حقیقت با ازدواج نمودن خود را به همسر خود می فروشد و مرد خریدار اوست و البته انسان چیزی را که می خرد باید عوض و ثمن آن را بپردازد. و مهر در واقع همان ثمن و عوض است بنابراین مهر یک بدهکاری مسلم است و زن حق دارد قبل از آن که خود را در اختیار مرد بگذارد آن را دریافت نماید. و در مورد ادای مهر خداوند در قرآن فرموده است: «و آتوا النساء صدقاتهنّ نحلهً فان طبن لكم عن شیءٍ منه فكلوه هنیئاً مرثیاً»؛ یعنی مهر زن های خود را بپردازید و اگر آنان چیزی از آن را از روی رضایت به شما بخشیدند برای شما گوارا و حلال خواهد بود.

و در آیه ۲۰ سوره نساء می فرماید: «و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آتیم احدیهنّ قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً تأخذونه بهتاناً و اثماً مبیناً»؛ یعنی اگر خواستید همسری را طلاق دهید و همسر دیگری انتخاب کنید آنچه برای همسر اول مهر قرار داده اید [باید به او بدهید و اگر به او داده اید] نباید چیزی از آن را پس بگیرید گرچه مال فراوان باشد، آیا از روی گناه و بهتان مهری که [قرار] داده اید پس می گیرید؟!

اینک به بعضی از سخنان معصومین علیهم السلام در باره قانون مهر و مقدار آن توجه

(۱) ۱- علامه مجلسی در کتاب بحار، از علل و عیون صدوق، از حسین بن خالد نقل نموده که گوید: به حضرت کاظم علیه السلام گفتم: فدای شما شوم! به چه علت مهر زن ها (مهرالسّنه) پانصد درهم، معادل دوازده و نیم اوقیه، تعیین شده است؟
امام علیه السلام فرمود:

«به این علت که خدای تبارک و تعالی بر خود لازم و واجب نموده که اگر مؤمنی صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او صلی الله علیه و آله بفرستد و سپس بگوید: خدایا، حورالعین بهشتی را به من تزویج کن، خداوند حورالعین را به او تزویج خواهد نمود و از این جهت مهر زن های دنیایی نیز پانصد درهم معین شده است.

و هر مؤمنی که با این مهریه از برادر خود بخواهد که دخترش را به او تزویج نماید اگر او دخترش را با این مهریه به او تزویج نکند به او ظلم نموده و حق است که خداوند حورالعین را به او تزویج نکند.»

ص: ۴۲

۱- (۱) ۱- البحار عن العلل و العیون عن الحسین بن خالد قال: قلت لأبی الحسن علیه السلام: جعلت فداک کیف صار مهر النساء خمسمأه درهم اثنتی عشره اوقیه و نش؟ قال: إنّ الله تبارک و تعالی أوجب علی نفسه ان لا یکبره مؤمن مأه مرّه و یسیحه مأه تسیحه و یحمده مأه تحمیده و یهلله مأه مرّه و یصلی علی محمّد و آل محمّد مأه مرّه ثمّ یقول: اللهمّ زوجنی من الحورالعین الاّ زوجة الله عزوجلّ فمن ثمّ جعل مهر النساء خمسمأه درهم و ایما مؤمن خطب [الی] أخیه حرمه و بذل له خمسمأه درهم فلم یزوجه فقد عقه و استحقّ من الله عزوجلّ الاّ یزوجه حوراء. (البحار ج ۱۰۳/۳۴۸ العیون ج ۲/۸۴)

(۱) ۲- در همان کتاب، از معانی الأخبار، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچکدام از زن ها و دختران خود را با بیش از پانصد درهم تزویج نکرد.»

(۲) ۳- در همان کتاب، از امالی صدوق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «هر مردی که در باره مهریه به همسر خود ظلم کند و مهر او را ندهد، او نزد خداوند زناکار محسوب می شود و خداوند در قیامت به او می فرماید: ای بنده من، من تو را به کنیز خود با عهد و پیمان [و قرار مهرمعین] تزویج نمودم و تو به عهد من عمل نکردی و به کنیز من ظلم رواداشتی، پس از حسنات و اعمال نیک او گرفته می شود و به آن زن داده می شود و چون حسنه و عمل نیکی برای او باقی نمی ماند او را برای شکستن عهد خدا به آتش می برند و در قرآن نیز آمده که عهد خداوند مورد سؤال واقع خواهد شد.»

(۳) ۴- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «کسانی که زکات

ص: ۴۳

۱- (۱) ۲- البحار عن معانی الأخبار عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: ما تزوّج رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله شیئا من نساءه و لا زوّج شیئا من بناته علی اکثر من اثنی عشر اوقیه و نش و الأوقیه اربعون درهما والنش عشرون درهما. (المصدر ص ۳۴۹ معانی الأخبار ص ۲۱۴)

۲- (۲) ۳- و فيه عن الأمالی للصدوق فی خبر المناهی، عن النبی صلی الله علیه و آله قال: من ظلم امرأه مهرها فهو عندالله زانٍ یقول الله عزوجلّ یوم القیامه: عبدی زوّجتک امتی علی عهدی فلم توف بعهدی و ظلمت امتی. فیؤخذ من حسناته فیدفع الیها بقدر حقّها فاذا لم تبق حسنه أمر به الی النار بنکته للعهد، إنّ العهد کان مستوّلاً. (المصدر امالی الصدوق ص ۴۲۸)

۳- (۳) ۴- و فيه عن الخصال عن اسماعیل بن کثیر قال: قال ابو عبداللّه علیه السلام: السراق ثلثه: مانع الزکاه و مستحلّ مهوور النساء و كذلك من استدان و لم ینوقضاه. (المصدر الخصال ج ۱/۱۰۱)

مال خود را نمی دهند و کسانی که مهر زن های خود را نمی پردازند و کسانی که مال مردم را قرض می گیرند و بنای پرداخت آن را ندارند دزد شناخته می شوند.»

(۱) ۵- و در همان کتاب، از ابن سنان نقل شده که گوید: به حضرت رضا علیه السلام نوشتم: علت تعیین مهر و وجوب پرداخت آن بر مردها چیست؟ و چگونه بر زن ها واجب نیست که به شوهران خود چیزی به عنوان مهریه بدهند؟

امام علیه السلام فرمود: «چون مؤونه و خرج زن ها به عهده مردها می باشد و زن در حقیقت خود را به مرد می فروشد و مرد خریدار اوست، از این رو، مرد باید قیمت و ثمن این معامله را بپردازد. از سویی، زن ها از تجارت و معامله گری ممنوع هستند و علت های دیگری نیز دارد.»

(۲) ۶- در همان کتاب، از علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «مهریه ها را زیاد نکنید که موجب عداوت و دشمنی می شود.»

و در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «بهترین زن های امت من زن هایی هستند که با مهر کمتر ازدواج می کنند.»

ص: ۴۴

۱- (۱) ۵- و فيه عن مكارم الأخلاق عن عليّ عليه السلام قال: لا تغالوا بمهور النساء فيكون عداوه. (البحار ج ۱۰۳/۳۵۱ مكارم الأخلاق ص ۲۷۲)

۲- (۲) ۶- و فيه عن النوادر عن زراره قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل تزوّج امرأةً أيحلّ له ان يدخل بها قبل ان يعطها شيئاً؟ قال: لا حتّى يعطيها شيئاً. (المصدر النوادر ص ۶۹)

و در همان کتاب، از زراره نقل شده که گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: آیا جایز است کسی که با زنی ازدواج می کند بدون این که چیزی به او بدهد با او همبستر شود؟ امام علیه السلام فرمود: «جایز نیست با او همبستر شود تا این که چیزی به او بدهد.»

(۱)۷- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «کسی که در آمد حرامی را به دست خداوند حج و عمره او را قبول نمی کند و صله رحم او را نمی پذیرد تا جایی که ازدواج او را نیز فاسد می کند [و فرزند او ولد حرام خواهند شد].»

مؤلف گوید: برای توجه و تنبّه برادران و خواهران دینی، بخشی از دستورات اسلام را در باره رعایت حلال و حرام که باعث پاکی روح و روان و صفای ایمان پدر و مادر و فرزندان است در بخش های آینده بیان خواهیم نمود.

ص: ۴۵

۱- (۱)۷- و فيه عن مجالس الشيخ عن موسى الخياط أنّه قال ذكر عن ابي جعفر عليه السلام أنّه ذكر عنده رجل فقال: إنّ الرجل اذا اصاب ما من حرام لم يقبل منه حجّ ولا عمره ولا صله رحم حتّى أنّه يفسد فيه الفروج. (البحار ج ۱۰۳/۳۵۳ امالی الطوسی ج ۲/۲۹۳)

از سخنان و سیره معصومین علیهم السلام استفاده می شود که زفاف عروس باید در شب انجام شود و ولیمه ازدواج در روز باشد و عروس را بر مرکب سوار کنند و با ذکر خدا و تکبیر به طرف خانه داماد ببرند و مستحب است زفاف در ساعت گرمی هوا نباشد و شب چهارشنبه نیز نباشد و ولیمه آن نیز بیش از یک روز و یا دو روز نباشد و مستحب است که قبل از عقد نکاح خطبه ای خوانده شود و حمد و ثنای الهی در آن ادا گردد.

بهتر است مراسم زفاف در اوایل شب واقع شود؛ چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه اوایل شب می خوابیده اند و بیشتر شب را در عبادت و تهجد بوده اند و فاطمه زهرا علیها السلام را اوایل شب به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام بردند.

ولی آنچه در زمان ما معمول است خلاف سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد.

اساساً معصومین علیهم السلام مراسم عروسی را یک عبادت و عمل مقدس می شمرده اند و ذکر خدا و تکبیر پرودگار را در آن شعار قرار می داده اند. ولیکن مع الاسف آنچه امروز بین ما مرسوم است خلاف سنت اولیای دین، و همراه با انواع خلاف و گناه و آزار به مردم است. از خداوند می خواهیم که ما را موفق به پیروی از دین و روش اولیای خود به فرماید و به برکت شنیدن سخنان آنان هدایتمان نماید.

(۱)۱- مرحوم صاحب وسایل، با سند خود، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمود: «زفاف (عروس) را در شب و ولیمه ازدواج را در ظهر قرار دهید.»

(۲)۲- و در همان کتاب از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: «سنت این است که ازدواج و زفاف در شب باشد؛ چرا که خداوند شب را وسیله آرامش قرار داده است و زن ها نیز برای مردها وسیله آرامش هستند.»

(۳)۳- در همان کتاب، از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که گوید: هنگامی که

ص: ۴۹

۱- (۱) استحباب الزفاف لیلاً مع التکبیر و الولیمه نهاراً- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبداللّٰه علیہ السلام قال: زفوا عرائسکم لیلاً و اطعموا ضحیّ. (الوسائل ج ۱۴/۶۲ الفروع ج ۲/۱۷)

۲- (۲) و فیہ عنہ... عن الحسن بن علیّ الوشاء عن ابی الحسن الرضا علیہ السلام قال: سمعته یقول فی التزوید قال: من السنّه التزوید باللیل لأنّ اللّٰه جعل اللیل سکناً، و النساء أنّما هنّ سکن. (المصدر)

۳- (۳) و فیہ عنہ... عن جابر بن عبداللّٰه قال: لما زوج رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیہ و آلہ فاطمه من علیّ علیهما السلام أتاه أناس فقالوا له: أنّک قد زوجت علیّاً بمهرٍ خسیس، فقال: ما انا زوجتہ، ولكن اللّٰه زوجہ «الی ان قال»: فلما کان لیله الزفاف أتى النبیّ صلی اللّٰه علیہ و آلہ بیغله و ثنی علیها قطیفه، و قال لفاطمه: اركبی و امر سلمان ان یقودها و النبیّ صلی اللّٰه علیہ و آلہ یسوقها فبینما هو فی بعض الطریق اذ سمع النبیّ صلی اللّٰه علیہ و آلہ و جبه فاذا بجبرئیل فی سبعین الفا و میکائیل فی سبعین الفا فقال النبیّ صلی اللّٰه علیہ و آلہ: ما اهبطکم الی الأرض؟ فقالوا جئنا نرفّ فاطمه الی زوجها و کبر جبرئیل و کبر میکائیل و کبرت الملائکة و کبر محمّد صلی اللّٰه علیہ و آلہ فوضع التکبیر علی العرائس من تلک اللیله. (الوسائل ج ۱۴/۶۲ الفقیه ج ۲/۱۲۸)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به علی علیه السلام تزویج نمود عده ای گفتند: شما فاطمه علیها السلام را با مهر ناچیزی به علی تزویج نمودی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این من نبودم که چنین کردم، بلکه خدا او را تزویج نمود...»

تا این که گوید: چون شب زفاف فاطمه علیها السلام رسید رسول خدا صلی الله علیه و آله استر شهبای خود را آورد و قطیفه ای بر آن قرار داد و به فاطمه علیها السلام فرمود تا بر آن سوار شود و سلمان را فرمود تا افسر آن را بگیرد و خود از عقب او حرکت نمود. ناگهان در بین راه رسول خدا صلی الله علیه و آله صدایی شنید و دید که جبرئیل علیه السلام با هفتاد هزار ملک و میکائیل با هفتاد هزار ملک حضرت زهرا علیها السلام را بدرقه می کنند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: «برای چه شما به زمین آمده اید؟» آنها گفتند: ما آمده ایم فاطمه علیها السلام را به خانه علی علیه السلام ببریم. پس جبرئیل تکبیر گفت و میکائیل و ملائکه دیگر نیز تکبیر گفتند و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز تکبیر گفت و از آن شب تکبیر برای زفاف عروسان سنت گردید.

آداب دیگری نیز در این باره وارد شده که ما در کتاب اسوه النساء ذکر کرده ایم. علاقه مندان می توانند به آن کتاب مراجعه فرمایند.

آداب همبستر شدن

پیش از بیان آداب زناشویی و توصیه های معصومین و اولیای دین علیهم السلام در این باره، ذکر یک نکته مهم را لازم می دانم و آن این که چون علم و دانش، از تفکر و اندیشه بشر به دست می آید و بررسی ها و تجربیات انسان ها در زمان ها و مکان های مختلف در این زمینه مختلف می باشد، ضرورت دارد که انسان، هم چنان که به مسائل علمی و تفکر بشر توجه می کند به وحی (دانش بدون خطا) نیز متکی باشد. البته اختلاف در مسایل علمی یک امر ضروری محسوب می شود و فراوان دیده

شده است که مراکز علمی و دانشمندان با بررسی های فراوان یک نظریه علمی را ارائه نموده و پس از مدتی آن را خطا اعلام کرده و نظریه دیگری را جایگزین آن ساخته اند. این مساله خود، نیاز بشر را به یک امام و راهنمای بدون خطا و اشتباه آشکار می سازد. انسان ها نمی توانند نیاز شخصی و جامعه خود را تنها از طریق دانش خود تامین کنند، بلکه نیازمند به عالم و دانشمند و امامی هستند که دانش او از یک منبع الهی و آسمانی باشد؛ زیرا مصالح بشر را تنها کسی می داند که آفریدگار بشر است. بنابراین تنها آنچه از ناحیه خداوند و به عنوان وحی الهی بر پیامبران نازل شده و یا به اوصیای آنان افزوده گردیده می تواند نیاز بشر را به صورت اساسی، تامین نموده و دغدغه های او را در این زمینه از بین ببرد و حقایق را همان گونه که هست به آنان نشان دهد. برای این اساس، در هر مساله ای، باید نخست سراغ وحی و علوم انبیا و اوصیای آنان علیهم السلام رفت و آنچه را در آن زمینه از ناحیه خداوند رسیده به دست آورد.

در موضوع (زناشویی) معصومین علیهم السلام آدابی بیان فرموده اند و رعایت نکردن آن آداب را موجب عواقب و آثار بدی در فرزندان و حتی علاقه زن و شوهر دانسته اند. در این میان آنان، هرگز مسأله ازدواج فامیلی را در این آثار موثر ندانسته، بلکه عملاً خود آنان فراوان ازدواج فامیلی انجام داده اند. مایه تأسف است که پیروان آنان در اثر دوری از این حقایق که از ناحیه وحی صادر شده است، به خیال خود، دنبال مسایل علمی رفته و بدون توجه به دستورالعمل های ازدواج و زناشویی ازدواج فامیلی را موجب معلولیت های فرزندان خود قلمداد کرده اند. به نظر نگارنده، شنیدن چنین سخنی از یک مسلمان شیعه یک فاجعه است. باید گفت همه بیچارگی های ما به دلیل دوری ما از فرهنگ دینی است و یکی از آن ها همین مسأله زناشویی است.

از این نکته نیز نباید غفلت شود که خداوند به شیطان اجازه داده است که در مال و فرزند انسان شریک شود. بنابراین اگر دستورات آینده رعایت نشود شیطان در نطفه مرد شریک خواهد شد.

اینک به بخش هایی از سخنان معصومین علیهم السلام در این زمینه توجه می کنیم:

(۱) - علامه مجلسی، در کتاب بحارالانوار، از علل الشرایع و امالی صدوق، از ابوسعید خدری نقل نموده که گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام سفارش و وصیت نمود و فرمود: «یا علی! چون عروس وارد خانه تو شود، هنگامی که می نشیند کفش های او را از پایش درآور و پاهای او را بشوی و از درب خانه تا

ص: ۵۲

۱- (۱) آداب الجماع و الزفاف ۱- البحار عن العلل و الأمالی: قال الله تعالى: و شارکم فی الأموال و الأولاد. سوره الاسراء آیه الطالقانی، عن الحسن بن علی العدوی، عن یوسف بن یحیی الاصبهانی، عن إسماعیل بن حاتم، عن أحمد بن صالح بن سعید، عن عمرو بن حفص، عن إسحاق بن نجیح، عن حصیب، عن مجاهد، عن أبي سعید الخدری قال: أوصی رسول الله صلی الله علیه و آله علی بن أبی طالب علیه السلام فقال: یا علی إذا دخلت العروس بیتک فاخلع خفیها حین تجلس، و [اغسل] رجليها و صبّ الماء من باب دارک الی أقصى دارک، فأنک إذا فعلت ذلك أخرج الله من دارک سبعین ألف ترفرف علی رأس العروس حتّی تنال برکتها کل زاویه فی بیتک، و تأمن العروس من الجنون و الجذام و البرص أن یصیبا ما دامت فی تلك الدار، و امنع العروس فی أسبوعها من الألبان و الخل و الکزبره و التفاحه الحامضه من هذه الأربعة الأشياء.

انتهای آن را آب پیمایش. اگر چنین بکنی خداوند هفتاد هزار نوع فقر را از خانه تو دور و هفتاد نوع برکت را در آن داخل و هفتاد رحمت را بر تو نازل می نماید، و از آن آب نیز بر سر عروس می پاشی تا برکت آن به همه زوایای خانه تو برسد و عروس از خطر جنون و جذام و پیسی برای همیشه محفوظ بماند.»

(۱) سپس فرمود: «عروس را در هفته اول از خوردن شیر و سرکه و کربزه و سیب ترش منع کن.» پس علی علیه السلام پرسید: «چرا او را از خوردن این چهار چیز منع کنم؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به علت این که رحم زن به وسیله این چهار چیز عقیم و سرد می شود و فرزندی از آن به دست نمی آید و حصیر کنارخانه از زنی که عقیم باشد بهتر خواهد بود.»

علی علیه السلام فرمود: «یا رسول الله! چرا می فرمایید عروس از خوردن سرکه منع شود؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به علت این که زن هنگام خوردن سرکه اگر حیض شود دیگر پاکی کامل به خود نخواهد دید، و کربزه حیض را در شکم او داخل می کند و زایمان برای او سخت می شود، و سیب ترش حیض او را قطع می کند و موجب بیماری او می شود.»

ص: ۵۳

۱- (۱) فقال علی علیه السلام: یا رسول الله صلی الله علیه و آله ولأی شیء أَمْنَعُهَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ الْأَرْبَعَةَ؟ قَالَ: لِأَنَّ الرَّحِمَ تَعْقَمُ وَ تَبْرُدُ مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْيَاءِ مِنَ الْوَلَدِ، وَ حَصِيرٌ فِي نَاحِيَةِ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِنْ امْرَأَةٍ لَا تَلِدُ، فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا بِالْخَلِّ تَمْنَعُ مِنْهُ؟ قَالَ: إِذَا حَاضَتْ عَلَى الْخَلِّ لَمْ تَطْهَرْ أَبَدًا طَهْرًا بَتَمَامٍ، وَ الْكَرْبِرَةُ تُثِيرُ الْحَيْضَ فِي بَطْنِهَا وَ تُشَدِّدُ عَلَيْهَا الْوِلَادَةَ، وَ التَّفَاحَةُ الْحَامِضَةُ تَقْطَعُ حَيْضَهَا فَيَصِيرُ دَاءً عَلَيْهَا.

(۱) سپس فرمود: «یا علی! در اول و وسط و آخر هر ماه با همسر خود مجامعت مکن؛ چرا که اگر چنین کنی جنون و جذام و کودنی به سرعت به او و فرزند او روی خواهد آورد.»

(۲) آن گاه فرمود: یا علی! بعد از ظهر با همسر خود مجامعت مکن؛ چرا که اگر فرزندی برای شما در آن وقت مقدر شود لوچ خواهد بود و شیطان از لوچ بودن انسان خشنود می شود.

(۳) یا علی! هنگام مجامعت سخن مگو که اگر فرزندی نصیب شما شود ایمن نیست از این که گنگ باشد.

[یا علی] مرد در هنگام جماع نباید به عورت همسر خود نگاه کند بلکه باید چشم خود را ببندد؛ چرا که نگاه به عورت زن در وقت جماع موجب نابینایی فرزند خواهد شد.

(۴) یا علی! به نیت زن دیگری با همسر خود مجامعت مکن چرا که من ترس آن

ص: ۵۴

۱- (۱) ثم قال: یا علی لاتجامع امرأتک فی أوّل الشهر ووسطه و آخره فإن الجنون و الجذام و الخبل یسرع إليها و إلى ولدها.
۲- (۲) یا علی لاتجامع امرأتک بعد الظهر فانه إن قضی بینکما ولد فی ذلك الوقت یكون أحول و الشیطان یفرح بالحول فی الانسان.

۳- (۳) یا علی لاتتکلم عند الجماع فإن قضی بینکما ولد لایؤمن أن یكون أحرص و لاینظرن أحدکم فرج امرأته ولیغضن بصره عند الجماع، (*) فإن النظر إلى الفرج یورث العمی یعنی فی الولد.

۴- (۴) یا علی لاتجامع امرأتک بشهوه امرأه غیرک فإنی أخشى إن قضی بینکما ولد أن یكون مخنثا مؤنثا بخيلاً.

دارم که اگر چنین کنی فرزند تو مخنث و مؤنث و بخیل باشد. [مخنث مردی را گویند که خود را شبیه به زن ها نماید.]

(۱) یا علی! اگر در بستر خود جنب بودی قرآن مخوان که من هراس دارم آتشی از آسمان فرود آید و شما را بسوزاند.

(۲) یا علی! مجامعت مکن جز این که پوشاک تو از پوشاک همسرت جدا باشد، و هرگز از یک پوشاک استفاده نکنید که شهوت بر روی شهوت قرار می گیرد و موجب دشمنی شما می شود و با طلاق از همدیگر جدا می شوید.

یا علی! در حال ایستاده با همسر خود مجامعت مکن که این کار الاغ است و اگر فرزندی نصیب شما شود مانند الاغ در بستر و در هر جای دیگر بول می کند.

(۳) یا علی! با همسر خود در شب عید فطر مجامعت مکن؛ چرا که اگر فرزندی

ص: ۵۵

۱- (۱) یا علیّ إذا كنت جنباً في الفراش مع امرأتك فلا تقرأ القرآن فإني أخشى أن ينزل عليك نار من السماء فتحرقكما.

۲- (۲) یا علیّ لا تجامع امرأتك إلاّ و معك خرقه و مع امرأتك خرقه، ولا تمسحاً بخرقه واحده فنقع الشهوه على الشهوه، وإنّ ذلك يعقب العداوه بينكما ثم يؤدّيكما إلى الفرقة و الطلاق.

۳- (۳) یا علیّ لا تجامع امرأتك من قیام فانّ ذلك من فعل الحمیر و إن قضی بینكما ولد یكون بؤالا فی الفراش كالحمیر البؤاله فی كلّ مكان. یا علیّ لا تجامع امرأتك فی ليله الفطر فانه إن قضی بینكما ولد فیکبر ذلك الولد ولا یصیب ولدا إلاّ علی کبر السنّ.

نصیب شما شود پیر می شود و بعد از پیری اولاد پیدا می کند.

(۱) یا علی! با همسر خود در شب عید قربان مجامعت مکن که فرزند شما شش انگشتی و یا چهارانگشتی خواهد شد.

(۲) یا علی! با همسر خود زیر درخت میوه مجامعت مکن که فرزند شما جلاد و آدمکش و عریف [یعنی کاهن] خواهد شد.

(۳) یا علی! مقابل خورشید با همسر خود مجامعت مکن، جز این که با چیزی خود را مستور کنید؛ چرا که فرزند شما همیشه در بلا و فقر خواهد بود تا از دنیا برود.

(۴) یا علی! بین اذان و اقامه با همسر خود مجامعت مکن که فرزند شما خونریز خواهد شد.

ص: ۵۶

۱- (۱) یا علی لا تجامع امرأتک فی ليله الأضحی فإِنَّه إن قضی بینکما ولدیکون له ستّ أصابع أو أربع أصابع.

۲- (۲) یا علی لا تجامع امرأتک تحت شجره مثمره فإِنَّه إن قضی بینکما ولد یکون جلادا قتالاً عریفاً.

۳- (۳) یا علی لا تجامع امرأتک فی وجه الشمس وتلاؤها إلا أن ترخی علیکما سترافإنه إن قضی بینکما ولد لایزال فی بؤس وفقر حتی یموت.

۴- (۴) یا علی لا تجامع أهلك بین الأذان و الاقامه فإِنَّه إن قضی بینکما ولد یکون حریصاً علی إهراق الدماء.

(۱) یا علی! اگر همسر تو باردار بود، بدون وضو با او مجامعت مکن و گرنه فرزند شما کوردل و بخیل خواهد شد.

(۲) یا علی! در نیمه ماه شعبان با همسر خود مجامعت مکن که فرزند شما از جهت صورت و موزشت خواهد شد.

(۳) یا علی! با همسر خود در آخر ماه [یعنی دو روز به آخر آن] مجامعت مکن که فرزند شما ابله و احمق و ناتوان خواهد شد.

یا علی! با همسر خود با شهوت خواهر او مجامعت مکن؛ چرا که فرزند شما راهزن و یاور ستمگر خواهد شد و جمعیت های فراوانی به دست او کشته می شوند.

(۴) یا علی! بر روی پشت بام با همسر خود مجامعت مکن که فرزند شما منافق و

ص: ۵۷

۱- (۱) یا علی! إذا حملت امرأتک فلا تجامعها إلا وأنت علی وضوء فإنه إن قضی بینکما ولد یكون أعمی القلب بخیل الید.

۲- (۲) یا علی! لا تجامع أهلک فی النصف من شعبان فإنه إن قضی بینکما ولد یكون مشوھا ذا شامه فی شعره و وجهه.

۳- (۳) یا علی! لا تجامع أهلک فی آخر درجه منه - یعنی إذا بقی یومان - فإنه إن قضی بینکما ولد کان مفدما (الفدم - بالفاء - العیی عن الکلام فی رخاوه و قله فهم، والاحمق).

۴- (۴) یا علی! لا تجامع أهلک علی شهوه أختها، فإنه إن قضی بینکما ولد یكون عشّارا أوعونا لظالم، و یكون هلاک فئام من الناس علی یدیه. یا علی! لا تجامع أهلک علی سقوف البنیان فإنه إن قضی بینکما ولد یكون منافقا مماریا مبتدعا.

اهل ریا و بدعت خواهد شد.

(۱) یا علی! چون به مسافرت رفتی، در نخستین شب سفر، با همسر خود مجامعت مکن که اگر فرزندی نصیب شما شود مال خود را در راه غیر صحیح مصرف خواهد نمود و اهل تبذیر خواهد بود، در حالی که [خدا] و رسول فرموده اند که مبدّرین برادران شیاطین هستند.

(۲) یا علی! در سفری که بیش از سه شبانه روز طول نمی کشد با همسر خود مجامعت مکن؛ چرا که فرزند شما یاور هر ظالم و ستمگری خواهد شد.

(۳) یا علی! بر تو باد که در شب دوشنبه جماع کنی تا فرزند تو حافظ قرآن و راضی به مقدرات خدا باشد.

(۴) یا علی! اگر در اول شب سه شنبه با همسر خود مجامعت کنی فرزند شما

ص: ۵۸

۱- (۱) یا علی و إذا خرجت فی سفر فلا- تجامع أهلک تلک اللیله فإنه إن قضی بینکما ولد یكون ینفق ماله فی غیر حق و قرأ رسول الله صلی الله علیه و آله «إنّ المبدّرین كانوا إخوان الشیاطین».

۲- (۲) یا علی لا تجامع أهلک إذا خرجت إلى مسیره ثلاثه آیام ولیالیهنّ فإنه إن قضی بینکما ولدیكون عوناً لكلّ ظالم.

۳- (۳) یا علی علیک بالجماع لیله الاثنین فإنه إن قضی بینکما ولد یكون حافظاً لکتاب الله راضیاً بما قسم الله عزّوجلّ.

۴- (۴) یا علی إن جامعت أهلک فی أول لیله الثلاثاء فقضی بینکما ولد فإنه یرزق الشهاده بعد شهاده أن لا إله إلا الله و أن محمّداً رسول الله، و لا یعدّ به الله عزوجل مع المشرکین، و یكون طیب النکحه من الفم رحیم القلب، سخی الید، طاهر اللسان من الغیبه و الکذب و البهتان.

گوینده شهادتین و موفق به شهادت در راه خدا می شود و هرگز خداوند او را با مشرکین عذاب نخواهد نمود و دهان او خوشبو و قلب او رحیم و مهربان و دست او با سخاوت و زبان او از غیبت و دروغ و بهتان پاک خواهد بود.

(۱) یا علی! اگر در شب پنجشنبه با همسر خود مجامعت کنی فرزند شما یکی از علما و حکام خواهد شد و اگر در وسط روز پنجشنبه مجامعت کنی شیطان تا هنگام پیری، نزدیک فرزند شما نخواهد آمد و خداوند آن فرزند را سلامت دین و دنیا عطا می فرماید و فرزند دانا و فهمیده ای خواهد بود.

(۲) یا علی! اگر در شب جمعه با همسر خود مجامعت کنی فرزند شما خطیب توانایی می شود، و اگر بعد از عصر جمعه با او مجامعت کنی فرزند شما عالم مشهور و معروفی خواهد شد، و اگر بعد از نماز عشاء شب جمعه با او مجامعت کنی امید می رود فرزند شما، ان شاء الله، یکی از ابدال و بزرگان بشود.

ص: ۵۹

۱- (۱) یا علی و إن جامعك ليله الخميس فقضى بينكما ولد فانه يكون حاكما من الحكام أو عالما من العلماء، و إن جامتها يوم الخميس عند زوال الشمس عن كبد السماء فقضى بينكما ولد، فإن الشيطان لا يقربه حتى يشيب، و يكون فهما و يرزقه الله السلامه في الدين والدنيا.

۲- (۲) یا علی و إن جامعها ليله الجمعة و كان بينكما ولد، يكون خطيبا قوالاً مفوها، و إن جامعها يوم الجمعة بعد العصر فقضى بينكما ولد فانه يكون معروفا مشهورا عالما، و إن جامعها في ليله الجمعة بعد صلاة العشاء الآخره فانه يرجي أن يكون ولدا بدلا من الأبدال إن شاء الله.

(۱) یا علی! در ساعت اول شب با همسر خود مجامعت مکن که ممکن است فرزند شما ساحر و اهل دنیا شود و آخرت خود را از دست بدهد.

(۲) یا علی! این وصیت ها را از من بشنو و حفظ کن؛ هم چنان که من از جبرئیل شنیدم و حفظ نمودم.»

(۳) ۲- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از علل الشرایع، از سدیر نقل نموده که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «مرد نباید با همسر و کنیز خود در جایی هم بستر شود که کودک خردسالی در آن جا باشد؛ چرا که آن کودک اهل زنا خواهد شد.»

(۴) ۳- در همان کتاب، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «از وصیت های رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که مرد در حال حیض با همسر خود مجامعت نکند و اگر

ص: ۶۰

۱- (۱) یا علی لا تجماع أهلک فی أول ساعه من اللیل فانه إن قضی بینکما ولد لایؤمن أن یكون ساحرا مؤثرا للدنیا علی الآخره.

۲- (۲) یا علی احفظ وصیتی هذه کما حفظتها عن جبرئیل علیه السلام (البحار ج ۱۰۳/۲۸۰)

۳- (۳) ۲- البحار عن العلل... عن سدیر قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: لایجماع الرجل امرأته و لاجاریته و فی البیت صبئی فان ذلك مما یورثه الزنا.

۴- (۴) ۳- و فیہ عنه... عن جعفر بن محمد عن ابیه عن جدّه عن علی بن ابیطالب علیهم السلام فی حدیث طویل یدکر فیہ وصیّته النبی صلی الله علیه و آله و یقول فیها: ان رسول الله صلی الله علیه و آله کره ان یغشی الرجل امرأته و هی حائض، فان فعل و خرج الولد مجذوما او به برص فلا یلومن الا نفسه، و کره ان یأتی الرجل اهله و قد احتلم حتی یغتسل من الإحتلام فان فعل ذلك و خرج الولد مجنونا فلا یلو من الا نفسه. (البحار ج ۱۰۳/۲۸۶ العلل ص ۵۱۴)

چنین کند و فرزند او جذامی و یا دارای پیسی شود باید خود را ملامت نماید، و آن حضرت مکروه می داشتند کسی که محتمل شده قبل از غسل کردن با همسر خود مجامعت کند و می فرمود: اگر چنین کند و فرزند او دیوانه به دنیا آید باید فقط خود را ملامت نماید.»

(۱)۴- در همان کتاب، از خصال نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمأه فرمود: «هنگامی که یکی از شما می خواهد با همسر خود مجامعت کند نباید با عجله و بدون مقدمه باشد [بلکه باید قبل از آن مزاح و بوسه و... انجام گیرد]؛ چرا که زن ها به این نیاز دارند.»

(۲)و فرمود: «اگر یکی از شما زنی را ببیند که او را خوش آید باید نزد اهل و همسر خود رود؛ چرا که نزد او نیز همان چیزی است که نزد آن زن است. و با این

ص: ۶۱

۱- (۱)۴- و فيه عن الخصال في الأربعمأه قال أمير المؤمنين عليه السلام: إذا أراد أحدكم أن يأتي زوجته فلا يعجلها فإن للنساء حوائج، إذا رأى أحدكم امرأة تعجبه فليأت أهله فان عند أهله مثل ما رأى، ولا يجعلن للشيطان إلى قلبه سيلاً، ليصرف بصره عنها، فان لم تكن له زوجته فليصل ركعتين و يحمد الله كثيرا و يصل على النبي و آله ثم ليسأل الله من فضله فإنه يبيح له برأفته ما يغنيه، إذا أتى أحدكم زوجته فليقل الكلام، فإن الكلام عند ذلك يورث الخرس، لا ينظرن أحدكم إلى باطن فرج امرأته لعله يرى ما يكره و يورث العمى.

۲- (۲) إذا أراد أحدكم مجامعه زوجته فليقل: اللهم إني استحللت فرجها [بأمرك] و قبلتها بأمانتك فان قضيت لي منها ولدا فاجعله ذكرا سويا، ولا تجعل للشيطان فيه نصيبا ولا شركا.

کار شیطان را به قلب خود راه نداده و چشم خود را از آن زن برگردانده است و اگر همسر ندارد باید دو رکعت نماز بخواند و زیاد حمد خدا را به جا آورد و بر محمد و آل او صلوات بفرستد سپس از فضل الهی طلب نماید تا خداوند او را بی نیاز نماید.»

و فرمود: «هنگامی که یکی از شما با همسر خود مجامعت می کند باید کم سخن بگوید که سخن گفتن در آن حال موجب گنگی فرزند می شود و نباید به داخل فرج او نگاه کند شاید او را خوش نیاید و از سوئی موجب کوری فرزند شود.»

(۱) و فرمود: «چون یکی از شما بخواهد با همسر خود مجامعت کند باید بگوید: خدایا، من به دست تو او را حلال نمودم و به امانت تو او را پذیرفتم پس اگر فرزندی از او برای من مقدر نمودی آن را پسری سالم قرار ده و برای شیطان در او بهره و شراکتی قرار مده.»

(۲) ۵- علامه مجلسی، در بحار، از تفسیر عیاشی، از ابی ربیع شامی نقل نموده

ص: ۶۲

۱- (۱) و قال علیه السلام: إذا أراد أحدكم أن يأتي أهله فليتوقَّ أوَّل الأهلَّة و أنصاف الشُّهور فإنَّ الشيطان يطلب الولد في هذين الوقتين و الشياطين يطلبون الشرك فيهما فيجيئون و يحبلون. (البحار ج ۱۰۳/۲۷۸ الخصال ج ۲/۴۳۳-۴۳۴)

۲- (۲) ۵- البحار عن تفسیر العیاشی عن ابی الربیع الشامی قال: كنت عنده (یعنی الصادق علیه السلام) ليله فذكر شرك الشيطان فعظمه حتى افزعني فقلت: جعلت فداك فما المخرج منها و ما نصنع؟ قال: اذا اردت المجامعه فقل: بسم الله الرحمن الرحيم الذي لا إله إلا هو بديع السماوات و الأرض، اللهم ان قصدت مني في هذه الليلة ولدا فلا تجعل للشيطان فيه نصيبا و لا شركا و لاحظا و اجعله عبدا صالحا مصفيا و ذريته جل ثناءك. (البحار ج ۱۰۳/۲۹۴ العیاشی ج ۲/۳۰۰)

که گوید: شبی خدمت امام صادق علیه السلام بودم که آن حضرت مسأله شرک شیطان و شرکت او را در نطفه مرد بیان نمود و من از آن ترسیدم و گفتم: فدای شما شوم! راه نجات از دخالت شیطان در فرزند چیست؟

امام علیه السلام فرمود: «چون خواستی با همسر خود مجامعت کنی بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم. الذی لا اله الا هو، بدیع السماوات و الأرض. سپس بگو: خدایا، اگر در این شب برای من فرزندی تقدیر نموده ای او و ذریه او را صالح و پاک و بنده خود قرار ده و برای شیطان در او شرکت و نصیبی قرار مده، ای خدای بزرگوار!»

(۱) ۶- در همان کتاب، از تفسیر عیاشی، از امام صادق و یا امام باقر علیهما السلام نقل شده که فرمود: «شرکت شیطان در نطفه فرزند از ناحیه مال حرام نیز خواهد بود و شیطان در صورتی که صاحب نطفه اهل حرام باشد نطفه خود را نیز در رحم زن می ریزد و با نطفه مرد مخلوط می گرداند و فرزند ممکن است از یکی از آنها و یا از هر دو به وجود بیاید.»

مؤلف گوید: چه خوب است این دستورات قبل از ازدواج به جوان ها تفهیم شود تا از این خطرها پرهیز کنند و ازدواج آنان این آفات را در پی نداشته باشد.

ص: ۶۳

۱- (۱) ۶- و فیه عنه عن احدهما علیهما السلام قال: شرک الشیطان ما کان من مال حرام فهو من شرکه، ویکون مع الرجل حین یجامع فیکون نطفته مع نطفته اذا کان حراما قال: کلیتها جمیعا یختلطه و قال: ربّما خلق من واحده و ربّما خلق منهما جمیعا (البحار ج ۱۰۳/۲۹۴ تفسیر العیاشی ج ۲/۳۰۰)

(۱) در بحث قبل آداب زفاف و زناشویی و مسایل لازم دیگر بیان شد. در این بخش دستور نماز و دعا در شب زفاف و گفتن بسم الله در وقت مجامعت و بعضی از مسایل مناسب این موضوع ذکر خواهد شد.

۱- در کتاب وسایل، از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت به اصحاب خود فرمود: «شما در شب زفاف چه می کنید؟» یکی از اصحاب آن حضرت گفت: فدای شما شوم! من نمی دانم چه باید بکنم. امام علیه السلام فرمود: «چون شب زفاف شود و زوج بخواهد به طرف همسر خود برود باید دو رکعت نماز بخواند و حمد خدا را به جای آورد و بگوید:

(۲) «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ اللَّهُمَّ فَأَقْدِرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَهْنَ فَرَجًا وَ أَحْفَظْهُنَّ

ص: ۶۴

۱- (۱) استحباب صلاه رکعتین لمن اراد الزفاف و الدعاء بالمأثور عند ذلك ۱- الوسائل: محمد بن الحسن باسناده عن أحمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم، عن مثنی بن الولید الحنطاط، عن أبي بصیر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا تزوج أحدكم كيف يصنع؟ قال: قلت له: ما أدري جعلت فداك، قال: إذا همم بذلك فليصل ركعتين و يحمد الله و يقول:

۲- (۲) «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ اللَّهُمَّ فَأَقْدِرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَهْنَ فَرَجًا وَ أَحْفَظْهُنَّ لِي فِي نَفْسِهَا وَ فِي مَالِي، وَ أَوْسَعَهُنَّ رِزْقًا وَ أَعْظَمَهُنَّ بَرَكَهً، وَ اقْدِرْ لِي مِنْهَا وَلِدًا طَيِّبًا تَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي» فاذا ادخلت عليه فليضع يده على ناصيتها و يقول: «اللهم على كتابك تزوجتها، و في أماتك أخذتها، و بكلماتك استحلت فرجها فان قضيت في رحمها شيئا فاجعله مسلما سويا، و لا تجعله شرك شيطان» قلت: و كيف يكون شرك شيطان؟ فقال:

و چون عروس وارد حجله شود، داماد باید دست خود را بر پیشانی او گذارد و بگوید: «اللَّهُمَّ عَلَي كِتَابِكَ تَزَوَّجْتَهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُ فَرَجَهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَ لَا تَجْعَلْهُ شَرِكًا شَيْطَانٍ»

(۱) راوی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چگونه شیطان در نطفه فرزند شریک می شود؟ فرمود: «چون مرد برای مجامعت نزدیک زن خود می رود اگر نام خدا را ببرد شیطان از او دور می گردد و اگر نام خدا را نبرد شیطان نیز آلت خود را داخل می کند و شریک آن فرزند می شود.» راوی گوید: به امام علیه السلام گفتم: فدای شما شوم، از کجا معلوم می شود، که شیطان شریک فرزند است؟ فرمود: «نشانه آن دوستی و دشمنی با ما می باشد.»

(۲) ۲- در همان کتاب، از کتاب کافی، از ابوبصیر نقل شده که گوید: شنیدم که

ص: ۶۵

۱- (۱) أَنَّ الرَّجُلَ إِذَا دَانَ مِنَ الْمَرْأَةِ وَ جَلَسَ مَجْلِسَهُ حَضْرَةَ الشَّيْطَانِ، فَانْهُوَ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ تَنَحَّى الشَّيْطَانُ عَنْهُ وَ انْ فَعَلَ وَ لَمْ يَسْمَعْ أَدْخَلَ الشَّيْطَانُ ذِكْرَهُ فَكَانَ الْعَمَلُ مِنْهُمَا جَمِيعًا وَ النُّطْفَةُ وَاحِدَةً؛ قُلْتُ: فَبِأَيِّ شَيْءٍ يَعْرِفُ هَذَا جَعَلْتَ فِدَاكَ؟ قَالَ: بِحَبْنَا وَ بَغْضَانَا. (الوسائل ج ۱۴/۷۹)

۲- (۲) ۲- الوسائل عن الكافي: محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، و عن عده من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله جميعا عن ابن محبوب، عن جميل، عن أبي بصير قال: سمعت رجلا و هو يقول لأبي جعفر عليه السلام أتى رجل قد اسننت و قد تزوجت امرأة بكرا صغيرة و لم أدخل بها، و أنا أخاف إذا دخلت عليّ فرأنتني أن تكرهني لخضابي و كبري، فقال أبو جعفر عليه السلام: إذا دخلت فمرهم قبل أن تصل إليك أن تكون متوضييه، ثم أنت لاتصل إليها حتى توضأ و صل ركعتين، ثم معيّد الله وصل على محمد و آل محمد، ثم ادع الله مرم من معها أن يؤمنوا على دعائك، و قل: «اللهم ارزقني الفها وودها و رضاها، و ارضني بها و اجمع بيننا بأحسن اجتماع و انس ايتلاف فإنك تحبّ الحلال و تكره الحرام» ثم قال: و اعلم بأحسن اجتماع و انس ايتلاف فإنك تحبّ الحلال و تكره الحرام» ثم قال: و اعلم أن الالف من الله، و الفرق من الشيطان ليكره ما أحلّ الله. و رواه الشيخ بإسناده عن الحسن بن محبوب نحوه. (الوسائل ج ۱۴/۸۱ الفروع ج ۲/۵۸)

مردی به امام باقر علیه السلام می گفت: من مرد سالخورده ای هستم و اکنون با دختر جوان و کم سنی ازدواج نموده و هنوز با او هم بستر نشده ام و هراس دارم که او اگر وارد بر من شود و پیری و خضاب مرا ببیند او را خوش نیاید و از من جدا شود.

امام باقر علیه السلام به او فرمود: «به خویشان آن دختر بگو آن دختر با وضو وارد حجله شود و تو نیز به او نزدیک مشو تا وضو بگیری و دو رکعت نماز بخوانی. سپس خدا را تمجید کن و بر محمد و آل او صلوات فرست. سپس دعا کن [و خیر خود را از او بخواه] و به کسانی که همراه عروس آمده اند بگو آمین بگویند و پس از آن بگو:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَهْمَ وَوُدَّهَا وَرِضَاهَا وَارْضِنِي بِهَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ إِجْتِمَاعٍ وَآنَسِ إِيْتِلَافٍ فَأَنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَتَكْرَهُ الْحَرَامَ.»

سپس فرمود: «بدان که علاقه و محبت از ناحیه خداست و جدایی و دشمنی

از ناحیه شیطان است و شیطان می خواهد حلال خدا را برای مردم زشت نشان دهد.»

(۱)۳- در همان کتاب، از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «چون خواستی با همسر خود همبستر شوی بگو:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَدًا وَاجْعَلْهُ تَقِيًّا زَكِيًّا لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ.»

یعنی: خدایا، فرزندی با تقوا و پاک سیرت و سالم از هر عیب و نقص ظاهری و باطنی نصیب من کن و سرانجام او را نیکو گردان.

استحباب آرایش و زینت

در اسلام، به طور کلی نسبت به مسأله نظافت سفارش زیادی شده است. و اساساً رهبران دین ما نظافت را مقتضای دیانت دانسته اند. در مورد زن و شوهر نیز سفارش شده است که آنان خود را برای یکدیگر بیارایند و تنظیف کنند تا مرد به زن های دیگر و زن به مرد های دیگر توجه نکند و کانون ازدواج و خانواده با گرمی و محبت برقرار بماند.

ص: ۶۷

۱- (۱)۳- الوسائل... محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام قال: اذا اردت الجماع فقل: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَدًا وَاجْعَلْهُ تَقِيًّا زَكِيًّا لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ. (المصدر ص ۸۲)

(۱)۱- در کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از حسن بن جهم نقل شده که گوید: من حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را دیدم که خضاب نموده بود. گفتم: فدای شما شوم! خضاب نموده اید؟ فرمود: «این عمل بر عفت زن ها می افزاید، همانا عده ای از زن ها برای این که مردها این عمل [یعنی زینت و آرایش] را رعایت نمی کنند از عفت و نجابت خارج گردیدند و فاسد شدند.»

(۲)سپس فرمود: «آیا تو دوست می داری که همسر تو همانند تو آلوده و غبار آلود باشد؟» گفتم: خیر. فرمود: «او هم چنین است.»

آن گاه فرمود: «نظافت و عطر و آرایش مو و زناشویی فراوان از اخلاق پیامبران علیهم السلام است.»

استحباب بازی و ملاعبه قبل از جماع

در روایات معصومین علیهم السلام آمده است که قبل از جماع و همبستر شدن با همسر، ملاعبه و بازی و... انجام دهید و مانند حیوانات با عجله و شتاب جماع

ص: ۶۸

۱- (۱) استحباب الزینه و النظافه للرجال و النساء ۱- الوسائل عن کافی... عن الحسن بن الجهم قال: رأیت ابا الحسن علیه السلام اختضب، فقلت: جعلت فداک اختضبت؟ فقال: نعم إنَّ التَّهَيَّهَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عَفَّةِ النِّسَاءِ، وَلَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعَفَّةَ بِتَرْكِ أَزْوَاجِهِنَّ التَّهَيَّهَ،

۲- (۲) ثم قال: أيسررك ان تراها على ما تراك عليه اذا كنت على غير تهيه؟ قلت: لا قال: فهو ذاك ثم قال: من اخلاق الأنبياء التتظف و التطيب و حلق الشعر و كثره الطروقه. الحديث (الوسائل ج ۱۴/۱۸۳ - الفروع ج ۲/۷۸)

نکنید؛ چرا که نیاز زن بدون این مقدمات تأمین نمی شود و جماع اگر بدون ملاحظه و بازی باشد ظلم به همسر خواهد بود.

(۱)۱- در کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامیکه یکی از شما می خواهد با خانواده و همسر خود مجامعت کند نباید مثل حیوانات شتاب کند، بلکه باید با تأنی و رعایت مقدمات (مانند ملاحظه و بازی و...) باشد.»

(۲)۲- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «بعضی از شما [در اثر رعایت نکردن آداب مجامعت] چون نزدیک همسر خود می روید، او از شما فرار می کند [در حالی که گزینه او به قدری قوی می باشد که] او اگر غلام سیاهی را ببیند حاضر است به او بیاویزد. پس شما باید در وقت مجامعت بازی و شوخی و ملاحظه داشته باشید که تأثیر بسزایی در پاکی و صیانت شما خواهد داشت.»

(۳)۳- در همان کتاب، از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «هنگامیکه یکی

ص: ۶۹

-
- ۱- (۱) استحباب الملاحظه و ترک التعجیل عندالجماع ۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله: اذا جامع احدکم اهله فلا یأتیهنّ کما یأتی الطیر لیمکث و لیلث. قال بعضهم: ولیلث. (الوسائل ج ۱۴/۸۲)
- ۲- (۲) و فیه عنه... قال الصادق علیه السلام: إنّ احدکم لیأتی اهله فتخرج من تحته، فلواصابت زنجیا لتشبث به فاذا اتی احدکم اهله فلیکن بینهما ملاحظه «مداعبه خ ل» فأنّه اطیب للأمر. (المصدر)
- ۳- (۳) و فیه عن الخصال باسناده عن علیّ علیه السلام فی حدیث الأربعمأه قال: اذا اراد احدکم ان یأتی زوجته فلا یعجلها فانّ للنساء حوائج. (المصدر ص ۸۳)

از شما می خواهد با همسر خود مجامعت کند نباید با شتاب و عجله وارد شود؛ چرا که زن ها [برای تأمین غریزه جنسی] نیاز به ملاحظه و شوخی و بازی دارند.»

وجوب اطاعت و تمکین زن از شوهر

تردیدی نیست که نظام زندگی نیازمند به یک مدیر شایسته است همان گونه که در سطح وسیع، جامعه بشر نیز نیاز به یک حاکم مدیر و مدبّر و شجاع و متعهد به قانون دارد. ضرورت وجود مدیر و حاکم تا جایی است که باید گفت: حاکم ستمگر بهتر از هرج و مرج است در نظام خانواده نیز که یک مجموعه کوچکی است این ضرورت احساس می شود. و مطابق تصریح قرآن و بیان معصومین علیهم السلام، خداوند، مرد را حاکم و قیم و سرپرست زندگی و خانواده قرار داده است و در وجود او نیروی چنین مسئولیت سنگینی را نهاده و به دلیل نیرو و تعقل و اندیشه قوی تری که در وجود او گذارده تأمین نیاز همسر و خانواده را نیز برعهده او قرار داده است.

به این ترتیب، زندگی خانوادگی، با تعیین مقررات معین و صلاح دید مرد اداره می شود. البته این یک مسئولیت بیش نیست و خطر بی عدالتی در آن بسیار نزدیک است. از این رو، مرد نباید به این حاکمیت مغرور شود بلکه باید در هراس باشد که حق زیردستان خود را ضایع نکند؛ چرا که روز قیامت قبل از هر کس، حاکم و مسؤول مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت و زن ها باید خوشنود باشند که چنین بار سنگینی به دوش آنان نیامده است و گرفتار رفت و آمد و تلاش های خارج خانه برای تأمین زندگی نشده اند؛

همان گونه که حضرت زهرا علیها السلام پس از آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روزهای اول زندگی مشترکشان با حضرت علی علیه السلام بین او و علی علیه السلام تقسیم کار نمود و فرمود: فاطمه جان «کارهای خارج خانه مربوط به علی علیه السلام باشد و کارهای داخل خانه مربوط به تو فاطمه علیها السلام» بسیار خشنود گردید و فرمود: «تاکنون چیزی به این اندازه مرا خشنود نکرد که پدرم مسؤولیت رفت و آمد بین مردان را در خارج خانه از دوش من برداشت.»

البته روشن است که آنچه گفته شد فقط مربوط به نظام زندگی خانواده است و گرنه مسأله ارزش و قابلیت و مقام هر انسان (چه مرد و چه زن) وابسته به ایمان و معرفت و تقوا و بندگی اوست و ممکن است یک زن خانه دار که وظایف خود را رعایت می کند و از اختلاط با مردها در خارج خانه خودداری می نماید و... در پیشگاه خداوند عزیزتر از آن مردی باشد که سرپرست اوست.

اینک به سخنان معصومین علیهم السلام در این موضوع توجه می کنیم:

(۱)۱- در کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از محمدبن مسلم، از امام باقر علیه السلام نقل

ص: ۷۱

۱- (۱) وجوب تمکین المرأة زوجها علی کل حال ۱- الوسائل عن الکافی عن عدّه من اصحابنا عن احمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محبوب، عن مالک بن عطیة، عن محمد بن مسلم، عن ابي جعفر علیه السلام قال: جاءت امرأه إلی النبی صلی الله علیه و آله فقالت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله ما حقّ الزوج علی المرأة؟ فقال لها ان تطیعه ولا تعصیه ولا تصدق من بیته إلا باذنه و لا تصوم تطوعاً إلا باذنه و لا تمنعه نفسها و ان کانت علی ظهر قتب و لا تخرج من بیته إلا باذنه و ان خرجت بغير اذنه لعنتها ملائکة السماء و ملائکة الارض و ملائکة الغضب و ملائکة الرحمة حتّی ترجع إلی بیته قالت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله من أعظم الناس حقاً علی الرّجل؟ قال: والده قالت: فمن أعظم الناس حقاً علی المرأة؟ قال: زوجها قالت: فمالی علیه من الحقّ مثل ماله علیّ قال: لا ولا من کلّ مأه واحده الحدیث. و رواه الصّیّدوق یاسناده عن الحسن بن محبوب نحوه. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۲ - الفروع ج ۲/۶۰ الفقیه ج ۳/۴۳۸)

شده که فرمود: زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: حق مرد بر زن چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «باید از او اطاعت کند و حق ندارد او را نافرمانی کند و بدون اجازه او صدقه بدهد و یا روزه مستحبی بگیرد. و باید خود را کاملاً در اختیار او قرار دهد [و از هر گونه بهره جنسی نسبت به او دریغ نکند] و بدون اجازه او از خانه خارج نشود و اگر خارج شود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و ملائکه رحمت او را لعنت خواهند کرد تا به خانه خود باز گردد.»

آن زن گفت: حق چه کسی بر مرد بزرگ تر است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق پدر او.» پرسید: حق چه کسی بر زن بزرگ تر است؟ فرمود: «حق شوهر او.»

پرسید آیا همانند حقوقی که او بر من دارد من نیز بر او خواهم داشت؟ فرمود: «خیر. بلکه یک صدم حقی که او بر تو دارد تو بر او نداری.»

آن زن گفت: قسم به خدایی که شما را به پیامبری مبعوث نمود، هرگز مردی مالک من نخواهد شد و من ازدواج نخواهم نمود.

(۱)۲- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: زنی خدمت رسول

ص: ۷۲

۱- (۱)۲- و فيه عنه: و عنهم، عن أحمد، عن الجاموراني، عن ابن أبي حمزة، عن عمرو بن جبير العزمي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: جاءت امرأة إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقالت يا رسول الله ما حق الزوج على المرأة؟ فقال: أكثر من ذلك، قالت: فخبّرنی عن شیء منه، قال: ليس لها أن تصوم إلا باذنه یعنی تطوّعا و لا تخرج من بيتها بغير اذنه و عليها أن تتطيب بأطيب طيبها و تلبس أحسن ثيابها و تزین بأحسن زينتها و تعرض نفسها عليه غدوه و عشية و أكثر من ذلك حقوقه عليها. (المصدر)

خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله! حق مرد بر زن چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق او بیش از آن است که تو فکر می کنی!» او گفت: مقداری از آن را برای من بیان فرمایید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بدون اجازه او حق ندارد روزه مستحبی بگیرد و یا از خانه خارج شود و بر او لازم است که خود را به بهترین بوی خوش معطر کند و بهترین لباس خود را بپوشد و به بهترین زینت ها خود را بیاراید و هر صبح و شام خود را در اختیار او قرار دهد و حقوق فراوان دیگری نیز دارد.»

(۱)۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: حق مرد بر زن چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خواستہ جنسی او را برآورده کند گرچه بر روی شتر باشد و چیزی از مال او را بدون اجازه او انفاق نکند و الا گناهکار خواهد بود و پاداش صدقه او هم برای مرد می باشد و هیچ شبی را با خشم او به سر نبرد.» آن زن گفت: گرچه او ظالم باشد؟ فرمود: «آری.» آن

ص: ۷۳

۱- (۱)۳- و فيه عنه: و بالاسناد عن ابن أبي حمزة، عن أبي المغراء، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أتت امرأة إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقالت: ما حق الزوج على المرأة؟ قال: أن تجيبه إلى حاجته و ان كانت على قتب ولا تعطى شيئاً إلاّ باذنه فان فعلت فعلها الوزر و له الاخر و لا-تبيت ليله و هو عليها ساخط قالت: يا رسول الله و ان كان ظالماً؟ قال: نعم الحديث. (المصدر)

زن گفت: سوگند به آن خدایی که تو را به حق مبعوث به رسالت نمود، من هرگز همسری انتخاب نخواهم نمود.

مؤلف گوید: مهم ترین وظیفه زن مسأله شوهرداری اوست و در حقیقت سعادت و نجات و بهشت او وابسته به آن است که اگر رعایت این وظیفه را نکند عبادت های دیگر او کم رنگ و بی ارزش خواهد بود.

(۱)۴- در کتاب وسایل الشیعه، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «زنی که نمازهای پنجگانه خود را در شبانه روز بخواند و روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و حج خانه خدا را برود و از شوهر خود اطاعت کند و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام [و فرزندان او] را پذیرفته باشد اهل بهشت خواهد بود و از هر دری بخواد می تواند وارد بهشت شود.»

پاداش همبستر شدن با همسر

(۲) مسأله ازدواج و زناشویی می تواند عبادت باشد، در صورتی که با قصد قربت

ص: ۷۴

-
- ۱- (۱)۴- و فيه عنه: محمد بن علی بن الحسین بإسناده عن أبي الصَّبَّاحِ الكِنَانِي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: اذا صلَّت المرأة خمسها و صامت شهرها و حجَّت بيت ربَّهما و اطاعت زوجها و عرفت حقَّ عليّ فلتدخل من أي باب الجنان شاءت. (المصدر ص ۱۱۲ - الفروع ج ۲/۷۴) استحباب المجامعه و الأجر فيها
- ۲- (۲)۱- الوسائل عن الكافي... عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : لرجل: اصبحت ضائماً؟ فقال: لا، قال: فاطعمت مسكيناً؟ قال: لا، قال: فارجع الى اهلك فإنه منك عليهم صدقه.

و برای انجام دستور دین و رضای خداوند انجام گیرد. به نظر می رسد انجام این سنت اگر همراه ریا و اغراض فاسده دیگر نباشد نیز عبادت محسوب شود؛ چنان که از ظاهر روایات این گونه استفاده می شود. متن روایات وارده چنین است:

۱- در کتاب وسائل، از کتاب کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی از اصحاب خود فرمود: «آیا امروز روزه گرفته ای؟» گفت: خیر. فرمود: «آیا فقیری را اطعام نموده ای؟» گفت: خیر. فرمود: «پس نزد همسر خود برو که آن برای تو صدقه محسوب می شود.»

(۱) ۲- در ثواب الأعمال، قبل از جمله اول آمده است که فرمود: «آیا تشییع جنازه ای کرده ای؟» گفت: خیر. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پس به خانه خود بازگرد و با اهل خود همبستر شو که این عمل برای تو صدقه محسوب خواهد شد.»

(۲) ۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله

ص: ۷۵

۱- (۱) ۲- و رواه الصدوق فی ثواب الأعمال عن عبدالله بن میمون... و زاد قبل قوله: فاطعت مسکینا؟: فعدت مریضا؟ قال: لا، قال: فاتبعت جنازه؟ قال: لا. و قال فی آخره: فارجع الی اهلک فاصبهم. (الوسائل ج ۱۴/۷۵ الفروع ج ۲/۵۷)

۲- (۲) ۳- و فیہ عنه... عن ابراهیم الجعفی قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: ان رسول الله صلی الله علیه و آله دخل بیت ام سلمه فشم ریحاً طیبه فقال: أتتکم الحولاء؟ فقالت: هو ذاهی تشکو زوجها فخرجت علیه الحولاء فقالت: بانی انت و امی ان زوجی عنی معرض، فقال: زیدیه یا حولاء، فقالت: لا اترک شیئا طیباً ممّا اتطیب له به و هو معرض فقال: اما لویدری ماله باقباله علیک قالت: و ما له باقباله علیّ؟

روزی وارد خانه امّ سلمه - همسر خود - گردید و چون احساس بوی خوش نمود به امّ سلمه فرمود: «آیا آن زن حواء به این خانه آمده است؟» امّ سلمه گفت: آری، او در این جا حاضر است و از شوهر خود شکایت دارد.

پس آن زن خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: پدر و مادرم فدای شما باد! همسر من از من دوری می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از او دلجویی کن و خود را زینت نما و بر او عرضه کن.»

آن زن گفت: من هرچه می توانسته ام خود را خوشبو کرده ام و او از من اعراض می کند.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای کاش او می دانست که توجه کردن و بهره گیری از تو برای او چه قدر پاداش دارد؟» آن زن گفت: او به این چیزها توجه نمی کند.

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آگاه باش که اگر به تو توجه کند و از تو بهره بگیرد دو ملک او را در آغوش می گیرند و او پاداش کسی را خواهد داشت که با شمشیر خود از دین خدا حمایت کند و چون با تو همبستر شود گناهان او همانند برگ خزان می ریزد و هنگامی که غسل جنابت می نماید از گناهان خود پاک خواهد شد.»

ص: ۷۶

۱- (۱) فقال صلی الله علیه و آله : اما انه اذا اقبل اکتنفه ملکان، و کان کالشاهر سیفه فی سبیل الله، فاذا هو جامع تحات عنه الذنوب كما يتحاب ورق الشجر، فاذا هو اغتسل انسلخ من الذنوب. (المصدر)

مسائل مربوط به فرزندان و حقوق آنان

اشاره

ص: ۷۷

دستورات اسلام در مورد تربیت فرزندان و محبت و احسان به آنان فراوان است. می توان گفت که هیچ آیین و مکتبی این اندازه در مسأله تربیت فرزندان و احسان به آنان سفارش نکرده است و اگر هیچ دلیلی برای اثبات حقانیت اسلام نباشد همین دستورات حقوقی و تربیتی و عاطفی و حقوق متقابلی که بین پدر و مادر و فرزندان و زن و شوهر و خویشان و برادران دینی قرار داده است دلیلی روشن برای حقانیت آن خواهد بود.

البته اسلام به دلیل این که کامل ترین ادیان و آخرین آیین آسمانی است و پیامبر آن حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران است، در تمام ابعاد و زمینه های حقوقی و فقهی و سیاسی و اخلاقی و... کامل ترین و جامع ترین مقررات را داراست و مقررات آن هرگز کهنه و مندرس نمی شود و باید به کسانی که احیانا از روی نادانی و دوری از معارف اسلامی گمان می کنند که علم روز و پیشرفت صنعت و تکنولوژی با اسلام سازگار نیست و می گویند اسلام برای مردم جاهلی و اعراب آن زمان خوب بوده است و الآن با این همه پیشرفت قابل پیاده شدن نیست باید گفت که شما اسلام را نشناخته و درک نکرده اید و گرنه چنین سخنان کفرآمیزی را به زبان جاری نمی کردید و هرچیز تازه ای را حق نمی پنداشتید و همانند ماهی که چون داخل آب است و قدر آب را نمی داند شما نیز قدر اسلام را نمی دانید.

اینک به گوشه هایی از دستورات تربیتی و حقوقی بین پدر و مادر و فرزندان که از زبان مبارک معصومین علیهم السلام صادر شده است توجه می کنیم:

(۱) ۱- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از کتاب مکارم الاخلاق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «بچه ها را دوست بدارید و به آنان ترحم کنید و چون به آنان وعده ای می دهید به آن وفا نمایید؛ چرا که آنان جز شما را رازق خود نمی دانند.»

(۲) ۲- در همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که چون مردی را دیدند که دو فرزند داشت و یکی از آنان را می بوسید و دیگری را رها می کرد، به او فرمود: «برای چه بین آنان فرق می گذاری؟»

(۳) ۳- و فرمود: «بین فرزندان خود به عدالت عمل کنید؛ چنان که دوست می دارید آنان در محبت و احسان بین شما به عدالت عمل کنند.»

(۴) ۴- در همان کتاب نقل شده که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسن و امام

ص: ۷۹

۱- (۱) ۱- البحار عن مکارم الأخلاق عن النبي صلی الله علیه و آله قال: احبوا الصبيان و ارحمهم فاذا وعدتموهم ففوا لهم فانهم لا يرون إلا انكم ترزقونهم. (البحار ج ۱۰۴/۹۲ مکارم الأخلاق ص ۲۵۲)

۲- (۲) ۲- و قال صلی الله علیه و آله : اعدلوا بين اولادكم كما تحبون ان يعدلوا بينكم في لبر و اللطف. (المصدر)

۳- (۳) ۳- و عن النبي صلی الله علیه و آله (انه) نظر الى رجل له ابنان فقبتل احدهما و ترك الآخر فقال النبي صلی الله علیه و آله : فهلا و اسيت بينهما. (المصدر)

۴- (۴) ۴- و في البحار عن مكارم الأخلاق: قبل رسول الله صلی الله علیه و آله الحسن و الحسين عليهما السلام ، فقال الاقرع بن جابس: إن لي عشرة من الاولاد ما قبلت واحدا منهم فقال صلی الله علیه و آله : ما علي ان نزع الله الرحمه منك او كلمه نحوها. (المصدر)

حسین علیهما السلام را می بوسیدند شخصی به نام اقرع بن جابس گفت: من ده فرزند دارم و تاکنون یکی از آنان را نبوسیده ام. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چه کنم که خدا رحمت و محبت را از دل تو برداشته است.»

(۱) ۵- و فرمود: «حق فرزند بر پدر سه چیز است: نام نیک بر او گذارد، کتابت و نوشتن به او یاد دهد، و چون بالغ شود او را به ازدواج درآورد.»

و فرمود: «کسی که سه دختر و یا سه خواهر خود را نگهداری و تأمین نماید بهشت برای او واجب می شود.» گفته شد: اگر دو دختر یا دو خواهر خود را تأمین کند چگونه است؟ فرمود: «بهشت برای او واجب خواهد شد.» گفته شد: اگر یک دختر و یا یک خواهر خود را تأمین کند چگونه است؟ فرمود: «بهشت برای او واجب خواهد شد.»

(۲) ۶- و فرمود: «فرزندان خود را زیاد ببوسید همانا به هر بوسه ای برای شما درجه ای در بهشت خواهد بود که بین هر درجه تا درجه دیگر پانصد سال می باشد.»

(۳) ۷- و فرمود: «پدر و مادر نیز مانند فرزندان عاق آنان خواهند شد [اگر حقوق

ص: ۸۰

۱- (۱) ۵- و قال صلی الله علیه و آله : من حقّ الولد علی والده ثلاثه: یحسّن اسمه و یعلمه الکتابه و یزوّجه اذا بلغ. (المصدر)
۲- (۲) ۶- و قال صلی الله علیه و آله : کثروا من قبله اولادکم فانّ لکم بكلّ قبله درجه فی الجنّه ما بین کلّ درجه خمسّمأه عام. (المصدر)

۳- (۳) ۷- و فیه عنه قال الرضا علیه السلام : یلزم الوالدین من عقوق الولد ما یلزم الولد لهما من العقوق. (المصدر ص ۹۲)

آنان را ضایع کنند و یا سبب عقوبت آنان شوند].

(۱) ۸- و فرمود: «سوگند به خدایی که مرا به حق [به نبوت] مبعوث نموده، کسی که عاق پدر و مادر خود شود بوی بهشت را نمی شنود.»

(۲) ۹- و فرمود: «کسی که داخل بازار شود و چیزی برای خانواده خود خریداری کند، همانند کسی خواهد بود که برای فقرا و مستمندان چیزی تهیه می کند و چون متاعی که خریده را به خانه می برد [و فرزندان اطراف او جمع می شوند] اول دختران خود را خوشنود کند، چرا که هرکس دختری را خوشنود کند همانند آن است که غلامی را از فرزندان اسماعیل علیه السلام آزاد نموده باشد، و هرکس فرزند پسری را خوشنود کند همانند آن است که از خوف خدا گریسته باشد، و هرکس از خوف خدا بگرید خداوند او را در بهشت متنعم خواهد نمود.»

(۳) ۱۰- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فرزند خود را رها

ص: ۸۱

۱- (۱) ۸- و فيه عنه قال النبي صلى الله عليه و آله : و الذي بعثني بالحق إن العاق لوالديه ما يجد ریح الجثه. (المصدر)
۲- (۲) ۹- و فيه عن نوادر الحكمه عن ابن عباس قال: قال النبي صلى الله عليه و آله : من دخل السوق فاشترى تحفه فحملها الى عياله كان كحامل صدقه الى قوم محاويع وليبدأ بالأناث قبل الذكور، فانه من فرح ابنه فكأتما اعتق رقبه من ولد اسماعيل و من اقر بعين ابن فكأتما بكى من خشيه الله، و من بكى من خشيه الله ادخله جنات النعيم. (البحار ج ۱۰۴/۹۴ مكارم الاخلاق ص ۲۵۴)

۳- (۳) ۱۰- و فيه عنه عن الصادق عليه السلام قال: دع ابنك يلعب سبع سنين و يؤدب سبعا، و الزمه نفسك سبع سنين فان افلح و الآفانه من لاخيرفيه. (المصدر)

کن تا هفت سال بازی کند، و در هفت سال دوم، او را آداب و تربیت بیاموز، و در هفت سال سوم، او را امر و نهی کن. پس اگر رستگار نشد او را رها کن که خیری در او نیست.»

(۱) ۱۱- و در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «فرزند در هفت سال اول آقا و سید است [که تو باید از او اطاعت کنی]، و در هفت سال دوم غلام تو است [که او از تو اطاعت می کند]، و در هفت سال سوم وزیر تو می باشد [که باید از او کمک بگیری و نظرخواهی کنی]. پس اگر [به وظیفه خود عمل کردی] و در سن بیست و یک سالگی به اخلاق و روش او راضی شدی [سعادت مند خواهد بود] و گرنه او را رها کن و تو در پیشگاه خداوند معذور هستی.»

(۲) ۱۲- و فرمود: «فرزندان خود را اکرام و احسان کنید و آداب نیکو به آنان یاد دهید تا آمرزیده شوید.»

(۳) ۱۳- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «چون فرزندان شما به ده سال می رسند بستر آنان را از زن ها جدا کنید.»

ص: ۸۲

۱- (۱) ۱۱- و قال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ وَعَبْدُ سَبْعِ سِنِينَ وَوَزِيرُ سَبْعِ سِنِينَ فَانْ رَضِيَتْ خَلَائِقُهُ لِاحْدَى وَعَشْرِينَ وَالْأَفْضَرُ عَلَى جَنْبِهِ فَقَدْ اعْذَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.

۲- (۲) ۱۲- وَفِيهِ عَنْهُ قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اَكْرَمُوا اَوْلَادَكُمْ وَاحْسِنُوا اَدَابَهُمْ يَغْفِرْ لَكُمْ. (البحار ج ۱۰۴/۹۵)

۳- (۳) ۱۳- وَفِيهِ عَنْهُ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَفْرَقُ بَيْنَ الْغُلَمَانِ وَالنِّسَاءِ فِي الْمَضَاجِعِ اِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سِنِينَ. (المصدر ص ۹۶)

(۱)۱۴- در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «فرزندان شما چون به ده سال می رسند، دو پسر و دو دختر و یک پسر و یک دختر را در یک بستر قرار ندهید.»

(۲)۱۵- و فرمود: چون دختر به شش سال می رسد او را نبوسید و پسر نیز چون به هفت سال می رسد نباید زن ها را ببوسد.

(۳)۱۶- و فرمود: زن اگر دختر شش ساله خود را مباشرت کند (یعنی او را مانند دوران بچه بودن بشوید و حمام کند) شعبه ای از زنا خواهد بود.

(۴)۱۷- و آن حضرت به احمد بن نعمان نسبت به دختر شش ساله ای که خویشی با او نداشت فرمود او را در دامن خود مگذار و او را نبوس.

ص: ۸۳

-
- ۱- (۱)۱۴- و فيه عنه عن الصادق عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الصبي والصبي، والصبي والصبي، والصبي، والصبي، والصبي يفرق بينهم في المضاجع لعشر سنين. (المصدر عن مكارم الأخلاق ص ۲۵۵)
 - ۲- (۲)۱۵- و قال عليه السلام: اذا بلغت الجارية ست سنين فلا تقبلها، والغلام لا يقبل المرأة اذا جاز سبع سنين. (المصدر)
 - ۳- (۳)۱۶- و قال علي عليه السلام: مباشره المرأة اذا بلغت ست سنين شعبه من الزنا. (المصدر)۱۷- و فيه عنه عن الصادق عليه السلام سأله احمد بن النعمان فقال: جویره ليس بيني وبينها رحم و لهاست سنين؟ قال عليه السلام: فلا تضعها في حجرک و لا تقبلها. (المصدر)

(۱) در قرآن کریم در سوره انبیاء آمده که حضرت زکریا علیه السلام از خدای خود درخواست فرزند نمود و گفت: «خدایا، مرا تنها مگذار» و خداوند او را اجابت نمود و حضرت یحیی علیه السلام را به او عطا کرد. و در سوره فرقان، خداوند نشانه های بندگان خود را بیان نموده و می فرماید: «آنان می گویند: خدایا، از همسران و ذریه ما فرزندانمانی به ما عطا کن که نور چشم ما باشند.»

(۲) و در سوره نوح آمده که او به پروردگار خود گوید: من به مردم گفتم: باید از خدای غفار و بخشنده خود استغفار کنید تا او رحمت خود را بر شما فرو فرستد و به وسیله اموال و فرزندان شما را کمک دهد.

(۳) ۱- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از کتاب طبّ الائمه، از بکیربن محمد نقل

ص: ۸۴

۱- (۱) استحباب طلب الولد و ما یوجب رشده قال الله سبحانه: و زکریّا اذ نادى ربّه ربّ لاتدرنی فردا و انت خیر الوارثین. فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و اصلحنا له زوجه. (الانبیاء ۹۰)

۲- (۲) و قال سبحانه: والذین یقولون ربّنا هب لنا من ازواجنا و ذریّاتنا قرّه اعین و اجعلنا للمتّقین اماما. (الفرقان ۷۳) و قال سبحانه عن قول نوح: فقلت استغفروا ربکم إنّه کان غفّارا یرسل السماء علیکم مدرارا و یمدکم باموال و بنین. (سوره نوح ۱۲/)

۳- (۳) ۱- البحار عن طبّ الائمه علیهم السلام عن بکیربن محمد قال: کنت عند ابی عبد الله علیه السلام فقال له رجل: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله یولد لی الولد فیکون فیہ البله و الضعف فقال: ما یمنعک من السویق اشربه و مراهلک به فانّه ینبت اللحم و یشدّ العظم و لا یولد لکم الا القویّ. (البحار ج ۱۰۴/۷۸ طبّ الائمه ص ۸۸)

نموده که گوید: من خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، مرا فرزندی به هم رسیده که مبتلای به کودنی و ضعف و ناتوانی است پس امام علیه السلام به او فرمود: چه مانع است تو را که خود و همسر خود از سوئق استفاده نمی کنید تا به وسیله آن گوشت و استخوان شما محکم و نیرومند گردد و فرزند شما نیز قوی گردد؟!»

(۱) ۲- در همان کتاب، از کتاب محاسن، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «یکی از پیامبران از کمی نسل امت خود به خداوند شکایت نمود. پس خدا امر نمود که به امت خود بگوید: از تخم مرغ استفاده کنند و چون چنین کردند نسل آنان فراوان گردید.»

(۲) ۳- در همان کتاب، از حضرت کاظم علیه السلام نقل شده که فرمود: «شیر و عسل برای آب کمر سودمند است.»

(۳) ۴- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر کس اول روز از

ص: ۸۵

۱- (۱) ۲- و فيه عن المحاسن عن الاصبغ عن علي عليه السلام قال: انّ نبيا من الأنبياء شكى الى الله قلّه النسل في امته فامرّه ان يأمرهم بأكل البيض ففعلوا فكثر النسل فيهم. (المصدر ص ۷۹ المحاسن ص ۴۸۱)

۲- (۲) ۳- و فيه عنه... عن ابى الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام قال: من تعيّر عليه ماء الظهر ينفع له اللبن الحليب و العسل. (المصدر ص ۸۰ المحاسن ص ۴۹۲)

۳- (۳) ۴- و فيه عنه... عن الصادق عليه السلام قال: من اكل سفرجله على الريق طاب ماؤه و وحسن ولده. (المصدر ص ۸۱)

به استفاده کند نطفه او پاکیزه و فرزند او زیبا خواهد شد.»

(۱)۵- در همان کتاب نقل شده است: «انار آب مرد را زیاد و فرزند را نیکو و زیبا می گرداند.»

مؤلف گوید: چنان که گذشت و خواهد آمد، فرزند زیاد مورد سفارش معصومین ما علیهم السلام بوده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: ازدواج کنید تا فرزندان زیادی بیابید؛ چرا که من روز قیامت به وسیله امت خود بر امت های دیگر مباحات می نمایم، حتی نسبت به آن فرزندی که سقط شده باشد.» و فرمود:

«فرزندی که سقط شده است بر در بهشت باحالت خشم می ایستد و چون به او می گویند: وارد بهشت شود، می گوید: هرگز بدون پدر و مادرم وارد بهشت نخواهم شد.» ولی با کمال تأسف امروزه بعضی ماها، همانند بعضی از جهّال صدراسلام، می گویند: «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و اکثر آنان خود را عقیم می کنند که صاحب فرزند زیاد نشوند، در حالی که سیره و روش اولیای دین ما چنین نبوده است.

(۲)۶- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از کتاب محاسن، از بکر بن صالح نقل

ص: ۸۶

۱- (۱) و فيه عنه... قال عليه السلام: اكل الرمان يزيد في ماء الرجل و يحسن الولد. (المصدر ص ۸۲)

۲- (۲)۶- وفيه عن مكارم الأخلاق عن بکر بن صالح قال: كتبت الى ابي الحسن الثاني عليه السلام: اني اجتنبت طلب الولد منذ خمس سنين وذلك ان اهلي كرهت ذلك و قالت انه يشتد علي تربيتهم لقله الشىء فماترى؟ فكتب اطلب الولد فان الله يرزقهم. (المصدر ص ۸۴ مكارم الأخلاق ص ۲۲۲)

نموده که گوید: من نامه ای به حضرت ابوالحسن ثانی، علی بن موسی الرضا علیه السلام، نوشتم که پنج سال است از تولید نسل خودداری نموده ام و این به این علت است که همسر من از آن کراهت دارد و می گوید: چون چیزی نداریم تربیت آنان بر ما سخت است، نظر شما چیست؟

پس امام علیه السلام در پاسخ نامه من نوشت: «از تولید نسل و فرزند دریغ مکن؛ چرا که خداوند رازق آنها است.»

(۱) ۷- و در همان کتاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ازدواج کنید تا نسل شما فراوان گردد همانا من در روز قیامت به وسیله شما بر امت های دیگر مباحثات می نمایم حتی فرزند سقط شده شما نیز از امت من محسوب خواهد شد.»

(۲) ۸- و در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله (ضمن سخنان طولانی خود) فرمود: آیا نمی دانید که من در مقابل امت های دیگر به شما مباحثات می کنم حتی نسبت به فرزند سقط شده شما نیز مباحثات می کنم؟ همانا او با حالت خشم بر در بهشت می ایستد و خداوند به او می فرماید: وارد بهشت شود و او می گوید: وارد بهشت نمی شوم تا این که قبل از من پدر و مادرم وارد شوند پس خداوند به ملکی از ملائکه دستور می دهد: پدر و مادر او را بیاورید پس آنان وارد بهشت می شوند و سپس خداوند به او می فرماید: «این از فضل رحمت من می باشد بر تو.»

۹- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه مانع است مؤمن را که همسری بگیرد به امید آن که خداوند به او فرزندی بدهد و زمین را با گفتن لاله الا لله سنگین کند.

۱۰- و فرمود: هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند محبوب تر از ازدواج نیست.

ص: ۸۷

۱- (۱) ۷- البحار... قال النبى صلی الله علیه و آله تناكحوا تناسلوا تكثروا فإني اباهي بكم الأمم يوم القيامة و لو بالسقط. (البحار ج ۴۴/۱۷۰)

۲- (۲) ۸- الكافي... عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ... اما علمتم انی اباهي بكم الأمم يوم القيامة حتى بالسقط يظل محببنا على باب الجنة فيقول الله عز وجل: ادخل الجنة فيقول: لا ادخل حتى ابواي قبلي فيقول الله تبارك و تعالی لملك من الملائكة ايتني بابويه فيأمر بهما الى الجنة فيقول: هذا بفضل رحمتي لك. (الكافي ج ۵/۳۳۴)

(۱) تردیدی نیست که فرزندان صالح و شایسته از باقیات و صالحات هستند. از معصومین علیهم السلام روایت شده است که دفتر اعمال انسان با مردن او بسته می شود جز از چند راه: صدقه جاریه، و فرزند صالح، و دانشی که تعلیم شود و آثار آن بعد از مرگ باقی به ماند. و فرموده اند:

فرزند صالح ثمره و میوه زندگی انسان است و همسر صالح نیز از نعمت های بزرگ خداوند است و چون خداوند نظر لطفی به بنده خود کند همسر مؤمن و شایسته ای به او می دهد که چون به او می نگرد شاد می شود و چون از او غایب می گردد او امانت شوهر خود (یعنی مال شوهر و عفت خودش) را حفظ می نماید. و در بعضی از روایات آمده است که همسر خوب و صالح از عمّال و کارپردازان الهی است.»

از سویی، در آیات قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام سفارش شده که از شر فرزندان و همسران ناشایست در هراس و حذر باشید و بترسید که آنان شما را از یاد خداوند غافل نکنند.

خداوند در قرآن می فرماید: «بعضی از همسران و فرزندان شما دشمنان شمایند پس باید از آنان حذر کنید.»

(۲) و یا می فرماید: «اموال و فرزندان شما وسیله فتنه و آزمایش شمایند و پاداش

ص: ۸۸

۱- (۱) فضل الزوجه و الأولاد الصالحین و ثواب تربیتهم قال الله سبحانه: و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما و جعل بینکم مودّة و رحمّة إنّ فی ذلك لآیات لقوم یتفکروّن. (الروم / ۲۱) و قال سبحانه: و لله ملک السماوات و الأرض یخلق ما یشاء و یهب لمن یشاء اناثا و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرا و اناثا و یجعل من یشاء عقیما انه علیهم قدیر. (جمعسق / ۴۹/۵۰)

۲- (۲) و قال سبحانه: المال و البنون زینه الحیاه الدنیا و الباقیات الصالحات خیر عند ربّک ثوابا و خیراملاً. (الکھف / ۴۶) و قال سبحانه: یا ایها الذین آمنوا انّ من ازواجکم و اولادکم عدّوا لکم فاحذروهم و ان تعفوا و تصفحوا و تغفروا فانّ الله غفور رحیم. انما اموالکم و اولادکم فتنه و الله عنده اجر عظیم. (التغابن / ۱۴/۱۵)

بزرگ خداوند برای کسانی است که خشودی خدا را بر خشودی آنان مقدم بدانند.»

علامه مجلسی، در کتاب بحار، از کتاب مکارم الأخلاق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «فرزند صالح از گل های بهشت است.»

(۱) در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «میراث خداوند از بنده خود فرزند صالحی است که برای او استغفار کند.»

پاداش شوهرداری و بارداری زن

(۲) در سخنان معصومین علیهم السلام آمده است که جهاد زن نزد خداوند شوهرداری نیکوی او در خانه است؛ (۳) هم چنانکه جهاد مرد در خارج خانه تلاش او برای به دست آوردن روزی حلال است (۴) و انجام این دو وظیفه برای زن و مرد از اسباب

ص: ۸۹

۱- (۱) - الکافی عن ابی جعفر علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله قال الله عزوجل اذا اردت ان اجمع للمسلم خیرالدنیا والآخره جعلت له قلبا خاشعا و لسانا ذاکرا و جسدا علی البلاء صابرا و زوجة مؤمنة تسره اذا نظر اليها و تحفظه اذا غاب عنها فی نفسها و ماله. (الکافی ج ۵/۳۲۷)

۲- (۲) - و قال صلی الله علیه و آله : من سعادہ المرأ الزوجہ الصالحه. (المصدر)

۳- (۳) - و قال صلی الله علیه و آله : اذا مات المؤمن انقطع عمله الا من ثلاث: صدقه جاریه، او علم یتنفع به، او ولد صالح یدعوله. (البحار ج ۲/۲۲)

۴- (۴) - و قال صلی الله علیه و آله : الولد الصالح ریحانه من ریاحین الجنه. (المصدر ج ۵/۱۰۴/۹۰) و قال الصادق علیه السلام : میراث الله من عبده المؤمن ولد صالح یتغفر له. (المصدر مکارم الاخلاق / ۲۵۱) ثواب النساء فی خدمه الأزواج و الحمل و الولادہ و تربیہ الولد

۱- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از امالی صدوق، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرزنی که در خانه شوهر خود برای اصلاح زندگی او چیزی را جابه جا کند، خداوند نظر رحمت به او می افکند و خداوند به هر کس نظر رحمت داشته باشد هرگز او را عذاب نمی کند.» ام سلمه، همسر آن حضرت، گفت: با این سخن مردها همه خوبی ها و بهره ها را دارا شدند، پس برای زن های مستمند چه خواهد بود؟

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آری، زن چون باردار شود پاداش او همانند کسی است که در روز روزه دار و در شب عابد باشد و در راه خدا با جان و مال خود مجاهده نماید، و چون وضع حمل و زایمان نماید پاداش او به قدری بزرگ است که کسی نمی داند، و چون فرزند خود را شیر دهد با هر بار مکیدن فرزند از پستان مادر، خداوند پاداش آزاد کردن غلامی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را به او می دهد، و چون دوران شیر دادن او تمام شود ملکی از طرف خداوند دست خود را به پهلوی او می زند و می گوید: خداوند تو را بخشید، کار خود را از سر بگیر.»

(۲) در همان کتاب، از کتاب خصال صدوق، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مردان امت من اگر از علاقه به دنیا و پیروی از هوای نفس و شکم پرستی و شهوت پرستی دور باشند اهل بهشت می باشند، و زن های امت من اگر عفت خود را حفظ نمایند و از شوهران خود اطاعت نمایند و نمازهای پنجگانه

ص: ۹۰

۱- (۱) فقال صلی الله علیه و آله: بلی اذا حملت المرأة کانت بمنزله الصائم القائم المجاهد بنفسه و ماله فی سبیل الله فاذا وضعت کان لها من الأجر مالا تدری ماهو لعظمه، فاذا ارضعت کان لها بكلّ مَصِيْبَةٍ كَعَدَلِ عَتَقٍ مُحَرَّرٍ مِنْ وَلَدِ اسْمَاعِيلِ فاذا فرغت من رضاعه ضرب ملک علی جنبها و قال: استأنفی العمل فقد غفر لک. (البحار ج ۱۰۴/۱۰۶ الأمالی ص ۴۱۱)

۲- (۲) - وفیه عن الخصال... عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من سلم من امتی من اربع خصال فله الجنة: من الدخول فی الدنيا، و اتباع الهوی، و شهوه البطن، و شهوه الفرج، و من سلم من نساء امتی من اربع خصال فلها الجنة: اذا حفظت ما بین رجليها، و اطاعت زوجها، و صلت خمسها، و صامت شهرها. (البحار ص ۱۰۷ الخصال ج ۱/۱۵۲)

خود را بخوانند و ماه مبارک رمضان را روزه دار باشند اهل بهشت خواهند بود.»

(۱)۳- در همان کتاب، از کتاب مجالس شیخ طوسی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «زنی که در حال زایمان و نفاس خود بمیرد، چون در حال اندوه [و مصیبت] مرده است، در روز قیامت حسابی برای او نخواهد بود.»

آداب نوزاد و مقام مادر

در این قسمت، بخشی از سخنان معصومین علیهم السلام را در رابطه با ولادت فرزند و آداب کام برداشتن و صدقه دادن و عقیقه کردن و اطعام و ولیمه و ختنه نمودن و نامگذاری فرزندان را مطرح می کنیم.

بهرتر است متن سخنان اولیای دین را در اختیار خوانندگان قرار دهیم، به دلیل این که نورانیت و تأثیر سخنان آنان در دل ها قابل انکار نیست و نیازی نیست که ما مضامین آنها را با عبارات خود آمیخته کنیم و در اختیار مردم قرار دهیم؛ چرا که دل ها فقط با شنیدن سخنان معصومین علیهم السلام آرامش و اطمینان پیدا می کند.

(۲)۱- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از قرب الاسنا، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین علیهما السلام را روز هفتم نام گذاری و برای آنان عقیقه نمود و آنان را ختنه کرد و سرهای آنان را تراشید و به اندازه آن از نقره صدقه داد.»

(۳)۲- در همان کتاب، از موسی بن جعفر علیهما السلام نقل شده که فرمود: «عقیقه برای دختر و پسر یکسان است.»

(۴)۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام، از پدرانش نقل شده که فرمود:

ص: ۹۱

۱- (۱)۳- و فیه عن امالی الطوسی... عن الصادق علیه السلام قال: النفساء تبعث من قبرها بغير حسابٍ لآنها ماقت فی غمّ نفاسها. (المصدر الأمالی ج ۲/۲۸۵) آداب الولاده و سنن المولود

۲- (۲)۱- البحار عن قرب الاسناد عن الصادق علیه السلام قال: سمی رسول الله الحسن و الحسين علیهما السلام لسبعه ایام و عقّ عنهما لسبع، و ختنهما لسبع، و حلق رؤوسهما لسبع، و تصدّق بزنه شعورهما فضّه. (البحار ج ۱۰۸/۱۰۴)

۳- (۳)۲- و فیه عنه... عن یونس بن یعقوب قال: سألت ابالحسن موسی علیه السلام عن العقیقه للجاریه و الغلام فیها سواء؟ قال: نعم. (المصدر)

۴- (۴)۳- و فیه عن الخصال عن الصادق عن أبائه علیهم السلام قال: قال: اختنوا اولادکم یوم السابع فأنه اطهر و اطیب و اسرع لبنات اللحم، فإنّ الأرض تنجس من بول الاغلف اربعین صباحا. (المصدر ص ۱۰۹)

«فرزندان خود را روز هفتم ختنه کنید که آن در پاکی و طهارت و رویدن موی آنان مؤثر خواهد بود و زمین تا چهل روز از بول بیجه ای که ختنه نشده نجس می شود [و ضجه می زند].»

(۱)۴- در همان کتاب، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «خداوند به مریم [در وقت زایمان] فرمود: شاخه خرما را بگیر تا آن شاخه [خشکیده] برای تو خرمای پاکیزه بریزد و از آن بخور و از آب [کنار آن] بنوش تا چشم تو روشن شود [و شادمان شوی].»

(۲)۵- و فرمود: «برای زنی که زایمان کرده هیچ دارو و غذایی بهتر از خرمای تازه نیست و خرمای برنی (خرمای سرخ) بهتر می باشد. و آن فرزند را حلیم و بردبار خواهد کرد شما کام فرزندان خود را با آن بردارید چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله کام حسن و حسین را با آن برداشت.»

(۳)۶- امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: اگر وقت خرمای رطب نبود چه کنیم؟ فرمود: هفت دانه از خرمای مدینه را بخورد و اگر نبود از خرمای شهرهای دیگر بخورد چرا که خداوند می فرماید: به عزت و جلال و عظمت و مقام والایم سوگند که هر زنی بعد از زایمان اگر خرمای رطب بخورد فرزند او

ص: ۹۲

۱- (۱)۴- و فيه عنه قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ما تأکل الحامل من شیءٍ ولا تتداوی به افضل من الرطب قال الله عزوجل

لمریم علیهما السلام : «و هزّی الیک بجذع النخلة تساقط علیک رطباً جتیا فکلی و اشربی و قرّی عینا» (المصدر ص ۱۱۰)

۲- (۲)۶- البحار عن الخصال... و حنکوا اولادکم بالتمر فهكذا فعل رسول الله صلی الله علیه و آله بالحسن و الحسین علیهما السلام . (البحار ج ۱۰۴/۱۱۰ الخصال ج ۲/۴۳۳)

۳- (۳)۵- و فی المحاسن... عن علیّ علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لیکن اول ما تأکل النفساء الرطب لأنّ الله عزوجل قال لمریم بنت عمران: «و هزّی الیک بجذع النخلة تساقط علیک رطباً جتیا قیل: یا رسول الله فان لم یکن إبان الرطب؟ قال: سبع تمرات من تمرات المدینه فان لم یکن فسبع تمرات من تمرات مصارکم فانّ الله تبارک و تعالی قال: «و عزّتی و جلالی و عظمتی و ارتفاع مکانی لا تأکل نفساء یوم تلد الرطب فیکون غلاماً الا کان حلیماً و ان کانت جاریه کانت حلیمه». (المحاسن ج ۲/۵۳۵)

حلیم و بردبار خواهد بود.

(۱) ۷- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «کام هر فرزندی که از آب فرات برداشته شود و از آن آب بنوشد او از دوستان ما خانواده خواهد بود.» [و در روایتی فرمود: از شیعیان ما خواهد بود]

(۲) ۸- از همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که فرمود: «کام فرزندان خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید تا مایه امان [و دوری از آفات] باشد.»

(۳) ۹- در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ولیمه در چهار چیز است:

۱- ازدواج و عروسی؛ ۲- ولادت فرزند که [روز هفتم] برای او عقیقه می شود و از آن اطعام می کنند؛ ۳- ختنه کردن پسر؛ ۴- بازگشت از مسافرت [حج و غیره].»

(۴) ۱۰- در همان کتاب، از عمر بن زیاد نقل شده که گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: به خدا سوگند، نمی دانم پدرم برای من عقیقه نموده یا نه. پس امام علیه السلام امر فرمود که من عقیقه کنم در حالی که من پیر مرد بودم. و فرمود: «هر کسی گروهی زکات فطره است و هر مولودی نیز گروهی عقیقه است.»

(۵) ۱۱- و فرمود: «فرزند چون متولد می شود باید در گوش راست او اذان و در

ص: ۹۳

۱- (۱) ۷- و فیه عن کامل الزیارة عن سلیمان بن هارون أنه سمع ابا عبد الله علیه السلام یقول: من شرب ماء الفرات و حنک به فهو محبنا اهل البیت. (الأکان لنا شیعه)

۲- (۲) ۸- و فیه عنه عن الحسین بن ابی العلاء قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: حنکوا اولادکم بتربه الحسین علیه السلام فانه امان. (کامل الزیارة ص ۴۹/۲۷۸ البحار ص ۱۱۵)

۳- (۳) ۹- و فیه عن المحاسن... قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الولیمه فی اربع: العرس، و الخرس و هو المولود یعق عنه و یطعم له، و اعذار و هوختان الغلام، و الإیاب و هو الرجل یدعو [اخوانه] اذا آب من غیبه. (البحار ج ۱۰/۱۱۵ المحاسن ص ۴۱۷)

۴- (۴) ۱۰- و فیه عن مکارم الأخلاق عن الصادق علیه السلام قال: کل انسان مرتهن بالفطره و کل مولود مرتهن بالعقیقه. (المصدر ص ۱۲۰ مکارم الاخلاق ص ۴۱) و فیه عنه عن عمر بن یزید قال: قلت للصادق علیه السلام: انی و الله ما ادری کان ابی عق عنی ام لا؟ فامرنی فعققت عن نفسی و انا شیخ. (المصدر مکارم الاخلاق ص ۲۵۹)

۵- (۵) ۱۱- و فیه عن مکارم الأخلاق عن الصادق علیه السلام قال: المولود اذا ولد یؤذن فی اذنه الیمنی و یقام فی الأیسر. (البحار ج ۱۰۴/۱۲۲ مکارم الأخلاق ص ۲۶۱)

(۱) ۱۲- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «روز هفتم ولادت باید برای فرزند عقیقه کنید و یک ران آن را به قابله بدهید و با آب فرات فرزند خود را کام بردارید و در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگویید و او را نامگذاری کنید و سر او را تراشید و به اندازه آن از طلا و یا نقره صدقه دهید، همانا نام او از آسمان فرود می آید و چون خواستید عقیقه را ذبح کنید بگویید: بسم الله و بالله و الحمد لله...»

(۲) ۱۳- در همان کتاب، از دعائم الاسلام، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که فرزندی پیدا می کند باید در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگوید تا از شر شیطان مصون بماند.» هم چنان که آن حضرت برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام چنین کرد.

سپس فرمود: «بعد از اذان و اقامه، سوره حمد و آیه الکرسی و آیات آخر سوره حشر آیات ۲۲ تا ۲۴؛ یعنی: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ

ص: ۹۴

۱- (۱) ۱۲- قال العلامة المجلسي عليه الرحمة: و من كتاب آداب ابي طول الله عمره عن الباقر عليه السلام قال: اذا ولد لأحدكم فكان يوم السابع فليعق عنه كبشا و اطعموا القابله من العقيقه الرجل بالورك، و ليحنكه بماء الفرات، و ليؤذن في اذنه اليمنى، و ليقم في اليسرى و يسميه يوم السابع و احلقوا و يوزن شعره فيتصدق بوزنه فضه او ذهبا، فان الله ينزل اسمه من السماء فاذا ذبحت فقل: «بسم الله و بالله و الحمد لله و الله اكبر ايمانا بالله و ثناء على رسول الله و شكرا لرزق الله و عصمه بامر الله و معرفه بفضله علينا اهل البيت» فان كان ذكرا فقل: اللهم انت وهبت لنا ذكرا و انت اعلم بما وهبت لنا و منك ما اعطيت ولك ما صنعنا فتقبله منا على سنتك و سنه رسولك صلى الله عليه و آله و اخسا عنا الشيطان الرجيم، لك سفكت الدماء لاشريك لك الحمد لله رب العالمين. (المصدر)

۲- (۲) ۱۳- و فيه عن دعائم الإسلام: عن علي عليه السلام ان رسول الله صلى الله عليه و آله قال: من ولد له مولود فليؤذن في اذنه اليمنى و ليقم في اليسرى فان ذلك عصمه من الشيطان و انه صلى الله عليه و آله امران يفعل ذلك بالحسن و الحسين عليهما السلام، و ان يقرأ مع الأذان في آذانهما فاتحه الكتاب، و آيه الکرسی و آخر سورة الحشر، و سورة الإخلاص و المعوذتين. (البحار ج ۱۰۴/۱۲۶ دعائم الاسلام ج ۱/۱۴۷)

الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» و سوره قل هو الله احد و دو سوره آخر قرآن را نیز در گوش های او بخواند.»

انتخاب نام نیک برای فرزندان

از حقوقی که فرزند بر پدر و مادر دارد انتخاب نام نیک است. نام نیک در دنیا و آخرت برای انسان وسیله شرافت و سربلندی و برکت است.

از سخنان معصومین علیهم السلام استفاده می شود که روز قیامت هر کس را با همان نام خودش صدا می زنند و اگر نام او از نام های خوب باشد برای او سودمند خواهد بود. در دنیا نیز نام های خوب، چنان که خواهد آمد، برکاتی دارد. بهترین نام ها، نام هایی است که حاکی و مشعر به بندگی خدا باشد و یا از نام های پیامبران و امامان علیهم السلام باشد و بهتر از همه نام ها نام: محمد صلی الله علیه و آله و احمد و محمود و علی و حسن و حسین و فاطمه و صدیقه علیهم السلام و امثال اینها می باشد که برای آنها برکاتی نقل شده که خواهد آمد و چون ما در کتاب «اسوه النساء» نام های شریفه فاطمه علیها السلام را مشروحا ذکر کرده ایم تکرار نمی کنیم و فقط در باره نام هایی که برای مردها سفارش شده است بحث می کنیم.

(۱) علامه مجلسی، در کتاب شریف بحار، از کتاب قرب الاسناد، از امام باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود: «عادت رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که نام های زشتی را که بر مردها و شهرها گذارده بودند تغییر می داد.»

(۲) در همان کتاب، از علل و خصال، در حدیث اربعمائه، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «فرزندان خود را قبل از ولادت نام گذاری کنید و اگر نمی دانید که پسر است یا دختر نام مشترک برای او انتخاب کنید؛ چرا که بچه های سقط شده

ص: ۹۵

۱- (۱) تسمیه الأولاد بالأسماء الحسنه ۱- البحار عن قرب الاسناد عن الصادق عن آباءه علیهم السلام قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله یغیر الأسماء القبیحه فی الرجال و البلدان. (البحار ج ۱۰۴/۱۲۷ قرب الاسناد ص ۴۵)

۲- (۲) البحار عن العلل و الخصال: الأربعمائه قال امیرالمؤمنین علیه السلام: سمّوا أولادکم فان لم تدرؤا أذکر أو أنثی فسمّوهم بالأسماء التي تكون للذکر و الأنثی، فان أسقاطکم إذا لقوکم فی القیامه و لم تسمّوهم یقول السقط لأیه: الأسمیتی؟ و قد سمّی رسول الله صلی الله علیه و آله محسنا قبل أن یولد. (البحار ج ۱۰۴ الخصال ج ۲/۴۲۹)

چون در قیامت شما را ملاقات کنند به شما می گویند: چگونه مرا نام گذاری نکردی، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله محسن را قبل از ولادت نامگذاری نمود؟»

(۱)۳- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از عیون، از حضرت رضا، از پدرانش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «هنگامی که فرزند خود را «محمد» نام گذاری می کنید به او احترام کنید و در مجلس برای او جای باز کنید و صورت خود را در مقابل او درهم نکشید.»

(۲)۴- در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «اگر مردم در جلسه مشورت خود کسی را که نام او «محمد» یا «حامد» یا «محمود» و یا «احمد» باشد شرکت دهند خیر آنان فراهم خواهد شد.»

(۳)۵- در همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که فرمود: «در هیچ خانه ای سفره ای گسترده نمی شود که شخصی به نام «محمد» یا «احمد» بر سر آن حاضر شود جز آن که خداوند آن منزل را در هر روز دو مرتبه تقدیس می فرماید.»

(۴)۶- در همان کتاب، از تفسیر عیاشی نقل شده که به امام صادق علیه السلام گفته شد: فدای شما شوم! ما فرزندان خود را به نام شما و نام های پدران شما نام گذاری می کنیم، آیا این عمل برای ما سودی دارد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «آری، به خدا سوگند، برای شما سودمند است.»

سپس فرمود: «آیا مگر دین جز دوستی می باشد؟ خداوند به رسول خود صلی الله علیه و آله

ص: ۹۶

۱- (۱)۳- البحار عن العیون بالأساتید الثلاثة، عن الرضا، عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إذا سمیتم الولد محمداً فأكرموه و أوسعوا له فی المجلس و لا تقبّحوا له وجهها. (المصدر العیون ج ۲/۲۹)

۲- (۲)۴- و فیہ عنه بهذا الاسناد قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ما من قوم كانت لهم مشوره فحضر معهم من اسمه محمداً أو حامداً أو محموداً أو أحمد فأدخلوه فی مشورتهم إلا خیر لهم. (المصدر العیون ج ۲/۲۹)

۳- (۳)۵- و فیہ عن العیون... عن الرضا علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ما من مائده وضعت و حضر علیها من اسمه احمد او محمد الا قدس ذلك المنزل فی كل يوم مرتین. (المصدر ص ۱۲۹)

۴- (۴)۶- و فیہ عن العیاشی... قیل لأیبعده الله علیه السلام: جعلت فداک إنا نسمة بأسمائکم و اسماء ابائکم فینفعنا ذلك؟ فقال: ای والله و هل الدین الا الحب؟ قال الله: «ان کتمت تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله و یغفر لکم ذنوبکم». (المصدر ص

(۱۳۰)

فرموده است: به مردم بگو: اگر شما خدا را دوست می دارید باید از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد.»

(۱)۷- در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «نخستین احسانی که یکی از شما به فرزند خود می کند نام نیک است. پس بکوشید و برای فرزند خود نام نیک انتخاب کنید.»

(۲)۸- در همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که فرمود: «هر کس چهار فرزند پیدا کند و یکی از آنان را به نام من نام گذاری نکند به من جفا کرده است.»

(۳)۹- در همان کتاب، از حضرت کاظم علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر خانه ای که در آن فرزندی به نام «محمد» یا «احمد» یا «علی» یا «حسن» یا «حسین» یا «جعفر» یا «طالب» یا «عبدالله» و یا «فاطمه» باشد فقر و تنگدستی در آن خانه وارد نخواهد شد.»

(۴)۱۰- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «شیطان چون می شنود کسی را به نام «محمد» و یا «علی» صدا می زند بدن او مانند مس که ذوب شود از ناراحتی ذوب می شود.»

(۵)۱۱- امام هشتم حضرت رضا علیه السلام می فرماید: هر خانه ای که در آن نام محمد باشد اهل آن خانه در خیر و خوبی خواهند زیست.

(۶)۱۲- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «ما هیچ فرزندی

ص: ۹۷

۱- (۱)۷- و فيه عن نوادر الراوندي باسناده عن موسى بن جعفر عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله : انّ أوّل ما ينحل احدكم ولده الإسم الحسن فليحسن احدكم اسم ولده. (المصدر)

۲- (۲)۸- البحار عن عده الداعي: عن النبي صلى الله عليه وآله : من ولد له أربعة أولاد ولم يسمّ أحدهم باسمي فقد جفاني. (البحار ج ۱۳۱/۱۰۴ عده الداعي ص ۵۹)

۳- (۳)۹- و فيه عنه عن سليمان الجعفری قال: سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول: لا يدخل الفقر بيتا فيه اسم محمد أو أحمد أو علي أو الحسن أو الحسين أو جعفر أو طالب أو عبد الله أو فاطمه من النساء (المصدر)

۴- (۴)۱۰- و فيه عنه عن أبي جعفر عليه السلام [أنّ الشيطان] إذا سمع مناديا ينادي يا محمد يا علي ذاب كما يذوب الرصاص. (المصدر)

۵- (۵)۱۱- و فيه عنه قال الرضا عليه السلام : البيت الذي فيه اسم محمد يصبح أهله بخير و يمسون بخير. (المصدر)

۶- (۶)۱۲- و فيه عنه عن الصادق عليه السلام : لا يولد لنا مولود إلا سميتاه محمدا، فإذا مضى سبعة أيام فإذا شئنا غيرنا و إلا تركنا. (المصدر)

پیدا نمی کنیم جز آن که اول او را «محمد» می نامیم و چون هفت روز می گذرد اگر خواستیم نام او را تغییر می دهیم.»

(۱) ۱۳- و فرمود: «نام های نیک بر خودتان قرار دهید؛ چرا که روز قیامت شما را با آن نام ها صدا می زنند و می گویند: ای فلانی! برخیز، و به سوی نور خود حرکت کن، و یا می گویند: برخیز که برای تو نوری نیست.»

نام ها و کنیه های فاطمه علیها السلام

(۲) ۱- علامه مجلسی در کتاب شریف بحار، از مناقب ابن شهر آشوب نقل نموده که گوید: کنیه های فاطمه علیها السلام امّ الحسن و امّ الحسین و امّ الأئمه و امّ ایها می باشد و نام های مبارک او طبق آنچه ابوجعفر قمی (یعنی صدوق) ذکر نموده چنین است:

فاطمه، بتول، حسان، حرّه، سیّده، عذراء، زهراء، حوراء، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدّثه، مریم کبری، صدیقه کبری.

و در آسمان ملائکه او را نوریه آسمانی و حانیه یعنی کسی که نسبت به شوهر و فرزندان خود مشفق و خیرخواه است می خوانند.

(۳) ۲- در همان کتاب، از تفسیر فرات، از امام صادق، از پدرانش، از

ص: ۹۸

۱- (۱) ۱۳- و فیه عنه عن الصادق علیه السلام: قال استحسنوا أسماء کم فانکم تدعون بها يوم القيامة: قم یا فلان بن فلان إلى نورک، قم یا فلان بن فلان لانور لک. (المصدر) ما ذکر لها من الاسماء والکنی و الوجه فیه
۲- (۲) ۱- البحار ج ۴۳/۱۶ عن مناقب ابن شهر آشوب قال: کناها امّ الحسن و امّ الحسین و امّ المحسن و امّ الائمه و امّ ایها. و اسمائها علی ما ذکره ابوجعفر القمی: فاطمه، البتول، الحصان، الحرّه، العذراء، الزهراء، الحوراء، المبارکه، الطاهره، الزکیه، الراضیه، المرضیه، المحدّثه، مریم الکبری، الصدّیقه الکبری، و يقال لها فی السماء: النوریه السماویّه، الحانیه. (ای المشفق علی زوجها و اولادها).

۳- (۳) ۲- و فیه ص ۱۸ عن تفسیر فرات عن الصادق عن ابیه عن جدّه عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال معاشر الناس تدرون لما ذا خلقت فاطمه؟ قالوا: الله و رسوله اعلم، قال: خلقت فاطمه حوراء انسیّه لانسیّه [و] قال: خلقت من عرق جبرئیل و من زغبه، قالوا: یا رسول الله استشکل ذلك علينا تقول: حوراء انسیّه لانسیّه ثم تقول: من عرق جبرئیل و من زغبه! (الزغب: الشعيرات الصغری علی ریش الفرخ) قال: اذا أتبتکم: اهدی الی ربّی تفاحه من الجنّه اتانی بها جبرئیل علیه السلام فضمّها الی صدره فغرق جبرئیل علیه السلام و عرقت التفاحه فصار عرقهما شیئا واحدا ثم قال: الیّلام علیک یا رسول الله و رحمه الله و برکاته.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ای مردم! آیا می دانید خلقت فاطمه چگونه بوده است؟» گفتند: خدا و رسول او داناترند. فرمود: «فاطمه حوراء انسیه آفریده شد، نه انسیه. و از عرق و موی جبرئیل آفریده شد.» اصحاب گفتند: [فهم] سخن شما برای ما مشکل است، آیا حوراء انسیه است و یا از عرق و موی جبرئیل است؟

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لازم شد که شما را آگاه سازم. بدانید که خداوند توسط جبرئیل سیبی از بهشت به من اهدا نمود. آن سیب را جبرئیل به سینه چسبانید و جبرائیل و آن سیب هر دو عرق نمودند و عرق آنها آمیخته شد و سپس جبرئیل نزد من آمد و گفت: «السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسولَ اللّهِ و رَحْمهَ اللّهِ و بَرَکاتِهِ.» من در جواب او گفتم: «و علیک السَّلام یا جبرئیل.» جبرئیل گفت: خداوند این سیب را از بهشت برای تو هدیه فرستاده است. من آن سیب را گرفتم و بوسیدم و بر چشم خود گذاردم و به سینه خود چسبانیدم. جبرئیل گفت: آن را بخور، ای محمّد! گفتم: آیا هدیه پروردگار خود را بخورم؟ گفت: بلی، تو مأموری که آن را بخوری. پس آن را پاره نمودم و نوری از آن ساطع شد که من از آن ترسیدم. جبرئیل گفت: آن را بخور! این نور، نور منصوره، یعنی فاطمه است. گفتم: ای جبرئیل! منصوره کیست؟

جبرئیل گفت: او جاریه و دختری است که از صُلب تو خارج می شود و نام او

ص: ۹۹

۱- (۱) قلت: و علیک السَّلام یا جبرئیل فقال: انّ اللّهُ اهدی الیک تفّاحه من الجنّه فاخذتها و قبّلتها و وضعتها علی عینی و ضممتها الی صدری، ثمّ قال: یا محمّد کلها، قلت: یا حبیبی جبرئیل هدیه ربّی تؤکل؟ قال: نعم قد امرت بأکلها فافلقتها فرأیت منها نورا ساطعا ففزعت من ذلك النور قال: کل فانّ ذلك نور المنصوره فاطمه، قلت: یا جبرئیل و من المنصوره؟ قال: جاریه تخرج من صلبک و اسمها فی السماء منصوره و فی الارض فاطمه. فقلت: یا جبرئیل و لِمَ سمّیت فی السماء منصوره و فی الارض فاطمه؟ قال، سمّیت فاطمه فی الأرض [لأنّه] فطمت شیعتها من النار، و فطموا اعداؤها عن حبّها و ذلك قول اللّهُ فی کتابه: «و یومئذٍ یفرح المؤمنون بنصر اللّهِ» (الروم آیه ۴) (یعنی) بنصر فاطمه علیها السَّلام. (تفسیر فرات ص ۱۱۹)

در آسمان منصوره و در زمین فاطمه است. گفتم: ای جبرئیل! به چه علت نام او در آسمان منصوره و در روی زمین فاطمه است؟ جبرئیل گفت: او روی زمین فاطمه نامیده شده چون شیعیان او از آتش دوزخ جدا هستند و دشمنان او از محبت او محرومند.

و این است معنای قول خداوند: (و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله)؛ یعنی روز قیامت مؤمنین و شیعیان فاطمه به نصرت الهی، یعنی شفاعت فاطمه خشنود خواهند بود.»

اسامی و القاب فاطمه علیها السلام

(۱) آیه النبوه

(۲) أمّ أبیها

(۳) أمّ الأصفیاء

(۴) أمّ الخیره

(۵) أمه الله

(۶) انسیه حوراء

(۷) أمّ الائمه علیهم السلام

(۸) أنیسه الأمّ

(۹) بازّه

(۱۰) باکیه العین

(۱۱) بتول

(۱۲) بضعه المصطفی صلی الله علیه و آله

(۱۳) بنت الرسول صلی الله علیه و آله

(۱۴) بنت الهدی

(۱۵) تحفه ربّ العالمین

(١٦) تحيّه الله

(١٧) تفاحه الفردوس

(١٨) تقيّه

(١٩) جليله القدر

(٢٠) جميله

(٢١) حبّه

(٢٢) حبيبه

(٢٣) حرّه

(٢٤) حزينه النفس

(٢٥) حسان

(٢٦) حكيمه

(٢٧) حليفه الورع

(٢٨) حنّانه

(٢٩) حوراء

(٣٠) حوريّه

(٣١) خفيّه القدر

(٣٢) دوحه النبي صلى الله عليه و آله

(٣٣) الدرّه البيضاء

(٣٤) الدرّيّه الطيبه

(٣٥) راثيه الأب

(٣٦) راضيه

(٣٧) راعه

(٣٨) رحيمه

(٣٩) رشيده

(٤٠) رضيفه الصدر

(٤١) رضيفه الوحي

(٤٢) رضيه

(٤٣) ركن الهدى

(٤٤) ريحانه

(٤٥) رؤفه

(٤٦) زاكيه

(٤٧) زاهده

(٤٨) زاهره

(٤٩) زكيه

(٥٠) زوجه الوصي

(٥١) زهراء

ص: ١٠٠

(٥٢) زُهره

(٥٣) زهره السماء

(٥٤) زيتونه

(٥٥) ساجده

(٥٦) ساقطه الجنين

(٥٧) سعيده

(٥٨) سيّده

(٥٩) سيّده نساء الجنّه

(٦٠) سيّده نساء العالمين

(٦١) شائقه النبي صلى الله عليه و آله

(٦٢) شافعه

(٦٣) شبيهه الأب

(٦٤) شريفه النسب

(٦٥) شفيعه

(٦٦) شهيده

(٦٧) صابره

(٦٨) صاحبه العلوم

(٦٩) صادقه

(٧٠) صدوقه

(٧١) صدّيقه

(٧٢) صفوه الله

(٧٣) صفيّه

(٧٤) صوّامه

(٧٥) طاهره

(٧٦) طهره

(٧٧) طيّبه

(٧٨) عابده

(٧٩) عارفه

(٨٠) عالمه

(٨١) عاليه

(٨٢) عديله المرتضى عليه السلام

(٨٣) عديمه المثل

(٨٤) عذراء

(٨٥) عزيزه

(٨٦) عصمه الكبرى

(٨٧) عطوفه

(٨٨) عقيله

(٨٩) علّه الخلقه

(٩٠) عليه

(٩١) عليه

(٩٢) فاضله

(٩٣) فاطمه

(٩٤) فريده

(٩٥) فطيمه العلم

(٩٦) فهيمه

(٩٧) قانعہ

(٩٨) قدر

(٩٩) قره عين الرسول صلى الله عليه و آله

(١٠٠) قوامه

(١٠١) كاظمه

(١٠٢) كريمه

(١٠٣) كوثر

(١٠٤) كوكب

(١٠٥) ليله القدر

(١٠٦) مباركه

(١٠٧) مبشره

(١٠٨) متعبده

(١٠٩) متقيه

(١١٠) متهجده بالقرآن

(١١١) محبوبه النبي صلى الله عليه و آله

(١١٢) محترقه القلب

(١١٣) محتشمه

(١١٤) محدّثه

(١١٥) محموده

(١١٦) محزونّه

(١١٧) مخدومه الملائكه

(١١٨) مخفيه القبر

(١١٩) مرضيه

(١٢٠) مشرقه الوجه

(١٢١) مشكاه نورالله

(١٢٢) مضطهده

(١٢٣) مطعمه

(١٢٤) مطهره

(١٢٥) مظلومه

(١٢٦) معصبه الرأس

(١٢٧) معصومه

(١٢٨) معظمه

(١٢٩) مغصوبه الحق

ص: ١٠١

(١٣٠) مغضوبه

(١٣١) مقهوره

(١٣٢) مكروبه

(١٣٣) مكسوره الضلع

(١٣٤) ملهمه

(١٣٥) ممتحنه

(١٣٦) منصوره

(١٣٧) منهده الركن

(١٣٨) موققه

(١٣٩) مونسه الام

(١٤٠) مهجه قلب النبي صلى الله عليه و آله

(١٤١) مهديه

(١٤٢) مهمومه القلب

(١٤٣) ميمونه

(١٤٤) مؤمنه

(١٤٥) ناحله الجسم

(١٤٦) ناعمه

(١٤٧) نخله النبوه

(١٤٨) نسمة

(١٤٩) النسله الطاهره

(۱۵۰) نظیفه

(۱۵۱) نقیه

(۱۵۲) نوریه

(۱۵۳) النور السماوی

(۱۵۴) والده السبطين

(۱۵۵) والهه

(۱۵۶) وحیده

(۱۵۷) ودیعه النبی صلی الله علیه و آله

(۱۵۸) وفیه

(۱۵۹) وقوره

(۱۶۰) ولیه

(۱۶۱) هادیه

ترجمه اسامی و القاب فاطمه زهرا علیها السلام

(۱۶۲) انسئیه: زنی که خصلت های خوب انسانی در او متجلی است.

(۱۶۳) بتول: زن پاک و دور از هرگونه آلودگی.

(۱۶۴) تقیه: پاک و بی گناه.

(۱۶۵) حبیبه: دوست و رفیق، دوست داشتنی.

(۱۶۶) حُرّه: زن آزاده، زنی که اسیر شهوات نیست.

(۱۶۷) حوراء: فرشته، زنی که خصلت های خوب فرشتگان را داراست.

(۱۶۸) حوریه: زن بهشتی، فرشته خصال.

۱۶۹) راضیه: زنی که به مقدرات خداوند راضی باشد.

۱۷۰) راکعه: اهل رکوع و تواضع در برابر خداوند.

۱۷۱) رشیده: زن فهمیده و صاحب خرد را گویند.

۱۷۲) رضیه: زنی که به مقام رضا می رسد.

۱۷۳) ریحانه: گل خوشبو، لطیف و مهربان.

۱۷۴) رؤوفه: زن صاحب مهر و محبت و خیرخواهی.

۱۷۵) زکیه: زن پاک و باتقوا، در حال رشد و ترقی.

ص: ۱۰۲

(۱۷۶) زهراء: درخشنده و تابان.

(۱۷۷) زُهره: درخشان، نورانی.

(۱۷۸) ساجده: زنی که در پیشگاه خداوند سر به سجده بساید.

(۱۷۹) سعیده: زن خوشبخت.

(۱۸۰) سئیده: سرور، خانم.

(۱۸۱) شافعه: زنی که حق شفاعت یافته باشد.

(۱۸۲) شهیده: زنی که در راه خدا جان را فدا نماید.

(۱۸۳) صابره: زن شکيبا و بردبار.

(۱۸۴) صادقه: زن راستگو و درست کردار.

(۱۸۵) صدوقه: زن راستگو و راست کردار.

(۱۸۶) صدیقه: زنی که در راستگویی شهره شود و در عمل نیز درست کردار باشد.

(۱۸۷) طاهره: زن پاک دامن و دور از رذایل.

(۱۸۸) طیبه: پاک و پاکیزه.

(۱۸۹) عارفه: زن با شناخت و درک کامل.

(۱۹۰) عالیه: زن بلند همت و دوراندیش.

(۱۹۱) عدیله: فاطمه زهرا علیهاالسلام را عدیله و هم‌تای مریم می‌نامند و یا فاطمه تنها عدیله علی علیهماالسلام است چنان که در روایت آمده: اگر علی علیه السلام نبود برای فاطمه علیه السلام کفو و هم‌تایی در دنیا، از آدم تا آخر دنیا، نمی‌بود.

(۱۹۲) عذراء: زن پاکدامنی که پرده عصمت را کنار نزند، زنی که باکره باشد.

(۱۹۳) عزیزه: زن ارجمند و گرانقدر.

(۱۹۴) علیمه: زن دانشمند و آگاه.

۱۹۵) فاضله: زن صاحب فضیلت.

۱۹۶) فاطمه: بریده شده از آتش، جهل و هر بدی و پلیدی.

۱۹۷) فریده: زن یگانه، درّ نفیس.

۱۹۸) قدر: زنی که به منزله قدر باشد در خیر و برکت.

۱۹۹) کریمه: زنی که اهل کرم و جود و سخاوت است.

ص: ۱۰۳

۲۰۰) کوثر: خیر فراوان، زنی که دارای خیر فراوان و برکات بی شمار است.

۲۰۱) کوکب: درخشنده و درخشان، ستاره درخشان.

۲۰۲) مبارکه: زنی که در او خیر و برکت باشد.

۲۰۳) مبشره: بشارت دهنده و بشارت داده شده.

۲۰۴) محدّثه: زن حدیث کننده و یا الهام گرفته.

۲۰۵) محموده: پسندیده، زن مورد پسند خداوند.

۲۰۶) مرضیه: زن کاملی که خداوند از او راضی است.

۲۰۷) مضطهده: زنی که در مصیبت و سختی قرار گرفته باشد.

۲۰۸) مطهره: زن پاک و عاری از گناه و زشتی.

۲۰۹) معصومه: زنی که هیچ گناه نکرده باشد.

۲۱۰) مقهوره: زنی که او را در تنگنا قرار داده باشند.

۲۱۱) ملهمه: زنی که خداوند بر دل او الهام می فرستد.

۲۱۲) ممتحنه: زنی که امتحان شده و از آزمایش سرافراز بیرون آمده است.

۲۱۳) منصوره: زن یاری شده.

۲۱۴) موفّقه: زنی که توفیقات الهی همراهش باشد.

۲۱۵) مهدیه: زنی که خداوند او را هدایت نموده باشد.

۲۱۶) میمونه: زن با خیر و برکت.

۲۱۷) مؤمنه: زنی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد.

۲۱۸) ناعمه: زن خوش زندگانی، شاداب.

۲۱۹) نقیه: پاک و بی گناه.

۲۲۰) والهه: زن شیفته شوهر و یا شیفته لقای پروردگار.

۲۲۱) وحیده: یگانه، تنها، بی همتا.

مؤلف گوید: هدف از ذکر نام های حضرت فاطمه علیهاالسلام و ترجمه آن ها که خود گویای شخصیت والای آن بانوی بزرگ عالم است این بوده که دوستانشان از این نام های مبارک استفاده نموده و از بعضی از نام های بی محتوا و یا گرفته شده از

ص: ۱۰۴

اجانب پرهیز نمایند.

ص: ۱۰۵

(۱) علامه مجلسی، در کتاب بحار، از کتاب جامع الأخبار، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نموده که فرمود: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه ما آمد و چون دید فاطمه علیها السلام کنار دیگ غذا نشسته و من مشغول تمیز کردن عدس هستم، فرمود: یا ابالحسن! گفتم: لیبیک یا رسول الله! فرمود: به سخن من گوش کن و بدان که آنچه می گویم از ناحیه خداوند است.»

سپس فرمود: «هیچ مردی در خانه به همسر خود کمک نمی کند، جز آن که خداوند به اندازه هر مویی که در بدن اوست برای او عبادت یک سال را می نویسد که روزهای آن را روزه و شب های آن را به عبادت مشغول باشد و همانند پاداشی که به صابران، - مانند حضرت داود و یعقوب و عیسی علیهم السلام - می دهد به او نیز خواهد داد.

(۲) یا علی! هر کس در خانه با میل و رغبت به همسر خود کمک کند خداوند نام او را در دیوان شهیدان ثبت می فرماید و برای هر روز و شبی پاداش هزار شهید به او عطا می فرماید و برای هر قدمی که بر می دارد پاداش حج و عمره به او می دهد و به اندازه هر رگی که در بدن اوست شهری در بهشت به او مرحمت می کند.

(۳) یا علی! یک ساعت خدمت در خانه بهتر از هزار سال عبادت و هزار حج و

ص: ۱۰۷

۱- (۱) فضل خدمه العیال فی البیت البحار عن جامع الأخبار عن علی علیه السلام قال: دخل علینا رسول الله صلی الله علیه و آله و فاطمه جالسه عند القدر و أنا أنقی العدس قال: یا أباالحسن، قلت: لیبیک یا رسول الله قال: اسمع منی و ما أقول إلا من أمر ربی: ما من رجل یعین امرأته فی بیتها إلا- کان له بكلّ شعره علی بدنه عباده سنه، صیام نهارها و قیام لیلها و أعطاه الله من الثواب مثل ما أعطاه الصّابرين داود النبی و یعقوب و عیسی علیهم السلام .

۲- (۲) یا علی ن کان فی خدمه العیال فی البیت و لم یأنف کتب الله اسمه فی دیوان الشهداء، و کتب له بكلّ یوم و لیله ثواب ألف شهید، و کتب له بكلّ قدم ثواب حجّه و عمره، و أعطاه الله بكلّ عرق فی جسده مدینه فی الجنّه.

۳- (۳) یا علی ساعه فی خدمه البیت خیر من عباده ألف سنه و ألف حجّه، و ألف عمره، و خیر من عتق ألف رقبه، و ألف غزوه، و ألف مریض عاده، و ألف جمعه، و ألف جنازه، و ألف جایع یشبعهم، و ألف عار یکسوهم، و ألف فرس یوجهه فی سبیل الله، و خیر له من ألف دینار یتصدّق بها علی المساکین، و خیر له من أن یقرأ التوراه والانجیل و الزبور و الفرقان، و من ألف أسیر أسر فأعتقهم، و خیر له من ألف بدنه یعطى للمساکین، و لایخرج من الدنیا حتّی یری مکانه من الجنّه.

هزار عمره و آزاد کردن هزار بنده در راه خدا و شرکت در هزار جنگ و غزوه و عیادت هزار مریض و شرکت در هزار نماز جمعه و تشییع هزار جنازه و سیر کردن هزار گرسنه و پوشاندن هزار برهنه و فرستادن هزار اسب (برای جهاد) در راه خدا و انفاق هزار دینار به فقرا می باشد، بلکه بهتر از خواندن تورات و انجیل و زبور و قرآن و آزاد کردن هزار اسیر و انفاق هزار شتر به مساکین می باشد و کسی که در خانه به همسر خود کمک کند از دنیا نمی رود تا جایگاه خود را در بهشت ببیند.

(۱) یا علی! کسی که از خدمت به همسر خود دریغ نکند و با میل و رغبت در خانه به همسر خود کمک کند کفاره گناهان کبیره او خواهد بود و خشم پروردگار از او برطرف می شود و چنین خدمتی برای او مهریه حورالعین بهشتی می شود و حسنات و درجات او را افزایش می دهد.

یا علی! کسی [توفیق] خدمت به همسر خود را در خانه پیدا نمی کند جز صدیق یا شهید و یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او خواسته باشد.»

سفارش معصومین علیهم السلام به تحفظ و پنهان بودن زن

آیا اگر چیز گرانبهایی را در معرض دید و طمع هر عابر طماع و اطلاع هر دزد و غارتگری قرار ندهند و برای محفوظ ماندنش، آن را در جعبه و صندوقی نگهداری کنند، توهین و تضييع حق او محسوب می شود؟ و یا این که این عمل وسیله حفظ و نگهداری آن از دستبرد و ضایع شدن است؟ آیا محدود کردن زن از رفت و آمدهای زیان بار و تماس هایی که بسا منجر به از بین رفتن آبرو و نابودی حیثیت خانوادگی او می شود و بالاتر از آن دین و ایمان او را تباه می کند مصونیت

ص: ۱۰۸

۱- (۱) یا علی من لم یأنف من خدمه العیال فهو کفّاره للکبایر و یطفی غضب الرّب و مهوّر الحورالعین و تزید فی الحسنات و الدرجات، یا علی لا یخدم العیال إلاّ صدّیق أو شهید أو رجل یرید الله به خیر الدّینا و الآخره. (البحار ج ۱۰۴/۱۳۲ جامع الاخبار ص ۱۰۲)

اوست و یا آزار و محدودیت و تضییع حق می باشد؟

امروزه عده ای در جهان شعار آزادی و احقاق حق زنان و یا مساوات حقوق زن و مرد را مطرح می نمایند و می گویند زن باید در همه چیز همانند مرد باشد آنها در حقیقت ارزش زن را نادیده گرفته و از زن به عنوان وسیله و ابزار تأمین غریزه جنسی استفاده می کنند و حق مادری و نظام خانواده و عصمت و ارزش و عفت و حیا و الفت و مهربانی با همسر و فرزندان و خانه داری و تربیت فرزند و اداره داخل زندگی را از او گرفته و او را مجاز گذارده اند که خود را در اختیار هر کس و ناکس قرار دهد و مقید به هیچ قانون و آیینی نباشد و هر ساعتی بخواهد بتواند همسر خود را رها کند و با دیگری همراه شود. آیا این احترام به زن و رعایت حقوق اوست؟ و آیا مصونیت هایی که در اسلام برای او قرار داده شده و او را مقید به حجاب و پوشش و در اختیار یک همسر بودن و رعایت حقوق متقابل بین زن و مرد و تشکیل یک خانواده همراه با عفت و حیا و پاکی و عزت و تربیت فرزندان سالم و... نموده ظلم به او محسوب می شود؟ و آیا این گونه آزادی ها و هرج و مرج ها سلب آزادی از همه جامعه نیست؟ و آیا با این آزادی ها برای زن ارزشی باقی می ماند؟

در یک سخن باید گفت: هیچ عاقلی وضع کنونی زن را در جوامع فعلی با مفاسد فراوانی که از آزادی غلط و بی بند و باری آنان مشاهده می شود صحیح نمی داند و هیچ آیینی به اندازه اسلام برای زن حرمت قایل نشده است.

ما سخنان معصومین علیهم السلام را که از منبع وحی سرچشمه گرفته مقابل چشم بینندگان محترم قرار می دهیم تا با فطرت سالم خود حقیقت را دریابند.

(۱) ۱- امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن بیان وضعیت خلقت زن و مرد می فرماید: «همت و خواسته پیوسته زن و غریزه جنسی او توجه به مرد است پس شما باید زن های خود را مقید به ماندن در خانه بنمایید و مگذارید [حتی الامکان] بین مردهای

ص: ۱۰۹

۱- (۱) استحباب حبس المرأة فی البیت و عدم خروجها الا لضرورة ۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه السلام: خلق الرجال من الارض و انما همهم فی الارض و خلقت المرأة من الرجال و انما همها فی الرجل، فاحبسوا نساءکم یا معاشر الرجال. (الوسائل ج ۱۴/۴۱ الکافی ج ۴/۸)

(۱) ۲- امیرالمؤمنین علیه السلام در رساله خود به امام حسن علیه السلام، پس از بیان احوال زن ها، می فرماید: «چشم زن ها را به وسیله حجاب (خانه) از دیدن مردها بپوشان؛ چرا که محجوب بودن زن ها هرچه بیشتر باشد برای آنان و تو بهتر از ارباب و خطر لغزش آنان است و بدان که خطر بیرون رفتن آنان از خانه همانند خطر وارد شدن افراد غیرمطمئن است بر آنها، و اگر بتوانی کاری کنی که آنان جز تو را نشناسند و با مردان دیگر تماس پیدا نکنند چنین کن.»

(۲) ۳- و از آن حضرت نیز نقل شده که فرمود: من با عده ای از اصحاب خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چه چیز برای زن ها بهتر از همه چیز است؟» ما از پاسخ آن حضرت عاجز ماندیم و متفرق شدیم. پس من نزد فاطمه علیها السلام رفتم و سؤال رسول خدا صلی الله علیه و آله را به او خبر دادم فاطمه علیها السلام فرمود:

اگر شما از پاسخ سؤال پدرم عاجز مانده اید، من پاسخ او را می دانم. سپس فرمود: «بهترین عمل برای زن ها این است که آنها مردهای نامحرم را نبینند و مردهای نامحرم نیز آنان را نبینند.»

پس من خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله باز گشتم و پاسخ فاطمه علیها السلام را به او خبر دادم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شما که این مسأله را نمی دانستید از کجا یافتید؟» عرض کردم: از فاطمه علیها السلام سؤال نمودم. رسول خدا صلی الله علیه و آله تعجب نمود و فرمود: «فاطمه پاره

ص: ۱۱۰

۱- (۱) ۲- و فيه عنه... عن ابی عبداللہ علیہ السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیہ السلام فی رسالته الی الحسن علیہ السلام: ایتاک و مشاوره النساء فإن رأیهنّ الی الأذن، و عزمهنّ الی الوهن و اکفف علیهنّ من ابصارهنّ بحجابک ایّاهنّ، فإنّ شدّه الحجاب خیر لک و لهنّ من الإرتیاب و لیس خروجهنّ بشدّ من دخول من لایوتق به علیهنّ، فان استطعت ان لایعرفن غیرک من الرجال فافعل. (المصدر الفروع ج ۲/۷)

۲- (۲) ۳- و فيه عن العلل... عن علیّ علیہ السلام قال: کنّا عند رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله فقال: اخبرونی ائی شیء خیر للنساء، فعیینا بذلک کلّنا حتّی تفرّقنا، فرجعت الی فاطمه علیها السلام فاخبرتها بالذی قال لنا رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و لیس احدنا علمه ولا عرفه، فقالت: ولکنّی اعرفه: خیر للنساء ان لایرین الرجال و لایراهنّ الرجال، فرجعت الی رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله فقلت: یا رسول اللّٰه سألتنا ائی شیء خیر للنساء؟ خیر لهنّ ان لایرین الرجال و لایراهنّ الرجال، فقال صلی الله علیه و آله: من اخبرک فلم تعلمه و انت عندی؟ فقلت: فاطمه فاعجب ذلک رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و قال: انّ فاطمه بضعه منّی. (المصدر ص ۴۲ و كشف الغمّه ص ۱۴۰)

«در کتاب «وفیات الائمة» عليهم السلام، از یحیای مازنی نقل شده که گوید: من مدت طولانی (بیست سال) در مدینه همسایه امیرالمؤمنین علیه السلام و در کنار آن خانه ای که حضرت زینب علیها السلام در آن ساکن بود زندگی کردم، و به خدا سوگند، هرگز صدای زینب علیها السلام را نشنیدم و اندام او را ندیدم و هنگامی که می خواست به زیارت جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله برود شبانه می رفت و امام حسن علیه السلام طرف راست او بود و امام حسین علیه السلام طرف چپ او و امیرالمؤمنین علیه السلام از جلو حرکت می نمود و چون به قبر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک می شد امیرالمؤمنین علیه السلام زودتر می رفتند و قندیل های مسجد را خاموش می کردند.

پس روزی امام حسن علیه السلام از پدر خود سؤال نمود: برای چه چراغ ها را خاموش می کنید؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «می ترسم کسی به اندام خواهرت نگاه کند.» (وفیات الائمة، ص ۴۳۶)

مولف گوید: ما در کتاب «اسوه النساء» ص ۲۵۹، حجاب و عفت و حیای حضرت زهرا علیها السلام را به طور مشروح بیان نموده ایم. خوانندگان محترم را به آن کتاب ارجاع می دهیم.

خدایا، شکوه خود را نزد تو می آورم که فساد و فحشا و آلودگی جامعه و انحراف زن ها و جوانان ما به قدری زیاد شده که دیگر امید صلاح و هدایت نمی رود و کسی نمی تواند سخن حق را بیان کند و اگر بگوید کسی از او نمی پذیرد بلکه تحقیر می شود. امر به معروف و نهی از منکر، به ویژه در این زمینه ها، تعطیل گشته است از این بالا-تر آن که عده زیادی از مردم معروف و عمل واجب یا مستحب را مذموم و زشت می پندارند و محرمات و اعمال زشت را نیکو می شمارند و آن را مقتضای نیاز جامعه می پندارند و چون نام واجب یا حرام مطرح می شود برای ترک واجب و فعل حرام توجیه ها می تراشند و می گویند: امروز دیگر این حرف ها قابل قبول و یا پیاده شدن نیست و اجتماع آن را نمی پذیرد و مع الأسف بعضی از اهل دانش هم عوض این که بکوشند وضع موجود را با اسلام تطبیق دهند می کوشند تا اسلام را با وضع کنونی منطبق کنند!!

حقاً این وضعیت همان چیزی است که در روایات به عنوان احوال مردم آخرالزمان و نشانه های ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف برای ما نقل شده است.

خدایا، پس تو ظهور آن امید و رحمت و نور خود را نزدیک فرما که ما دیگر طاقت دیدن و ادامه یافتن چنین وضعی را نداریم.

اللَّهُمَّ اِنَّا نَشْكُو الْيَكْفُ فَقَدْ نَبَيْتَنَا وَ غَيْبَهُ وَ لَيْتَنَا وَ شَدَّ الزَّمَانَ عَلَيْنَا، وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ [بِنَا] وَ تَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ [عَلَيْنَا] وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَ قَلَّةَ عِدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَأَفْرَجْ ذَلِكَ بَفَتْحِ مَنْكَ تَعَجَّلْهُ وَ نَصِّرِ مَنْكَ تَعَزَّهِ وَ اِمَامِ عَدْلٍ تَظْهَرُهُ اِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ اَنْ تَأْذِنَ لَوْلِيكَ فِي اِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَ قَتْلِ اَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجُورِ يَا رَبَّ دَعَامَهُ اِلَّا قَصَمْتَهَا وَ لَا بِنِيَّةٍ اِلَّا اَفْنَيْتَهَا، وَ لَا قُوَّةً اِلَّا اَوْهَنْتَهَا، وَ لَا رَكْنَ اِلَّا هَدَدْتَهُ، وَ لَا حِدًّا اِلَّا فَلَطْتَهُ، وَ لَا سِلَاحًا اِلَّا اَكَلْتَهُ، وَ لَا رَايَةً اِلَّا نَكَسْتَهَا، وَ لَا شِجَاعًا اِلَّا قَتَلْتَهُ، وَ لَا جِيْشًا اِلَّا خَذَلْتَهُ، وَ اِرْمِهِمْ يَا رَبَّ بِحِجْرِكَ الدَّمَغِ، وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَ بِيَأْسِكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمَجْرَمِينَ...

این دعا که آغاز آن با جمله: «اللَّهُمَّ عرفنی نفسک» شروع می شود از دعاهایی است که از ناحیه امام زمان علیه السلام و توسط یکی از نواب آن حضرت برای شیعیان ارسال شده و توصیه فرموده اند که در زمان غیبت آن حضرت خوانده شود. مرحوم صدوق این دعا را در کتاب کمال الدین، صفحه ۵۱۱ نقل نموده و ما نیز متن آن را در کتاب دوله المهدی و کتاب انتظار مهدی علیه السلام آورده ایم.

سخن را کوتاه می کنیم و با ناامیدی و تنها برای ثبت سخنان اولیای خدا و نشر معارف دین، روایاتی را در زمینه وظیفه زن نسبت به خانه داری و ماندن در خانه و صیانت از فساد و فتنه و... نقل می نمایم.

غیرت مرد و غیرت زن

(۱) غیرت و مردانگی، به معنای عام، دفاع از حریم دین خدا و حرمت اولیا و

ص: ۱۱۲

۱- (۱) وجوب الغیره علی الرجال ۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبد الله علیه السلام قال: لیس الغیره الا للرجال فاما النساء فاما ذلك منهن حسد و الغیره للرجال و لذلك حرّم علی النساء الا زوجها و احلّ للرجال اربعاً فانّ الله اکرم من ان يتبلیهنّ بالغیره و یحلّ للرجال معها ثلاثاً. (الوسائل ج ۱۴/۱۰۷ الفروع ج ۲/۵۹)

پیامبران و بندگان اوست و به معنای خاص آن، دفاع از حریم خانواده خود و خویشان و آشنایان از مؤمنین می باشد. غیرت، نشانه ایمان و صلاح مؤمن است و آدم بی غیرت منکوس القلب است، یعنی قلب و عقل او وارونه است.

(۱) در مسأله زناشویی؛ غیرت مرد این است که هرگز راضی نشود کسی به همسر او خیانت و تجاوز نماید ولو به اندازه نگاه آلوده باشد و این دلیل ایمان اوست، و غیرت زن این است که راضی نشود همسر او با زن دیگری ازدواج کند و این دلیل حسد و کفر او محسوب می شود، و خداوند کریم تر از آن است که زن ها را مبتلا به غیرت کند و [به همین منظور] به مرد اجازه ازدواج با چهار زن را داده است. خداوند خود غیور است و هر صاحب غیرتی را دوست می دارد و از غیرت اوست که اعمال خلاف و تجاوز به حریم دیگران را در ظاهر و باطن حرام نموده است.

(۲) در کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «غیرت در باره مردها [که راضی نشوند کسی به حریم آنان تجاوز کند] صحیح [و نشانه دیانت آنان] است و اما برای زن ها [که راضی نشوند همسرانشان با زن دیگری ازدواج کنند] حسد خواهد بود؛ چرا که خداوند برای زن ها جز یک شوهر را مجاز نفرموده ولی به مردها اجازه داده است چهار همسر دایم اختیار کنند [با این قانون] خداوند کریم تر از آن است که زن ها را مبتلا و مکلف به غیرت نماید و از سویی اجازه دهد که مرد چهار همسر اختیار کند.»

(۳) در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «بوی بهشت از فاصله

ص: ۱۱۳

۱- (۱)۲- و فيه عنه عن ابی عبداللّٰه عليه السلام قال: إنّ اللّٰه غيور يحبّ كلّ غيور و من غيرته حرّم الفواحش ظاهرها و باطنها. (المصدر)

۲- (۲)۳- و فيه عنه عن عبداللّٰه بن ابی يعفور قال: سمعت ابا عبداللّٰه عليه السلام يقول: اذا لم يغير «يغر» الرجل فهو منكوس القلب. (المصدر ص ۱۰۸)

۳- (۳)۴- و فيه عنه قال رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله : إنّ الجنّة لیوجد ریحها من مسیره خمسّمأه عام و لایجدها عاقّ و لادیوث قیل: یا رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و ما الدیوث؟ قال: الذی تزنی امرأته و هو یعلم بها. (المصدر ص ۱۰۹)

پانصد سال راه به اهل آن می رسد لکن به عاق والدین و آدم بی غیرت و دیوٲ نمی رسد.» گفته شد: یا رسول الله! دیوٲ کیست؟ فرمود: «کسی که بداند همسرش زنا می دهد [و سکوت کند].»

(۱) در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «غیرت زن ها حسد محسوب می شود و حسد ریشه کفر است و زن هایی که مقید به اسلام و دیانت نیستند چون غیرت و حسد ورزند خشم می کنند و چون خشم کنند کافر می شوند.»

(۲) در همان کتاب، از سیدرضی، در نهج البلاغه نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «غیرت زن کفر است و غیرت مرد ایمان است.»

ارزش عبادت و خدمات زن در خانه

(۳) ۱- در کتاب وسایل، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «علی و فاطمه علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به [وظیفه زن و شوهر و] خدمات زن و مرد در خانه و خارج شدن زن از خانه کسب تکلیف نمودند و رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را موظف به خدمات داخل خانه نمود و علی علیه السلام را موظف به خدمات خارج از خانه کرد و پس از تعیین وظیفه بین آنان، فاطمه علیها السلام فرمود: خدا داند که من چقدر از قضاوت پدرم خشنود شدم که مرا از رفت و آمد بین مردان در خارج خانه معاف نمود.»

(۴) ۲- در همان کتاب، از یکی از معصومین علیهم السلام نقل شده که فرمود: «یک زن

ص: ۱۱۴

۱- (۱) ۵- و فیه عنه عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال: غیره النساء الحسد و الحسد هو اصل الکفر إن النساء اذا عزن غضبن و اذا غضن کفرن الا المسلمات منهن. (المصدر ص ۱۱۰)

۲- (۲) ۶- و فیه عن نهج البلاغه قال امیرالمؤمنین علیه السلام: غیره المرأه کفر و غیره الرجل ایمان. (المصدر ص ۱۱۱)
استحباب خدمه المرأه زوجها فی البیت

۳- (۳) ۱- الوسائل: عبدالله بن جعفر فی (قرب الإسناد) عن السندی بن محمّد، عن أبی البختری، عن أبی عبدالله علیه السلام عن أیبه علیه السلام قال: تقاضی علی و فاطمه إلی رسول الله صلی الله علیه و آله فی الخدمه فقضى علی فاطمه علیها السلام بخدمتها مادون الباب و قضی علی علی علیه السلام بما خلفه قال: فقالت: فلا یعلم ما دخلنی من السرور إلا الله باکفائی رسول الله صلی الله علیه و آله تحمل ارقاب الرجال.

۴- (۴) ۲- و فیه: ورام ابن أبی فراس فی کتابه قال: قال علیه السلام الامرأه الصالحه خیر من ألف رجل غیر صالح و ایما امرأه خدمت زوجها شبعه أيام اغلق الله عنها سبعة أبواب النار و فتح لها ثمانیه أبواب الجنه تدخل من ایها شاءت.

شایسته بهتر از هزار مرد ناشایست است و هر زنی که هفت روز به شوهر خود خدمت کند خداوند درهای هفتگانه دوزخ را بر او می بندد و درهای هشتگانه بهشت را به روی او می گشاید تا از هر دری می خواهد وارد بهشت شود.»

(۱)۳- و فرمود: «هیچ زنی یک شربت آب به شوهر خود نمی دهد جز آن که خداوند پاداشی بیش از عبادت یک سال - که روزهای آن را روزه باشد و شب های آن را به عبادت برخیزد - به او خواهد داد و در عوض هر نوبت که به همسر خود آب می دهد شهری در بهشت به او خواهد داد و شصت گناه او را خواهد بخشید.»

پیامدهای خروج زن از خانه و اختلاط او با مردهای نامحرم

تردید نیست که وظیفه زن، شوهرداری و تربیت فرزند است و همان گونه که در روایات آمده است عبادت و ریاضت و جهاد او در خانه است و دستور تحفظ و پنهان بودن او از مردان نامحرم نیز همین اقتضا را دارد. اسلام برای تحکیم نظام خانواده، و جامعه، و مصونیت زن از فساد و فتنه مؤونه و هزینه های زندگی زن را برعهده مرد قرار داده و اطاعت از مرد را بر او واجب نموده و مسؤولیت او را در داخل خانه معین فرموده است. این مسأله یک حقیقت روشن است و از سیره و سخنان معصومین علیهم السلام آشکار می شود؛ خواه عده ای بپذیرند، خواه نپذیرند.

هر انسان واقع بین و منصفی که امروز به وضع زن، با این آزادی هایی که به او داده شده است، بنگرد و زن امروز را با زن دیروز که خانه دار و عفیف و پایبند به نشستن در خانه و شوهرداری و رعایت حجاب و حیا و عفت بود مقایسه کند، اعتراف خواهد نمود که بیشتر مفاسد خانوادگی و اختلال روابط زندگی و کش مکش ها و نزاع های خانوادگی و ازدیاد طلاق و روابط نامشروع و... نتیجه این

ص: ۱۱۵

۱- (۱)۳- و فیه: قال: و قال علیه السلام: ما من امراه تسقى زوجها شربه من ماء الا كان خيرا لها من عباده سنه صيام نهارها و قيام ليلها و يبنى الله لها بكل شربه تستقى زوجها مدینه فى الجنة و غفر لها ستين خطيئه. (الوسائل ج ۱۴/۱۲۳)

آزادی ها و به اصطلاح همگامی زن با مرد در روابط و مشاغل اجتماعی است.

قلم به این جا رسید و سر بشکست. اللهم اليك اشكو وتعلم ما بنا منا و لاحول و لا قوه الا بقدرتك و لانجاه لنا من مكاره الدنيا و الآخرة الا بعصمتك...

(۱) اکنون مفاسد اجتماعی به قدری فراوان گشته که انسان مؤمن و متدین باید از خدا بخواهد که فرزندی پیدا نکند زیرا نخواهد توانست او را مطابق دستورات اسلامی تربیت نماید. فراوانند پدران و مادرانی که پیش خود می گویند: ای کاش فرزندی پیدا نمی کردیم که اکنون فساد و آلودگی اش را ببینیم و نتوانیم از آن جلوگیری کنیم. البته همه فساد از این ناحیه نیست اما این مسأله نیز سهم بزرگی در این زمینه دارد.

اینک به سخنان معصومین علیهم السلام در این موضوع توجه می کنیم:

۱- صاحب کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که امیرالمؤمنین علیه السلام به مردم عراق می فرمود: «به من خبر داده اند که زن های شما در راه ها با مردها برخورد می کنند، آیا حیا نمی کنید و از این عمل زشت جلوگیری نمی نمایید؟!»

(۲) ۲- در همان کتاب، ضمن حدیث دیگری، از آن حضرت نقل شده که فرمود: «آیا غیرت ندارید و حیا نمی کنید از این که زن های شما به بازار [و خیابان] بروند و با مردهای نامحرم برخورد کنند؟!»

در روایات دیگر آمده است: «مردی که راضی باشد همسر و یا دختر و خواهر او در اختیار مردم قرار گیرند دیوث (نامرد) است و اگر کسی به او دیوث بگوید گناه نکرده است.»

(۳) ۳- در کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «خداوند

ص: ۱۱۶

۱- (۱) کراهه خروج النساء و اختلاطهنّ بالرجال ۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه

السلام: یا اهل العراق تبثت أنّ نسائکم یدافعن الرجال فی الطریق، اما تستحون؟ (تستحیون). قال: و رواه البرقی فی المحاسن عن

غیاث بن ابراهیم وزاد: و قال علیه السلام: لعن الله من لا یغار. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۴ الفروع ج ۲/۶۸ المحاسن ص ۱۱۵)

۲- (۲) ۲- و فیه عن الکافی: قال الکینی: و فی حدیث آخر إنّ امیرالمؤمنین علیه السلام قال: أما تستحیون و لا تغارون؟! نساء کم

یخرجن الی الأسواق و یزاحمن العلوج؟! (المصدر) تحريم الدياثة و حرمة الجنه علی الديوث

۳- (۳) ۳- الوسائل عن محمد بن یعقوب، عن عدّه من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عیسی، عن ابن مسکان، عن

محمد بن مسلم، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: ثلاثه لا یکلمهم الله یوم القیامه و لا یرکبهم و لهم عذاب الیم: الشیخ الزانی، و

الدیوث، و المرأه توطیء فراش زوجها. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۵ الفروع ج ۲/۶۹)

در روز قیامت به سه دسته از مردم توجه نمی کند و با آنان سخن نمی گوید و چیزی را از آنان نمی پذیرد و عذاب دردناکی برای آنان خواهد بود: پیرزناکار، دیوث، و زنی که کسی را در بستر شوهر خود جای دهد [و با او زنا کند].»

(۱)۴- در همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که فرمود: «خداوند بهشت را برای دیوث و کسی که انحراف جنسی همسر خود را بداند و به آن راضی شود حرام نموده است.»

(۲)۵- در تعدادی از روایات آمده است که غیرت بی جای مرد صحیح نیست و بسا افراد پاک را به ناپاکی می کشاند؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خود به امام حسن علیه السلام فرمود: «از غیرت بیجا پرهیز که این عمل زنان سالم و پاک را به فساد و ناپاکی وا می دارد، ولی از آنها کاملاً مراقبت کن پس اگر عیبی از آنان مشاهده نمودی به سرعت نسبت به بزرگ و کوچک آن مؤاخذه کن که در آن صورت سرزنش و بزرگ نمودن خطا آسان خواهد بود. [و اثر منفی نخواهد داشت.]»

پاداش صبر بر بدخلقی زن

(۳)۱- در کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله

ص: ۱۱۷

۱- (۱)۴- و فیہ عنہ، عن أحمد، عن ابن فضال، عن عبد الله بن میمون القداح، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: حرمت الجنة على الديوث. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۵) عدم جواز التغاير في غير محلّه

۲- (۲)۵- و فیہ عن محمد بن يعقوب عن أبي عليّ الأشعري عن بعض أصحابه، عن جعفر بن عنبسه، عن عبادة بن زياد الأسدي، عن عمرو بن أبي المقدم، عن أبي جعفر عليه السلام و عن أحمد بن محمد بن العاصمي، عن حدثه، عن معلى بن محمد، عن عليّ بن حسان عن عبد الرحمن بن كثير، عن أبي عبد الله عليه السلام أنّ أمير المؤمنين عليه السلام قال في رسالته إلى الحسن عليه السلام: إياك و التغاير في غير موضع غيره فان ذلك يدعو الصحيحه منهنّ إلى السيّقم، ولكن أحكم أمرهنّ فان رأيت عيباً فعجّل النكير على الصغير والكبير فان تعيّن منهنّ الريب فيعظّم الذنب و يهون العتب. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۵ الكافي ج ۵/۵۳۷) استحباب مداراه الزوجه

۳- (۳)۱- الوسائل عن الكافي عن ابي عليّ الاشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: إنّما مثل المرأة مثل الضلع المعوج إن تركته انتفعت به و إن أقمته كسرتة و في حديث آخر استمتعت «استنفعت خ» به. (الوسائل ج ۱۴/۱۲۳)

فرمود: «همانا مثل زن [بداخلاق]، مثل دنده پهلوی انسان است که شکسته باشد و با حال شکستگی جوش خورده باشد؛ اگر آن را به حال خود واگذاری از آن بهره مند می شود و اگر بخواهی کجی آن را راست کنی آن را می شکنی [و از آن بی بهره می شوی.]»

(۱) ۲- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «حضرت ابراهیم علیه السلام از بدخلقی همسر خود ساره به خداوند شکایت نمود. پس از ناحیه پروردگار به او وحی شد: همانا مثل زن، مثل استخوانی است که شکسته باشد و کج جوش خورده باشد؛ اگر خواهی آن را راست کنی می شکنند و اگر به حال خود واگذاری از آن بهره مند می شوی، پس باید بر بدخلقی او صبر کنی.»

(۲) ۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث مناهی فرمود: «کسی که برای خدا بر بدخلقی زنی صبر کند خداوند پاداش شاکرین را به او خواهد داد.»

پاداش اطاعت زن از شوهر

(۳) ۱- در کتاب وسایل، از کافی، از عبدالله سنان، از امام صادق علیه السلام نقل شده که

ص: ۱۱۸

۱- (۱) ۲- و فیه عنه... عن ابی عبدالله علیه السلام قال: إن ابراهیم (علیه السلام) شکى الى الله تعالى ما یلقى من سوء خلق ساره فاوحى الله الیه: انما مثل المرأه مثل الضلع المعوج ان اقمته کسرته و ان ترکته استمتعت به اصبر علیها. (المصدر ص ۱۲۴)

۲- (۲) ۳- و فیه عنه... عن الصادق علیه السلام عن آبنه فی حدیث المناهی عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: و من صبر علی خلق امرأه سیئه الخلق و احتسب فی ذلك الأجر اعطاه الله ثواب الشاکرین. (المصدر) وجوب طاعه الزوج علی المرأه

۳- (۳) ۱- الوسائل عن الکافی عن عدّه من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن أبیه، عن عبدالله بن القاسم الحضرمی، عن عبدالله بن سنان، عن أبی عبدالله علیه السلام قال: ان رجلا من الأنصار علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله خرج فی بعض حوائجه فعهد إلى امرأته عهدا ان لا تخرج من بیتها حتّی یقدم، قال: و ان ابها قدم مرض فبعثت المرأه إلى رسول الله صلی الله علیه و آله تستاذنه أن تعودہ فقال: لا اجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک قال: فثقل فأرسلت إلیه ثانيا بذلك فقال: اجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک قال: فمات أبوها فبعثت إلیه انّ أبی قدمات فتأمرنی ان اصلىّ علیه فقال: لا اجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک قال: فدفن الرّجل فبعث إلیها رسول الله صلی الله علیه و آله انّ الله قد غفر لک و لابیک بطاعتک لزوجک. (الوسائل ج ۱۴/۱۲۵ الفروع ج ۲/۶۵)

فرمود: «مردی از انصار در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسافرت رفت و از همسر خود خواست که از خانه بیرون نرود تا او باز گردد، تا این که پدر آن زن بیمار شد و آن زن کسی را خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و اجازه خواست تا از پدر خود عیادت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من اجازه نمی دهم، باید در خانه بنشیند و از شوهر خود اطاعت کنی.»

پس بیماری پدر او سخت شد و مشرف به مرگ گردید و باز خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد تا پدر خود را عیادت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «باید در خانه بنشیند و از شوهر خود اطاعت کنی.» تا این که پدر او از دنیا رفت و به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که پدرم از دنیا رفت آیا اجازه می دهی نزد او بروم [و او را به بینم و بر او نماز گزارم]؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چنین اجازه ای ندارد بلکه باید در خانه بنشیند و از شوهر خود اطاعت کنی.» و چون پدر او را به خاک سپردند رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آن زن پیام داد که خداوند به سبب این که تو از شوهر خود اطاعت نمودی تو را و پدرت را آمرزید.

۲- در همان کتاب نقل شده که زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از پاسخ به سؤالات او فرمود: «زن ها اگر به شوهران خود آزار نمی رسانند، به واسطه زایمان و فرزندداری و علاقه و محبت به فرزندان خود به آنان گفته می شد بدون حساب وارد بهشت شوید.»

(۱)۳- در همان کتاب، از کتاب مکارم الأخلاق طبرسی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «برای زن، حلال و مجاز نیست که بخوابد تا این که لباس های خود را

ص: ۱۱۹

۱- (۱)۲- وفيه عنه... عن وليد قال: جاءت امرأة سائلة الى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: والذات والهات رحيمات باولادهن، لولا ما يأتين الى ازواجهن لقليل لهن ادخلن الجنة بغير حساب. (المصدر ص ۱۲۶)

بیرون آورد و خود را زیر لحاف به همسر خود بچسباند و آمادگی خود را به او اعلام کند و اگر جز این کند خود را بر او عرضه نکرده است.»

(۱) مرحوم صدوق در کتاب «من لایحضره الفقیه» (ج ۳/۳۸۹) نقل نموده که مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: من همسری دارم که چون وارد منزل می شوم به استقبال من می آید و چون خارج می شوم مرا بدرقه می کند و چون مرا اندوهگین می بیند به من می گوید: اندوه تو برای چیست؟ اگر برای رزق و روزی اندوه پیدا کرده ای بدان که خداوند ضمانت روزی تو را کرده است و اگر برای آخرت خود توشه ای بر نداشته ای و اندوهناکی پس خدا اندوه تو را زیاد کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله چون این سخنان را شنید فرمود: «این زن از عمال و کارپردازان خداوند است و نصف پاداش شهید را داراست.»

جلب محبت همسر از راه های غیر مشروع

سحر، همان گونه که در کتب فقهی ثبت شده از محرمات و عملی حرام و موجب کفر و از گناهان کبیره است؛ گرچه برای جلب محبت و علاقه همسر باشد. ملائکه آسمان ها و زمین ساحر را لعنت می کنند و توبه ساحر به سختی پذیرفته می شود.

(۲) ۱- در کتاب وسایل، از اسماعیل بن مسلم، از امام صادق، از امام باقر، از پدرانش علیهم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که زنی به آن حضرت گفت: من شوهر تندخویی دارم و برای جلب محبت او کاری انجام داده ام [و او را سحر نموده ام] تا به

ص: ۱۲۰

۱- (۱) ۳- وفیه عن مکارم الأخلاق عن النبی صلی الله علیه و آله قال: لایحلّ لإمرأه ان تنام حتّی تعرض نفسها علی زوجها تخلع ثیابها و تدخل معه فی لحافه فتلذق جلدھا بجلده فاذا فعلت ذلك فقد عرضت. (المصدر - مکارم الأخلاق ص ۱۲۴) یحرم السحر و ان کان لجلب المحبّه

۲- (۲) ۱- الوسائل عن الفقیه... عن جعفر بن محمد عن ابیه عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لأمرأه سألته إن لی زوجا و به علی غلظه، و انّی صنعت شیئا لأعطفه علیّ، فقال: لها رسول الله صلی الله علیه و آله: «أفّ لكِ کدرت البحار، و کدرت الطین، و لعنتک الملائکه الأخیار و ملائکه السماوات و الأرض»

من توجه کند و مرا دوست بدارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «اف بر تو باد! دریاها و زمین را آلوده کردی و ملائکه شایسته خدا در آسمان ها و زمین تو را لعنت می کنند.»

(۱) امام صادق علیه السلام فرمود: آن زن پیشیمان شد و پس از آن روزها را روزه می گرفت و شب ها را به عبادت مشغول بود و [از ناراحتی] سر خود را تراشید و پوست حیوانات را به تن کرد تا آمرزیده شود ولی این خبر که به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید فرمود: «اینها از او قبول نمی شود و توبه او پذیرفته نمی گردد.»

آرایش زن برای غیر شوهر

(۲) ۱- در کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر زنی که با خشم شوهر خود، در صورتی که خشم او به حق باشد، شب را به صبح آورد، خداوند هیچ نمازی را از او نمی پذیرد تا شوهر او راضی شود.»

(۳) ۲- و فرمود: «هر زنی که برای غیر شوهرش، خود را خوشبو کند خداوند هیچ نمازی را از او نمی پذیرد تا این که همانند غسل جنابت از این عمل [زشت] غسل [توبه] کند.»

در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر زنی که خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود مورد لعنت [خدا و ملائکه و...] خواهد بود تا به خانه خود باز گردد.»

(۴) ۳- و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «زن نباید بدون اجازه شوهر

ص: ۱۲۱

۱- (۱) قال: فصامت المرأة نهارها وقامت ليلها وحلقت رأسها ولبست المسوح فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وآله فقال: إن ذلك لا يقبل منها. (الوسائل ج ۱۴/۱۸۴ - الفقيه ج ۲/۱۴۳) جزاء المرأة التي تنزین لغير زوجها وتسخطه

۲- (۲) ۱- الوسائل عن الكافي... عن ابي عبد الله عليه السلام قال: أيما امرأة باتت وزوجها عليها ساخط في حق لم يتقبل منها صلاة حتى يرضى عنها و أيما امرأة تطيبت لغير زوجها لم يقبل الله منها صلاة حتى تغتسل من طيبها كغسلها من جنابتها. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۳)

۳- (۳) ۲- وفيه عنه... عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أي امرأة تطيبت وخرجت من بيتها فهي تلعن حتى ترجع الى بيتها متى ما رجعت. (المصدر)

۴- (۴) ۳- وفيه عنه... عن الصادق عليه السلام في حديث المناهي قال: نهى النبي صلى الله عليه وآله ان تخرج المرأة من بيتها بغير اذن زوجها فان خرجت لعنها كل ملك في السماء وكل شيء تمر عليه من الجن والإنس حتى ترجع الى بيتها ونهى صلى الله عليه وآله ان تنزین لغير زوجها فان فعلت كان حقا على الله ان يحرقها بالنار. (المصدر ص ۱۱۴)

خود از خانه خارج شود و اگر خارج شود همه ملائکه آسمان و هر که از جن و انس به او برخورد می کنند او را لعنت خواهند کرد تا به خانه خود برگردد.»

و فرمود: «حرام است زن برای غیر شوهر خود زینت کند و اگر چنین کند بر خدا حق است که او را به آتش [دوزخ] بسوزاند.»

(۱)۴- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر زنی که به شوهر خود بگوید: «من از تو خیر ندیدم» اعمال و عبادات او از بین خواهد رفت.»

آزار زن و شوهر به یکدیگر

(۲) در کتاب وسایل الشیعه، از کتاب عقاب الأعمال، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «هر زنی که به همسر خود آزار رساند، خداوند نماز و اعمال خیر او را نمی پذیرد تا وقتی که او را یاری کند و رضایت او را فراهم نماید. چنین زنی، اگر در تمام عمر روزه بگیرد و غلامانی را در راه خدا آزاد کند و مال هایی را در راه خدا انفاق نماید سودی برای او نخواهد داشت و او نخستین کسی است که وارد آتش می شود.»

سپس فرمود: «مرد هم اگر به همسر خود آزار رساند و در حق او ظلم کند،

ص: ۱۲۲

۱- (۱)۴- و فیه عن جمیل بن درّاج عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: ایما امرأه قالت لزوجها: ما رایت قطّ من وجهک خیرا فقد حبط عملها. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۵) یحرم علی کلّ من الزوجین ان یؤذی الاخر بغير حق

۲- (۲)۱- الوسائل عن محمّد بن علی بن الحسین فی (عقاب الأعمال) بسند تقدّم فی عیاده المریض عن النبی صلی الله علیه و آله قال: من کان له امرأه تؤذیه لم یقبل الله صلاتها و لاحسنه من عملها حتّی تعینه و ترضیه و ان صامت الدّهر و قامت أعتقت الرقاب و انفقت الأموال فی سبیل الله و كانت أوّل من ترد النار ثمّ قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و علی الرّجل مثل ذلك الوزر و العذاب إذا کان لها مؤذیا ظالما و من صبر علی سوء خلق امرأته و احتسبه أعطاه الله له بكلّ مرّه یصبر علیها من الثواب مثل ما اعطى ایوب علی بلائه و کان علیها من الوزر فی کلّ یوم ولیله مثل رمل عالج فان ماتت قبل ان تعقبه و قبل ان یرضی عنها حشرت یوم القیامه منکوسه مع المنافقین فی الدرك الأسفل من التّار و من كانت له امرأه و لم توافقه و لم تصبر علی ما رزقه الله و شقت علیه و حملته مالم یقدر علیه لم یقبل الله لها حسنه تتقی بها النار و غضب الله علیها مادامت كذلك. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۶)

چنین گناه و عذابی را خواهد داشت و هر مردی که برای خدا بر بدخلقی همسر خود صبر کند خداوند در مقابل هر نوبتی که بر بداخلاقی او صبر می کند پاداش حضرت ایوب علیه السلام را به او خواهد داد و گناه آن زن در هر شبانه روز به اندازه رمل های بیابان عالج می باشد، و اگر بدون رضایت آن مرد بمیرد در قیامت با منافقین از سر در دَرَك اسفل دوزخ قرار خواهد گرفت.

و کسی که زنی داشته باشد که آن زن با او موافق نباشد و بر زندگی او صبر نکند و بر او سخت بگیرد و او را وادار به چیزی کند که توان آن را ندارد خداوند هیچ عمل نیکی را از آن زن نمی پذیرد و او از آتش نجات پیدا نمی کند و تا هنگامی که دارای چنین اخلاقی باشد خداوند بر او خشم خواهد داشت.»

مؤلف گوید: یکی از آزارهایی که زن به شوهر خود روا می دارد این است که نیاز او را نسبت به مسایل جنسی تأمین نکند و یا در تمکین کردن، او را آزار دهد و خواسته او را انجام ندهد و یا به تأخیر اندازد. چنین زنی را ملائکه لعنت می کنند.

(۱) ۲- در کتاب وسایل، از کافی، از امام باقر علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به زن ها فرمود: «نماز خود را طولانی مکنید تا همسران خویش را از بهره گیری ممنوع نمایید.»

(۲) ۳- در همان کتاب، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «زنی برای حاجتی که داشت خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: شاید تو از زن های مسوِّفات باشی. آن زن گفت: یا رسول الله! مسوِّفات کیانند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مقصود من زنی می باشد که چون همسر او را طلب می نماید و از او درخواست مسایل جنسی می کند او بیایمی او را معطل می کند تا او را خواب برباید و چون همسر او به خواب می رود ملائکه آن زن را لعنت می کنند تا

ص: ۱۲۳

-
- ۱- (۱) ۲- و فیه عن الکافی عن ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله للنساء: لا تطولن صلاتکَنّ لمتعن ازواجکَنّ. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۷ - الفروع ج ۲/۶۱)
- ۲- (۲) ۳- و فیه عنه عن ابی عبدالله علیه السلام قال: إنّ امرأه أتت رسول الله صلی الله علیه و آله لبعض الحاجه فقال لها: لعلک من المسوِّفات؟ قالت: و ما المسوِّفات یا رسول الله؟ قال المرأه التي يدعوها زوجها لبعض الحاجه فلا تزال «تزل» تسوّفه حتّى ینعس زوجها فینام فتلك التي لا تزال الملائکه یلعنها حتّى یستیقظ زوجها. (المصدر ص ۱۱۷ - الفروع ج ۲/۶۱)

وقتی که شوهر او از خواب بیدار شود.»

ارفاق و احسان به همسر

از سخنان و توصیه های معصومین علیهم السلام استفاده می شود که تزییع حق زن و ظلم به او، همانند تزییع حق یتیم و ظلم به او می باشد. براین اساس، لازم است که به زن ارفاق و از خطاهای او گذشت کنند و بیش از توان او چیزی به او تحمیل نشود و بهترین مردم کسی است که بیش از دیگران به همسر خود احسان و ارفاق نماید و ملعون است کسی که حق زن را ضایع نماید و به او ظلم کند، چرا که زن امانت خداست و امانت را باید به خوبی نگهداری نمود تا صفای زندگی و آرامش در خانواده برقرار گردد.

اینک به گوشه هایی از سخنان معصومین علیهم السلام در این باره اشاره می کنیم:

(۱)۱- در کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس همسری انتخاب نماید و از او بهره مند گردد نباید او را ضایع گذارد.»

(۲)۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «از خدا بترسید در باره حق زن و یتیم که این دو ضعیف و ناتوان می باشند.»

(۳)۳- و فرمود: «بیشتر مستضعفین در بهشت زن ها می باشند و خداوند چون از ضعیف بودن آنان آگاه بوده به آنان ترحم نموده است.»

(۴)۴- در همان کتاب، از صدوق نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن وصیت

ص: ۱۲۴

۱- (۱) الإحسان و الإکرام للزوجه ۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله :
أما المرأة لعلها من اتخذها فلا یضیعها. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۹- الفروع ج ۲/۶۱)

۲- (۲) و قال علیه السلام : اتقوا الله فی الضعیفین یعنی بذلک الیتیم و النساء. (المصدر)

۳- (۳) و قال علیه السلام : اکثر اهل الجنة من المستضعفین النساء علم الله ضعفن فرحمهن. (المصدر)

۴- (۴) و فیہ عن الصدوق باسناده الی وصیّه امیرالمؤمنین علیه السلام لولده محمد بن الحنفیه نحوه الی قوله علیه السلام :
ولیست بقهرمانه وزاد: فدارها علی کل حالٍ و احسن الصحبه لها لیصفو عیشک. (المصدر ص ۱۲۰)

به فرزند خود محمد بن الحنفیه فرمود: «زن همانند گل رقیق و لطیف است، او قهرمان نیست که بر او فشار آوری. پس در همه حالات و امور با او مدارا کن و معاشرت خود را با او نیکوگردان تا زندگی تو با صفا و شیرین گردد.»

(۱) ۵- در همان کتاب، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «خداوند مرد را قیّم و مالک زن قرار داده و اختیار زن را به دست او داده است. پس رحمت خدا باد بر مردی که بین او و همسرش صلاح و محبت برقرار باشد و به همسر خود احسان کند.»

(۲) ۶- در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ملعون است کسی که همسر خود را ضایع گذارد و زندگی او را تأمین نکند.»

و فرمود: «دور از مروّت است که مردی در شهری زندگی کند و در کنار همسر خود نباشد و از او دوری نماید.»

(۳) ۷- در همان کتاب، از موسی بن جعفر علیهما السلام نقل شده که فرمود: «خانواده هر کسی [همانند] اسرایی هستند که در زیر دست اویند. پس به هر کس خدا نعمت عطا نموده باید به خانواده خود وسعت و گشایش دهد تا نعمت از او گرفته نشود.»

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آگاه باشید که بهترین شماها کسانی هستند که به همسران خود بیشتر توجه می کنند و من بیشتر از شما به همسران خود توجه می کنم.»

پاداش همسر دوستی و معیار احسان به همسر

(۴) اسلام علاقه به همسر را یک فضیلت و ارزش دانسته و دستور داده که مردها

ص: ۱۲۵

۱- (۱) ۵- وفيه عن الكافي... قال الصادق عليه السلام: رحم الله عبدا احسن فيما بينه وبين زوجته فانّ الله عزّوجلّ قد ملكه ناصيتها وجعله القیّم عليها. (الوسائل ج ۱۴/۱۲۲)

۲- (۲) ۶- وقال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ملعون ملعون من ضیع من یعول. (المصدر)

۳- (۳) ۷- وفيه: قال وقال ابو الحسن عليه السلام: عيال الرجل اسراؤه فمن انعم الله عليه بنعمه فليوسّع على اسراءه فان لم يفعل اوشك ان تزول تلك النعمه. وفيه قال: قال النبي صلی الله علیه و آله: ألا خيركم خيركم لنسائه و اناخيركم لنسائي. (المصدر)

۴- (۴) فضل حبّ النساء و الأمر بمدارتهنّ قال الله سبحانه: يا ايّها الذين آمنوا إنّ من ازواجكم و اولادكم عدوا لكم فاحذروهم و ان تعفوا و تصفحوا و تغفروا فانّ الله غفور رحيم. (سوره التغابن آيه ۱۴)

با همسران خود مدارا و سازگاری کنند و از خطاهای آنان در حد امکان درگذرند و به آنان ترحم نمایند. از سوی دیگر، آفت های این مسأله را هم گوشزد نموده و فرموده: از شر آنان نیز باید برحذر بود و از آنان پیروی و اطاعت نکرد. اسلام زحمات همسران را نیز یادآور شده و دستور داده است که باید در حد امکان در خانه به آنان کمک نمود تا جایی که می فرماید: بهترین مردها آنهایی هستند که به همسران خود بیشتر محبت و احسان می کنند و زمینه آسایش آنان را فراهم می نمایند.

البته معیار گذشت و احسان و علاقه به همسران و شاد نمودن آنان مقررات و حدود اسلامی است. بنابراین اگر هر یک از این مسایل همراه تخلف از دستورات و حدود اسلامی حاصل شود مطلوب نخواهد بود. برای مثال اگر کسی بخواهد نسبت به همسر خود با انجام یک گناه و عمل حرام احسان کند و یا او را شاد نماید و یا برای او آسایش فراهم نماید، در حقیقت، در حق او ستم روا داشته است؛ گرچه آن همسر به دلیل جهالت و نادانی طالب آن باشد.

مدارا و احسان به زن ها و نهی از اطاعت آنان

باید توجه داشت که خداوند متعال حکیم است و هر چیزی را مطابق حکمت خود آفریده و کوچک ترین ظلمی در آفرینش او وجود ندارد؛ همان گونه که در عالم تکلیف نیز هر کسی را به اندازه توان، بلکه کمتر از توان او، تکلیف نموده است و در قیامت نیز هر انسانی را به اندازه عقل و شعوری که به او داده مؤاخذه خواهد نمود؛ «لَا يَظْلَمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَ لَافِي الْأَرْضِ». معیار سعادت در اسلام و دیگر ادیان آسمانی، معرفت و تقوای هر انسانی است و در این مسأله تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. آری، در خلقت مرد و زن تفاوت ها و تفاضل هایی مطابق حکمت کلی نظام خلقت وجود دارد که اگر این تفاوت ها و تفاضل ها نباشد زندگی مرد و زن

دچار مشکل می شود و خداوند خالق و حکیم و رحیم بنابر مصلحت نظام آفرینش، موجودات را چنین آفریده و در قانون خود نیز چنین تفاوت و تفاضل هایی را قرار داده است؛ چنان که خلقت پیامبران خود را که مأمور به تبلیغ دین هستند و باید معصوم و پاک باشند مانند سایر مردم قرار نداده بر همین اساس قدرت و توان و علم و عقل و تدبیری که به پیامبران علیهم السلام داده به دیگران عنایت نفرموده است.

در این زمینه بنابه فرموده قرآن «و لا یُسئل عَمَّا یفعل و هم یُسألون» کسی نباید خداوند را که مالک هستی و عالم و عادل و حکیم و رحیم است مورد سؤال قرار دهد بلکه این انسان است که باید به علت جهل و نادانی و خطا و ظلم مورد سؤال و مؤاخذه قرار گیرد.

از این رو، اگر در قرآن و سخنان اولیای خدا مطالب و دستوراتی به چشم می خورد که حاکی از تفاوت و یا تفاضل مرد نسبت به زن می باشد، قطعاً بدون حکمت نبوده بلکه مقتضای نظام آفرینش آن بوده است. از سویی، بالاترین ارزش عبادت یک انسان، رضایت به تقدیرات خداوند است و اگر انسان مؤمن، حکمت و فلسفه حکمی از احکام خدا را ندانست و یا سرّ آن بر او آشکار نبود نباید زبان به انکار باز کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از یاران و فرزندان خود فرمود: «و ان اشکل علیک شیء من ذلک فاحمله علی جهالتک...»؛ یعنی اگر در فهم احکام خداوند و یا نسبت به عالم خلقت و تکوین مشکلی پیدا کردی و سرّ آن را ندانستی آن را به عهده جهالت و نادانی خود گذار و به قانون خداوند اعتراض مکن؛ چرا که این، اعتراض به حق و انکار آن است و مساوی با شرک و یا کفر خواهد بود.

اینک به بخشی از آیات قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام در این موضوع توجه می کنیم:

خداوند در سوره تغابن می فرماید: «ای اهل ایمان، [بدانید] که بعضی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند، پس از آنان برحذر باشید [که آسیبی از آنان به شما نرسد].»

از این آیه مبارکه روشن می شود که تنها بعضی از همسران و فرزندان چنین

هستند و نه همه آنان. بر همین اساس، روایاتی که در پی می آید نیز جنبه نوعیت دارد و چنین نیست که همه همسران و زن ها چنین باشند.

زن های با کمال نیز فراوان هستند و چه بسا بعضی از آنان در مراتب کمال و تعقل و تدبیر از بسیاری از مردها برتر باشند. ولی طبق آنچه در روایات آمده، در بین زن ها تنها چند نفر به مراحل عالی کمال رسیده اند اما از میان مردها، افراد فراوانی به مراحل عالی کمال دست یافته اند.

(۱) ۱- علامه مجلسی، از علل الشرایع و امالی صدوق، با سند خود، از امام صادق، از پدرانش علیهم السلام نقل نموده که مردی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام از [آزار و اخلاق ناپسند] زن های خود به آن حضرت شکایت نمود و به این علت امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه ای ایراد نمود و فرمود:

«ای مردم! در هیچ چیز و هیچ موقعیتی از زن ها پیروی نکنید و آنان را نسبت به اموال خود امین ندانید و زندگی و تدبیر آن را به آنان وامگذارید؛ اگر آنان را آزاد گذارید خود را به هلاکت می اندازند و از امر مالک خود سرپیچی می کنند؛ چرا که ما دریافته ایم که آنان در هنگام نیاز تقوا را رعایت نمی کنند و هنگام شهوت و خواسته های نفسانی صابر و شکیبیا نیستند، و تکبر و بلندپروازی حتی در هنگام پیری، لازمه وجود آنان است و خودپسندی، چه در حال ناتوانی و چه در حال توانایی شیوه آنها است. آن هنگام که از تنگدستی خارج شوند خدا را شاکر نیستند؛ خوبی ها را فراموش می کنند و بدی ها را به یاد می آورند؛ فراوان به یکدیگر تهمت می زنند و به طغیان و سرکشی خود ادامه می دهند. آنان کارگزاران شیطانند؛ از این رو باید در همه چیز با آنان مدارا نمایید و در سخن با آنان درشتی نکنید تا شاید رو به

ص: ۱۲۸

۱- (۱) ۱- البحار عن العلل و الأمالی عن الصادق عن آبائه علیهم السلام قال: شکی رجل من اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام نساء فقام علیه السلام حطیبا فقال: معاشر الناس لاتطیعوا النساء علی حال، ولا تأمنوهن علی مالٍ و لاتذروهن یدبرن امرالعیال، فأنهن ان ترکن و ما اردن اوردن المهالك و عدون امرالمال:، فأننا وجدناهن لاورع لهن عند حاجتهن، و لا صبر لهن عن شهوتهن، البذح لهن لازم و ان کبرن، و العجب بهن لاحق و ان عجزن، لایشکرن الکثیر اذا منعن القلیل، ینسین الخیر و یحفظن الشر، یتهافتن بالبهتان، و یتمادین بالطغیان، و یتصدین للشیطان، فداروهن علی کل حالٍ و احسنوا لهن المقال لعلهن یحسنن الفعال. (البحار ج ۱۰۳/۲۲۳ العلل ص ۵۱۲ الأمالی ص ۲۰۶)

صلاح بروند [و از کارهای ناپسند خود دست بردارند].»

(۱)۲- در همان کتاب، از امالی صدوق، از امام باقر، از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیهم السلام نقل شده که فرمود: «از زنان بد پرهیزید و از خوبان آنان برحذر باشید. از خواسته ها و دستوره‌های مشروع آنان سرپیچی کنید تا طمع نکنند و شما را به منکر و خلاف شرع و اندارند.»

(۲)۳- در همان کتاب، از قرب الاسناد، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «کسی که همسری انتخاب می کند باید او را گرامی بدارد، و چون بهره های خود را از او می برد نباید او را ضایع نماید.»

(۳)۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از خدا بترسید، از خدا بترسید در باره دو ضعیف: یکی یتیم و دیگری زن. همانا بهترین شما کسانی هستند که بیشتر به همسران خود رسیدگی می کنند.»

(۴)۵- در همان کتاب، از علل الشرایع، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «زنی از صحرانشینان خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و همراه او دو کودک بود که یکی را به دوش گرفته بود و دیگری همراه او بود و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله یک قرص نان به او داد و او آن را بین دو فرزند خود تقسیم نمود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چنین زن های با محبتی اگر نماز می گزاردند و زیاد هوسرانی نمی کردند اهل بهشت می بودند.»

ص: ۱۲۹

۱- (۱)۲- و فیه عن الامالی... قال امیرالمؤمنین علیه السلام: اتقوا شرارالنساء و کونوا من خیارهنّ علی حذر ان امرنکم بالمعروف فخالقوهنّ کیلا یطمعن منکم فی المنکر. (المصدر ص ۲۲۴ الامالی ص ۳۰۴)

۲- (۲)۳- و فیه عن الباقر علیه السلام قال: من اتخذ امرأه فلیکرمها فانما امرأه احدکم لبعه فمن اتخذها فلا یضیعها.

۳- (۳)۴- و فیه... قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اتقوا الله اتقوا الله فی الضعیفین: الیتیم و المرأه فانّ خیارکم خیارکم لأهله. (البحار ج ۱۰۳ ص ۲۲۴)

۴- (۴)۵- و فیه عن العلل... قال ابو عبدالله علیه السلام: جاءت امرأه من اهل البادیه الی النبی صلی الله علیه و آله و معها صبیان حامله واحدا و آخر یمشی، فاعطاها النبی صلی الله علیه و آله قرصا ففلقته بینهما فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: الحاملات الرحیمات لولا کثره لبعهنّ لدخلت مصلیاتهنّ الجنّه. (المصدر ص ۲۲۷)

(۱)۶- در همان کتاب، از مکارم الأخلاق، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «در کارهای سرّی با زن ها مشورت نکنید و در مسایل خویشاوندی از آنان پیروی ننمایید. همانا زن چون پیر شود سرّ او باقی می ماند و خیر او از بین می رود، جمال او برطرف و رحم او عقیم و زبان او تند و پرخاشگر می شود؛ [ولی] مرد چون پیر شود سرّ او از بین می رود و خیر او باقی می ماند، نادانی و جهل او برطرف و عقل او ثابت و رأی او مستحکم می گردد.»

(۲)۷- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هر مردی که تدبیر زندگی خود را به دست زن خود بدهد ملعون است.»

(۳)۸- و فرمود: «برکت در مخالفت با زن هاست.»

(۴)۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که از همسر خود (در گناه و هوسرانی) اطاعت بکند خداوند او را به صورت در آتش می افکند.» سؤال شد: آن چگونه اطاعتی است؟ فرمود: «او را اجازه دهد به حمام های عمومی و عروسی ها و اعیاد و جلسات آوازه خوانی برود و لباس نازک بپوشد.»

(۵)۱۰- در نهج البلاغه، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که آن حضرت بعد از

ص: ۱۳۰

۱- (۱)۶- و فیه عن ابی جعفر علیه السلام قال: لاتشاوروهنّ فی النجوی، و لاتطیعوهنّ فی ذی قرابه إنّ المرأه اذا کبرت ذهب خیر شطریها و بقی شرّهما: ذهب جمالها و عقم رحمها و احتدّ لسانها، و إنّ الرجل اذا کبر ذهب شرّ شطریه و بقی خیرهما ثبت عقله و استحکم رأیه و قلّ جهله. (المصدر عن مکارم الأخلاق ص ۲۶۵)

۲- (۲)۷- و فیه عن مکارم الأخلاق: قال علی علیه السلام: کلّ امرأٍ تدبّره امرأه فهو ملعون.

۳- (۳)۸- وقال علیه السلام: فی خلافهنّ البرکه. (المصدر)

۴- (۴)۹- وقال رسول الله صلی الله علیه و آله: من اطاع امرأته اکبه الله علی وجهه فی النار قال: و ما تلك الطاعه؟ قال: تطلب الیه الذهاب الی الحمامات و العرسات و العیدان و النایحات و الثیاب الرقاق فیجیبها. (المصدر)

۵- (۵)۱۰- و فی البحار عن نهج البلاغه: قال علی علیه السلام بعد حرب الجمل فی ذمّ النساء: معاشر الناس انّ النساء نواقص الایمان، نواقص الحفوظ، نواقص العقول، فأما نقصان ایمانهنّ ففقدتهنّ عن الصلاه و الصیام فی ایام حیضهنّ، و اما نقصان عقولهنّ فشهادة امرأتین منهنّ كشهادة الرجل الواحد، و أمّا نقصان حطوظهنّ فموارثتهنّ علی الانصاف من موارث الرجال، فاتقوا شرار النساء و کونوا من خیارهنّ علی حذر، و لاتطیعوهنّ فی المعروف حتّی لا یطمعن فی المنکر. (البحار ج ۱۰۳/۲۲۸)

بازگشتن از جنگ جمل در مذمت و نکوهش زنان فرمود: «ای مردم! براستی زن ها از جهت ایمان وارث و عقل ناقص هستند؛ دلیل ناقص بودن ایمان آنان این است که در ایام حیض از نماز و روزه باز می مانند، و دلیل ناقص بودن عقل آنان این است که شهادت دو نفر از آنان مانند شهادت یک مرد می باشد، و دلیل ناقص بودن ارث آنان این است که ارث آنان نصف ارث مردها می باشد.»

سپس فرمود: «از زن های بد پرهیز کنید و از زن های خوب نیز برحذر باشید. در کارهای خوب از آنان اطاعت نکنید تا در شما طمع نکنند و اعمال خلاف و معصیت خدا را از شما طلب نمایند.»

احیای حقوق زن در اسلام

در تاریخ ثبت شده و در قرآن نیز تصریح شده است که قبل از اسلام، مردم جزیره العرب دختران خود را زنده به گور می کردند و چون به آنان خبر داده می شد که فرزند دختری خداوند به شما داده آنان از شرمساری سر به زیر می انداختند و صورت هایشان سیاه می شد و متحیر می ماندند که آن دختر را با خواری و ذلت نگهداری کنند و یا او را زنده به گور نمایند.

(۱) ولی در اسلام، برخلاف فرهنگ جاهلی، از فرزندان دختر دلجویی بیشتری شده است و دستور داده شده که محبت بیشتری به آنان بشود. اسلام، فرزندان دختر را رحمت و فرزندان پسر را نعمت شمرده است از روایات استفاده می شود که پدر و مادری که فرزند دختر دارند نیز مورد دلجویی و رحمت الهی می باشند. اینک به متن سخنان معصومین علیهم السلام می نگریم:

ص: ۱۳۱

۱- (۱) المرأه قبل الإسلام و بعده قال الله سبحانه: و اذا بُشِّر احدهم بالانثى ظلَّ وجهه مسودًا و هو كظیم * يتواری من القوم من سوء ما بشَّر به أيمسكه على هونٍ ام يدسه في التراب ألا- ساء ما يحكمون. (النحل/۵۸) ۱- و قال الصادق عليه السلام: البنات حسنات و البنون نعمه فالحسنان يثاب عليها و النعم يُسأل عنها. (البحار ج ۱۰۴/۹۰ مكارم الاخلاق / ۲۵۱)

(۱) در کتاب بحار، از کتاب مکارم الاخلاق، از حمزه بن حرمان نقل شده که مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله نشست بود، پس شخصی خبر آورد که خداوند فرزندی به آن مرد عطا فرموده و چون آن مرد دانست که آن فرزند دختر است رنگ او تغییر نمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «چگونه شد حال تو؟» او گفت: خیر است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برای چه حال تو دگرگون گردید؟» آن مرد گفت: یا رسول الله! من از خانه خارج شدم در حالی که همسرم در حال زایمان کردن بود و اکنون به من خبر داده شد که او دختری آورده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «زمین او را به دوش می گیرد و آسمان بر او سایه می افکند و خداوند او را روزی می دهد و او گلی است برای تو که آن را می بویی.»

(۲) سپس روی مبارک خود را به سوی اصحاب نمود و فرمود: «هر کس صاحب یک دختر باشد بار سنگینی به دوش اوست و هر کس صاحب دو دختر باشد [خدا] به فریاد او برسد و هر کس صاحب سه دختر باشد جهاد و هر کار دشواری از او ساقط است و هر کس صاحب چهار دختر باشد، پس ای بندگان خدا، او را کمک دهید و به او رحم کنید و قرض به او بدهید.»

و فرمود: «هر کس سه دختر را تکفل کند بهشت برای او لازم می شود.» گفته شد: دو دختر چگونه است؟ فرمود: «بهشت برای او لازم می شود.» گفته شد: یک دختر چگونه است؟ فرمود: «بهشت برای او لازم می شود.»

(۳) در همان کتاب، از تفسیر عیاشی، از حسن بن سعید نقل شده که گوید: برای

ص: ۱۳۲

۱- (۱) البحار عن مکارم الأخلاق عن حمزه بن حرمان باسناده أنه أتى رجل النبي صلى الله عليه وآله و عنده رجل فاخبره بمولود فتغير لون الرجل فقال النبي صلى الله عليه وآله مالك؟ فقال: خير قال: قل، قال: خرجت و المرأة تمخض فأخبرت أنها ولدت جارية، فقال له النبي صلى الله عليه وآله: الأرض تقلها، و السماء تظللها، و الله يرزقها، و هي ريحانة تشمها ثم اقبل على اصحابه فقال: من كانت له ابنة واحده فهو مفدوح و من كانت له ابنتان فياغوثاه، و من كان له ثلاث وضع عنه الجهاد و كل مكره، و من كان له اربع فياعبدالله اعينوه، يا عبادالله اقرضوه، يا عبادالله ارحموه. (البحار ج ۱۰۴/۹۱ مكارم الأخلاق ۲۵۱)

۲- (۲) و قال صلى الله عليه وآله: من عال ثلث بناتٍ او ثلث اخوات و جبت له الجنة قيل: يا رسول الله و اثنتين؟ قال صلى الله عليه وآله: و آله: و اثنتين قيل: يا رسول الله و واحده؟ قال صلى الله عليه وآله و آله و واحده. (المصدر ص ۹۲ مكارم الاخلاق ۲۵۲)

۳- (۳) و في البحار عن العياشي عن الحسن بن سعيد اللحمي قال: ولد لرجلٍ من اصحابنا جارية و دخل على ابى عبدالله عليه السلام فرآه متسخطا لها، فقال له ابو عبدالله عليه السلام: أ رأيت لو أنّ الله اوحى اليك أنّي اختارلك او تختار لنفسك ما كنت تقول؟ قال: كنت اقول: يا ربّ تختار لي قال عليه السلام: فإنّ الله قد اختار لك ثمّ قال: إنّ الغلام الذي قتله العالم الذي كان مع موسى في قول الله: «فاردنا ان يبدلهما ربّهما خيرا منه زكاه و اقرب رحما» قال: فابدلتهما منه جارية و ولدت سبعين نبيا. (البحار ج ۱۰۴/۱۰۱)

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام فرزند دختری متولد شده بود و چون خدمت آن حضرت رسید و امام علیه السلام او را خشمناک دیدند به او فرمودند:

«بگو بدانم اگر خداوند به تو وحی می نمود که «آیا من برای تو انتخاب کنم و یا تو برای خود انتخاب می کنی تو چه می گفتی؟» آن مرد گفت: من می گفتم: پروردگارا، تو برای من انتخاب کن. پس امام علیه السلام به او فرمود: «اکنون خدا برای تو [دختر] انتخاب نموده است.»

سپس فرمود: «آن پسری که حضرت خضر کشت و حضرت موسی علیهما السلام به او اعتراض نمود و خضر علیه السلام در پاسخ موسی علیه السلام گفت: «ما خواستیم به پدر و مادر این پسر خداوند فرزند پاک تر و نزدیک تری از جهت رحمت عطا فرماید» خداوند به جای آن پسر (که اگر بزرگ می شد طغیان و سرکشی می نمود) دختری به آنان عطا نمود که هفتاد پیامبر از نسل او به وجود آمدند.»

(۱) و در کتاب کافی، از سلیمان جعفری، از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدای تبارک و تعالی به زن ها رؤوف تر و مهربان تر است تا مردها و هیچ مردی نیست که زنی از خویشان خود را خشنود کند جز آن که خداوند در قیامت او را خشنود خواهد نمود.»

حقوق زن و شوهر بر یکدیگر

(۲) اگر خداوند در خلقت مرد و زن تفاوت ها و برتری هایی قرار داده است؛ نه

ص: ۱۳۳

۱- (۱) و فی الکافی... عن سلیمان بن جعفر الجعفری عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنثَاءِ أَرْأَفُ مِنْهُ عَلَى الذَّكَورِ وَ مَا مِنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ فَرْحَهُ عَلَى امْرَأَةٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهَا حَرَمَهُ إِلَّا فَرَّخَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ.** (الکافی ج ۶/۶)

۲- (۲) حقوق الرجال و النساء بعضهم على بعض قال الله سبحانه: الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله. (النساء آیه ۳۴)

از جهت تحقیر و ظلم به زن می باشد بلکه از جهت مصلحت و حکمت نظام آفرینش است؛ چرا که او عالم به مصالح عالم و حکیم و مدبّر و ربّ العالمین و رحیم است و حق احدی را در عالم تکوین و تشریح ضایع نمی کند.

مصلحت کلی نظام آفرینش ایجاب نموده که عده ای از انسان ها پیامبر یا امام و رهبر جامعه باشند و عده ای نیز در دین خدا تّفقه نمایند و به عنوان علمای دینی مردم را راهنمایی و هدایت نمایند و عده ای دیگر نیز به سایر امور پردازند.

در نظام خانواده نیز خلقت مرد و زن به گونه ای است که یکی قیم و مدیر باشد و سایرین از او اطاعت کنند که اگر چنین نمی بود نظام خانواده متلاشی می گردید. همان گونه که در مسأله الوهیت فرموده است: «لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا»؛ یعنی اگر برای اداره عالم چند خدا وجود داشت آسمان و زمین فاسد و تباه می شد.

از این رو، بندگان خدا باید به تقدیرات الهی در عالم تکوین و تشریح راضی باشند و حتی آن را یک عبادت بدانند. اساسا تسلیم بودن بنده در مقابل تقدیرات و حکمت های الهی از بزرگترین عبادات است و معرفت و ارزش انسان مؤمن نیز وابسته به آن است.

البته معیار و ملاک ارزش انسان ها در پیشگاه خداوند بندگی و تقوای آنان می باشد؛ ممکن است یک فرد بی سواد و یک زن خانه دار در این میدان گوی سبقت را از دیگران بر باید؛ و زنی مانند مادر وهب در کربلا و یا مردی چون جون، غلام سیاه امام حسین علیه السلام از دیگران سبقت گیرند. یک زن خانه دار می تواند با اطاعت از شوهر و بیرون رفتن از خانه به مقامی برسد که جبرئیل علیه السلام برای او و پدر او بشارت آمرزش بیاورد.

اینک به بخشی از آیات و روایات در باره شخصیت مرد و زن و حقوق آنان بر یکدیگر توجه فرمایید:

خداوند در سوره نساء می فرماید: «قیمومت و سرپرستی زن ها و [و خانواده]

برای مردهاست و این به علت برتری مرد بر زن و انفاقی است که آنان برای اداره زندگی می کنند.» این آیه بدان معنی است که خداوند واجب نموده که مردها هزینه زندگی همسران خود را تأمین نمایند. و زن ها نیز از همسران خود اطاعت کنند تا نظام خانواده برقرار بماند.

خداوند در آیه ای دیگر زن ها را ستایش نموده و می فرماید: «زن های صالح و شایسته، اهل قنوت و تضرع و عبادت هستند و در پنهانی آنچه خداوند دستور حفظ و نگهداری آن را داده حفظ می کنند؛ یعنی چون شوهران آنان از خانه بیرون می روند خود را [که امانت همسران محسوب می شوند] از هر عمل خلاف حفظ می کنند. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «مقصود از «قانتات» در این آیه این است که زن های شایسته مطیع شوهران خود می باشند. (تفسیر علی بن ابراهیم قمی)».

(۱) ۱- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از علل و امالی صدوق، از امام حسن علیه السلام نقل نموده که فرمود: «عده ای از یهودی ها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و یکی از آنان در بین سؤالات خود پرسید: برتری مردها بر زن ها چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانند برتری آسمان بر زمین و یا برتری آب بر زمین؛ همان گونه که زمین به وسیله آب احیا و زنده می شود، زن ها نیز به وسیله مردها زنده می شوند و اگر مردها نبودند خداوند زن ها را نمی آفرید؛ چنان که در قرآن می فرماید: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم».

مرد یهودی گفت: دلیل آن چیست، و چرا این گونه است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند آدم را از گل آفرید و از باقیمانده گل آدم، حوّا را آفرید و نخستین کسی که از زن ها اطاعت کرد، خود آدم بود و خداوند به همین علت او را از بهشت بیرون نمود.

ص: ۱۳۵

۱- (۱) حقوق الرجال و النساء بعضهم على بعض قال الله سبحانه: الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله. (النساء آیه ۳۴) ۱- البحار عن العلل و الأمالی عن حسن بن علی علیهما السلام قال: جاء نفر من اليهود الى رسول الله صلی الله علیه و آله فسأله عن مسائل عن مسائل فكان فيما سأله: اخبرني ما فضل الرجال على النساء؟

(۱) سپس فرمود: خداوند فضیلت مردها را بر زن ها در دنیا آشکار نموده است؛ مگر نمی بینی زن ها حیض می شوند و به علت این آلودگی از عبادت (نماز و روزه و...) ممنوع می گردند؟ در حالی که مردها چنین آلودگی پیدا نمی کنند و از عبادت خدا ممنوع نمی شوند؟ مرد یهودی گفت: راست گفتی ای محمد صلی الله علیه و آله.

عبادت زن مشروط به رضایت شوهر

(۲) ۱- علامه مجلسی، از کتاب امالی صدوق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «هر زنی که با زبان خود همسر خویش را بیازارد خداوند هیچ عبادت و عمل نیکی را از او نمی پذیرد تا وقتی که شوهر خود را راضی کند. او اگر روزها را روزه بگیرد و شب ها را به عبادت طی کند و در راه خدا بنده هایی را آزاد و اموال انبوهی را انفاق کند، نخستین کسی خواهد بود که وارد دوزخ می شود. مرد نیز اگر در حق همسر خود ظالم و ستمگر باشد و حقوق او را ادا ننماید همین گونه خواهد بود.»

(۳) و فرمود: «آگاه باشید هر مردی که بر اخلاق بد همسر خود صبر کند و برای

ص: ۱۳۶

۱- (۱) قال النبي صلى الله عليه و آله : كفضل السماء على الأرض او كفضل الماء على الأرض فبالماء تحيي الأرض و بالرجال تحيي النساء لولا- الرجال ما خلق النساء لقول الله عزّوجلّ «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض» قال اليهودي: لأئى شىء كان هكذا قال النبي صلى الله عليه و آله خلق الله عزّوجلّ آدم من طين و من فضله و بقيته خلقت حواء و أوّل من اطاع النساء آدم فأنزله الله من الجنّة و قد بين فضل الرجال على النساء فى الدنيا، الاترى الى النساء كيف يحضن و لا يمكنهنّ العبادة من القداره و الرجال لا يصيبهم شىء من الطمث قال اليهودى: صدقت يا محمّد. (بحارج ۱۰۳/۲۴۰ العلل ص ۵۱۲ الأمالی ص ۱۹۲) عباده المرأه و أجرها مشروطه برضا زوجها

۲- (۲) ۱- البحار عن الأمالی فى مناهى النبي صلى الله عليه و آله و قال: ايما امرأه آذت زوجها بلسانها لم يقبل الله منها صرفا و لاعدلاً و لاحسنه من عملها حتى ترضيه و ان صامت نهارها و قامت ليلها و اعتقت الرقاب و حملت على جواد الخيل فى سبيل الله و كانت أوّل من يرد النار و كذلك الرجل اذا كان لها ظالما.

۳- (۳) و قال صلى الله عليه و آله : ألا و من صبر على خلق امرأه سيئه الخلق و احتسب فى ذلك الاجر اعطاه الله ثواب الشاكرين فى الآخرة، الاو ايما امرأه لم تفرق بزوجهها و حملته على ما لا يقدر عليه و مالا- يطيق لم تقبل منها حسنه و تلقى الله [و] عليها غضبان. (البحار ج ۱۰۳/۲۴۴ الأمالی ص ۴۲۹)

خدا بردباری پیشه نماید خداوند در آخرت ثواب شاکران را به او می دهد.»

و فرمود: «آگاه باشید هر زنی که به شوهر خود ارفاق نکند [و در سختی ها با او سازش ننماید] و او را به چیزی وادارد که طاق آن را نداشته باشد خداوند هیچ حسنه و عمل نیکی را از او نمی پذیرد و چون خدا را ملاقات کند بر او خشمناک می باشد.»

(۱) ۲- در همان کتاب، از قرب الاسناد از امام کاظم علیه السلام نقل شده که علی بن جعفر، (برادر آن حضرت) پرسید: زنی که فرمان شوهر خود را نمی برد حال او چگونه است و آیا نماز او قبول می شود؟ امام کاظم علیه السلام فرمود: «او همیشه در حال گناه است تا شوهر او از او راضی شود.»

پرسید: آیا زن می تواند از مال شوهر خود بدون اجازه او چیزی در راه خدا بدهد؟ فرمود: «نمی تواند، مگر این که شوهر او آن را حلال کند.»

پرسید: آیا زن می تواند بدون اجازه همسر خود از خانه بیرون برود؟ فرمود: «خیر.»

(۲) ۳- در همان کتاب، از کتاب خصال نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطبه ای خواند و به اصحاب خود فرمود: «ای مردم، زن ها نزد شما عاریه و امانت هستند، آنها در اختیار شمایند و از خود اراده ای ندارند و خداوند آنان را نزد شما امانت سپرده و با کلمات خود آنان را بر شما حلال کرده است. [پس بدانید که] آنان را بر شما حقی است و شما را نیز بر آنان حقی است و از حقوق شما بر آنان این است که خود را در اختیار دیگران قرار ندهند و از شما در هیچ عمل مشروعی نافرمانی ص: ۱۳۷»

۱- (۱) ۲- و فیه عن قرب الاسناد عن علی بن جعفر عن اخیه علیه السلام قال: سألته عن المرأه العاصیه لزوجها هل لها صلاه و ما حالها؟ قال: لاتزال عاصیه حتی یرضی عنها. قال: وسألته علیه السلام عن المرأه لها ان تخرج من بیت زوجها بغير إذنه؟ قال: لا. (المصدر عن قرب الاسناد ص ۱۰۱)

۲- (۲) ۳- و فیه عن الخصال... خطب النبئی صلی الله علیه و آله فقال: ایها الناس انّ النساء عندکم عوار لایملکن لأنفسهنّ ضراً و لانفعا أخذتموهنّ بأمانه الله و استحللتنّ فروجهنّ بکلمات الله فلکم علیهنّ حقّ و لهنّ علیکم حقّ و من حقکم علیهنّ ان لایواطوا فرشکم و لایعصینکم فی معروف، فاذا فعلن ذلك فلهنّ رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف و لاتضربوهن. (البحار ج ۱۰۳/۲۴۵ الخصال ج ۲/۲۰۵)

نکنند و چون چنین کنند بر شما واجب است خوراک و پوشاک آنان را، به طور متعارف، تأمین کنید و آنان را آزار نرسانید.»

(۱) ۴- در همان کتاب، از کتاب قصص الأنبياء، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «جهاد زن این است که برای شوهر خود خیرخواه باشد و خوب شوهرداری کند.»

(۲) ۵- در همان کتاب، از کتاب قصص الأنبياء، از صدوق، از امام صادق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «اگر [صحیح بود و] من دستور می دادم که کسی در مقابل کسی سجده کند، می گفتم: زن در مقابل شوهرش سجده کند.»

(۳) ۶- در همان کتاب، از کتاب مکارم الأخلاق، از محمدبن مسلم، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله! حق مرد بر زن چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «باید از او اطاعت کند و از دستورش سرپیچی ننماید، و جز با اجازه او چیزی از مال او را صدقه ندهد، و جز با اذن او

ص: ۱۳۸

۱- (۱) ۴- وفيه عن قصص الانبياء عن الصادق عليه السلام قال: قال النبي صلی الله علیه و آله : لو امرت احدا ان يسجد لاجدٍ لأمرت المرأة ان تسجد لزوجها. (المصدر ص ۲۴۷)

۲- (۲) ۵- وفيه عن مكارم الأخلاق... عن الباقر عليه السلام قال: جاءت امرأة الى رسول الله صلی الله علیه و آله فقالت: يا رسول الله ما حق الزوج على المرأة؟ فقال لها: تطيعه و لاتعصيه و لا تتصدق من بيته بشيء إلا بأذنه و لاتصوم تطوعا إلا بأذنه و لاتمنعه نفسها و ان كانت على ظهر قتب، و لاتخرج من بيته إلا بأذنه، فان خرجت بغير اذنه لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتى ترجع الى بيتها. فقالت يا رسول الله من اعظم الناس حقا على الرجال؟ قال صلی الله علیه و آله : والده قالت: فمن اعظم الناس حقا على المرأة؟ قال صلی الله علیه و آله : زوجها، قالت: فمالى عليه من الحق مثل ماله على؟ قال: لا ولا من كل مأه واحد، فقالت: والذى بعثك بالحق لا يملك رقبتى رجل ابدا. (البحار ج ۱۰۳/۲۴۸ مكارم الأخلاق ص ۲۴۵)

۳- (۳) ۶- وفيه عن امالى الطوسى... عن الصادق عليه السلام قال: سألت ام سلمة رسول الله صلی الله علیه و آله عن فضل النساء فى خدمه ازواجهن فقال: ايما امرأة رفعت من بيت زوجها شيئا من موضع الى موضع تريد به صلاحا الا نظر الله اليها و من نظر الله اليه لم يعذب. فقالت ام سلمة: رضى الله عنها: زدنى فى النساء المساكين من الثواب بأبى انت و امى فقال صلی الله علیه و آله : يا ام سلمة إن المرأة اذا حملت كان لها من الأجر كمن جاهد بنفسه و ماله فى سبيل الله عزوجل، فاذا وضعت قيل لها قد غفر لك ذنبك فاستأنفى العمل، فاذا ارضعت فلها بكل رضعه تحرير رقبه من ولد اسماعيل. (البحار ج ۱۰۳/۲۵۱ الأمالى ج ۲/۲۳۰)

روزه مستحبی نگیرد، و خود را در همه حالات در اختیار او بگذارد، و بدون اجازه او از خانه خارج نشود، و اگر بدون اجازه او از خانه خارج شود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را لعنت می کنند تا به خانه خود باز گردد.»

آن زن گفت: ای رسول خدا! چه کسی بیش از دیگران بر مرد حق دارد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پدر و مادر او» آن زن گفت: چه کسی بیش از همه بر زن حق دارد؟ فرمود: «همسر او.» آن زن گفت: آیا همان اندازه که مرد بر زن حق دارد زن نیز بر مرد حق دارد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نه، بلکه به اندازه یکصدم آن هم بر او حق ندارد.» پس آن زن گفت: سوگند به خدایی که تو را به حق مبعوث به نبوت نموده هرگز با مردی ازدواج نخواهم نمود.

(۱)۷- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از کتاب کنز الکرّاجکی، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «ملعون است، ملعون است، زنی که همسر خود را بیازارد و او را اندوهگین کند و سعادت‌مند است و سعادت‌مند است زنی که به شوهر خود احترام کند و او را نیازارد و در همه حالات از او اطاعت نماید.»

(۲)۸- در همان کتاب، از کتاب عده الداعی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «حق زن بر مرد این است که شکم او را سیر کند و لباس او را تأمین نماید و با روی خوش [و اخلاق نیک] با او برخورد کند و اگر چنین کند، به خدا سوگند، حق او را ادا کرده است.»

پاداش تحصیل حلال برای تأمین زندگی

تردیدی نیست که درآمد حلال و استفاده از آن در زندگی موجب تقویت و نورانیت ایمان و قبولی اعمال و توفیق عبادت خداوند و مصرف مال در راه های

ص: ۱۳۹

۱- (۱)۷- و فیه عن کنز الکرّاجکی... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: ملعونه ملعونه امرأه تؤذی زوجها و تغمه، و سعیده سعیده امرأه تکرّم زوجها ولا تؤذیه و تطیعه فی جمیع احواله. (المصدر ص ۲۵۲ الکنز ص ۶۳)

۲- (۲)۸- و فیه عن عدّه الداعی عن النبی صلی الله علیه و آله أنّه قال: حقّ المرأه علی زوجها ان یسدّ جوعتها و ان یستر عورتها و لا یقبّح لها و جهها، فاذا فعل ذلك فقد و الله ادیّ حقّها. (المصدر ص ۲۵۴ عدّه الداعی ص ۶۳)

خیر خواهد شد. کسب حلال، خود، یک عبادت بزرگ است و کسی که بکوشد از راه حلال درآمدی به دست آورد و شتاب نکند تا حلال خدا برای او فراهم گردد مانند کسی خواهد بود که در راه خدا جهاد می کند و این عمل از اسباب آمرزش او نیز می باشد.

در روایت آمده است که عبادت هفتاد جزء است و افضل آن تحصیل روزی حلال می باشد. کسی که معاش خود را با رنج بدن خویش از راه حلال به دست آورد خداوند به او نظر رحمت می افکند و هرگز او را عذاب نخواهد نمود و درهای بهشت برای او گشوده خواهد شد و پاداش پیامبران علیهم السلام به او داده می شود و چون مشغول خوردن غذای حلال می شود ملکی بالای سر او قرار می گیرد و برای او استغفار می کند تا فارغ شود. و کسی که چهل روز از مال حلال استفاده کند خداوند قلب او را نورانی می نماید. و اگر عبادت را ده قسمت کنند، نه قسمت آن مربوط به تحصیل روزی حلال می باشد و با خوردن حلال فرزندان انسان نیز صالح و شایسته خواهند شد.

در مورد حرام نیز همین آثار به صورت منفی بیان گردیده است. از سخنان معصومین استفاده می شود که مال حرام موجب فقر می گردد و خداوند از کسی که مال حرام می خورد هیچ عبادتی را نمی پذیرد و عبادت او مانند بنایی است که بر روی رمل و یا بر روی آب بنا شده باشد.

اینکه به بخشی از آیات قران و سخنان معصومین علیهم السلام توجه می کنیم. به امید آن که نورانیت آنها بر دل های ما بتابد و ان شاء الله هدایت شویم.

(۱) خداوند متعال در سوره مائده، می فرماید: «ای رسول من! به مؤمنان بگو: هرگز خبیث و طیب [خواه انسان و خواه عمل و خواه مال و غیر آن] یکسان نیستند، گرچه فراوانی خبیث تو را به شگفت آورد.»؛ چرا که معیار ارزش، پاکی و درستی است نه زیادی و فراوانی.

در روایتی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «یا علی!

ص: ۱۴۰

۱- (۱) فضل تحصیل الحلال و الاجتناب عن الحرام و آثارهما فی الأولاد قال الله سبحانه: قل لا یستوی الخبیث و الطیب و لواعجبک کثره الخبیث فاتقوا الله یا اولی الألباب لعلکم تفلحون. (المائده / ۱۰۰)

چهار درهم با برکت را می خواهی و یا چهارصد درهم بدون برکت را؟ علی علیه السلام فرمود: «من چهار درهم با برکت را می خواهم.»

در تفسیر فرات کوفی نقل شده که روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تنها چهاردرهم داشت؛ یک درهم آن را شب و یک درهم دیگر را روز و یک درهم را آشکار و درهم دیگر را پنهانی در راه خدا انفاق کرد و آیه شریفه ۲۰۴ سوره بقره «الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرّاً و علانیةً فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» در باره او نازل گردید. (تفسیر فرات ص ۷۲)

(۱)۱- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از امالی صدوق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «کسی که از خستگی کسب حلال شب را به صبح آورد آمرزیده شده است.»

(۲)۲- از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «خوشا به حال کسی که پیش خود ذلیل باشد و کسب و درآمد او نیز حلال باشد.»

(۳)۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس از غیر حلال مالی را به دست آورد، خداوند او را فقیر خواهد نمود.»

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «از تحصیل رزق حلال باز نایست که وسیله حفظ دین تو خواهد بود.» سپس فرمود: «مرکب خود را عقال کن و پس از آن به خدا توکل نما.»

(۴)۴- از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «عبادت هفتاد جزء است و بهترین آن تحصیل روزی حلال می باشد.»

(۵)۵- و فرمود: «بر هر مرد و زن مسلمان واجب است که از راه حلال تحصیل

ص: ۱۴۱

۱- (۱)۱- البحار عن الأمالی عن الصادق عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من باب کالاً من طلب الحلال بات مغفورا

۲- (۲)۲- و فيه عن تفسیر القمی عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال: طویبی لمن ذلّ فی نفسه و طاب کسبه. (البحار ج ۲/۱۰۳)

۳- (۳)۳- البحار عن امالی الطوسی... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من کسب مالاً من غیر حله افقره الله. (المصدر عن الأمالی ج ۱/۱۸۵)

۴- (۴)۴- و فيه عن معانی الأخبار... عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله : العبادة سبعون جزءاً و افضلها جزءاً طلب الحلال. (المصدر ص ۷)

۵- (۵)۵- و فيه عن جامع الأخبار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : طلب الحلال فريضة على كل مسلم و مسلمة. (المصدر ص ۹)

روزی بکنند.»

(۱)۶- و فرمود: «کسی که با رنج بدن تحصیل روزی حلال می کند درهای بهشت به روی او گشوده می شود و او از هر کدام که بخواهد می تواند وارد بهشت شود.»

(۲)۷- و فرمود: «کسی که با رنج بدن روزی خود را [از راه حلال] به دست می آورد روز قیامت در صف پیامبران خواهد بود و پاداش آنان را به او می دهند.»

(۳)۸- و فرمود: «کسی که مشغول خوردن غذای حلال می شود ملکی بالای سر او می ایستد و برای او استغفار می کند تا وقتی که از غذا فارغ شود.»

(۴)۹- و فرمود: «کسی که چهل روز از غذای حلال استفاده کند خداوند قلب او را نورانی می گرداند.»

(۵)۱۰- و فرمود: «خداوند هر شب ملکی را بر بالای بیت المقدس قرار داده که او می گوید: هرکس کمترین مال حرامی را بخورد خداوند هیچ عبادت واجب و مستحبی را از او نمی پذیرد.»

(۶)۱۱- و فرمود: «عبادت کسی که حرام می خورد مانند بنایی است که بر روی رمل [و یا بر روی آب] ساخته شود.»

ص: ۱۴۲

۱- (۱)۶- و فيه عنه... قال صلى الله عليه و آله : من اكل من كديده حلالاً فتح الله له ابواب الجنة يدخل من ايها شاء. (المصدر ص ۱۰)

۲- (۲)۷- و فيه عنه قال صلى الله عليه و آله : من اكل من كديده كان يوم القيامة في اعداد الانبياء و يأخذ ثواب الانبياء. (المصدر ص ۱۰ عن جامع الأخبار ص ۱۳۹)

۳- (۳)۸- و فيه عن الدعوات للراوندى: قال النبى صلى الله عليه و آله : من اكل الحلال قام على رأسه ملك يستغفر له حتى يفرغ من اكله. (المصدر ص ۱۱)

۴- (۴)۹- و فيه عن عدّه الداعى... عن النبى صلى الله عليه و آله قال: من اكل الحلال اربعين يوما نور الله قلبه.

۵- (۵)۱۰- و قال صلى الله عليه و آله : إن لله ملكا ينادى على بيت المقدس كل ليلة: من اكل حراما ما لم يقبل الله منه صرفا ولا عدلاً، و الصرف: النافله و العدل: الفريضة.

۶- (۶)۱۱- و قال صلى الله عليه و آله : العباده مع اكل الحرام كالبناء على الرمل، و قيل على الماء (البحار ج ۱۶/۱۰۳ عدّه الداعى ص ۱۱۰)

(۱) ۱۲- و فرمود: «عبادت هفتاد جزء است و بهترین آنها تحصیل حلال است.»

(۲) ۱۳- و فرمود: «عبادت ده جزء است و نه جزء آن مربوط به تحصیل روزی حلال است.»

(۳) ۱۴- و فرمود: «امور سه قسم است: حلال روشن، و حرام روشن، و شبهه ها [که حلال و حرام آن معلوم نیست]. پس هر کس از موارد شبهه پرهیز کند از حرام نجات خواهد یافت و اگر وارد آن شود داخل حرام می شود و هلاک می گردد و نمی داند.»

پاداش تقوا و پرهیز از محرمات

تردیدی نیست که بعد از ایمان به خداوند و مسائل اعتقادی دیگر در بین اعمال نیک عملی بهتر از تقوا و پرهیز از محرمات الهی نیست. بهترین وسیله و راهگشای مشکلات دنیا و آخرت تقوا و پرهیز از محرمات است. خداوند در قرآن می فرماید:

(۴) «کسی که تقوای الهی را رعایت کند خداوند مشکلات او را اصلاح و روزی او را از راه هایی که گمان نمی برد عطا می کند.»

(۵) و می فرماید: «ای اهل ایمان، از خدا بترسید و چون سخن می گوئید استوار و نیکو سخن بگوئید تا خداوند اعمال شما را شایسته گرداند و گناهانتان را بیامزد.»

ص: ۱۴۳

۱- (۱) ۱۲- و فيه عن اعلام الدين عن اسماعيل بن موسى بن جعفر عن ابيه عن آباءه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله : العبادة سبعون جزءاً أفضلها جزءاً طلب الحلال.

۲- (۲) ۱۳- وفيه عنه قال: العبادة عشرة أجزاءٍ تسعه أجزاء في طلب الحلال. (المصدر ص ۱۷/۱۸)

۳- (۳) ۱۴- و في الكافي... قال رسول الله صلى الله عليه وآله : حلال بين و حرام بين و شبهات بين ذلك فمن ترك الشبهات نجا من المحرمات و من اخذ بالشبهات ارتكب المحرمات و هلك من حيث لا يعلم. (الكافي ج ۱/۶۸)

۴- (۴) فضل التقوى و اجتناب المحارم قال الله سبحانه: «و من يتق الله يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث لا يحتسب». (سوره ۶۵ آیه ۲)

۵- (۵) «يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله و قولوا قولاً سديداً يصلح لكم اعمالكم و يغفر لكم ذنوبكم.» (سوره ۳۳/۷۱/۷۲)

(۱) و یا می فرماید: «ای اهل ایمان، اگر شما تقوای خدا را رعایت کنید او به شما بینش و آگاهی خواهد داد تا حقایق را، همان گونه که هست، بشناسید.»

(۲) و یا می فرماید: «خداوند به اهل ایمان و تقوا در دنیا و آخرت بشارت خواهد داد.»

(۳) امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «تقوا کلید رستگاری و ذخیره قیامت و آزادی از هر عبودیت [در مقابل مخلوق] و نجات از هر هلاکت می باشد و به وسیله آن هر جوینده ای موفق و هر خائفی نجات خواهد یافت و هر راغبی به مقصود خود خواهد رسید. پس تا فرصت باقی است از عبادت و توبه و دعا غافل نشوید...»

(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله به خویشان خود فرمود: «نگویید محمد (صلی الله علیه و آله) از ماست [و ما را مشکلی نیست]، به خدا سوگند، وابستگان من - از شما و غیر شما - جز پرهیزگاران نخواهند بود.»

(۵) امام حسین علیه السلام نیز به یاران خود فرمود: من شما را به تقوای خدا سفارش می کنم، همانا او ضمانت نموده که اهل تقوا را از خطرها و گرفتاری ها نجات دهد و به آنچه دوست می دارند موفق گرداند و روزی آنان را از راه هایی که گمان نمی برند برساند. او از کسی فریب نخواهد خورد و بدون اطاعت و بندگی کسی را به بهشت و نعمت های خود نخواهد رساند.»

(۶) از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر تقوا سؤال شد، آن حضرت فرمود: «تقوا این

ص: ۱۴۴

۱- (۱) «یا أيها الذین آمنوا ان تتقوا الله يجعل لکم فرقانا.» (سوره ۸ / آیه ۲۹)

۲- (۲) «الذین آمنوا و کانوا یتقون لهم البشری فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة.» (سوره ۱۰ آیه ۶۴/۶۵)

۳- (۳) و قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «ان تقوی الله مفتاح سداد و ذخیره معاد و عتق من کل ملکه و نجاه من کل هلکه بها ینجح الطالب و ینجو الراهب و تنال الرغائب، فاعملوا و العمل یرفع و التوبه تنفع و الدعا یسمع... (نهج البلاغه خطبه ۲۳۰/)

۴- (۴) و قال النبی صلی الله علیه و آله: لا تقولوا ان محمدا منّا فوالله ما اولیائی منکم و لامن غیرکم الا المتقون. (البحار ج ۸/۳۵۹)

۵- (۵) و قال الإمام الحسین بن علی علیهما السلام: «أوصیکم بتقوی الله فإن الله قد ضمن لمن إتقاه ان یحوّله عمّا یرکبه الی ما یحبّ و یرزقه من حیث لا یحتسب ان الله لا یخدع عن جنته و لا ینال ما عند الله الا بطاعته. (الکافی ج ۸/۴۹)

۶- (۶) و سئل الصادق علیه السلام عن تفسیر التقوی فقال: ان یفقدک الله حیث امرک و لا یراک حیث نهاک. (البحار ج ۶۶/۳۹۵)

است که: خداوند در جایی که امر نموده تو را حاضر ببیند و در جایی که نهی نموده تو را حاضر نبیند.»

توضیح و بیان موارد تقوا در سخنان معصومین علیهم السلام

(۱) در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در توضیح تقوا فرمود: «امور سه قسم است: حلال روشن، حرام روشن، شبهات مردّد بین حلال و حرام. پس کسانی که از شبهات و چیزهایی که حلال و حرام آن روشن نیست اجتناب کنند از محرّمات حتمی نجات خواهند یافت و کسانی که جرأت کنند و وارد شبهات شوند نهایتاً وارد حرام خواهند شد و نمی دانند.»

و در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «خداوند در مناجات خود با حضرت موسی علیه السلام فرمود: «رعایت تقوا و ورع [و ملاحظه حلال و حرام] بهترین راهی است که بندگان من به وسیله آن به من تقرب می جویند همانا من بهشت و جنّات عدن را برای اهل تقوا مباح نمودم و کسی را در آن با آنان شریک نخواهم نمود.»

(۲) و در همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که فرمود: «سخت ترین چیزی که خداوند بر بندگان خود واجب نموده این است که فراوان به یاد او باشند.» سپس فرمود: «مقصود من این نیست که فراوان بگویند: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»؛ گرچه آن نیز ذکر زبان خواهد بود، بلکه مقصود این است که خدا را در

ص: ۱۴۵

۱- (۱) توضیح موارد التقوی کافی... عن الصادق علیه السلام قال... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : حلال بین و حرام بین و شبهات بین ذلك فمن ترك الشبهات بخامن المحرّمات ومن أخذ بالشبهات ارتكب المحرّمات و هلك من حيث لا يعلم. (الكافی ج ۱/۶۸) و فيه عنه علیه السلام قال: فيما ناجی الله عزّوجلّ به موسى علیه السلام : «يا موسى ما تقرب الی المتقرّبون بمثل الورع عن محارمی، فانی أیهم جنّات عدن لا أشرك معهم أحدا.

۲- (۲) و فيه عنه علیه السلام قال: من أشدّ ما فرض الله علی خلقه ذكر الله كثيرا ثم قال: لا أعنی سبحان الله و الحمد لله و لا إله الا الله و الله اکبر- و ان كان منه ولكن ذكر الله عند ما أحل و حرّم، فان كان طاعه عمل بها و ان كان معصیه تركها.

وقت حلال و حرام و مواجه شدن با گناه زیاد به یاد آورند تا به وسیله آن واجبات او را انجام دهند و از محرمات او پرهیز نمایند.»

(۱) و در همان کتاب، از سلیمان بن خالد نقل شده که گوید: من از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر آیه شریفه «و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلناه هباءً منثوراً» سؤال نمودم، آن حضرت فرمود: «خداوند می فرماید: ما اعمال و عبادات کسانی را که اهل حرام هستند تباه خواهیم نمود و پاداشی نزد ما برای آنان نخواهد بود؛ گرچه اعمال آنان همانند پارچه های سفید مصری نورانی باشد؛ چرا که آنان هنگامی که [مال] حرام برایشان فراهم می شود از آن پرهیز نمی کنند.»

(۲) و در همان کتاب، از مصباح الشریعه، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «تقوا سه مرحله دارد: [۱-] تقوای در راه خدا و آن ترک حلال است تا چه رسد از شبهه، و آن تقوای خاص الخاص است؛ [۲-] تقوا و ترس از خدا و آن پرهیز از شبهات است تا چه رسد از حرام، و آن تقوای خاص می باشد؛ [۳-] تقوا و ترس از آتش و کیفر قیامت و آن پرهیز از حرام است که تقوای عام نام دارد.»

ص: ۱۴۶

۱- (۱) و فیہ عن سلیمان بن خالد قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل: «و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلناه هباءً منثوراً» (الفرقان ۲۳) قال علیه السلام: أما و الله ان كانت أعمالهم أشدّ بياضا من القباطی (القباطی الثياب البيض الرقاق المصریة) ولكن كانوا اذا عرض لهم الحرام لم يدعوه. (الكافی ج ۲/۸۰/۸۱)

۲- (۲) البحار عن مصباح الشریعه: قال الصادق علیه السلام: التّقوی علی ثلاثه أوجه: تقوی الله فی الله و هو ترک الحلال فضلاً عن الشبهه و هو تقوی خاص الخاص، و تقوی من الله و هو ترک الشبهات فضلاً عن الحرام، و هو تقوی الخاص، و تقوی من خوف النار و العقاب و هو ترک الحرام و هو تقوی العام... (البحار ج ۶۷/۲۹۵)

نگاه های حرام و پاداش خودداری از نگاه به نامحرم

(۱)۱- در کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «نگاه حرام تیری زهر آگین از تیرهای شیطان است و چه زیاد است نگاه هایی که مایه حسرت و پشیمانی طولانی شده است.»

(۲)۲- در همان کتاب، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که فرمودند: «کسی نیست که بهره ای از زنا نداشته باشد؛ چرا که زنا چشم نگاه و زنا دهان بوسیدن و زنا دست لمس کردن می باشد؛ خواه عمل زنا واقع شود، خواه واقع نشود.»

(۳)۳- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «جوانی از انصار مدینه با زنی مواجه گردید و نگاه خود را به او دوخت و همراه او رفت و به او نگاه میکرد تا این که صورت او به شیشه و یا استخوانی در دیوار برخورد نمود و مجروح گردید و چون آن زن دور شد جوان متوجه شد که صورتش خونین است و خون بر سینه و لباس او ریخته است پس با خود گفت: به خدا سوگند، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهم رفت و به او خبر خواهم داد.»

ص: ۱۴۹

۱- (۱) حرمة النظر الى الأجانب و اجر غصّ البصر عنهم ۱- الوسائل عن الكافي... عن عقبه عن ابی عبد الله علیه السلام قال: سمعته يقول: النظره سهم من سهام ابليس مسموم، وكم من نظره اورث حسره طويله. (الوسائل ج ۱۴/۱۳۸- الفروع ج ۲/۷۶)

۲- (۲) و فيه عنه... عن ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام قالوا: ما من احد الا و هو يصيب حظا من الزنا فرنا العينين النظر، و زنا الغم القبله و زنا الیدین اللمس، صدق الفرج ذلك او كذب. (المصدر)

۳- (۳) و فيه عنه... عن سعد الإسكاف عن ابی جعفر علیه السلام قال: استقبل شاب من الأنصار امرأه بالمدينه و كان النساء يتقنعن خلف آذانهن، فنظر اليها و هی مقبله فلما جازت نظر اليها و دخل فی زقاق قد سمّوه ببني فلان فجعل ينظر خلفها و اعترض وجهه عظم فی الحائط او زجاجه فشقّ وجهه، فلما مضت المرأة نظر فاذا الدماء تسيل على ثوبه و صدره، فقال: و الله لا تین رسول الله صلی الله علیه و آله و لأحبرنه فأتاه فلما رآه رسول الله صلی الله علیه و آله قال: ما هذا فاخبره فهبط جبرئیل علیه السلام بهذه الآيه: «قل للمؤمنين يغصوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم ذلك ازكى لهم إن خبير بما يصنعون. (المصدر)

رسول خدا صلی الله علیه و آله چون او را مشاهده نمود، فرمود: «چه شده است؟» جوان ماجرای خود را بیان کرد. پس جبرئیل علیه السلام این آیه شریفه را آورد: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون»؛ یعنی به مؤمنان بگو: چشم خود را نگه دارند و عفت خویش را حفظ کنند؛ این برای پاکی دل های آنان مؤثرتر است، همانا خدا از اعمال مردم باخبر است.

(۱)۴- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «نگاه به نامحرم تیرمسمومی از تیرهای شیطان است. پس هر کس برای خدا از نگاه به نامحرم خودداری کند خداوند آرامش دل و ایمانی به او عطا خواهد نمود که طعم آن را بیابد.»

(۲)۵- و فرمود: «نگاه بعد از نگاه موجب آلودگی قلب و فتنه برای صاحب آن خواهد بود.»

(۳)۶- و فرمود: «کسی که با زنی برخورد بکند و چشم خود را به طرف آسمان برگرداند و یا چشم خود را ببندد، او چشم خود را باز نخواهد نمود جز آن که خداوند از حورالعین بهشتی به او تزویج کرده باشد.»

(۴)۷- در همان کتاب، از کتاب عقاب الأعمال صدوق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «کسی که در خانه همسایه خود نگاه کند و نگاه او به عورت مردی و یا مو و یا بدن زنی بیفتد بر خدا حق است که او را همراه منافقین به دوزخ فرستد آنان

ص: ۱۵۰

۱- (۱)۴- و فیہ عنہ... عن عقبه قال: قال ابو عبد الله علیه السلام: النظره سهم من سهام ابلیس مسموم من ترکها لله عزوجل لا لغيره اعقبه الله امانة و ایمانا یجدطعمه. (المصدر ص ۱۳۹)

۲- (۲)۵- و فیہ عنہ عن الکاهلی قال: قال ابو عبد الله علیه السلام: النظره بعد النظره تزور فی القلب الشهوه و کفی بها لصاحبها فتنه. (المصدر)

۳- (۳)۶- و فیہ عنہ... و قال الصادق علیه السلام: من نظر الی امرأه فرفع بصره الی السماء او غض بصره لم یرتد الیه بصره حتی یزوجہ الله من الحورالعین. (المصدر)

۴- (۴)۷- و فیہ عن عقاب الأعمال... عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: من اطّلع فی بیت جاره فنظر الی عوره رجل او شعر امرأه او شیء من جسدها کان حقاً علی الله أن یدخله النار مع المنافقین الذین کانوا یتبعون عورات النساء فی الدنیا، و لا یخرج من الدنیا حتی یفصحه الله و یبدء للناس عورته فی الآخرة و من ملأ عینیه من امرأه حراماً حشاهما الله یوم القیامه بمسامیر من نار، و حشاهما ناراً حتی یقضی بین الناس، ثم یؤمر به الی النار. (المصدر ص ۱۴۱ - عقاب الأعمال ص ۴۵)

نیز همیشه به دنبال عورات زن ها بوده اند و چنین کسی از دنیا نمی رود تا خداوند او را منقضح و رسوا کند و در قیامت نیز عورت او را مقابل مردم آشکار خواهد ساخت. و کسی که چشم خود را از نگاه به نامحرم پرکند، خداوند در قیامت چشمان او را از میخ های آتشین پرخواهد نمود و به این حالت خواهد بود تا قیامت تمام شود و سپس او را به آتش خواهند برد.»

تماس با زن نامحرم

(۱)۱- در کتاب وسایل، از امام صادق، از پدرانش علیهم السلام نقل شده که فرموده اند: «کسی که چشمان خود را از نگاه به نامحرم پرکند خداوند در قیامت چشمان او را از آتش پرخواهد نمود، مگر آن که توبه کند و بازگردد.»

سپس فرمود: «و کسی که با زن نامحرمی مصافحه کند، خدای خود را به خشم آورده است، و کسی که زن نامحرمی را در آغوش بگیرد در قیامت با زنجیرهای آتشین او را با شیطانی می بندند و در آتش می اندازند.»

(۲)۲- در همان کتاب، از ابوکهمس نقل شده که گوید: من در مدینه در خانه ای سکونت داشتم و در آن خانه زنی بود که زیبایی او مرا به شگفت آورده بود. پس شبی به در آن خانه رفتم و دق الباب نمودم و آن زن در خانه را بر من گشود. پس من دست خود را به پستان او گرفتم و چون روز بعد خدمت امام صادق علیه السلام رفتم به من فرمود: «توبه کن از عملی که دیشب انجام دادی.»

(۳)۳- و در ذیل روایت دیگری آمده است که فرمود: «آیا نمی دانی که ولایت ما

ص: ۱۵۱

۱- (۱) التمتع المحرمه ۱- الوسائل: محمد بن علی بن الحسین باسناده عن شعيب بن واقد، عن الحسين بن زيد عن جعفر بن محمد، عن آبائه عليهم السلام في حديث المناهي قال: و من ملأ عينيه من حرام ملأ الله عينيه يوم القيامة من النار إلا أن يتوب و يرجع، و قال عليه السلام: و من صافح امرأه تحرم عليه فقدياء بسخط من الله عزوجل، و من التزم امرأه حراماً قرن في سلسله من نار مع شيطان فيقذفان في النار. (الوسائل ج ۱۴/۱۴)

۲- (۲)۲- و فيه عن سعيد بن هبه الله الراوندي في (الخرائج و الخرائج) عن أبي كهمس قال: كنت نازلاً في المدينة و كان فيها وصيفه و كانت تعجبنى فانصرف ليله ممسياً فافتحت الباب ففتحت لي فقبضت على ثديها، فلما كان من الغد دخلت على أبي عبدالله عليه السلام فقال: تب إلى الله مما صنعت البارحة. (الوسائل ج ۱۴۲/۱۴)

۳- (۳)۳- و فيه عن مهزم الأسدي قال: كما بالمدينة و كانت جاريه صاحب الدار تعجبنى و إنى أتيت الباب فاستفتحت الجارية فغمزت ثديها، فلما كان من الغد دخلت على أبي عبدالله عليه السلام فقال: أين أقصى أترك؟ قلت: ما برحت بالمسجد، فقال: أما تعلم أن أمرنا هذا لا يتم إلا بالورع. (المصدر)

بدون ورع و تقوا تمام نمی شود [و مؤثر نخواهد بود]؟»

حرمت گفتگو و مزاح با زن نامحرم

(۱)۱- در کتاب وسایل، از امام صادق، از پدرانیش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث مناهی، نقل شده که فرمود: «زن نباید با غیر شوهر و محرم خود، حتی در صورت ضرورت، بیش از پنج کلمه سخن بگوید.»

(۲)۲- در همان کتاب، از خصال، از امام باقر علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چهار چیز قلب انسان را می میراند: گناه بعد از گناه، زیاد با زن ها بحث و گفتگو کردن، گفتگو و کش مکش با احمق که او چیزی بگوید و تو چیزی بگویی و منتهی به صلاح و خیری نشود، و هم نشینی با مرده ها.» گفته شد: مرده ها کیانند؟ فرمود: «مقصود من هر ثروتمند مترف و خوشگذران می باشد.»

(۳)۳- در همان کتاب، از عقاب الأعمال صدوق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «کسی که با زن نامحرمی مصافحه کند [یعنی دست به دست او بدهد]، روز قیامت او را به زنجیر و غل می بندند و در آتش می افکنند، و کسی که با زن نامحرمی مفاکحه و مزاح کند، خداوند برای هر کلمه ای که در دنیا با او سخن گفته است هزار

ص: ۱۵۲

۱- (۱) حرمة التکلم و المفاکحه مع الاجانب ۱- و فیه عن الکافی عن الصادق عن آبائه علیهم السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی حدیث المناهی قال: و نهی ان تتکلم المرأه عند غیر زوجها و غیر ذی محرم منها اکثر من خمس کلمات ممّا لا بد منه. (المصدر ص ۱۴۳)

۲- (۲)۲- و فیه عن الخصال... عن جعفر بن محمد عن ابیه علیهما السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اربع یمتن القلب: الذنب علی الذنب، و کثره مناقشه النساء یعنی محادثهتن، و مماراه الأحمق یقول و تقول و لایؤل الی خیر أبدا، و مجالسه الموتی، قیل و ما الموتی؟ قال: کلّ غنی مترف. (الوسائل ج ۱۴/۱۴۳ - الخصال ۱/۱۰۸)

۳- (۳)۳- و فیه عن عقاب الاعمال... عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: و من صافح امرأه حراما جاء یوم القیامه مغلولاً ثم یؤمر به الی النار، و من فاکه امرأه لایملکها حبسه الله بکلّ کلمه کلمها فی الدنیا الف عام. (المصدر عقاب الأعمال ص ۴۶)

نگاه به پشت سر زن نامحرم

(۱)۱- در کتاب وسایل، از موسی بن جعفر علیهما السلام نقل شده که در باره آیه شریفه «یا ابت استأجره إن خیر من استأجرت القوی الأمين» فرمود: «حضرت شعیب به دختر خود که گفت: «این جوان، یعنی حضرت موسی علیه السلام را اجیر کن، همانا او مرد قوی و امینی است» فرمود: قوی بودن او را تو برای از جا کنندن صخره و سنگ دانستی، امین بودن او از کجا برای تو ثابت شد؟ آن دختر گفت: از این که چون از جلوی او حرکت کردم [که راه را به او نشان دهم] فرمود: از پشت سر من حرکت کن و مرا راهنمایی نما؛ چرا که ما مردمی هستیم که به پشت سر زن ها نگاه نمی کنیم.»

(۲)۲- در همان کتاب، از ابوبصیر نقل شده که گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: زنی از کنار مردی می گذرد و آن مرد به پشت سر او نگاه می کند [آیا این عمل صحیح است]؟ امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: «آیا شما راضی هستید کسی پشت سر عیال و یا خویشان شما نگاه کند؟» گفتم: خیر. فرمود: «پس برای دیگران نیز این عمل را نپسندید.»

آداب اسلامی در باره ورود به منازل و غیره

ص: ۱۵۳

۱- (۱)۱- و فیه... عن صفوان بن یحیی عن ابن الحسن علیه السلام فی قول الله عزوجل «یا ابت استأجره إن خیر من استأجرت القوی الأمين» قال: قال لها شعیب: یا بته هذا قوی برفع الصخره، الأمين من این عرفتی؟ قالت: یا ابت انی مشیت قدّامه، فقال: إمشی من خلفی فان ضللت فأرشدینی الی الطریق فانا قوم لانتظر الی ادبار النساء. (المصدر ص ۱۴۵)

۲- (۲)۲- و فیه... عن ابی بصیر انه قال للصادق علیه السلام: الرجل تمرّبه المرأه فینظر الی خلفها؟ قال: ایسر احدکم ان ینظر الی اهله و ذات قرابته؟ قلت: لا قال: فارض للناس بما ترضاه لنفسک. (المصدر)

(۱) از آداب اسلامی و حفظ حیا و عفت عمومی این است که در موارد ذیل بدون اجازه وارد نشوند.

۱- بدون سلام و اجازه وارد خانه های مردم نشوند.

۲- به خانه ای که در آن زن نامحرم باشد بدون اجازه وارد نشوند.

۳- کسی نباید بدون اجازه وارد اطاق زن های محارم خود که دارای همسر هستند بشود.

۵- فرزندان غیر بالغ و خدمتگذاران و غلامان نباید قبل از اذان صبح و قبل از ظهر و بعد از نماز عشا بدون اجازه وارد اطاق پدر و مادر شوند؛ چرا که این ساعات مواقع خلوت آنان است.

۶- برای ورود به منازل دیگران باید سه مرتبه سلام کنند و اجازه بخواهند، اگر اجازه داده شد وارد شوند و اگر اجازه داده نشد [بدون نگرانی و آزرده گی] باز گردند.

در اماکن غیر مسکونی، مانند حمام های عمومی و مدارس و انبارها و... اجازه ورود لازم نیست.

دستور اسلام در باره اجازه ورود به خانه ها

(۲) قال الله سبحانه: «يا أيها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوتا غير بيوتكم حتى

ص: ۱۵۴

۱- (۱) الأماكن التي لا يجوز الدخول فيها إلا بإذن أهلها الوسائل عن محمد بن يعقوب، عن عده من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبيه، عن هارون بن الجهم، عن جعفر بن عمر، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله أن يدخل الرجال على النساء إلا باذن أوليائهن. (الوسائل ج ۱۴/۱۵۷ - الفروع ج ۲/۶۶) وجوب استئذان الولد على أبيه و عنده زوجه، و عدم وجوبه على الاب الوسائل عن محمد بن يعقوب، عن عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب عن أبي أيوب الخزاز، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: يستأذن الرجل إذا دخل على أبيه و لا يستأذن الاب على الابن الحديث. (المصدر)

۲- (۲) الوسائل... عن محمد بن علي الحلبي قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: الرجل يستأذن على أبيه؟ فقال: نعم قد كنت أستأذن على أبي وليست أمي عنده إنما هي امرأه أبي توفيت أمي و أنا غلام، و قد يكون من خلوتهما ما لا أحب أن أفجاهما عليه، و لا يحب أن ذلك مني و السلام احسن و اصبوب. (الوسائل ج ۷/۱۵۷)

تستأنسوا و تسلموا على اهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تذكرون فان لم تجدوا فيها احدا فلا تدخلوها حتی يؤذن لکم و ان قيل لکم ارجعوا فارجعوا هوازکی لکم و الله بما تعملون علیم» (سوره نور/ ۲۷-۲۹)

خلاصه آیات فوق این است: ای اهل ایمان بدون اجازه و سلام، وارد خانه های دیگران نشوید و بدانید که این سلام و اجازه خواستن بهتر از آن است که سرزده وارد شوید؛ امید آن که به حکمت آن واقف شوید، و اگر کسی را در آن خانه ها نیافتید باز بدون اجازه وارد نشوید و اگر به شما گفته شد باز گردید باید باز گردید که برای پاکی روح شما مؤثرتر خواهد بود. خداوند به اعمال شما آگاه است.

(۱) در تفسیر صافی، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «شخصی که می خواهد به اتاق پدر خود وارد شود باید اجازه بگیرد و در اتاق خواهر و دختر خود نیز اگر ازدواج کرده اند باید با اجازه وارد شود و لکن پدر اگر بخواهد به اتاق پسر خود وارد شود لازم نیست اجازه بگیرد.

(۲) در همان کتاب، از تفسیر مجمع البیان نقل شده که شخصی به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: اگر من بخواهم به اتاق مادرم وارد شوم باید اجازه بگیرم؟ فرمود: «آری.» او گفت: مادرم تنهاست و خادمی جز من ندارد، آیا باز باید با اجازه وارد اتاق او شوم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا دوست می داری که او را عریان بینی؟ گفت: خیر. و پس از آن با اجازه بر مادر خود وارد می شد.

ص: ۱۵۵

۱- (۱) و فیه عن الکافی... عن الصادق علیه السلام قال: و من بلغ الحلم فلا یلیج علی امّه و لاعلی أخته و لاعلی خالته و لاعلی ذلک إلاّ باذن، و لاتأذنوا حتی یسلموا، و السلام طاعه لله عزّوجلّ و فیه عن الکافی عن ابی جعفر علیه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاری قال: خرج رسول الله صلی الله علیه و آله یرید فاطمه و انا معه، فلما انتهینا الی الباب وضع یدیه علیه فدفعه ثمّ قال: السلام علیکم، فقالت فاطمه علیها السلام: و علیک السلام یا رسول الله، قال صلی الله علیه و آله أدخل؟ قالت: أدخل یا رسول الله، قال: ادخل و من معی؟ قالت: لیس علیّ قناع، فقال صلی الله علیه و آله: یا فاطمه خذی فضل ملخفتک فقتعی به رأسک ففعلت ثمّ قال صلی الله علیه و آله:

۲- (۲) السلام علیک، فقالت: و علیک السلام یا رسول الله قال: ادخل؟ قالت: نعم یا رسول الله، قال: انا و من معی؟ قالت: و من معک، قال جابر: فدخل رسول الله صلی الله علیه و آله و دخلت الحدیث. (الوسائل ج ۱۴/۱۵۸ - الفروع ج ۲/۶۶)

۲- صاحب کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی نمود که مردها بدون اجازه وارد خانه ای شوند که در آن زن های نامحرم باشند، جز این که اولیای آنان اجازه دهند.»

۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فرزندان باید هنگام ورود به اتاق پدر [و مادر] اجازه بگیرند، ولی پدر لازم نیست هنگام ورود بر فرزند خود اجازه بگیرد لکن لازم است برای ورود به اتاق دختر و خواهر خود، اگر همسر داشته باشند، اجازه بگیرد.»

در همان کتاب، حلبی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا فرزند باید هنگام ورود بر پدر خود اجازه بگیرد؟ فرمود: «آری، من همیشه برای ورود بر پدرم که همسر دیگری غیر از مادرم داشت [و مادر من قبلاً از دنیا رفته بود] اجازه می گرفتم و البته من دوست نمی داشتم که در ساعات خلوت آنان با یکدیگر بدون اجازه بر آنان وارد شوم، چنان که آنان نیز این عمل را از من دوست نمی داشتند.» سپس فرمود: «هنگام ورود سلام کردن بهتر و نیکوتر از همه چیز است.» [کافی، ج ۵/۵۲۸]

۴- صاحب کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «فرزند پسر هنگامی که بالغ می شود نیابد بدون اجازه وارد اتاق مادر و خواهر و خاله و امثال آنها بشود و آنان نیز نباید به او اجازه وارد شدن بدهند تا این که با سلام وارد شود و البته سلام کردن اطاعت خداست.»

در همان کتاب، از کافی، از امام باقر علیه السلام، از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که گوید: من در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که آن حضرت برای ورود به خانه فاطمه علیها السلام حرکت کردند و چون به درخانه رسیدیم رسول خدا صلی الله علیه و آله در را تکان دادند و فرمودند: «السلام علیکم.» پس فاطمه از داخل خانه پاسخ داد: «وعلیک السلام، یا رسول الله!» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا وارد شوم؟» فاطمه علیها السلام عرض کرد: «وارد شوید، ای رسول خدا!» رسول خدا فرمود: «آیا با همراهان خود وارد شوم؟» فاطمه علیها السلام فرمود: «من چیزی بر سر ندارم.» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «گوشه ای از ملحفه خود را بر سر بگیر و با آن سر خود را بپوشان.»

چون فاطمه علیها السلام چنین کرد باز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «السلام علیکم»

(۱) فاطمه علیها السلام گفت: «و علیک السلام، یا رسول الله!» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وارد شوم؟» فاطمه علیها السلام فرمود: «آری؟ ای رسول خدا! وارد شوید؟» فرمود: «با همراهان خود وارد شوم؟» فاطمه علیها السلام فرمود: «با همراهان وارد شوید...»

(۲) ۵- در کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «باید غلامان و خادمان و فرزندان غیر بالغ، چنان که خداوند در قرآن امر فرموده، در سه وقت بدون اجازه وارد اتاق زن و شوهر نشوند: بعد از نماز عشاء [که آنان به خوابگاه خود رفته اند]، و بعد از نماز صبح، و هنگامی که در وسط روز لباس خود را برای استراحت بیرون می کنند. همانا خداوند این دستور را برای این داده است که در این ساعات زن و شوهر با یکدیگر خلوت نموده اند.»

(۳) ۶- در کتاب وسایل، از خصال، از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «[از آداب ورود به منازل دیگران این است که] باید سه مرتبه سلام کنند و اجازه ورود بخواهند؛ مرتبه اول برای این است که صاحب منزل مطلع شود، و مرتبه دوم برای این است که خود را آماده کند، و مرتبه سوم برای این است که اگر بخواهد اجازه دهد و اگر نخواهد اجازه ندهد و کوبنده در باز گردد.»

(۱) در اماکن غیر مسکونی، چنان که قرآن فرموده: «لیس علیکم جناح ان تدخلوا بیوتا غیر مسکونه فیها متاع لکم و الله یعلم ما تدون و ما کنتم تکتمون» [نور/ ۲۹]، مانند انبارها و حمام ها و کاروانسراها و... اجازه ورود نیاز نیست.

ص: ۱۵۷

۱- (۱) و فیہ عن الکافی... عن جراح المدائنی عن ابی عبداللہ علیہ السلام قال: یستأذن الذین ملکتم ایمانکم و الدین لم یبلغوا اللحم ثلاث مرآت کما امرکم الله عزوجل «الی ان قال»: لیستأذن علیک خادمک اذا بلغ اللحم فی ثلاث عورات، اذا دخل فی شیءٍ منهنّ ولو کان بینه فی بیتک قال: و یستأذن علیک بعد العشاء التي تسمی العتمه و حین تصبح و حین تضعون ثیابکم من الظهیرہ انما امرالله بذلك للخلوه فانها ساعه عزّه و خلوه. (وسائل ج ۱۴/۱۶ - الفروع ج ۲/۶۷)

۲- (۲) و فیہ عن الخصال... عن ابی بصیر عن ابی عبداللہ علیہ السلام قال: الإیستذان ثلاثه: اولهنّ یسمعون و الثانیه یحذرون و الثالثه إن شاءوا اذنوا و ان شاءوا لم یفعلوا فیرجع المستأذن. (المصدر ص ۱۶۱)

۳- (۳) و فیہ: و قال الصادق علیه السلام فی قوله: «لیس علیکم جناح ان تدخلوا بیوتا غیر مسکونه» قال: هی الحمامات و الخانات. (المصدر)

سن قانونی نامحرم بودن دختر و پسر

(۱) ۱- صاحب وسایل الشیعه، از کافی، از زراره، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «هنگامی که دختر به سن شش سالگی می رسد نباید او را [در بغل بگیرد و] ببوسد.»

(۲) ۲- در همان کتاب، از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که در مجلسی آن حضرت با همراهان خود دعوت شده بودند و دختر بچه ای را اهل آن مجلس می گرفتند و به یکدیگر می دادند و چون به حضرت رضا نزدیک شد و از سن او سؤال فرمود و آنان گفتند: پنج ساله است، امام علیه السلام او را از خود دور فرمود.

(۳) ۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هنگامی که دختر به سن شش سالگی رسید پسرها نباید او را ببوسند و پسر نیز هنگامی که به هفت سالگی رسید نباید زن ها را ببوسد [و یا زن ها او را ببوسند].»

(۴) ۴- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مادر اگر با دختر شش ساله خود بدون لباس [برای شستشو و غیره] تماس پیدا کند برای او شعبه و نوعی از زنا محسوب می شود.»

نگاه زن به مرد نابینا

در سوره نور، آیات ۳۰ و ۳۱، در حکم نگاه مرد به زن نامحرم و نگاه زن به مرد نامحرم را بیان فرموده و زن ها را نیز همانند مردها امر نموده که به مردان نامحرم

ص: ۱۵۸

۱- (۱) سنّ المحرمیه للصبی و الصبیّه ۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبد الله علیه السلام قال: اذا بلغت الجاریه الحرّه ست سنین فلا ینبغی لک ان تقبلها. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۰ - الفروع ج ۲/۶۸)

۲- (۲) ۲- و فیه عن ابی الحسن الرضا علیه السلام إنّ بعض بنی هاشم دعاه مع جماعه من اهله فأتی بصبیّه له فادناها اهل المجلس جمیعاً الیهم فلما دنت منه سأل عن سنّها فقیل: خمس فنحاهها عنه. (المصدر)

۳- (۳) ۳- و فیه عن الفقیه... قال ابو عبد الله علیه السلام: اذا بلغت الجاریه ست سنین فلا یقبلها الغلام، و الغلام لا یقبل المرأه اذا جاز سبع سنین. (المصدر)

۴- (۴) ۴- و فیه عن الفقیه... عن جعفر بن محمّد عن ابیه علیهما السلام قال: قال علی علیه السلام: مباشره المرأه ابنتها اذا بلغت ست سنین شعبه من الزنا. (المصدر عن الفقیه ج ۲/۱۴۰)

نگاه نکنند؛ حتی اگر مرد نابینا باشد.

امروزه، مع الاسف، زن های جامعه ما به این قانون توجه نکرده و فکر می کنند نگاه زن به مرد نامحرم مانعی ندارد.

(۱)۱- در کتاب وسایل، از کافی، از احمد بن ابی عبدالله نقل شده که گوید: هنگامی که عبدالله امّ مکتوم، مؤذن رسول خدا صلی الله علیه و آله، که نابینا بود، خدمت آن حضرت رسید رسول خدا صلی الله علیه و آله به همسران خود، عایشه و حفصه، فرمود: «برخیزید و به اتاق بروید.» آنها گفتند: او نابیناست، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر او شما را نمی بیند شما که او را می بینید.»

(۲)۲- در همان کتاب، از کتاب عقاب الاعمال نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خشم خداوند سخت است بر زنی که دارای شوهر باشد و چشم خود را از نگاه به نامحرم پر کند و اگر چنین کند خداوند همه اعمال و عبادات او را محو می فرماید و اگر مرد نامحرمی را در خانه شوهر خود بیاورد و با او زنا کند بر خداوند حق است که او را در قبر و قیامت به آتش عذاب نماید.»

تماس پزشک برای معالجه

عده ای گمان کرده اند که پزشک برای مریض محرم است و بر همین اساس با پزشک نامحرم تماس پیدا می کنند و این را حرام نمی دانند و شاید خود پزشک هم چنین گمانی داشته باشد، در حالی که در رساله های عملی محارم را نام برده اند و پزشک در زمره محارم محسوب نشده است. فقها و مراجع تقلید فرموده اند پزشک مانند سایر مردم است و فقط در صورتی که ضرورتی ایجاب کند و پزشک زن برای

ص: ۱۵۹

۱- (۱) حرمة نظر المرأة الى الرجل وان كان اعمى... عن احمد بن ابی عبدالله قال: استأذن ابن امّ مکتوم علی النبی صلی الله علیه و آله و عنده عایشه و حفصه فقال لهما: قوما فادخلا البيت، فقالتا: انه اعمى فقال صلی الله علیه و آله: ان لم یرکما فانکما تریانه. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۱ - الفروع ج ۲/۶۸)

۲- (۲)۲- و فیه عن عقاب الأعمال... قال النبی صلی الله علیه و آله: اشتدّ غضب الله علی امرأه ذات بعل ملأت عینها من غیر زوجها او غیر ذی محرم منها، فانّھا إن فعلت ذلك احبط الله عزوجلّ کلّ عمل عملته فان او طئت فراشه غیره کان حقاً علی الله ان یحرقها بالنار بعد ان یعذبها فی قبرها. (المصدر عن عقاب الأعمال ص ۴۸)

زنی که بیمار است پیدا نشود، در حد ضرورت تماس با پزشک مرد جایز است و گرنه حرام خواهد بود.

اینک برای توجه خوانندگان محترم بعضی از روایات این موضوع که مدرک فتوای فقها می باشد را ذکر می کنیم به امید این که از سخنان معصومین علیهم السلام پند بگیریم.

(۱)۱- در کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از ابو حمزه ثمالی نقل شده که گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: زن مسلمان بسا بیماری شکستگی و یا جراحی پیدا می کند که مرد برای معالجه او مؤثرتر خواهد بود، آیا پزشک مرد می تواند او را معالجه کند؟ امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر چاره ای جز این ندارد مانعی ندارد.»

(۲)۲- در همان کتاب، از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که فرمود: «اگر زنی بیمار باشد و جراحی در ران و یا شکم و یا بازوی او باشد [در صورتی که پزشک زن یافت شود] حرام است به پزشک مرد مراجعه کند.»

ص: ۱۶۰

۱- (۱) جواز النظر الى الأجنبية لضرورة العلاج ۱- الوسائل عن الكافي... عن ابي حمزه الثمالي عن ابي جعفر عليه السلام قال: سألته عن المرأة المسلمة يصيبها البلاء في جسدها اما كسروا اما جرح في مكان لا يصلح النظر اليه يكون الرجل ارفق بعلاجه من النساء، أ يصلح له النظر اليها؟ قال: اذا اضطررت اليه فليعالجها إن شاءت. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۲ / الفروع ج ۲/۶۸)

۲- (۲)۲- وفيه عن الكافي عن علي بن جعفر في كتابه عن اخيه موسى بن جعفر عليهما السلام قال: سألته عن المرأة يكون بها الجرح في فخذها او بطنها او عضدها هل يصلح للرجل ان ينظر اليه يعالجه؟ قال: لا. (المصدر ص ۱۷۳)

زن های نمونه در اسلام

اشاره

ص: ۱۶۱

اسوه های ارزش و نمونه های بی نظیر

تردیدی نیست که خداوند بندگانی از مخلوق خود را اسوه و مقتدا و رهبر و پیشوای مردم قرار داده و همه خوبی ها و زیبایی ها را در آنان جمع و مردم را موظف نموده که در اعمال و اخلاق و ارزش های اسلامی از آنان پیروی کنند و آنان را پیشوا و مقتدای خود بدانند. از این رو، خداوند در قرآن می فرماید: «و لکم فی رسول اللہ اسوہ حسنہ»؛ یعنی پیامبر ما صلی الله علیه و آله برای شما اسوه و نمونه و مقتدای نیکی می باشد [و شما باید در همه چیز از او پیروی کنید، او معیار همه خوبی هاست] و همین توصیه را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کرارا نسبت به اهل بیت خود داشته است و در خصوص امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام سفارش بیشتری فرموده است. از این رو، بر همه مسلمانان واجب و لازم است که در شناخت و معرفت آنان بکوشند و در همه ابعاد زندگی و مسایل روحی و معنوی و عبادی و اخلاقی و سیاسی از آنان پیروی کنند و آنان را معیار همه خوبی ها و ارزش ها بدانند.

ما در این کتاب به گوشه هایی از اخلاق و زندگی حضرت فاطمه و فرزند او حضرت زینب علیها السلام اشاره می کنیم و امیدواریم برای زن های مسلمان وسیله رشد و نجات از آفت ها و خطرها باشد.

عبادت فاطمه علیها السلام

(۱) علامه مجلسی در بحار، از علل الشرایع صدوق، از امام صادق و او از

ص: ۱۶۲

۱- (۱) عباده فاطمه علیه السلام و دعاءها للمؤمنین روی فی البحار ج ۴۳/۸۱ عن العلل عن ابن مقبره، عن محمد بن عبد الله الحضرمی، عن جندل بن والقی عن محمد بن عمر المازنی، عن عباده الكلبي، عن جعفر بن محمد، عن أبيه عن علي بن الحسين، عن فاطمه الصغرى، عن الحسين بن علي، عن أخيه الحسن بن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: رأيت أُمِّي فاطمه عليها السلام قامت في محرابها ليلة جمعتها فلم تزل راکعه ساجده حتى أتضح عمود الصبح و سمعتها تدعو للمؤمنين و المؤمنات و تسميهم و تكثر الدعاء لهم، و لاتدعو لنفسها بشي ء، فقلت لها: يا أمّاه لم لاتدعين لنفسك كما تدعين لغيرك؟ فقالت: يا بني! الجار ثم الدار.

پدرش امام باقر و او از پدرش امام سجاد و او از فاطمه صغری و او از پدرش امام حسین و او از برادرش امام حسن علیهم السلام نقل نموده که فرمود: «شب جمعه ای مادرم فاطمه علیهاالسلام را در محراب عبادت دیدم که تا صبح مشغول رکوع و سجود بود و فراوان به مؤمنین و مؤمنات دعا می کرد و نام آنها را می برد و برای خود هیچ دعایی نکرد پس به او گفتم: مادرا! چرا همچنان که برای مردم دعا می کنی برای خود دعا نمی کنی؟ مادرم فرمود: فرزند عزیزم! «الجار ثم الدار»، یعنی اول همسایه بعد اهل خانه.»

(۱) در همان کتاب از علل الشرایع، از موسی بن جعفر، از پدرش، از پدرانش علیهم السلام نقل نموده که فرمود: «عادت فاطمه علیهاالسلام این بود که چون دعا می کرد، به مؤمنین و مؤمنات دعا می نمود و در حق خود دعا نمی کرد و چون به او گفته شد: دختر پیامبر! چرا همچنان که به مردم دعا می کنی به خود دعا نمی نمایی؟ فاطمه علیهاالسلام می فرمود: «الجار ثم الدار»، یعنی حق همسایه مقدم بر اهل خانه است.»

در همان کتاب (ج ۴۳/۸۴)، از مناقب ابن شهر آشوب (ج ۳/۳۴۱)، از حسن بصری نقل شده که گوید: کسی بین این امت عابدتر از فاطمه علیهاالسلام نبوده است؛ او آن قدر مقابل پروردگار خود به عبادت ایستاد که قدم های او متورم شد.

مرحوم صدوق در علل الشرایع (ج ۱/۱۸۱) نقل نموده که فاطمه علیهاالسلام چون در محراب عبادت خود می ایستاد نور او برای اهل آسمان می درخشید؛ چنانکه نور ستارگان برای اهل زمین می درخشد.

ص: ۱۶۳

۱- (۱) و روی فیه ص ۸۲ عن العلل عن احمد بن عبدالرحمن المروزی، عن جعفرالمقري، عن محمدبن الحسن الموصلي، عن محمدبن عاصم، عن أبي زيد الكحال، عن أبيه، عن موسى بن جعفر، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال: كانت فاطمه علیهاالسلام إذا دعت تدعو للمؤمنين و المؤمنات و لا تدعو لنفسها، فقيل لها: يا بنت رسول الله إنك تدعين للناس و لا تدعين لنفسك، فقالت: «الجار ثم الدار.»

(۱) در کتاب بحار، از علل الشرایع، از علی علیه السلام نقل شده که آن حضرت به مردی از طایفه بنی سعد فرمود: «می خواهی قصه من و فاطمه را بشنوی؟ بدان که فاطمه علیها السلام همسر من بود و با این که عزیز پرورده رسول خدا صلی الله علیه و آله بود آن قدر با مشک آب آورد که بر سینه او اثر گذارد و آن قدر با دست خود آسیا نمود که دستان او تاول زد و آن قدر خانه مرا جاروب زد که لباس او به شکل خاک گردید و آن قدر چوب زیر دیگ گذارد که لباس او خاکستری شد و در نهایت از کارهای خانه سخت اذیت شد.»

(۲) سپس فرمود، «من به او گفتم که اگر نزد پدر خود می رفتی و از او درخواست خادمی می کردی از این سختی ها نجات می یافتی، پس فاطمه علیها السلام نزد پدر رفت و چون دید مردم نزد ایشان اجتماع نموده اند حیا نمود و باز گشت.»

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مطلع شد که فاطمه علیها السلام برای حاجتی آمده بود صبحگاه به درخانه ما آمد و ما خوابیده بودیم، پس فرمود: «السَّلام علیکم» و ما چون خوابیده بودیم حیا کردیم و پاسخ او را ندادیم. باز فرمود: «السَّلام علیکم» و ما [دوباره] سکوت نمودیم و چون مرتبه سوم فرمود: «سلام علیکم» ترسیدم که اگر پاسخ ندهیم آن حضرت - طبق عادت خود که سه مرتبه سلام می داد و اگر جوابی

ص: ۱۶۴

۱- (۱) أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَهَا التَّسْبِيحَاتِ مَكَانَ الْخَادِمِ رَوَى فِي الْبَحَارِ ج ۴۳/۸۲ عَنِ الْعَلَلِ عَنِ الْقَطَّانِ، عَنِ السَّكْرِيِّ، عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَسْلَمَ، عَنِ ابْنِ عَلَيْهِ، عَنِ الْحَرِيرِيِّ، عَنِ أَبِي الْوَرْدِ بْنِ ثَمَامَةَ، عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي سَعْدٍ: إِلا احْدَثَكَ عَنِّي وَ عَنِ فَاطِمَةَ إِنَّهَا كَانَتْ عِنْدِي وَ كَانَتْ مِنْ أَحَبِّ أَهْلِ إِلِيهِ وَ أَنَّهَا اسْتَقَتْ بِالْقُرْبَةِ حَتَّى أَثْرَفِي صَدْرَهَا، وَ طَحَنَتْ بِالرَّحِي حَتَّى مَجَلَّتْ يَدَاهَا، وَ كَسَحَتْ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابَهَا، وَ أَوْقَدَتْ النَّارَ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكَنْتْ ثِيَابَهَا، فَأَصَابَهَا مِنْ ذَلِكَ ضَرَرٌ شَدِيدٌ. فَقُلْتُ لَهَا: لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكَ فَسَأَلْتِيهِ خَادِمًا يَكْفِيكَ ضَرْمًا أَنْتَ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ فَأَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ آلَهُ فَوَجَدَتْ عِنْدَهُ حَدَاثًا فَاسْتَحْتِ فَانصرفت.

۲- (۲) قَالَ: فَعَلَّمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَاءَتْ لِحَاجَةٍ، قَالَ، فَغَدَا عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ نَحْنُ فِي لِفَاعِنَا فَقَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ»، فَسَكَنَّا وَ اسْتَحِينَا لِمَكَانِنَا، ثُمَّ قَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» فَسَكَنَّا ثُمَّ قَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ». فَخَشِينَا إِنْ لَمْ نَرُدْ عَلَيْهِ أَنْ يَنْصَرِفَ وَ قَدْ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ يَسَلِّمُ ثَلَاثًا فَإِنْ أَدْنَى لَهُ وَ إِلاَّ انصرفت، فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادخل فلم يعد أن جلس عند رؤوسنا، فقال: يا فاطمه ما كانت حاجتك أمس عند محمد؟

نمی شنوید باز می گشت - برگردد. پس من پاسخ دادم و گفتم: و علیک السّلام یا رسول الله. بفرماید.

پس چیزی نگذشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله بالای سرما نشست و فرمود: «ای فاطمه! دیروز حاجت تو چه بود؟»

[و چون فاطمه حیات نمود که سر خود را از زیر لحاف خارج کند] و من ترسیدم که اگر پاسخ او را ندهم از خانه ما خارج شود سر خود را بیرون آوردم و گفتم: یا رسول الله! به خدا سوگند، من می گویم که فاطمه چه می خواست.

(۱) سپس گفتم: فاطمه آن قدر با مشک آب آورده که مشک در سینه او اثر گذارده و آن قدر با دست خود آسیا را گردانده که دستان او تاول زده و آن قدر خانه را جاروب کرده که لباس او به رنگ خاکی در آمده و آن قدر آتش زیر دیگ روشن نموده که لباس او خاکستری شده است من به او گفتم: اگر نزد پدر خود بروی و از او درخواست خادمی بکنی از این سختی ها نجات خواهی یافت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا به شما تعلیم نکنم چیزی را که بهتر از خادم باشد؟» سپس فرمود: «چون خواستید بخوابید سی و سه مرتبه سبحان الله بگویید و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگویید.»

آن گاه فاطمه سر خود را از زیر لحاف خارج نمود و سه مرتبه گفت: از خدا و رسول او راضی شدم.»

فاطمه علیها السلام و انفاق زینت های خود در راه خدا

(۲) ۱ - علامه مجلسی در کتاب بحار، از کتاب کافی، و مکارم الأخلاق از

ص: ۱۶۵

۱- (۱) قال: فخشیت إن لم نجبه أن يقوم قال: فأخرجت رأسی فقلت: انا و الله أخبرك یا رسول الله إنها استقت بالقربة حتى أثرت فی صدرها و جرت بالرحی حتى مجلت یدها، و كسحت البیت حتى اغبرت ثيابها، و أوقدت تحت القدر حتى دكنت ثيابها، فقلت لها: لو أتيت أباك فسألتيه خادما يكفيك ضرّ ما أنت فيه من هذا العمل، قال: أفلا أعلمكما ما هو خير لكما من الخادم؟ إذا أخذتما منامكما فسبّحا ثلاثا و ثلاثين، و احمددا ثلاثا و ثلاثين، و كبرا أربع و ثلاثين قال: فأخرجت عليها السلام رأسها فقالت: رضيت عن الله و رسوله ثلاث دفعات. انفقت حليها في سبيل الله لرضا ابیها صلی الله علیه و آله

۲- (۲) ۱- روی فی البحار ج ۴۳ ص ۸۳ عن الكافي و المكارم عن زراره، عن أبي جعفر عليه السلام قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا أراد السفر سلّم على من أراد التسليم عليه من أهله ثمّ يكون آخر من يسلم عليه فاطمه عليها السلام فيكون وجهه الى سفره من بيتها، و اذا رجع بدأ بها. فسافر مرّه و قد أصاب على عليه السلام شيئا من الغنيمه فدفعه الى فاطمه فخرج فأخذت سوارين من فضّه و علقت على بابها سترًا، فلما قدم رسول الله صلی الله علیه و آله دخل المسجد فتوجّه نحو بيت فاطمه كما كان يصنع، فقامت فرحه الى أبيها صبابه و شوقا إليه فنظر فاذا في يدها سواران من فضّه و اذا على بابها ستر، فقعد رسول الله صلی الله علیه و آله حيث ينظر إليها، فبكت فاطمه و حزنّت و قالت: ما صنع هذا بي قبلها.

زراره، از امام باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود، «عادت رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که چون اراده سفر می نمود با هر کسی از اهل خود که می خواست خداحافظی می نمود و آخرین نفری که با او خداحافظی می کرد فاطمه علیها السلام بود و سفر خود را از خانه فاطمه علیها السلام شروع می نمود و در بازگشت نیز اولین کسی را که ملاقات می کرد فاطمه علیها السلام بود.»

سپس فرمود: «در یکی از سفرها، چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مسافرت بازگشت. دید فاطمه از مالی که امیرالمؤمنین علیهما السلام از غنیمت به دست آورده بود و به او داده بود دو عدد دست بند و یک پرده برای اتاق خود تهیه نموده است.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد و به طرف خانه فاطمه آمد فاطمه علیها السلام مثل همیشه با خوشحالی از آن حضرت استقبال نمود. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله دید که دو عدد دست بند به دست فاطمه است و پرده ای بر در خانه اوست همان جا نشست و با سکوت و نگاه خود مسأله را به فاطمه علیها السلام فهماند.

(۱) پس فاطمه علیها السلام حسن و حسین علیهم السلام را صدا زد و فرمود: اینها را نزد پدرم

ص: ۱۶۶

۱- (۱) فدعت ابنيها فنزعت الستر من بابها و خلعت السوارين من يديها، ثم دفعت السوارين الى أحدهما و الستر الى الآخر ثم قالت لهما: انطلقا إلى أبي فاقراه السلام و قولاه: ما أحدثنا بعدك غير هذا فشأنك به، فجاءه فأبلغاه ذلك عن أمهما فقبلهما رسول الله صلى الله عليه و آله و التزمهما و أقعد كل واحد منهما على فخذه، ثم أمر بذينك السوارين فكسرا فجعلهما قطعا ثم دعا أهل الصفه [وهم] قوم من المهاجرين لم يكن لهم منازل و لأموال، فقسمه بينهم قطعا، ثم جعل يدعو الرجل منهم العارى الذى لا يستتر بشىء و كان ذلك الستر طويلا ليس له عرض فجعل يؤزر الرجل فاذا التقيا عليه قطعه حتى قسمه بينهم أورا ثم أمر النساء لا يرفعن رؤوسهن من الركوع و السجود حتى يرفع الرجال رؤوسهن، و ذلك أنهن كانوا من صغر إزارهم إذا ركعوا و سجدوا بدت عورتهم من خلفهم ثم جرت به السنه أن لا يرفع النساء رؤوسهن من الركوع و السجود حتى يرفع الرجال. ثم قال رسول الله صلى الله عليه و آله: رحم الله فاطمه ليكسونها الله بهذا الستر من كسوه الجته، و ليحليتها بهذين السوارين من حليته الجته.

ببرید و سلام مرا به او برسانید و بگویید: ما در غیاب شما کاری جز تهیه اینها نکرده ایم شما حال، با آنها هرچه می خواهید بکنید.

هنگامی که حسن و حسین علیهم السلام پیام و سلام مادرشان را خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله ابلاغ نمودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را بوسید و در آغوش گرفت و هر کدام را بر روی یک ران خود نشاند و دستور داد تا آن دست بندها را چند قطعه کردند و بین مهاجرین اهل صفحه - که نه خانه ای داشتند و نه مالی - تقسیم نمود و آن پرده را نیز بین آنان قسمت کرد و چون لباس اهل صفحه کوتاه بود به زن ها دستور داد که قبل از مردها سر از رکوع بلند نکنند و سپس این سنت شد که زن ها قبل از مردها سر از رکوع بلند نکنند.

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا فاطمه علیها السلام را رحمت کند و از لباس ها و زیورهای بهشتی به او عطا فرماید.»

(۱) ۲ - علامه مجلسی در بحار، از کشف الغمه، از مسند احمد بن حنبل، از ثوبان غلام رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که گوید: رسول خدا هر وقت به مسافرت می رفت آخرین نفری که با او خداحافظی می نمود فاطمه علیها السلام بود و چون از سفر باز

ص: ۱۶۷

۱- (۱) ۲- روی فی البحار ج ۴۳/۸۹ عن کشف الغمه عن مسند أحمد بن حنبل عن ثوبان مولى رسول الله قال: كان رسول الله إذا سافر آخر عهده بانسان من أهله فاطمه، و أول من يدخل عليه إذا قدم فاطمه عليها السلام قال: فقدم من غزاه فأتاها فاذا هو يمسح على بابها و رأى على الحسن و الحسين عليهما السلام قلبين من فضة فرجع و لم يدخل عليها فلما رأت ذلك فاطمه ظنت أنه لم يدخل عليها من أجل ما رأى، فهتكت الستر و نزع القلبين من الصبيين فقطعتهما، فبكى الصبيان فقسيمته بينهما، فانطلقا الى رسول الله صلى الله عليه و آله و هما يبكيان فاخذه رسول الله صلى الله عليه و آله منهما و قال: يا ثوبان اذهب بهذا الى بنى فلان أهل بيت بالمدينة و اشتر لفاطمه قلاذه من عصب و سوارين من عاج، فان هؤلاء أهل بيتي و لا احب أن يأكلوا طيباتهم فى حياتهم الدنيا. بيان: القلب بالضم: السوار، قال الجزرى: فى حديث ثوبان أن فاطمه حلت الحسن و الحسين بقلبين من فضة، القلب: السوار.

می گشت اولین فردی که بر او وارد می شد نیز فاطمه علیهاالسلام بود.

او از یکی از جنگ ها بازگشت و بر در خانه فاطمه علیهاالسلام آمد ناگهان دید پرده ای بر در خانه فاطمه آویخته و دو خلخال نقره بر پاهای حسن و حسین هست. رسول خدا [چون این گونه دید] وارد خانه فاطمه علیهاالسلام نشد و فاطمه علیهاالسلام گمان کرد که پدرش به جهت پرده و خلخال وارد خانه نشده است پس پرده را باز نمود و خلخال ها را از پاهای حسین جدا کرد و آنها را شکست و چون گریه کردند آنها را بین آن دو تقسیم نمود و نزد پدر فرستاد.

و چون حسن و حسین با چشمان گریان بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند رسول خدا صلی الله علیه و آله یه ثوبان غلام خود فرمود: این خلخال ها و پرده را نزد فلان شخص ببر و از آن قلاده ساده ای برای فاطمه و دو خلخال از عاج (استخوان دندان فیل) برای حسن و حسین بگیر؛ چرا که اینها اهل بیت من هستند و من دوست ندارم بهره ها و طئیبات خود را از دنیا استفاده کنند.»

مقام فضّه کنیز فاطمه علیهاالسلام

(۱) فاطمه علیهاالسلام کنیزی داشت به نام فضّه خاتون که رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از پیروزی اسلام و غنایم زیادی که از جنگ خیبر و بنی قریظه و بنی النضیر و غیره به دست آمد و فقر از بین مسلمین زدوده شد و اصحاب صفه و ضعفای دیگر مدینه به سامانی رسیدند او را به فاطمه علیهاالسلام بخشیده بود.

از بعضی از کتاب های تاریخ استفاده می شود که فضّه دختر پادشاه هند و عالم به علوم غریبه بوده است.

علاّمه مجلسی از صاحب کتاب «مشارق الانوار» مرحوم بررسی (عالم و شاعر معروف اهل البیت علیهم السلام) نقل نموده که گوید: چون فضّه به خانه فاطمه زهرا علیهاالسلام

آمد جز شمشیر و زره و آسیا چیزی در آن خانه ندید؛ در حالی که او دختر پادشاه هند بود و نزد او ذخیره ای از علم اکسیر و کیمیا نهفته بود. پس پاره ای از مس را گرفت و آن را به صورت سکه در آورد و دوایی بر آن ریخت تا تبدیل به طلا شد و چون خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید آن را مقابل آن حضرت گذارد.

(۱) امیرالمؤمنین علیه السلام چون آن را مشاهده نمود به او فرمود: «احسنت، یا فضّه! لکن اگر بدن خود را در عبادت خدا ذوب کنی ساختار تو عالی تر و قیمت آن بیشتر خواهد بود.» فضّه گفت: یا علی! آیا شما از این علم اطلاعی دارید؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آری، من اطلاع دارم.» و به فرزند خود حسین علیه السلام اشاره نمود و فرمود: «او نیز از آن اطلاع دارد.» و چون فضّه خدمت امام حسین علیه السلام رفت او نیز مانند پدر خود پاسخ داد.

پس امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: «ما بالاتر از این را می دانیم و سپس با دست مبارک اشاره نمود، ناگهان فضّه دید رشته ای از طلا و گنج های زمین در حال حرکت است پس علی علیه السلام به فضّه فرمود: «طلای خود را در کنار آنها بگذار و چون فضّه طلای خود را در کنار آنها گذارد دید طلای او هم با آن طلاها حرکت نمود.

بیست سال جز با قرآن سخن نگفت

(۲) در کتاب بحارالانوار، از ابوالقاسم قشیری نقل شده که گوید: یکی از

ص: ۱۶۹

۱- (۱) «مشارق الانوار» للحافظ البرسی (ره): روی لما جاءت فضّه الى بيت الزهراء عليها السلام لم تجد هناك الا السيف و الدرع و الرحى، و كانت بنت ملك الهند، و كانت عندها ذخيره من الاكسیر، فأخذت قطعه من النحاس و ألانتها و جعلتها على هيئة سبيكه، و القت عليها الدواء و صنعتها ذبا. فلما جاء اميرالمؤمنين عليه السلام و وضعتها بين يديه. فلما رآها قال: أحسنت يا فضّه لكن لو أذبت الجسد لكان الصبغ أعلى و القيمه اغلى. فقالت: ياسيدي تعرف هذا العلم؟ قال: نعم و هذا الطفل يعرفه، و أشار الى الحسين عليه السلام فجاء و قال كما قال أميرالمؤمنين عليه السلام، فقال أميرالمؤمنين عليه السلام: نحن نعرف أعظم من هذا؛ ثم أوما بيده فاذا عنق من ذهب و كنوز الارض سائره، ثم قال: ضعيها مع أخواتها، فوضعتها فسارت. (البحار) ج ۴۱، ص ۲۷۳ - ۲۷۴). عشرين سنه لم تتكلم الا بالقرآن

۲- (۲) و في البحار ج ۴۳/۸۶ عن ابى القاسم القشيري في كتابه: قال بعضهم: انقطعت في البادية عن القافله فوجدت امرأه، فقلت لها: من أنت؟ فقالت: «و قل سلام فسوف تعلمون» (الزخرف: ۸۹) فسلمت عليها، فقلت: ما تصنعين ههنا؟ قالت: «من يهدى الله فلا مضلّ له» (لم نجد بهذا اللفظ آيه في القرآن و الموجود فيه: الزمر: ۳۸ و من يهدى الله فماله من مضلّ) فقلت: أمن الجنّ أنت أم من الانس؟ قالت: «يا بنى آدم خذوا زينتكم» (الاعراف: ۲۹) فقلت: من أين أقبلت؟ قالت: «ينادون من مكان بعيد» (فصلت: ۴۴) فقلت: أين تقصدین؟ قالت: «و لله على الناس حج البيت» (آل عمران: ۹۱) فقلت: متى انقطعت؟ قالت: «و لقد خلقنا السموات و الارض في ستة أيام» (ق: ۳۷ بزياده: «و ما بينهما.» بعد الارض) فقلت: أتشتهين طعاما؟ فقالت: «و ما جعلنا هم جسدا لا يأكلون الطعام» (الانبیاء: ۸) فأطعمتها، ثم قلت: هرولى و لا تعجلى، قالت: «لا يكلف الله نفسا الا وسعها» (البقره: ۲۸۶) فقلت: أردفك؟ فقالت: «لو كان فيهما آلهه الا الله لفسدتا» (الانبیاء: ۲۲) فنزلت فأرکبتها، فقالت: «سبحان الذى سخر لنا هذا»

حجاج گفت: من در بیابان از قافله جدا شده بودم، پس به زنی برخورد کردم که درمانده شده بود. به او گفتم: تو کیستی؟ او در جواب من این آیه را خواند: «وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» [اشاره به این که قبل از سخن باید سلام بکنی].

پس به او سلام کردم و گفتم: در این بیابان چه می کنی؟ او در جواب من گفت: «مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ» [اشاره به این که من راه را گم کرده ام].

به او گفتم: تو از جنیان هستی یا از انسان ها؟ او در جواب من گفت: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ» [اشاره به این که من از بنی آدم هستم].

به او گفتم: از کجا می آیی؟ گفت: «يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ» [اشاره به این که از راه دور می آیم].

(۱) گفتم: مقصد تو کجاست؟ گفت: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ» [اشاره به این که می خواهم به حج بروم].

گفتم: چند روز است از قافله جدا شده ای؟ گفت: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَ

الارض في سته ايام» [اشاره به این که شش روز است از قافله جا مانده ام].

گفتم: آیا میل به غذا داری؟ گفت: «و ما جعلناهم جسدًا لا يأكلون الطعام» [اشاره به این که نیاز به غذا دارم]. پس به او غذا دادم.

گفتم: به دنبال مرکب من حرکت کن. گفت: «لا يكلفُ الله نفسًا إلا وسعها» [اشاره به این که قدرت راه رفتن ندارم].

گفتم: تو را در کنار خود سوار می کنم، گفت: «لو كان فيهما آلهة إلا الله لفسدتا» [اشاره به این که صحیح نیست زن در کنار مرد سوار شود].

چون از مرکب پیاده شدم و او را سوار نمودم گفت: «سبحان الذي سخر لنا هذا» [اشاره به شکر نعمت الهی].

و چون به قافله خود رسید گفتم: آیا کسی را در این قافله داری؟ گفت: «یا داود انا جعلناك خليفة في الارض»، «و ما محمد إلا رسول»، «یا يحيى خذ الكتاب»، «یا موسى انى انا الله». پس فهمیدم که چهار نفر به نام های داود و محمد و يحيى و موسى آشنایان اویند.

آنان را صدا زدم، ناگهان چهار جوان به طرف او آمدند. به او گفتم: اینها با شما چه نسبتی دارند؟ گفت: «المال و البنون زينته الحيوه الدنيا» [اشاره به این که اینها فرزندان من هستند].

پس به آنان گفتم: «يا أبت استأجره إن خير من استأجرت القوي الأمين» [اشاره به این که اجرت او را بدهید که او قوی و امین است].

و چون آنها چیزهایی به من دادند، باز گفتم: «و الله يضاعف لمن يشاء» [اشاره به این که بیش از این به او بدهید].

پس آنها مزد اضافه ای به من دادند. آن گاه من از آنها سؤال کردم: این زن کیست؟ گفتند: این زن، مادر ما و خادمه فاطمه زهرا علیها السلام است و بیست سال است که جز با قرآن سخن نگفته است.

فاطمه علیها السلام و نزول آیه عذاب

(۱) علامه مجلسی در کتاب بحار، از کتاب «زهد النبى صلى الله عليه و آله»، از ابو جعفر احمد

ص: ۱۷۱

۱- (۱) فاطمه علیها السلام عند سماع آیه العذاب روى في البحار ج ۴۳ ص ۸۷ عن الدرود من كتاب زهد النبى صلى الله عليه و آله لابی جعفر أحمد القمی: أنه لما نزلت هذه الآية على النبى صلى الله عليه و آله: «و ان جهنم لموعدهم أجمعين * لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم» (الحجر: ۴۳ و ۴۴) بكى النبى صلى الله عليه و آله بكاء شديدا و بكت صحابته لبكائه و لم يدروا ما نزل به جبرئيل عليه السلام، و لم يستطع أحد من صحابته أن يكلمه. و كان النبى صلى الله عليه و آله إذا رأى فاطمه

عليها السلام فرح بها، فانطلق بعض أصحابه إلى باب بيتها، فوجد بين يديها شعيرا و هي تطحن فيه و تقول: «و ما عند الله خير و أبقى» (القصص: ٦٠) فسلم عليها و أخبرها بخبر النبي صلى الله عليه و آله و بكائه. فنهضت و التفت بشمله لها خلقه قد خيبت في اثني عشر مكانا (منها) بسعف النخل، فلما خرجت نظر سلمان الفارسي الى الشملة و بكى و قال: و احزنانه إن [بنات] قيصر و كسرى لفي السندس و الحرير، و ابنه محمد صلى الله عليه و آله عليها شمله صوف خلقه قد خيبت في اثني عشر مكانا.

قمی نقل نموده است که چون آیه شریفه (وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُوْعَدُهُمْ اَجْمَعِيْنَ لَهَا سَبْعَةُ اَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُوْمٌ) بر رسول صلی الله علیه و آله نازل شد، گریه شدیدی نمود و اصحاب او نیز از گریه آن حضرت گریان شدند و نمی دانستند که جبرئیل علیه السلام برای او چه آورده و کسی را جرأت آن نبود که با آن حضرت سخن بگوید.

(۱) و عادت رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که چون فاطمه علیها السلام را می دید شاد می شد، پس یکی از اصحاب به خانه فاطمه علیها السلام آمد و دید آن بانو مشغول آسیا نمودن است و این آیه را تلاوت می کند: (وَ مَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَ اَبْقٰی) پس بر فاطمه علیها السلام سلام نمود و او را از وضع پدر و گریه او خبر داد.

فاطمه علیها السلام برخاست و خود را با ردای کهنه ای که دوازده جای آن را با سعف خرما وصله زده بود به طرف مسجد رفت. سلمان فارسی چون چادر فاطمه علیها السلام را دید گریه کرد و گفت: چقدر ناگوار است که دختران پادشاهان مثل قیصر و کسری لباس سندس و حریر بپوشند و دختر پیامبر صلی الله علیه و آله چادری از مو بر سر کند که دوازده جای آن وصله باشد! و چون فاطمه علیها السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد به پدر خود گفت: «یا رسول الله! سلمان از لباس من تعجب نموده است. سوگند به آن خدایی که شما را

ص: ۱۷۲

۱- (۱) فلما دخلت فاطمه علی النبی صلی الله علیه و آله قالت: یا رسول الله انّ سلمان تعجب من لباسی، فوالذی بعثک بالحقّ مالی و لعلی منذ خمس سنین الاّ- مسک کبش نعلف علیها بالنهار بعیرنا، فاذا کان اللیل افترشناه و انّ مرفقتنا لمن آدم حشوها لیف فقال النبی صلی الله علیه و آله: یا سلمان انّ ابنتی لفی الخیل السوابق.

به پیامبری مبعوث کرده است، پنج سال است که فرش من و علی علیه السلام یک پوست گوسفند است که روزها شتر خود را بر روی آن علف می دهیم و شب که می شود آن پوست فرش ما و رواندازی از لیف خرما لحاف ما می باشد! پس رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به سلمان نمود و فرمود: «ای سلمان! دخترم فاطمه علیها السلام از پیش تازان (در زهد و قناعت) است.»

(۱) سپس فاطمه علیها السلام به پدر خود عرض کرد: «پدر جان! فدای شما شوم، چه چیز شما را گریان نموده است؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله آن دو آیه را که جبرئیل آورده بود برای فاطمه علیها السلام قرائت نمود. فاطمه [با شنیدن آیات] به رو بر زمین افتاد و گفت: «وای، وای، بر کسی که وارد آتش شود.»

سلمان نیز چون این دو آیه را شنید، گفت: ای کاش، من گوسفندی بودم که مرا ذبح و از گوشت من استفاده می نمودند و این آیه را که وعده آتش داده است نمی شنیدم.

ابوذر نیز چون این آیه را شنید، گفت: ای کاش، مادرم عاقر و نازا بود و من را نزاییده بود و من وعده آتش را نمی شنیدم.

مقداد نیز چون این آیه را شنید، گفت: ای کاش، من پرنده بیابان بودم و حساب و عقابی نداشتم و نام آتش را نمی شنیدم.

علی علیه السلام چون این آیه را شنید، فرمود: «ای کاش، درندگان گوشت مرا

ص: ۱۷۳

۱- (۱) ثم قالت: يا أبت فديتك ما الذي أبكاك؟ فذكر لها ما نزل به جبرئيل من الآيتين المتقدمتين قال: فسقطت فاطمه صلی الله علیه و آله و علی و جهها و هی تقول: الویل ثم الویل لمن دخل النار، فسمع سلمان فقال: يا ليتني كنت كبشا لاهلي فأكلوا لحمي و مزقوا جلدي و لم أسمع بذكر النار، و قال أبوذر: يا ليتني كنت طائرا في القفار و لم يكن علي حساب و لا عقاب و لم أسمع بذكر النار، و قال علي عليه السلام: يا ليت السباع مزقت لحمي و ليت أمي لم تلدني و لم أسمع بذكر النار. ثم وضع علي عليه السلام يده على رأسه و جعل يبكي و يقول: و بعد سفراه! و اقله زاداه في سفر القيامة يذهبون في النار و يتخطفون، مرضي لا يعاد سقيمهم، و جرحي لا يداوي جريحهم، و أسرى لا يفك أسرهم، من النار يأكلون، و منها يشربون و بين أطباقها يتقلبون، و بعد لبس القطن مقطعات النار يلبسون، و بعد معانقه الأزواج مع الشياطين مقرنون.

می خوردند و یا مادر مرا نمی زاید و اسم آتش را نمی شنیدم.» سپس علی علیه السلام دست مبارکش را بر سر خود نهاد و گریست و فرمود: «چقدر سفر قیامت طولانی است و چقدر توشه ما کم است و چه سخت است حال اهل دوزخ که در آتش غوطه ورنند. آن ها بیمارانی هستند که عیادت نمی شوند، و مجروحانی هستند که معالجه نمی گردند، و اسیرانی هستند که آزاد نمی شوند. آنها از آتش می خورند و از آتش می آشامند و در طبقات آتش می گردند و بعد از آن که در دنیا لباس هایی از پنبه پوشیدند، در آن جا با پاره های آتش پوشیده می شوند و بعد از معانقه با همسران خود در دنیا، آن جا با شیاطین هم نشین خواهند بود!»

عبادت حضرت زینب علیها السلام

(۱) صاحب کتاب «فاطمه الزهراء» می گوید: زینب کبری بعد از مادر خود، فاطمه علیها السلام، عابدترین زنان زمان خود بود و همواره شب های خود را به عبادت و تلاوت قرآن می گذراند. بعضی از اهل فضل نقل کرده اند که او تهجد و عبادت خود را در شب یازدهم محرم نیز ترک نکرد، از زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمود: «عمه ام زینب، فقط در شب یازدهم محرم نوافل خود را نشسته خواند.» از آن حضرت نیز نقل شده است که فرمود: «عمه ام زینب، در دوران اسیری و حرکت ما به شام نوافل خود را ترک نکرد!»

(۲) در کتاب «مشیرالاحزان» نقل شده که فاطمه بنت الحسین علیهما السلام گوید: عمه ام

ص: ۱۷۴

۱- (۱) عبادت زینب علیها السلام أمّیا زینب صلوات الله علیها فلقد كانت فی عبادتها ثانیة أمّها الزهراء علیها السلام، و كانت تقضى عامه لیالیها بالتهجد و تلاوه القرآن. قال بعض ذوی الفضل: إنَّها علیها السلام ما تركت تهجدها لله تعالی طول دهرها حتّی ليله الحادی عشر من المحرم. قال: و روی عن زین العابدین علیه السلام أنه قال: رأيتها تلك اللیلة تصلّی من جلوس. و عن الفاضل القائینی البیرجندی، عن بعض المقاتل المعتره، عن مولانا السجاد علیه السلام أنه قال: انّ عمّتی زینب مع تلك المصائب و المحن النازله بها فی طریقنا الی الشام ما تركت نوافلها اللیلیه.

۲- (۲) و فی «مشیرالاحزان» للعلامة الشیخ شریف الجواهری قدّس سرّه: قالت فاطمه بنت الحسین علیه السلام: و أمّا عمّتی زینب فإنّها لم تزل قائمه فی تلك اللیلة (ای العاشره من المحرم) فی محرابها تستغیث الی ربّها، فما هدأت لنا عین، و لا سكنت لنا رنة.

زینب در شب عاشورا پیوسته در محراب عبادت بود و به خدای خود استغاثه می نمود؛ به طوری که چشمان ما به خواب نرفت و صدای ناله او تا صبح ادامه داشت.

(۱) بعضی از اهل تحقیق از حضرت زین العابدین علیه السلام نقل کرده اند که فرمود: «عمه ام زینب در مسیر کوفه تا شام همه نمازهای واجب و مستحب خود را ایستاده می خواند، ولی در بعضی از منازل دیدم که نماز خود را نشسته می خواند و چون از علت آن سؤال کردم گفت: سه روز است غذا نخورده ام و از شدت گرسنگی و ضعف طاقت ایستادن ندارم!»

(۲) سپس گوید: «این بدان علت بوده است که سهم یک شبانه روز هر اسیر یک قرص نان بوده و زینب علیها السلام سهم خود را به اطفال می داده است.» به نظر می رسد که زینب با این عبادات و حالات به مقام انبیا و اوصیا رسیده و شکی در عصمت او نباشد. او در زمره کسانی است که حرکات و سکانات خود را برای خدا قرار داده و بدین سبب به مقامی بلند و مرتبه ای والا رسیده و همتای مرسلین و اوصیای آنها شده است.

عفت و حیای زینب علیها السلام

(۳) در کتاب «زینب کبری» از یحیای مازنی نقل شده که گفته است: من سال ها

ص: ۱۷۵

۱- (۱) و روی بعض المتتبعین عن الامام زین العابدین علیه السلام أنه قال: ان عمّتی زینب کانت تؤدّی صلواتها من قیام: الفرائض و النوافل عند سیر القوم بنا من الکوفه الی الشام، و فی بعض المنازل کانت تصلّی من جلوس، فسألته عن سبب ذلك فقالت: أصلی من جلوس لشده الجوع و الضعف منذ ثلاث لیل، لأنها کانت تقسم ما یصیبها من الطعام علی الأطفال، لأنّ القوم کانوا یدفعون لكل واحد منا رغیفا واحدا من الخبز فی الیوم و اللیله. (فاطمه الزهراء، ص ۶۴۱).

۲- (۲) أقول: فاذا تأمل المتأمل الی ما کانت علیه هذه الطاهره من العباده لله تعالی و الانقطاع إلیه لم یشکّ فی عصمتها علیها السلام و أنّها کانت من القانتات اللواتی و قفن حرکاتهنّ و سکاناتهنّ و أنفاسهنّ للباری تعالی، و بذلك حصلن علی المنازل الرفیعه و الدرجات العالیه الّتی حکت برفعها منازل المرسلین و درجات الأوصیاء علیهم الصلاه و السلام. («زینب الکبری» للنقدی، ص ۶۲-۶۳).

۳- (۳) عفتها و حیاءها علیها السلام حدّث یحیی المازنی قال: کنت فی جوار امیر المؤمنین علیه السلام فی المدینه مدّه مدیده، و بالقرب من البیت الذی تسکنه زینب ابنته، فلا والله ما رأیت لها شخصا، و لا سمعت لها صوتا، و کانت إذا أرادت الخروج لزیاره جدّها رسول الله صلی الله علیه و آله تخرج لیلاً. و الحسن عن یمینها و الحسین عن شمالها و امیر المؤمنین أمامها، فإذا قربت من القبر الشریف سبقها امیر المؤمنین علیه السلام فأحمد ضوء القنادیل، فسأله الحسن مرّه عن ذلك، فقال: أخشى أن ینظر أحد إلی شخص أختک زینب. («زینب الکبری» ص ۲۲).

در مدینه همسایه امیرالمؤمنین علیه السلام بودم. خانه من نزدیک خانه زینب علیها السلام بود. به خدا سوگند، در آن مدت، من نه صدای او را شنیدم و نه شخص او را دیدم. و همیشه شبانه به زیارت جد خود رسول خدا صلی الله علیه و آله می رفتم، در حالی که امام حسن علیه السلام در طرف راست او و امام حسین علیه السلام در طرف چپ او و امیرالمؤمنین علیه السلام مقابل او حرکت می کردند و چون نزدیک قبر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله می رسید امیرالمؤمنین علیه السلام زودتر می رفت و نور چراغ ها را کم می کرد.

یک بار امام حسن علیه السلام از پدر خود سؤال نمود که برای چه نور چراغ ها را کم می کند؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «می ترسم کسی به اندام خواهرت زینب نگاه کند!»

مؤلف گوید: کجایند امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و زینب کبری علیهم السلام که وضع زنان این زمان را ببینند که همانند مردها بالباس های محرک و آرایش زنانه در کوی و خیابان و بازار می گردند و در لباس و شغل و تجارت همانند مردها هستند!

سخنان نورانی صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام گرچه فراوان است و نیاز به کتاب مستقلی دارد لکن شایسته دیدم که اهم آن ها را با ذکر ترجمه در پایان مباحث کتاب ذکر نمایم تا دوستان اهل بیت علیهم السلام از آن ها استفاده کنند و این طلبه ناچیز را از دعای خیر خود فراموش نفرمایند.

۱- ثمره اخلاص

قالت فاطمه علیها السلام: «مَنْ أَسْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ.» (تفسیر الامام العسکری علیه السلام / ص ۳۲۷).

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

«کسی که عبادت های خالصانه خود را به سوی خدا بالا فرستد، خدای عزوجل برترین مصلحت خود را به سوی او فرو خواهد فرستاد.»

۲- نرمخویی و اکرام بانوان

قالت فاطمه علیها السلام: «خِيَارُكُمْ أَلَيْتُكُمْ مَنَاكِبَ وَ أَكْرَمُهُمْ لِنِسَائِهِمْ.» (دلایل الامامه ص ۷۶).

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

«بهترین شما نرمخوترین شما و آن که بهترین رفتار را با همسرش داشته می باشد.»

۳- خوشرویی در چهره مومن

قالت فاطمه علیها السلام: «أَلْبِشُرُّ فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ.» (تفسیر الامام العسکری علیه السلام / ص ۳۵۴).

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

«خوشرویی در چهره مؤمن، بهشت را بر صاحبش واجب می سازد.»

۴- معیار شیعه بودن

قالت فاطمه علیها السلام: «إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمْرُنَاكَ وَ تَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَ إِلَّا فَلَا.» (تفسیر الامام العسکری علیه السلام / ص ۳۰۸).

ص: ۱۷۸

حضرت فاطمه علیها السلام در پاسخ به سؤال شخصی فرمود:

«اگر به آنچه دستور داده ایم عمل می کنی، و از آنچه تو را بازداشته ایم خویشتن داری می کنی، از شیعیان ما هستی؛ و گرنه، خیر.»

۵- مَثَلِ اِمَامٍ مَثَلِ كَعْبَةٍ اَسْت

قالت فاطمه علیها السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَثَلُ الْاِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ اِذْ تَوْتِي وَ لَا تَأْتِي. (كفايه الاثر ص ۱۹۹)

حضرت فاطمه علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود:

«مَثَلِ اِمَامٍ، مَثَلِ كَعْبَةٍ اَسْت كِه مَرْدَمِ بَايْدِ نَزْدِ اَوْ رَوْنْدِ وَ بِهْ گَرْدِ اَوْ طَوَافِ كَنْنَنْدِ، نِهْ اَنْ كِهْ اَوْ نَزْدِ اَنْاَنْ رُوْدِ وَ بِهْ دُورِ مَرْدَمِ طَوَافِ كَنْدِ.»

۶- اَرْشِ مَوْمِنٍ

جاءَ رَجُلٌ اِلى فاطِمَةَ عَلِيهَا السَّلَامُ فَقَالَ: يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللهِ! هَلْ تَرَكَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ عِنْدَكَ شَيْئًا تَطْرِفِيْنِيهِ؟ فَقَالَتْ:

«يَا جَارِيَهُ! هَاتِ تِلْكَ الْخَرِيْرَةَ فَطَلَبْتَهَا فَلَمْ تَجِدْهَا فَقَالَتْ عَلِيهَا السَّلَامُ وَ يَلِكُكَ اَطْلِبِيْهَا فَاِنْهَا تَعْدِلُ عِنْدِي حَسِيْنَا وَ حَسِيْنَا فَطَلَبْتَهَا فَاِذَا هِيَ قَدْ قَمَمَتْهَا فِيْ قِمَامَتِهَا فَاِذَا فِيْهَا قَالَ مُحَمَّدُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ :

لَيْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بِوَأَيْقَهُ وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِيْ جَارَهُ وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُقْسَلْ خَيْرًا أَوْ يَسْكُتْ. إِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْخَيْرَ الْحَلِيمَ الْمُتَعَفِّفَ وَ يُبْغِضُ الْفَاحِشَ الضَّنِيْنَ الْبِدْءِ السَّئِلَ الْمُلْحِفَ إِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْاِيْمَانِ وَ الْاِيْمَانُ فِي الْجَنَّةِ وَ إِنَّ الْفُحْشَ مِنَ الْبِدْءِ وَ الْبِدْءُ فِي النَّارِ.»

شخصی به حضور حضرت فاطمه علیها السلام رسید و عرض کرد: ای دختر رسول خدا، آیا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یادگاری نزد شما دارد که به عنوان هدیه و تحفه به من عنایت فرماید؟ فاطمه زهرا علیها السلام به کنیزکی که در حضورش بود فرمود:

«آن پارچه ابریشمی را بیاور.» کنیزک به جستجوی آن پرداخت ولی آن را نیافت. فاطمه علیها السلام بسیار ناراحت شد و فرمود: «وای بر تو! سعی کن آن را پیدا کنی که آن از نظر من به منزله حسن و حسین می باشد.» کنیزک پس از جستجو آن را پیدا کرد؛ پارچه ای بود که در پوششی مخصوص قرار گرفته بود و در آن نوشته شده بود: «رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود:

از مؤمنان نیست کسی که همسایگان از آزار او درامان نباشند. و کسی که به خدا و روز رستاخیز ایمان داشته باشد، باید نیکو سخن گوید یا سکوت اختیار نماید. خداوند انسان نیکوکار بر دبارِ با عفت را دوست می دارد و بدزبان چاپلوس و اصرارکننده در سؤال [گدا] رادشمن می دارد. حیا، بخشی از ایمان است و صاحب ایمان در بهشت است، و فحش نوعی زشت گویی است و زشتگو در آتش است.»

۷- علی علیه السلام و شیعیانش

قالت فاطمة عليها السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله «أما إنك يا بن ابى طالب و شيعتك فى الجنة.» (دلائل الامامة / ص ۶۸).

حضرت فاطمه علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که آن حضرت فرمود:

«ای علی! همانا تو و شیعیانت در بهشت خواهید بود.»

۸- خلعت های کرامت

قالت فاطمة عليها السلام : سمعت ابى صلى الله عليه وآله يقول: «إِنَّ عُلَمَاءَ شِيعَتِنَا يُحْشَرُونَ فَيَخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خِلَعِ الْكِرَامَاتِ عَلَى كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَجِدِّهِمْ فِى إِرْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۷ / ص ۳۱۷ و ۳۱۸).

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: من از پدرم شنیدم که می فرمود:

«همانا دانشمندان شیعه ما در روز قیامت در حالی برانگیخته می شوند که به اندازه بار علم و دانش و کوششی که در راه هدایت بندگان خدا برداشته اند، بر قامتشان خلعت های کرامت و بزرگواری پوشانده می شود.»

۹- بدترین امت

عن فاطمة عليها السلام ، عن النبى صلى الله عليه وآله قال: «شَرَّ أُمَّتِي الَّذِينَ غَدَّوْا بِالنَّعِيمِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَلْوَانَ الطَّعَامِ، وَيَلْبَسُونَ أَلْوَانَ الثِّيَابِ وَيَتَشَدَّقُونَ فِي الْكَلَامِ.» (عوامل العلوم، ج ۱۱ / ص ۶۲۱).

حضرت فاطمه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کند که آن حضرت فرمود:

«بدترین [افراد] امتم کسانی هستند که از نعمت ها [ی الهی] بهره مندند، غذاهای رنگین می خورند، جامه های رنگارنگ برتن می کنند و بی پروا هر سخنی را

بر زبان می رانند.»

۱۰- انگشتری عقیق

قالت فاطمَه عليها السلام : قال رسول الله صلى الله عليه و آله «مَنْ تَخَتَّمَ بِالْعَقِيقِ لَمْ يَزَلْ يَرَى خَيْرًا». (امالی شیخ طوسی / ص ۳۱۱).

حضرت فاطمه عليها السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله روایت کند که آن حضرت فرمود:

«کسی که انگشتری عقیق در دست کند. همیشه خیر و نیکی می بیند.»

۱۱- نیکوترین ویژگی زنان

قالت فاطمَه عليها السلام : «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ». (وسائل، ج ۱۴ / ص ۱۷۲).

حضرت فاطمه عليها السلام فرمود:

«نیکوترین ویژگی زنان در آن است که نه آنان مردان را ببینند و نه مردان ایشان را.»

۱۲- نزدیک ترین حالت زن به پروردگار خود

قالت فاطمَه عليها السلام : «أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعَرَ بَيْتِهَا». (بحار الانوار، ج ۴۳ / ص ۹۲).

حضرت فاطمه عليها السلام فرمود:

«نزدیک ترین حالت زن به پروردگارش زمانی است که ملازم گوشه خانه اش [مشغول رسیدگی به کارهای زندگی و تربیت فرزندان] باشد.»

۱۳- شفاعت امت گنهکار

قالت فاطمَه عليها السلام : «إِذَا حُشِرْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَشْفَعُ عُصَاةَ أُمَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ». (العوالم، ج ۱۱ / ص ۴۸۷).

حضرت فاطمه عليها السلام فرمود: «آن گاه که در روز قیامت برانگیخته شوم از گنهکاران امت پیامبر صلى الله عليه و آله شفاعت خواهم کرد.»

۱۴- ثواب صلوات بر پیامبر صلى الله عليه و آله و آل او عليهم السلام

عن فاطمَه عليها السلام قالت: قال لي رسول الله صلى الله عليه و آله : «يا فاطمة! مَنْ صَلَّى عَلَيْكُمْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ أَلْحَقَهُ بِى حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ». (كشف الغمه، ج ۱ / ص ۴۷۲).

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: «ای فاطمه، هر که بر شما درود و صلوات فرستد، خداوند او را می آموزد و او را به من در هر جای بهشت که باشم ملحق می کند.»

۱۵- خشم همسر، رضایت همسر

قالت فاطمة علیها السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «وَيَلُّ لِمَرْأَةٍ أَغْضَبَتْ زَوْجَهَا، وَ طُوبَى لِمَرْأَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجُهَا.» (وسائل الشیعه، ج ۲۰ / ص ۲۱۳).

حضرت فاطمه علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که آن حضرت فرمود:

«وای بر زنی که همسرش را به خشم آورد و خوشبخت آن زنی که همسرش از او راضی باشد.»

۱۶- بهره روزه دار

عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنَّهَا قَالَتْ: «مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ.» (دعائم الاسلام، ج ۱ / ۱۶۸).

فاطمه، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله ، فرمود: «روزه دار با روزه خود می خواهد چه کند؛ اگر زبان و گوش و چشم و اعضایش را از [گناه] باز ندارد؟»

۱۷- رضایت فاطمه علیها السلام از خدا و رسول او صلی الله علیه و آله

چون علی علیه السلام به خواستگاری فاطمه علیها السلام آمد رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه فرمود: «دخترم! پسرعمویت علی علیه السلام از تو خواستگاری نموده است، پاسخ تو چیست؟»

فاطمه علیها السلام به پدر احترام نمود و فرمود: «نظر شما چیست؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَذِنَ اللَّهُ فِيهِ مِنَ السَّمَاءِ؛» خدا از آسمان اجازت داده است. فاطمه علیها السلام ، در حالی که تبسمی بر لب داشت، فرمود: «رضیت بما رضی الله لی و رسوله.»

و فی روایه قالت: «رضیت بالله رباً و بک یا ابتاه نبیاً و باین عمی بعلاً و ولیاً.» (الروضه، ص ۱۲۷؛ البحار، ج ۴۳/۱۴۹).

یعنی: «به آنچه خدا و رسول او برای من رضایت داده اند خشنودم.» و در روایتی آمده است که فرمود: «خشنودم که خدای پروردگار من است و تو، ای پدر، پیامبر من و پسرعمویم علی علیه السلام شوهر و امام من هستید.»

و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله فضایل و خصلت های علی علیه السلام را برای فاطمه علیها السلام بر

شمرد، فاطمه گفت: «یا رسول الله! انت اولی بماتری» (البحار، ج ۴۳/۹۹).

یعنی: ای رسول خدا! شما برای اظهار نظر و خیرخواهی برای من از خود من سزاوارترید.» و چون صبح عروسی رسول خدا صلی الله علیه و آله به دیدن دختر خود آمد و فرمود: «ای فاطمه! شوهرت را چگونه یافتی؟» فاطمه علیها السلام پاسخ داد: «یا ابا! خیر زوج» (البحار، ج ۴۳/۱۳۳).

یعنی: «او را بهترین شوهر دیدم.»

۱۸- حالات معنوی فاطمه علیها السلام در شب ازدواج

علی علیه السلام چون در شب ازدواج فاطمه را نگران و گریان دید، پرسید: برای چه نگران و ناراحت هستی؟» فاطمه علیها السلام فرمود:

«تَفَكَّرْتُ فِي حَالِي وَ أَمْرِي عِنْدَ ذِهَابِ عُمُرِي وَ نُزُولِي فِي قَبْرِي فَشَبَّهْتُ دَخُولِي فِي فِرَاشِي بِمَنْزِلِي كَدُخُولِي إِلَى لِحْدِي وَ قَبْرِي فَأَنْشِدُكَ اللَّهُ أَنْ قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَنَعْبُدُ اللَّهَ تَعَالَى هَذِهِ اللَّيْلَةَ» [الارشاد، ج ۱/۲۷۰].

یعنی: «من پیرامون حال و رفتار خویش فکر کردم و به یاد پایان عمر خویش و عالم قبر افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از این جا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. بنابراین تو را به خدا سوگند می دهم که امشب با هم به نماز بایستیم و خدا را عبادت کنیم.»

۱۹- صبر و ایثار فاطمه در خانه علی علیها السلام

روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به فاطمه علیها السلام فرمود: «فاطمه جان! آیا غذایی داری که گرسنگی من را برطرف کند؟» فاطمه علیها السلام فرمود: «سوگند به خدایی که پدرم را به نبوت و تو را به امامت برگزید، دو روز است در منزل غذای کافی نداریم. آن چه بود به شما و حسن و حسین علیهما السلام دادم و خود استفاده نکردم.» امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «چرا به من اطلاع ندادی تا غذایی برای شما تهیه کنم؟»

فاطمه علیها السلام فرمود: «یا اباالحسن! إِنِّي لِأَسْتَيْحِي مِنْ إلهي أَنْ أَكْلَفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ» (فضائل الخمسة، ج ۲/۱۴۷؛ البحار، ج ۳۷/۱۰۳).

یعنی: من از خدای خود حیا می کنم که تو را بر آن چه قدرت بر آن نداری

۲۰- عفت و حجاب فاطمه علیها السلام

اسماء بنت عمیس می گوید: روزهای آخر عمر فاطمه علیها السلام نزد ایشان بودم. فاطمه علیها السلام از [نحوه] حمل جنازه زن ها اظهار نگرانی نمود و فرمود: «چرا جنازه زن را روی تخته ای می گذارند و بالای دست مردان و زنان حمل می کنند؟»

سپس فرمود: «أَنِّي قَدْ اسْتَقْبَحْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ إِنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْأَةِ الثَّوْبُ فَيَصِفُ فِيهَا لِمَنْ رَأَى فَلَا تَحْمِلِينِي عَلَى سِرِيرٍ ظَاهِرٍ، أُسْتَرِّينِي سَتْرَكِ اللَّهِ مِنَ النَّارِ». [البحار، ج ۲/ ۶۷].

یعنی: «من بسیار زشت می دانم که جنازه زنان را پس از مرگ بر روی تخته ای که اطراف آن باز است می گذارند و پارچه ای روی آن می افکنند که حجم بدن او را نشان می دهد. ای اسماء! مرا بر روی چنین تخته ای نگذارید بلکه [کاری کنید که] بدن من پوشیده شود. خدا تو را از آتش دوزخ بیوشاند و حفظ کند.»

۲۱- سخن فاطمه علیها السلام در مورد آداب غذا خوردن

فاطمه علیها السلام در باره آداب غذا خوردن و نظافت و بهداشت فرمود:

«فی المائدة اثنتا عشرة خصله يجب على كل مسلم ان يعرفها؛ اربع فيها فرض، و اربع فيها سنه، و اربع فيها تأديب.

فأما الفرض: فالمعرفة، و الرضا، و التسميه، و الشكر. فأما السنه: فالوضوء قبل الطعام، و الجلوس على الجانب الأيسر، و الأكل بثلاث اصابع. فأما التأديب: فالأكل بما يليك، و تصغير اللقمه، و المضغ الشديد، و قلّه النظر في وجوه الناس [كنز العمال، ج ۱۲/۳۳۹].

یعنی: «آداب و دستورات غذا خوردن دوازده چیز است که واجب است هر مسلمانی آنها را بداند؛ چهار چیز آن واجب، و چهار چیز آن مستحب و چهار چیز آن نشانه ادب (و بزرگواری) است.

اما چهار دستور واجب: ۱- شناخت خدا که ولی نعمت و صاحب آن است؛ ۲- راضی بودن به نعمت های خدا؛ ۳- گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» هنگام شروع غذا؛ ۴- ادای شکر خداوند و گفتن «الحمد لله رب العالمين».

و اما چهار دستور مستحب: ۱- وضو گرفتن قبل از غذا؛ ۲- نشستن به جانب چپ؛ ۳- نشسته غذا خوردن؛ ۴- با سه انگشت غذا خوردن.

و اما آن چهار دستوری که نشانه ادب و بزرگواری است: ۱- از غذای پیش روی برداشتن؛ ۲- لقمه ها را کوچک گرفتن؛ ۳- غذا را کامل جویدن؛ ۴- کمتر به صورت دیگران نگاه کردن.»

۲۲- دعای فاطمه علیهاالسلام برای گناهکاران امت

اسماء بنت عمیس، همسر جعفر طیار، می گوید: در لحظه های پایانی عمر حضرت زهرا علیهاالسلام در کنار او بودم. آن بزرگوار ابتدا غسل کرد و لباس های تازه خود را پوشید و سپس مشغول دعا و راز و نیاز با خدای خود شد و دیدم که دست به دعا بلند کرده و رو به قبله نشسته و چنین می گوید:

«الهی و سیدی، اسألک بالذین اصطفیتهم و ببکاء و لدی فی مفارقتی، ان تغفر لعصاه شیعتی و شیعه ذریتی» [ذخائر العقبی، ص ۵۳].

یعنی: «خدایا، به حق پیامبران و اوصیای آنان که برگزیدگان تو، و به گریه های دو فرزند من حسن و حسین از فراق من، از تو می خواهم که از گناهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان من بگذری و آنان را عفو فرمایی.»

۲۳- دعای فاطمه علیهاالسلام وقت غروب روز جمعه

شیخ صدوق در کتاب معانی الاخبار نقل نموده که زهرا اطهر علیهاالسلام فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: «ان فی الجمعه لساعه لا یوافقها رجل مسلم یسأل الله عزوجل فیها خیرا الا اعطاه اياه.» فقلت: یا رسول الله! ای ساعه هی؟ قال صلی الله علیه و آله: «اذا تولی نصف عین الشمس للغروب» (معانی الاخبار، ص ۲۹۹).

یعنی: در روز جمعه ساعتی است که هر خواسته خیر و نیکی در آن ساعت به اجابت می رسد. پرسیدم: یا رسول الله! آن کدام ساعت است؟ فرمود: هنگامی که نصف قرص خورشید پنهان شده باشد.»

راوی حدیث می گوید: از آن پس حضرت زهرا علیهاالسلام کسی را می گماشت که غروب خورشید را به او اطلاع دهد و در آن ساعت مشغول دعا و خیرخواهی برای مسلمانان می شد.

۲۴- فاطمه علیها السلام از خدا درخواست غذای بهشتی نمود

علامه مجلسی در کتاب بحار، از امام صادق، از جد خود صلی الله علیه و آله نقل نموده که در یکی از روزهای سخت زندگی، چون گرسنگی بر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله فشار آورد، حضرت فاطمه علیها السلام وضو گرفت و پس از خواندن دو رکعت نماز دست به دعا بلند نمود و گفت:

«یا الهی و سیدی، هذا محمّد نبیک و هذا علیّ ابن عمّ نبیک. الهی أنزل علینا مائدهً من السماء کما انزلتها علی بنی اسرائیل أکلوا منها و کفروا بها، اللهم انزلها علینا فأنا بها مؤمنون» (البحار، ج ۳۵/۲۵۱).

یعنی: «خدایا، این محمد صلی الله علیه و آله پیامبر توست و این علی علیه السلام پسر عمّ اوست. خدایا، مائده ای از آسمان برای ما فرو فرست؛ چنان که بر بنی اسرائیل فرستادی و از آن خوردند و ناسپاسی کردند و به آن کافر شدند. خدایا، آن مائده را برای ما فرو فرست که ما به آن ایمان خواهیم داشت.»

ناگهان ظرفی از غذای بهشتی نازل شد که بوی عطر آن منزل علی علیه السلام را معطر ساخت. پس امیرالمؤمنین از فاطمه علیها السلام پرسید: «آئی لک هذا؟»، این غذای عطر آگین از کجاست؟ فاطمه علیها السلام فرمود: «هو من عند الله»؛ یعنی این غذا از ناحیه خداوند است.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حمد و ستایش خداوندی را که دختری مانند مریم به من عطا نمود که هرگاه زکریای پیغمبر در محراب عبادت او حاضر می شد نزد او مائده ای می یافت و می فرمود: این مائده از کجاست؟ و مریم پاسخ می داد: از جانب پروردگار است.»

۲۵- خیر خواهی فاطمه علیها السلام و درسی که به زن ها داده است

در کتاب «اخبار الدول» و «جنت العاصمه» احمد بن یوسف دمشقی نقل شده که چون فاطمه علیها السلام آگاه شد که مهریه او مقداری درهم و دینار است، به پدر خود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«یا رسول الله! انّ بنات الناس تتزوجن بالدرهم فما الفرق بینی و بینهنّ؟ أسألک ان تردّها و تدعوا لله ان يجعل مهری الشفاعة فی عصاه أمّتک.»

یعنی: «ای رسول خدا! همانا دختران مردم مهریه خود را درهم و پول قرار می دهند، پس فرق من با آنان چیست؟ از شما می خواهم که درهم و دینار را مهریه من قرار ندهی، بلکه از خدا بخواهی تا مهریه من راشفاعت از گنهکاران امت تو قرار دهد.»

۲۶- صحنه دلخراش و خیرخواهی فاطمه علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله

در روزهای واپسین زندگانی، رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسجد آمد و بر منبر رفت و فرمود: «هر کس را حقی بر من باشد [و یا آسیبی از من به او رسیده باشد] من آماده هستم که قبل از قیامت از من قصاص کند و حق خود را بگیرد!»

بلال نیز این سخن را از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه منتشر نمود. پس مردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا! شما در جنگ بدر که صف سربازان را تنظیم می نمودید با شلاق خود بر شکم لخت من [ضربه ای] زدید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بیا قصاص کن!» آن مرد گفت: باید همان شلاق را بیاورید. پیامبر صلی الله علیه و آله به بلال فرمود که آن شلاق را از خانه فاطمه علیها السلام بگیرد و بیاورد. چون بلال به خانه فاطمه رفت، فاطمه علیها السلام از او پرسید: «یا بلال! ما یصنع والدی بالقضیب ولیس هذا یوم القضیب؟» و لما اخبرها بلال بما وقع، قالت: «و اغمّاه لغمّک یا ابتاه من للفقراء و المساکین و ابن السبیل؛ یا حبیب الله و حبیب القلوب! یا بلال! فقل للحسن و الحسنین یقومان الی هذا الرجل فیقتصّ منهما و لا یدعانه یقتصّ من رسول الله صلی الله علیه و آله.» (امالی الصدوق، ص ۳۷۶ و ۵۰۵، مجلس ۷۲).

یعنی: «ای بلال! پدرم با شلاق [روزهای جنگ] چه کار دارد، امروز که روز شلاق نیست؟» چون بلال ماجرای آن مرد را با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان نمود، فاطمه علیها السلام ناله ای زد و گفت: «وای از این اندوه برای تو، ای پدر! غیر از تو چه کسی سرپرست فقرا و تهیدستان و درماندگان خواهد بود؟ ای محبوب خدا و محبوب دل های مردم!» سپس گفت: «ای بلال! فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام را نزد آن مرد ببر تا از آنان قصاص کند و از رسول خدا صلی الله علیه و آله دست بازدارد.»

البته مقصود آن مرد قصاص نبود. او چون قضیب را گرفت به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: بدن من در آن هنگام برهنه بود، باید بدن شما نیز برهنه باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله

بدن خود را برهنه نمود و او به جای قصاص بر بدن آن حضرت بوسه زد.»

۲۷- ناله های فاطمه علیها السلام در لحظه های غمبار رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله

علامه مجلسی در کتاب بحار می گوید: لحظه های آخر عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله ، فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام در اطراف بستر آن حضرت حلقه زده بودند و با چشمانی اشکبار نظاره گر غروب خورشید رسالت بودند. آن بزرگوار خواست سخنی بفرماید، اما نتوانست، و درحالی که می گریست بی رمق در بستر افتاد. فاطمه علیها السلام با مشاهده این وضع فریاد کرد و فرمود: «یا رسول الله! قد قطعت قلبی و احرقت کبدی لبکائک. یا سیدالنبیین من الأولین و آخرین! یا امین ربّه و رسوله! یا حبیبه و نبیّه! من لولدی بعدک؟ و لذلّ ینزل بی بعدک؟ من لعلیّ اخیک و ناصر الدین؟ من لوحی الله و امره؟» (البحار، ج ۲۲/۴۸۴).

یعنی: «ای رسول خدا! با گریه خود قلب مرا از جا کندی و جگرم را سوزاندی. ای بزرگ پیامبران، از حضرت آدم تا آخرین آنان! ای امین پروردگار! ای فرستاده و محبوب خدا! بعد از تو پناه فرزندان من که خواهد بود؟ ای رسول خدا! بعد از تو چه کسی در مصیبت و حوادثی که بر من وارد می شود به فریاد خواهد رسید؟ و پس از تو چه کسی در حوادثی که بر علی - برادر تو و یاور دین خدا - واقع می شود از او حمایت خواهد نمود؟ و پس از تو حامی وحی خدا و امر او که خواهد بود؟»

آن گاه خود را به آغوش پدر افکند و پدر را بوسید و با اشک فراوان خود گونه های پدر را شست. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله دست فاطمه را در دست علی علیهما السلام گذارد و فرمود: «علی جان! فاطمه امانت الهی و امانت من در دست توست. از او محافظت کن!»

۲۸- مبارزات فاطمه علیها السلام و دفاع از علی علیه السلام

پس از ماجرای سقیفه و سرپیچی عده ای از بنی هاشم و مهاجرین و انصار از بیعت با ابوبکر، عمر به ابوبکر گفت: چاره ای نیست جز این که علی و حامیان او را وادار به بیعت کنیم و گرنه خلافت برای تو سامان نخواهد گرفت. از این رو، عمر همراه عده ای به درخانه فاطمه آمدند و تهدید کردند که اگر علی برای بیعت با

ابوبکر به مسجد نیاید خانه او را آتش خواهیم زد. در این هنگام حضرت فاطمه علیها السلام در دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها فرمود:

«إيها الضالون المكذبون! ما ذاتقولون؟ وای شیء تریدون؟ یا عمر! اما تتقی الله؟ تدخل علی بیتی؟ أبحزبک الشیطان تخوفنی؟ و كان حزب الشیطان ضعيفا. و يحك ما هذه الجرأه علی الله و علی رسوله؟! ترید ان تقطع نسله من الدنیا و تفتیه و تطفیء نور الله؟! «و الله متم نوره».

... اما و الله، یابن الخطاب! لولا انی اکره ان یصیب البلاء من لا ذنب له لعلمت انی سأقسم علی الله ثم اجده سریع الاجابه [فلما احرقوا دارها و رکزها عمر قالت] یا ابتاه! یا رسول الله! هکذا کان یفعل بحبیبتک و ابنتک؟! آه! یا فضة! الیک فخذینی، فقد والله قتل مافی أحشائی من حملٍ [البحار، ج ۵۳/۱۸ و ج ۸/۲۲۹].

یعنی: «ای گمراهان دروغگو! چه می خواهید و چه می گوئید؟ ای عمر! آیا از خدا پروا نداری؟

این گونه می خواهی وارد خانه من شوی؟ آیا با حزب خود که حزب شیطان است مرا می ترسانی؟ البته حزب شیطان ناتوان است!

وای بر تو، ای عمر! چقدر نسبت به خدا و رسول او صلی الله علیه و آله جرأت و جسارت پیدا کرده ای؟ آیا می خواهی نسل رسول خدا را نابود کنی و نور او را خاموش گردانی؟ آگاه باش که خداوند نور خود را روشن و کامل خواهد نمود. [و چون عمر گفت: چرا علی خود نیامده و تو را فرستاده است؟ فاطمه علیها السلام فرمود: من از حضور در میان نامحرمین پرهیز داشتم، ولی هجوم و طغیان تو مرا از خانه بیرون آورد تا حجت را بر تو و بر دیگر گمراهان تمام کنم.

سپس فرمود: به خدا سوگند، اگر کراهت نمی داشتم که بی گناهان دچار بلا و عذاب شوند بر شما نفرین می کردم و تو می دانستی که نفرین و سوگند من به سرعت به اجابت می رسید و عذاب خدا بر شما نازل می شد.»

و پس از کوبیده شدن فاطمه بین در و دیوار به وسیله عمر و شهید شدن محسن او فاطمه علیها السلام صدا زد: «یا رسول الله! بنگر که با دخترت فاطمه، حبیبه تو، چه می کنند؟ و چون بیچاره شد، صدا زد: «ای فضا! بیا به فریاد من برس که به خدا

سوگند، فرزندم محسن را کشتند.»

۲۹- آه و ناله فاطمه علیهاالسلام از فراق پدر

علامه مجلسی در کتاب بحار، از ورقه بن عبدالله ازدی، از فضه - خادمه حضرت فاطمه علیهاالسلام - نقل نموده که او ضمن بیان ماجرای بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و مصایب فاطمه علیهاالسلام گوید:

فاطمه علیهاالسلام پس از دفن پیامبر صلی الله علیه و آله با بی تابی از منزل خارج شد، در حالی که از گریه و درد، حال راه رفتن نداشت تا این که خود را به قبر پدر رساند، و چون جایگاه اذان و محراب را مشاهده نمود فریاد برآورد و بیهوش شد و روی زمین افتاد.

زنان مدینه که وضع را چنین دیدند، به سوی او آمدند و بر سر و صورت آن مظلومه آب پاشیدند تا به هوش آمد. سپس در حالی که به قبر پدر خیره شده بود، فرمود:

«رفعت قوتی و خاننی جلدی و شمت بی عدوی و الکمذ قاتلی. یا ابتاه! بقیت و الهه وحیده، و حیرانه فریده، فقد انخمد صوتی و انقطع ظهری، و تنغص عیشی، و تکدر دهری، فما اجد یا ابتاه بعدک أنیساً لو حشتی و لا راداً لدمعتی و لا معیناً لضعفی!

فقدنی بعدک محکم التزیل، و مهبط جبرئیل، و محلّ میکائیل، انقلب بعدک یا ابتاه الأسباب، و أغلقت دونی الأبواب، فانا للدنیا بعدک قالیه، و علیک ما ترددت انفاسی باکیه، لاینفد شوقی الیک، و لا حزنی علیک...» (البحار ج ۴۳/۱۷۵)

یعنی: «پدر جان! قوتم رفت و صبرم تمام شد و دشمن به من سرزنش می کند و اندوه و غصه فراق تو مرا می کشد.

ای پدر من! یکه و تنها مانده ام و در کار خویش حیران و سرگردانم. صدایم خفته و پشتم شکسته و زندگیم درهم ریخته و روزگارم تیره شده است.

ای پدر! پس از تو برای وحشتم انیسی نمی یابم، و گریه ام تمام نمی شود، و یآوری برای جبران ناتوانی خود پیدا نمی کنم.

آری، ای پدر! بعد از تو نزول قرآن و محل هبوط جبرئیل و مکان میکائیل از بین رفت. ای پدر! بعد از تو روابط مردم با ما دگرگون شد و درها به روی ما بسته

گردید.

ای پدر! من بعد از تو از ماندن در دنیا نفرت دارم و تا نفس دارم برای فراق تو گریه می کنم.

ای پدر! شوق من به لقای تو واندوه من بعد از تو پایانی ندارد.»

۳۰- نگاه فاطمه علیهاالسلام به حسن و حسین و یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله

علامه مجلسی در بحار، از مناقب نقل نموده که فاطمه علیهاالسلام همواره بعد از پدر خویش دستمال عزا بر سر داشت و بدن او رنجور و نحیف و کمر او خمیده و چشم او گریان و قلب و دل او سوخته بود. ساعتی از هوش می رفت و ساعتی به هوش می آمد و نگاهی به حسن و حسین می نمود و می فرمود: «این ابو کما الذی کان یکرّمکما و یحملکما مرّة بعد مرّة؟ این ابو کما الذی کان اشدّ الناس شفقه علیکما؟ فلا یدعکما تمشیان علی الأرض، و لا اراه یفتح هذا الباب ابدًا و لا یحملکما علی عاتقه کما لم یزل یفعل بکما؟» (البحار، ج ۴۳/۱۸۱).

یعنی: «کجاست پدر مهربان شما؟ کجاست رسول خدا صلی الله علیه و آله که شما را عزیز و گرامی می داشت و همیشه شما را بر دوش می گرفت و نمی گذاشت که روی زمین راه روید؟ کجاست آن که از همه مردم به شما مهربان تر بود؟ او دیگر هرگز در این خانه را باز نخواهد نمود و به این خانه نخواهد آمد و شما را به دوش نخواهد گرفت.»

۳۱- درخواست فاطمه علیهاالسلام از بلال برای اذان گفتن

پس از رحلت رسول گرامی صلی الله علیه و آله فاطمه علیهاالسلام به یاد پدر و دوران با شکوه و پر عظمت اسلام افتاد و فرمود: «انّی اشتهی ان اسمع صوت مؤذن ابی صلی الله علیه و آله بالأذان.»

یعنی: «من بسیار دوست دارم که صدای اذان بلال، مؤذن پدر خود رسول خدا صلی الله علیه و آله را بشنوم.»

چون این خبر به گوش بلال رسید با این که عهد کرده بود بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله [و خلافت ابوبکر] هرگز اذان نگوید و تا آنوقت نیز اذان نگفته بود، آماده شد و بالای مأذنه رفت و مردم یک بار دیگر صدای دلنشین اذان بلال را شنیدند. از این رو، شهر مدینه در شادی و سرور فرو رفت. همین که بلال گفت: «اشهد أنّ محمّدا

رسول الله صلى الله عليه وآله»، ناگاه به بلال خبر دادند اذان خود را رها کن که فاطمه علیها السلام بیهوش شده و روی زمین افتاده است! بلال اذان را ناتمام گذارد و از مأذنه پایین آمد.

۳۲- مبارزه منفی فاطمه علیها السلام و سخن گفتن او با غاصبین خلافت

پس از ماجرای زشت و ناگوار هجوم به خانه فاطمه و آتش زدن خانه وحی و توهین به برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و اجبار او به بیعت با ابوبکر و غصب فدک از فاطمه و جعل حدیث و افتراء به رسول خدا صلی الله علیه و آله و تحت فشار قرار دادن بنی هاشم و... ابوبکر و عمر خواستند گذشته های ننگین خود را با عیادت از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله اصلاح کنند و افکار عمومی را نسبت به حوادث گذشته و آزار به فاطمه علیها السلام و خاندان نبوت به نحوی اصلاح کنند و فاطمه علیها السلام را از خود راضی نمایند. از این رو، اجازه ملاقات خواستند ولی فاطمه علیها السلام به آنان اجازه نداد. سپس نزد امیرالمؤمنین علیه السلام رفتند و از او خواستند که اجازه دهد، آنان به عیادت فاطمه بروند. امیرالمؤمنین علیه السلام که با توجه به شرایط موجود چاره ای جز اجابت خواسته آنان را نداشت به آنان رخصت داد و لکن فاطمه علیها السلام توطئه آنان را نقش بر آب نمود و چنانکه علامه امینی نقل نموده به آنها فرمود:

«وَاللَّهِ لَا أَكَلِّمُكُمْ مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً حَتَّى الْقِي رَبِّي فَاشْكُونَكُمْ أَلَيْهِ بِمَا صَنَعْتُمْ بِهِ وَبِي وَارْتَكِبْتُمْ مَنِي» (الغدیر، ج ۷/۲۲۹؛ البحار، ج ۴۳/۲۰۳).

یعنی: «به خدا سوگند، با شما دو نفر یک کلمه هم سخن نخواهم گفت تا هنگامی که پروردگار خویش را ملاقات نمایم و از شما به خدای خود شکایت کنم که شما با دین خدا [و ولی خدا] و من چه کردید و چه اعمالی را مرتکب شدید!»

و در خصوص ابوبکر فرمود: «وَاللَّهِ لَا أَكَلِّمُكُمْ أَبَدًا وَاللَّهُ لِأَدْعُونَ اللَّهَ عَلَيْكُمْ فِي كُلِّ صَلَاةٍ» یعنی: به خدا سوگند، از این پس هرگز با تو سخن نخواهم گفت و سوگند به خدا که در هر نمازی تو را نفرین خواهم نمود!»

۳۳- آخرین وصایای فاطمه علیها السلام

فاطمه علیها السلام در لحظه های واپسین زندگی خود به امیرالمؤمنین علی علیه السلام وصیت کرد:

«يا ابالحسن لم يبق لي الا رمق من الحياه و حان زمان الرحيل و الوداع، فاستمع

کلامی فأنک لا تسمع بعد ذلك صوت فاطمه ابدأ. أوصیک، یا اباالحسن! ان لا تنسانی و تزورنی بعد مماتی.»

یعنی: «ای اباالحسن! بیشتر از لحظه ای از زندگانی ام نمانده است و زمان کوچ و خداحافظی فرا رسیده است. سخنان مرا بشنو، زیرا پس از این هرگز صدای فاطمه را نخواهی شنید.»

تو را ای اباالحسن! وصیت می کنم که مرا فراموش نکنی و پس از وفاتم، همواره مرا زیارت نمایی.» (کوکب الدرری، ج ۱، ص ۲۵۳).

۳۴- وصیت به مخفی بودن مراسم تدفین و قبر فاطمه علیهاالسلام

حضرت زهرا علیهاالسلام در تداوم مبارزات منفی علیه کودتاگران سقیفه، به امام علی علیه السلام وصیت کرد:

«أنتی أوصیک ان لا یلی غسلی و کفنی سواک و اذا انامت فادفنی لیلاً و لا تؤذنین بی احدا و لا تؤذنین بی ابابکر و عمر، و بحق محمد رسول الله صلی الله علیه و آله ان لا یصلی علی ابوبکر و لا عمر.» (البحار ج ۴۳/۱۵۹).

یعنی: «همانا من تو را وصیت می کنم که غسل و کفن مرا کسی جز تو انجام ندهد و وقتی وفات کردم، مرا شب دفن کن و هیچ کس را خبر نکن و ابوبکر و عمر را نیز مطلع نساز، تو را به حق رسول خدا صلی الله علیه و آله سوگند می دهم که ابوبکر و عمر بر جنازه من نماز نخوانند.»

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت زهرا علیهاالسلام در لحظه های آخر زندگی خطاب به علی علیه السلام فرمود: «اذا توفیت لا تعلم احدا الا ام سلمه و ام ایمن و فضه و من الرجال ابنتی و العباس و سلمان و عمّار و المقداد و اباذر و حذیفه، و لا تدفنی الا لیلاً و لا تعلم قبری احدا.» (مستدرک الوسائل ج ۲/۱۸۶)

یعنی: «وقتی وفات کردم هیچ کس جز ام سلمه و ام ایمن و فضه را از زنان، و دو فرزندم حسن و حسین علیهماالسلام و عباس و سلمان و عمّار و مقداد و اباذر و حذیفه از مردان را خبر نکن.»

مرا جز در شب دفن نکن و قبر مرا به هیچ کس اطلاع نده [تا مخفی بماند].»

حضرت زهرا علیهاالسلام به اسماء بنت عمیس فرمود: «یا اسماء! اذا انامت فاعسلینی

انت و علی بن ابی طالب علیه السلام ولا تدخلینی علی احدا.»

یعنی: «ای اسماء! هنگامی که من از دنیا رفتم تو و علی علیه السلام مرا غسل دهید و هیچ کس را بر سر جنازه من راه ندهید.»

۳۵ کیفر و عذاب زنان گناه کار

(۱) در کتاب عیون، از حضرت رضا، از پدران، از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است که فرمود: «من و فاطمه علیها السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدیم، من دیدم آن حضرت سخت گریان است، گفتم: یا رسول الله، پدر و مادرم فدای شما! چه چیز شما را گریان نموده است؟»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! شبی که مرا به معراج بردند زن هایی از امت خود را در عذاب سختی دیدم که برای من گران آمد، گریه من از آن عذاب سختی است که بر آنها دیدم، زنی را دیدم که به موهای خود آویخته بود و دماغ و مغز سر او از آتش می جوشید، زن [دیگری] را دیدم که در آتش به زبان خود آویخته بود و آب جوشان بر حلق او فرو می ریخت؛ زن [دیگری] را دیدم که در آتش به پستان های خود آویخته بود؛ زن [دیگری] را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد و آتش از زیر او زبانه می کشید؛ زن [دیگری] را دیدم که پاهای او را به دستهایش بسته بودند و مارها و عقربها بر او مسلط بودند؛

(۲) زن [دیگری] را دیدم که کر و کور و گنگ بود و در تابوتی از آتش قرار داشت

ص: ۱۹۴

۱- (۱) العیون ج ۲/۱۰: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادِ الْأَدْمِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرِّضَا، عَنْ أَبِيهِ الرِّضَا، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَفَاطِمَةُ عَلِيٍّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَوَجَدْتَهُ يَبْكِي بَكَاءَ شَدِيدٍ، فَقُلْتُ: فِدَاكَ أَبِي وَامِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الَّذِي ابْكَاكَ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ لَيْلَةَ اسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أُمَّتِي فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَانْكَرْتُ شَأْنَهُنَّ؛ فَبَكَيْتُ لِمَا رَأَيْتُ مِنْ شِدَّةِ عَذَابِهِنَّ، وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مَعْلَقَةً بِشَعْرِهَا يَغْلِي دِمَاحَ رَأْسِهَا، وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مَعْلَقَةً بِلِسَانِهَا وَالْحَمِيمِ يَصُبُّ فِي حَلْقِهَا وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مَعْلَقَةً بِشَدِيدِيهَا، وَرَأَيْتُ امْرَأَةً تَأْكُلُ لَحْمَ جَسَدِهَا وَالنَّارُ تَوْقِدُ مِنْ تَحْتِهَا، وَرَأَيْتُ امْرَأَةً قَدْ شَدَّ رِجْلَاهَا إِلَى يَدَيْهَا وَ قَدْ سَلَّطَ عَلَيْهَا الْحَيَاتُ وَالْعَقَارِبُ، وَرَأَيْتُ امْرَأَةً صَمَاءَ عَمِيَاءَ خُرَسَاءَ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ يَخْرُجُ دِمَاحُ رَأْسِهَا مِنْ مَنْخَرِهَا وَبَدْنُهَا مَنْقُوعٌ مِنَ الْجَذَامِ وَالْبَرَصِ، وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مَعْلَقَةً بِرِجْلِهَا فِي تَنْوُرٍ مِنْ نَارٍ، وَرَأَيْتُ امْرَأَةً تَقَطِّعُ لَحْمَ جَسَدِهَا مِنْ مَقْدَمِهَا وَمُؤَخَّرِهَا بِمَقَارِيضٍ مِنْ نَارٍ، وَرَأَيْتُ امْرَأَةً يَحْرُقُ وَجْهَهَا وَيَدَاهَا وَهِيَ تَأْكُلُ أَمْعَائِهَا، وَرَأَيْتُ امْرَأَةً رَأْسُهَا رَأْسُ الْخَزِيرِ وَبَدْنُهَا بَدْنُ الْحِمَارِ وَعَلَيْهَا الْفُفُوفُ مِنَ الْعَذَابِ؛ وَرَأَيْتُ امْرَأَةً عَلَى صُورَةِ الْكَلْبِ وَالنَّارُ تَدْخُلُ فِي دُبُرِهَا وَتَخْرُجُ مِنْ فِيهَا وَالْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ رَأْسَهَا وَبَدْنَهَا بِمَقَامِعٍ (المقمعه كمنكسه: العمود من الحديد «گرز آهنین»).

۲- (۲) من نار فقالت فاطمه عليها السلام: حبيبي وقره عيني اخبرني ما كن عملهنّ و سيرتهنّ حتى وضع الله عليهنّ هذا

العذاب؟! فقال صلى الله عليه و آله :

و مغز سر او از بینی اش خارج می شد و بدن او از جزام و برص پاره پاره شده بود؛ زن [دیگری] را دیدم که به پاهای خود در تنوری از آتش آویخته بود؛ زن [دیگری] را دیدم که با مقراض آتشین گوشت بدن خود را از جلو و عقب می برید؛ زن دیگری را دیدم که صورت و دست های او به آتش می سوخت و مشغول خوردن روده های خود بود؛ زن [دیگری] را دیدم که سر او سر خوک و بدن او بدن الاغ بود و هزار هزار نوع از آتش بر او مسلط بود؛ زنی را دیدم که به صورت سگ بود و آتش از عقب او داخل و از دهان او خارج می گردید و ملائکه آتش با گرزهای آتشین بر سر و بدن او می کوبیدند.

(۱) پس فاطمه علیها السلام به پدر خود فرمود: ای حبیب من و نور چشم من! به من بگوئید عمل و روش آنان چه بوده که خداوند چنین عذابی بر آنان قرار داده است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دختر عزیزم! آن که با موی سر خود در آتش آویزان بود زنی بود که موی سر خود را از مردان نمی پوشید، آن که به زبان خود در آتش آویخته بود زنی بود که با زبان خود شوهر خویش را آزار می داد؛ آن که با پستان های خود در آتش آویخته بود زنی بود که از بستر شوهر خود دوری می جست؛

ص: ۱۹۵

۱- (۱) یابیتی اما المعلقه بشعرها فانها کانت لاتغطی شعرها من الرجال، و اما المعلقه بلسانها فانها کانت تؤذی زوجها و اما المعلقه بشدیهها فانها کانت تمتنع من فراش زوجها، و اما المعلقه برجلیهها فانها کانت تخرج من بیتها بغير اذن زوجها، و اما التي کانت تأکل لحم جسدها فانها کانت تزین بدنہا للناس و اما التي شدت (هكذا في اکثر النسخ، ولكن في النسخه المطبوعه الجديده: «شدت»). يداها الى رجليها وسلط عليها الحيات و العقارب فانها کانت قدره الوضوء قدره الثياب و کانت لاتغتسل من الجنابه و الحيض و لاتتنظف و کانت تستهين بالصلوه،

آن که با پاهای خود در آتش آویخته شده بود زنی بود که بدون اجازه شوهر خود از خانه خارج می شد؛

آن که گوشت بدن خود را در آتش می خورد زنی بود که خود را برای نامحرمان آراسته و آرایش می نمود؛ آن که دست های او به پاهایش بسته شده بود و مارها و عقرب ها بر او مسلط بودند زن آلوده ای بود که لباس خود را نظافت نمی کرد و غسل حیض و جنابت انجام نمی داد و نماز خود را سبک می شمرد؛

(۱) زنی که کر و کور و گنگ بود زنی بود که از زنا فرزند می آورد و به عهده شوهر خود قرار می داد؛ آن که گوشت خود را با مقراض جدا می کرد زنی بود که خود را بر مردان نامحرم عرضه می نمود؛

آن که آتش صورت و بدن او را می سوزاند و خود مشغول خوردن روده های خویش بود زنی بود که زن های دیگر را برای زنا با نامحرمان آماده می نمود؛ زنی که سر او مانند خوک و بدن او مانند الاغ بود زنی بود که اهل دروغ و سخن چینی بود، و آن زنی که به شکل سگ بود و آتش از عقب او وارد و از دهان او خارج می گردید زنی آوازه خوان و اهل حسد بود.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وای بر زنی که شوهر خود را به خشم آورد و خوشا به حال زنی که شوهر او از او خشنود باشد.»

۳۶- حدیث فاطمه علیها السلام در باره سبک شمردن نماز

(۲) علامه نوری در «مستدرک الوسائل» با سند خود از فاطمه زهرا علیها السلام نقل

ص: ۱۹۶

۱- (۱) و امّا الصّماء العمیاء الخرساء فأنّها کانت تلد من الزناء فتعلّقه فی عنق زوجها و امّا الّتی کانت تقرض لحمها بالمقاریض فأنّها کانت تعرض نفسها علی الرجال، و امّا الّتی کانت تحرق وجهها و بدنهاوهی تأکل امعائها. فأنّها کانت قوآده، و امّا الّتی کان رأسها رأس الخنزیر و بدنها بدن الحمار فأنّها کانت نّمّامه کذّابه و امّا الّتی کانت علی صوره الکلّ و النار تدخل فی دبرها و تخرج من فیها فأنّها کانت قینه (القینه: الامه المغنیه). نوآحه حاسده ثمّ قال صلی الله علیه و آله: ویل لایمرأه اغضبت زوجها و طویبی لامرأه رضی عنها زوجها. ما قالت علیها السلام فی المتهاون بالصلاه

۲- (۲) - مستدرک الوسائل ۱/۱۷۱ عن فاطمه الزهراء سیده النساء و ابنه سید الانبیاء! أنّها سألت اباهما محمّدا صلی الله علیه و آله فقالت: یا ابتاه ما لمن تهاون بصلاته من الرجال و النساء؟ قال: یا فاطمه من تهاون بصلاته من الرجال و النساء ابتلاه الله. بخمسه عشر خصله، ستّ منها فی دار الدنیا، و ثلاث عند موته، و ثلاث فی قبره، و ثلاث فی القیامه اذا خرج من قبره.

نموده که آن بانو از پدر بزرگوار خود سؤال کرد: «پدر جان! کسانی که به نماز خود بی‌اعتنایی می‌کنند و آن را سبک می‌شمارند چه حالی خواهند داشت؟» رسول خدا فرمود:

«ای فاطمه! هر کس از امت من - چه مرد و چه زن - به نماز خود بی‌اعتنا باشد و آن را سبک بشمارد خداوند او را به پانزده بلا - و نکبت مبتلا خواهد نمود، شش بلا - در دنیا، و سه بلا در هنگام مرگ، و سه بلا در عالم قبر و برزخ، و سه بلا در وقت خروج از قبر و حضور در قیامت.

(۱) اما بلاهایی که در دنیا می‌بیند:

۱ - خداوند برکت را از عمر او بر می‌دارد.

۲ - خداوند برکت را از رزق او بر می‌دارد.

(۲) ۳ - خداوند آبروی صورت صالحین را از صورت او می‌گیرد.

ص: ۱۹۷

۱- (۱) و اما اللواتی تصیبه فی دارالدنیا: فالاولی یرفع الله البرکه من عمره، و یرفع الله البرکه من رزقه، و یمحو الله عزوجل سیماء الصالحین من وجهه، و کل عمل یعمله لایوجر علیه، و لایرفع دعاءه، الی السماء، و السادسة لیس له حظ فی دعاء الصالحین. و اما اللواتی تصیبه عند موته: فاؤلهن انه یموت ذلیلاً و الثانیه یموت جائعاً، و الثالثه یموت عطشاً، فلوسقی من انهار الدنیا لم یروعطشه.

۲- (۲) و اما اللواتی تصیبه فی قبره: فاؤلهن یوکل الله به ملکاً یزعجه فی قبره، و الثانیه: یضیق علیه قبره، و الثالثه تكون الظلمه فی قبره. و اما اللواتی تصیبه یوم القیامه اذا خرج من قبره: فاؤلهن ان یوکل الله به ملکاً یسحبه علی وجهه و الخلائق ینظرون الیه، و الثانیه: یحاسب حساباً شدیداً، و الثالثه لاینظر الله الیه و لایزکیه و له عذاب الیم.

۴ - خداوند برای هیچ عملی که انجام می دهد پاداشی قرار نمی دهد.

۵ - خداوند دعای او را مستجاب نمی کند.

۶ - برای او بهره ای در دعای صالحین نیست.

و اما بلاهایی که در هنگام مرگ می بیند:

۱ - ذلیل از دنیا می رود.

۲ - گرسنه از دنیا می رود.

۳ - تشنه از دنیا می رود؛ به طوری که اگر نهرهای دنیا را به او بدهند سیراب نمی شود.

و اما بلاهایی که در قبر به او می رسد:

۱ - خداوند ملکی را مأمور می کند که او را در قبر زجر و شکنجه بدهد.

۲ - قبر برای او تنگ می شود.

۳ - قبر برای او تاریک می شود.

و اما بلاهایی که در قیامت به او می رسد:

۱ - خداوند ملکی را مأمور می کند که او را به صورت بر زمین بکشد و اهل محشر به او نگاه کنند.

۲ - حساب سختی از او خواهند گرفت و چیزی را بر او نخواهند بخشید.

۳ - خداوند نظر رحمت به او نخواهد نمود و اعمال او را نخواهد پذیرفت و عذاب دردناکی برای او خواهد بود.

پس از مسایل اعتقادی و توجه به آیات و نشانه های حضرت حق و علم و قدرت و عظمت و جلال او که در هر موجودی به ویژه خود انسان نهفته است مطابق آنچه در آیه شریفه سوره جمعه آمده دومین بخش مهم معارف اسلام مساله اخلاق و آراستن روح است به ارزش های انسانی. (۱)

این بخش، مکمل اعتقادات و اساس و پایه مسایل بعدی، مانند حکمت و علم و دانش، احکام الهی و انجام واجبات و ترک محرمات نیز می باشد. در حقیقت، هر عمل خوبی که از انسان سر می زند به تبع خلق و خوی نیک اوست و هر عمل زشتی هم که از او سر می زند مربوط به اخلاق فاسد او می باشد. به تعبیر روشن تر، تمام ارزش های انسان معلول اخلاق نیک اوست.

انسان تا با تمرین و مجاهده عملی اخلاق نیک را در خود ایجاد نکند ارزش انسانی پیدا نخواهد نمود و اعمال و عبادات او نیز ارزش و مقبولیت نخواهد یافت. از این رو، از نظر اسلام، هر فرد اگر شایستگی اخلاقی پیدا نکند، حتی اگر دانشمند و متخصص و هنرمند هم باشد، ارزش انسانی و اسلامی ندارد. جامعه و خانواده نیز چنین هستند.

تلاش ما در این کتاب آن بوده که به اختصار بخش هایی از دستورات اخلاقی مربوط به خانواده را گردآوری نماییم تا ان شاء الله با رعایت آنها که دستورات عملی های دینی و برگرفته از سخنان و سیره و روش معصومین علیهم السلام است زمینه بهره گیری خانواده ها از معارف و ارزش های اسلامی فراهم گردد و از خطر سقوط اخلاقی نجات یابند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند مرا مبعوث نمود تا اخلاق نیک را تکمیل

ص: ۲۰۰

۱- (۱) - قال الله سبحانه: هو الذي بعث في الأميين رسولا منهم يتلو عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين. (سوره جمعه، آیه ۲)

نمایم.»(۱) و فرمود: «کامل ترین مردم از جهت ایمان کامل ترین آنانند از جهت اخلاق.»(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که خداوند پیامبر خود صلی الله علیه و آله را به کمال ادب تأدیب نمود به او فرمود: «أنتك لعلی خلق عظیم» و فرمود: «خذا لعفو و أمر بالعرف و اعرض عن الجاهلین» و فرمود: «ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینہ عداوہ کأنه ولیی حمیم».

و چه زیباست حدیثی که در خصال آمده است: «حدَّثنا أبو الحسن قال: حدَّثنا أبو الحسن قال: حدَّثنا أبو الحسن قال: حدَّثنا الحسن، عن الحسن، عن الحسن، عن الحسن علیه السلام: إنَّ أحسن الحسن الخلق الحسن.» (الخصال ص ۲۹)

یعنی، ابوالحسن از ابوالحسن از ابوالحسن از حسن از حسن از امام حسن علیه السلام برای ما حدیث نمودند که فرمود: بهترین خوبی ها خلق خوب است.

۱- اندوه زدایی و پاداش بهشت

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «خداوند به داود علیه السلام وحی نمود: ای داود! روز قیامت بنده ای از بندگان من با خود حسنه و عمل نیکی آورده و من به وسیله آن عمل نیک او را در بهشت جایگزین می کنم. داود علیه السلام گفت: عمل نیک او چیست؟ خطاب شد: او با یک دانه خرما و یا نصف دانه خرما اندوهی را از دل مؤمنی برطرف نموده داود علیه السلام چون این سخن را شنید گفت: خدایا! هر کس تو را بشناسد سزاوار است که امید خود را از تو قطع نکند.»(۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس دوست داشته باشد که خداوند او را در رحمت

ص: ۲۰۱

۱- (۱) قال النبی صلی الله علیه و آله : بعثت لأتمم مكارم الأخلاق. (مکیال المکارم، ج ۱/۳۳۶)

۲- (۲) و قال صلی الله علیه و آله : أكمل المؤمنین إیماناً أحسنهم خلقاً. (العیون ج ۱/۴۱)

۳- (۳) تنفیس کربه المؤمن البحار عن قرب الإسناد... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : أوحی الله تبارک و تعالی الی داود النبی علیه السلام : یاداود إنَّ العبد من عبادی لیأتینی بالحسنه یوم القیامه فاحکمہ فی الجنه. قال داود: و ما تلک الحسنه؟ قال: کربه ینفّسها عن مؤمن بقدر تمره او بشقّ تمره، فقال داود: یا ربّ حقّ لمن عرفک أن لا یقطع رجاءه منک. (البحار ۷۲/۱۹ عن قرب الاسناد ص ۵۶)

خود داخل نماید و در بهشت خود اسکان دهد باید اخلاق خویش رانیکو کند و با مردم با انصاف عمل کند و بر یتیم ترحم نماید و به افراد ضعیف کمک کند و در مقابل پروردگار خود متواضع باشد.»(۱)

۲- بهترین مردم و بهترین عمل آنان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین مردم کسانی هستند که مردم از وجود آنان بهره بیشتری می برند.»(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «مقصود خداوند از آیه «و جعلنی مبارکاً اینما کنت» که حضرت عیسی علیه السلام می گوید: «خداوند مرا هر کجا که باشم برکت قرار داده» این است که من برای مردم بسیار کار گشا و سودمند خواهم بود.»(۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت نامه خود به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود: «من شما و همه فرزندان و خانواده خود و هر که این نامه من به او می رسد را به تقوا و پرهیزگاری و نظم در امور و اصلاح بین خود سفارش می نمایم چرا که من از جدّ شما شنیدم می فرمود: اصلاح بین مردم از یک سال نماز و روزه [و یا از سرتاسر نمازها و روزه ها] بهتر است.»(۴)

۳- عدالت و انصاف

ص: ۲۰۲

۱- (۱) البحار... عن الصادق علیه السلام قال: من اراد ان یدخله الله عزّوجلّ فی رحمته و یسکنه جنّته، فلیحسن خلقه، و لیعطی

النصفه من نفسه، و لیرحم الیتیم، و لیعن الضعیف، و لیتواضع لله الذی خلقه. (البحار ج ۷۲/۱۸ عن امالی الصدوق ص ۲۳۴)

۲- (۲) خیر الناس من إنتفع به الناس البحار... قال الصادق علیه السلام: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: خیر الناس من

انتفع به الناس. (البحار ج ۷۲/۲۳ عن امالی الصدوق ص ۱۴)

۳- (۳) البحار... عن ابی عبد الله علیه السلام فی قوله الله عزّوجلّ: «و جعلنی مبارکاً اینما کنت» قال: نفّاعاً. (البحار ج ۷۲/۲۴ عن

معانی الأخبار ص ۲۱۳).

۴- (۴) البحار... عن نهج البلاغه فی وصیّه امیرالمؤمنین علیه السلام عند وفاته للحسن و الحسین علیهما السلام: أوصیکما و

جمیع ولدی و أهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم فأتی سمعت جدّکما رسول الله صلی الله علیه

و آله یقول: صلاح ذات البین أفضل من عامّه الصلاه و الصیام. (البحار ج ۷۲/۲۴ عن نهج البلاغه ص ۷۸)

(۱) امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» می فرماید: «مقصود از عدالت، انصاف و مقصود از احسان، تفضل و دستگیری از دیگران است.»

شیخ طوسی در کتاب امالی، از ابو عبیده حذاء نقل نموده که گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا می خواهی به تو بگویم که سخت ترین چیزی که خداوند بر بندگان خود واجب نموده چیست؟» گفتم: آری. امام صادق علیه السلام فرمود: «سخت ترین چیزی که خداوند بر بندگان خود واجب نموده انصاف دادن با مردم، احسان مالی به آنان نمودن، و فراوان یاد خدا کردن است.» سپس فرمود: «آگاه باش که مقصود من از ذکر و یاد خدا، گفتن: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله» نیست؛ گرچه این هم ذکر زبان است لکن مقصود من این است که انسان خدا را در وقت حلال و حرام یاد کند که اگر چیزی بر او واجب بود انجام دهد و اگر با گناه و معصیت روبرو شد گناه را ترک کند.» (۲)

۴- هدیه و احسان (کادو)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «بهترین وسیله برای انجام حاجت، هدیه است.» سپس فرمود: «برای یکدیگر هدیه ببرید تا دوستی ها و محبت ها زیاد شود و کینه ها برطرف گردد.» (۳)

و فرمود: «برای این که هدیه ها ادامه پیدا کند ظرف های آن را باز گردانید.»

و فرمود: «هدیه بر سه قسم است: ۱- هدیه جبرانی؛ ۲- هدیه ریایی؛ ۳-

ص: ۲۰۳

۱- (۱)۳- العدل و الإنصاف البحار... قال على عليه السلام في قوله الله تعالى: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ: العدل الإنصاف، و الاحسان التفضل. (البحار ج ۷۲/۲۹ عن نهج البلاغه ج ۲/۱۹۵)

۲- (۲) البحار... عن ابي عبیده عن ابي عبدالله عليه السلام قال: قال لي: ألا اخبرك بشدما فرض الله على خلقه؟ قال: نعم قال: إِنَّ مِنْ أَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ أَنْصَافَكَ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ مَوَاسَاتِكَ إِخَاكَ الْمُسْلِمِ فِي مَالِكَ وَ ذَكَرَ اللَّهِ كَثِيرًا؛ أَمَا إِنِّي لَا أَعْنِي: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله» و إن كان منه، لكن ذكر الله عند ما احلّ و ما حرّم، فان كان طاعة عمل بها و ان كان معصية تركها. (البحار ج ۷۲/۲۹ عن امالی الطوسی ج ۲/۲۷۸)

۳- (۳)۴- الهدية البحار... عن ابي عبدالله عليه السلام قال: نعم الشيء الهدية أمام الحاجة، و قال: تهادوا تحابوا فان الهدية تذهب بالضغائن. (البحار ج ۷۲/۴۴ الخصال ج ۱/۱۶)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از کرامت و بزرگواری مرد این است که هدیه برادر مسلمان خود را بپذیرد و از آنچه در اختیار دارد به او هدیه دهد و خود را به زحمت نیندازد.» (۲)

۵- پاداش احسان

امام صادق علیه السلام می فرماید: «آیه ای در قرآن ثبت شده و مورد امضا قرار گرفته که در باره مؤمن و کافر و صالح و غیر صالح یکسان است.» علی بن سالم می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آن آیه کدام است؟ فرمود: «آیه «هل جزاء الإحسان إلاّ الاحسان» یعنی هرکس از برادر دینی خود و یا غیر آن ها احسانی ببیند بر او لازم است که آن را جبران نماید و جبران آن این است که احسان بالاتری به او بکند؛ چرا که او شروع به احسان نموده است.» (۳)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «کیفر چهار چیز به زودی [در دنیا] به انسان می رسد: ۱- پاداش احسان را به بدی دادن؛ ۲- آزار نمودن به کسی که بی آزار است؛ ۳- پیمان شکنی با کسی که به پیمان خود عمل نموده است؛ ۴- قطع رابطه خویشی با کسی که اهل رابطه و صلّه رحم می باشد.» (۴)

ص: ۲۰۴

۱- (۱) البحار... عن ابی قتاده قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: أتتهادون؟ قال: نعم يابن رسول الله، قال: فاستدیموا الهدایا بردّ الظروف الی اهلها. (المصدر)

۲- (۲) البحار... عن أبی عبد الله عليه السلام قال: الهدیه علی ثلاثه وجوه: هدیه مکافاه، و هدیه مصانعه، و هدیه لله عزّوجلّ. (المصدر ص ۴۵)

۳- (۳) البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من تکرّمه الرجل لأخیه المسلم ان یقبل تحفته او یتحفه مّیا عنده و لا یتکلف شیئا. (المصدر)

۴- (۴) ۵- جزاء الإحسان البحار... عن علی بن سالم قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام یقول: آیه فی کتاب الله مسجّله قلت: ما هی؟ قال: قول الله تبارک و تعالی فی کتابه: «هل جزاء الإحسان إلاّ الإحسان» جرت فی الکافر و المؤمن و البرّ و الفاجر، من صنع الیه معروف فعلیه ان یکافی ٤ به، و لیست مکافاه ان یصنع کما صنع به بل حتّی یرى مع فعله لذلك أنّ له الفضل المبتدا. (البحار ج ۷۲/۴۳) البحار... عن ابی جعفر علیه السلام قال: أربعه أسرع شیء عقوبه: رجل أحسنت إلیه و یکافیک بالاحسان الیه إساءه، و رجل لا تبغی علیه و هو یبغی علیک، و رجل عاهدته علی أمر فمن أمرک الوفاء له و من أمره الغدر بک، و رجل یصل قرابته و یقطعونه. (البحار ج ۷۲/۴۲)

۶- ماعون (عاریه دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان)

(۱) خداوند در سوره ماعون می فرماید: «وای بر نمازگزارهایی که نماز خود را ضایع می کنند و ریاکار هستند و از ماعون خودداری می نمایند.»

در تفسیر قمی روایت شده است: «مقصود از «ماعون» نیازهایی مثل چراغ و آتش و خمیر و امثال آن می باشد که مردم به آنها نیاز دارند.» در بعضی از روایات زکات نیز ماعون نامیده شده است.

در کتاب امالی صدوق نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس نسبت به همسایه خود از ماعون [و عاریه دادن وسایل مورد نیاز] منع نماید خداوند او را در قیامت از خیر خود محروم می نماید و او را به خود او می گذارد و چقدر بیچاره است کسی که خداوند او را به حال خود واگذار نماید.»

۶- ماعون (عاریه دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان)

بعضی از مردم که اهل امانت نیستند ممکن است مورد لعنت خداوند قرار گیرند، زیرا آنها امانت مردم و یا آنچه از مردم عاریه گرفته اند را در وقت خود سالم به صاحب آن باز نمی گردانند، از این رو، صاحب احسان از احسان خود خودداری می نماید.

(۲) در کتاب فقیه، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «خداوند کسانی که راه

ص: ۲۰۵

۱- (۱)۶- فضل الماعون قال الله سبحانه: فويل للمصلين الذين هم عن صلاتهم ساهون الذين هم يراؤون و يمنعون الماعون. تفسیر القمی: «و يمنعون الماعون» مثل السراج و النار و الخمیر و اشباه ذلك من الذي يحتاج اليه الناس، و فی روايه أخرى: الخمیر و الزکات. البحار عن امالی الصدوق فی مناهي النبي صلی الله علیه و آله انه نهى ان يمنع احد الماعون، و قال: من منع الماعون جاره منعه الله خيره يوم القيامة، و وكله الى نفسه و من وكله الى نفسه فما اسوأ حاله. (البحار ج ۴۶/۴۵/۷۲)

۲- (۲)۷- قاطعی سبیل المعروف الفقیه... عن الصادق علیه السلام قال: لعن الله قاطعی سبیل المعروف قیل: و ما قاطعی سبیل المعروف؟ قال: الرجل يصنع اليه المعروف فيكفره فيمتنع صاحبه من ان يصنع ذلك إلى غيره. (الفقيه ج ۵۷/۲)

خیر و احسان را می بندند را لعنت نموده است» گفته شد: آنان کیانند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «آنان کسانی هستند که پاداش احسان را با آزار به مردم و حبس مال آنان می دهند، از این رو، صاحب احسان از احسان خود امتناع می ورزد، [و دیگر به کسی احسان نمی کند].»

(۱) امام صادق علیه السلام می فرماید: «سه گروه از مردم در روز قیامت - که فریادرسی نخواهد بود در زیر سایه عرش الهی و لطف خداوند خواهند بود:

۱- کسی که با مردم با انصاف عمل کند.

۲- کسی که قدمی جلو نگذارد و حرکتی نکند تاخشنودی خدا و یا خشم او را در آن حرکت بداند [و از کاری که خشم خداوند در آن است پرهیز کند].

۳- کسی که برادر دینی خود را بر عیبی سرزنش نمی کند تا این که آن عیب را از خود برطرف نماید. البته انسان عیبی را از خود برطرف نمی کند جز آن که به عیب دیگری از خود آگاه می شود و همین بس است که از عیب دیگران چشم پوشی نماید و همیشه مشغول اصلاح عیوب خویش باشد.»

۸- مواظبت بر صدقه و عمل خیر در هر روز

(۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بر هر مسلمانی لازم است که در هر روزی که از عمر

ص: ۲۰۶

۱- (۱) البحار عن الخصال... عن الخضر بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ثلاثة في ظلّ عرش الله عزّوجلّ يوم لا ظلّ إلاّ ظلّه: رجل انصف الناس من نفسه، و رجل لم یقدم رجلاً - و لم یؤخر رجلاً - آخری حتّی یعلم أنّ ذلك لله عزّوجلّ رضی أو سخط، و رجل لم یعب أخاه بعیب حتّی ینفی ذلك العیب من نفسه فأنّه لا ینفی منها عیباً إلاّ بدا له عیب آخر و کفی بالمرء شغلاً بنفسه عن الناس. (البحار ج ۷۲/۴۶)

۲- (۲) ۸- کلّ معروف صدقه البحار عن دعوات الراوندی: روی عن النبی صلی الله علیه و آله أنّه قال: إنّ علی کلّ مسلم فی کلّ يوم صدقه، قيل: من یطبق ذلك؟ قال صلی الله علیه و آله: إماتتک الأذی عن الطریق صدقه، و ارشادک الرجل الی الطریق صدقه، و عیادتک المریض صدقه، و امرک بالمعروف صدقه، و نهیک عن المنکر صدقه، و ردّک السلام صدقه. (البحار ج ۷۲/۵۰) و فیہ عن أمالی الطوسی عن ابی قلابه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من اماط عن طریق المسلمین ما یؤذیهم کتب الله له أجر قراءه أربعمأه آیه کلّ حرف منها بعشر حسنات. (المصدر)

او می گذرد صدقه بدهد.» گفته شد: چه کسی به چنین کاری توانایی دارد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مقصود من این است که خاشاکی را از سر راه مسلمانانی برداری که از آن آزار نینند، و یا کسی را که از راهی آگاهی ندارد [و از تو نشانی می خواهد] راهنمایی کنی و یا بیماری را عیادت نمایی، و یا امر به معروف نمایی، و یا نهی از منکر کنی، و یا پاسخ سلام برادر مؤمن خود را بدهی.»

و فرمود: «کسی که چیزی را از سر راهی بردارد (که مردم از آن آزار نینند) خداوند پاداش قرائت چهارصد آیه قرآن را به او می دهد که پاداش هر حرفی از آنها ده حسنه باشد.»

(۱) و در روایت دیگری آمده است که انجام هر کار خیری صدقه محسوب می شود.

۹- سازش و نرم خویی و مدارای با مردم

(۲) خداوند قلب پیامبر خود را نسبت به مردم نرم و اخلاق او را نیکو قرار داده و به او می فرماید: «خداوند بر تو رحمت فرموده و تو را برای مردم رفیق و نرمخو قرار داده است. و اگر تو شخص تندخو و سخت دلی می بودی مردم از گرد تو پراکنده می شدند، پس تو باید از مردم بگذری و برای آنان استغفار نمایی.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ما پیامبران هم چنان که مأمور به انجام واجبات شده ایم مأمور به مدارای با مردم نیز شده ایم.»

و فرمود: «عقل ترین مردم کسانی هستند که مدارای آنان با مردم بیشتر باشد.»

و فرمود: «دو نفر که با یکدیگر همراه می شوند آن که بیشتر به رفیق خود

ص: ۲۰۷

۱- (۱) و قال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ. (زبدۀ البیان للأردبیلی ص ۶۷۶)

۲- (۲) فضل الرحمه و مداراه الناس قال الله سبحانه: فيما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم. (آل عمران / ۱۵۹) البحار... قال رسول الله صلى الله عليه و آله: إنا أمرنا معاشر الأنبياء بمداراه الناس كما أمرنا بأداء الفرائض. (البحار ج ۷۲/۵۳) و قال صلى الله عليه و آله: أعقل الناس أشدهم مداراة للناس. (المصدر) و قال صلى الله عليه و آله: ما اصطحب إثنان إلا كان أعظمهما أجرا و أحبهما إلى الله عزوجل ارفقها بصاحبه. (المصدر ص ۶۴ الكافي ج ۲/۱۲۰) و قال الصادق عليه السلام: من كارفقا في أمره نال ما يريد من الناس. (المصدر)

ارفاق می کند نزد خداوند محبوب تر است و پاداش بیشتری خواهد داشت.»

و فرمود: «کسی که در کار خود اهل رفق و مدارا باشد به خواسته خود از مردم خواهد رسید.»

۱۰- خیرخواهی نسبت به مردم و انتقادپذیری از آنان

(۱) از بهترین و ارزشمندترین خصلت های نیک خصلت خیرخواهی و خیراندیشی برای دیگران است که در روایات معصومین علیهم السلام از آن تعبیر به نصیحت شده است چنان که پذیرش نصیحت و خیرخواهی نیز از بهترین خصلت های نیک به شمار می رود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که پنج چیز را برای من ضمانت کند من بهشت را برای او ضمانت خواهم نمود.» گفته شد: آنها چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «۱- خیرخواهی برای خدا؛ ۲- خیرخواهی برای رسول خدا؛ ۳- خیرخواهی برای کتاب خدا؛ ۴- خیرخواهی برای دین خدا؛ ۵- خیرخواهی برای مسلمانان.»

(۲) امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که از برادر خود اشتباهی را ببیند و بتواند او را راهنمایی کند و نکند به او خیانت نموده است، جز آن که طرف او آدم احمقی باشد.»

(۳) حضرت رضا علیه السلام فرمود: «اگر خداوند به بنده ای نظر لطف داشته باشد توفیق انتقادپذیری به او می دهد.»

ص: ۲۰۸

۱- (۱) ۱۰- فضل النصیحه البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من یضمن لی خمسا أضمن له الجنة قیل: و ما هی یا رسول الله؟ قال: النصیحه لله عزوجل و النصیحه لرسوله، و النصیحه لکتاب الله، و النصیحه لمدین الله، و النصیحه لجماعه المسلمین. (البحار ج ۷۲/۶۵)

۲- (۲) البحار... عن عبدالرحمان بن حجاج قال: سمعت الصادق علیه السلام یقول: من رأى أخاه علی أمرٍ یکرهه فلم یرده عنه و هو یقدر علیه فقد خانه و من لم یجتنب مصادقه الأحمق أو شک أن یتخلق بأخلاقه. (المصدر)

۳- (۳) البحار... عن ابی الحسن الثالث علیه السلام إنه قال لبعض موالیه: عاتب فلانا و قل له: إن الله إذا اراد بعبد خیرا إذا عوتب قبل. (المصدر)

۱۱- ادب و تجاوز نکردن از حق خود

(۱) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هرکس اندازه خود را بشناسد هلاک نخواهد شد.»

و فرمود: «ادب اقتضا می کند که آنچه انسان از دیگران نمی پسندد خود نیز انجام ندهد.»

و فرمود: «ادب هرکسی شخصیت او را نشان می دهد.»

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «برای تواضع درجاتی است: ۱- اندازه خود را بشناسد و خود را در جایگاه خویش قرار دهد؛

۲- هرچه را بر خود می پسندد بر دیگران نیز همان را پسندد؛ ۳- با اخلاق نیک خود دیگران را اصلاح کند؛ ۴- خشم خود را

فرو برد؛ ۵- از خطاهای مردم بگذرد؛ ۶- اهل احسان باشد.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز نشانه ادب و تواضع است: ۱- به نشستن در پایین مجلس راضی باشی؛ ۲- به همه

مردم سلام و احترام کنی؛ ۳- از مراء و خصومت دوری کنی گرچه صاحب حق باشی؛ ۴- نخواهی مردم تو را برای دیانت و

تقوای تو ستایش کنند.»

۱۲- نگهداری اسرار و آبروی مردم

ص: ۲۰۹

۱- (۱) ۱۱- الأدب و التواضع البحار... قال امیرالمؤمنین علیه السلام: ما هلك امرؤ عرف قدره. (البحار ج ۷۲/۶۶) البحار... و

قال علیه السلام: و كفى بك أدبا لنفسك تركك ما كرهته لغيرك. البحار... و قال علیه السلام: حسن الأدب ينوب عن

الحسب. (المصدر ص ۶۸). الكافي... عن أبي الحسن الرضا علیه السلام قال: التواضع درجات منها أن يعرف المرأ قدر نفسه

فيتزلها منزلتها بقلب سليم، لا يحب أن يأتي إلى أحد إلا مثل ما يؤتى إليه، إن رأى سيئته درأها بالحسنه، كاظم الغيظ، عاف عن

الناس، و الله يحب المحسنين. (الكافي ج ۲/۱۲۴) الكافي... عن ابى عبدالله علیه السلام قال: من التواضع أن ترضى بالمجلس

دون المجلس، و أن تسلّم على من تلقى، و أن تترك المراء و إن كنت محققا، و أن لاتحب أن تحمد على التقوى. (المصدر ص

۱۲۲)

(۱) کتمان سرّ از ارزش های بلند اسلام و از صفات ذات مقدس حق است. خداوند خود را ستار العیوب نامیده و اسرار بندگان خود را فاش نمی نماید و آنان را رسوا نمی کند. اولیای خدا فرموده اند مؤمن باید این سنت را از خدای خویش بیاموزد (سنه من ربّه و هو کتمان السرّ) و اسرار مردم را فاش نکند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خیر دنیا و آخرت در کتمان سرّ و رفاقت با خوبان جمع شده است؛ چنان که شرّ دنیا و آخرت نیز در منتشر نمودن اسرار و رفاقت با اشرار جمع شده است.»

و فرمود: «سینه عاقل صندوق سرّ اوست و هر که سرّ خویش را نگهدارد همیشه انتخاب به دست او خواهد بود.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «دوست خود را نیز بر اسرار خویش آگاه مکن؛ چرا که ممکن است روزی دشمن تو شود.»

۱۳- رعایت عهد و پیمان

(۲) قرآن در آیات زیادی رعایت و پایبندی به عهد و پیمان را لازم و شرط ایمان

ص: ۲۱۰

۱- (۱) ۱۲- فضل کتمان السرّ البحار... قال الرضا علیه السلام: لا یكون المؤمن مؤمناً حتّی یكون فیہ ثلاث خصال: سنّه من ربّه... و هی کتمان سرّه قال الله عزّوجلّ: «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه أحداً إلّا من إرتضی من رسول.» (البحار ج ۷۲/۶۸) البحار... قال أمير المؤمنين علیه السلام: جمع خیر الدنیا و الآخرة فی کتمان السرّ و مصادقه الأخیار، و جمع الشرّ فی الإذاعه و مواخاه الأشرار. (المصدر ص ۷۱) و قال علیه السلام: صدر العاقل صندوق سرّه. (المصدر) و قال علیه السلام: من کتم سرّه کانت الخیره بیده. (المصدر) و قال الصادق علیه السلام: لا تطلع صدیقک من سرّک إلّا علی مالواطلع علیه عدوّک لم یضرّک فإنّ الصدیق قد یكون عدوّک یوما ما. (المصدر)

۲- (۲) ۱۳- فضل الوفاء بالعهد قال الله سبحانه: و اوفوا بالعهد إنّ العهد کان مسؤولاً. (الاسراء ۳۴) و قال سبحانه: و الذین هم لأماناتهم و عهدهم راعون. (مؤمنون ۸) و البحار... عن ابی مالک قال: قلت لعلی بن الحسین علیهما السلام: اخبرنی بجمیع شرایع الدین، قال: قول الحقّ، و الحكم بالعدل، و الوفاء بالعهد (البحار ج ۷۲/۹۲) البحار... عن الحسین بن مصعب قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول: ثلاثه لا عذر لأحد فیها: أداء الأمانه الی البرّ و الفاجر، و الوفاء بالعهد للبرّ و الفاجر، و برّ الوالدین برّین کانا أو فاجرین. (المصدر)

دانسته است. در سوره اسراء می فرماید: «به پیمان خود وفادار باشید؛ چرا که روز قیامت نسبت به آن مورد پرسش قرار خواهید گرفت.»

در سوره مؤمنون می فرماید: «افراد مؤمن نسبت به امانت ها و پیمان های خویش پایبندند.»

حضرت زین العابدین علیه السلام فرمود: «تمام معارف دین در سه کلمه جمع می شود: گفتار حق، حکم به عدل و وفای به عهد و پیمان.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «در سه چیز برای هیچ کس عذری نیست: ادای امانت نسبت به مؤمن و فاجر، وفای به عهد نسبت به افراد نیک و بد، احسان به پدر و مادر، چه صالح و چه غیر صالح.»

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در معاشرت خود با مردم ظلم نکند و چون سخن گوید به آنان دروغ نگوید و چون با آنان وعده و قرار می گذارد تخلف نکند، مردانگی او کامل و عدالت او ظاهر و اخوت و برادری او واجب و غیبت او حرام می باشد.»

۱۴- مشورت و استفاده از فکر دیگران

(۲) خداوند در قرآن به پیامبر خود صلی الله علیه و آله می فرماید: «با مردم مشورت کن و چون بر امری مصمم شدی به خداوند توکل نما؛ همانا خداوند متوکلین را دوست دارد.»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی که تنها از فکر خود استفاده کند و با کسی مشورت نکند خویش را در خطر انداخته است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در هر جلسه مشورتی که شخصی به نام محمد و یا

ص: ۲۱۱

۱- (۱) البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من عامل الناس فلم یظلمهم، و حدّثهم فلم یكذبهم، و وعدهم فلم یخلفهم، فهو ممّن کملت مروءته، و ظهرت عدالته، و وحبّت أخوتّه، و حرمت غیبتّه. (المصدر)

۲- (۲) ۱۴- فضل المشوره قال الله سبحانه: و شاورهم فی الأمر فاذا عزمت فتوکّل علی الله إنّ الله یحبّ المتوکّلین. (آل عمران ۱۵۹/ البحار... قال امیرالمؤمنین علیه السلام : خاطر بنفسه من استغنی برأیه. (البحار ج ۷۲/۹۸) البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ما من قوم کانت لهم مشوره فحضر معهم، من اسمه، محمّد، أو حامد، أو محمود، أو أحمد. فأدخلوه فی مشورتهم إلاّ خیر لهم. (المصدر)

حامد و یا محمود و یا احمد شرکت کند خداوند خیر آن جلسه را فراهم خواهد نمود.»

(۱) امام صادق صلی الله علیه و آله فرمود: «با مردان عاقل و با تقوا مشورت کن که آنان جز خیر برای تو نخواهند گفت و از گفته آنان تخلف نکن که برای دین و دنیای تو فساد خواهد داشت.»

و فرمود: «کسی که در مشورت برای برادر خود خیرخواهی نکند و حقیقت را برای او نگوید خداوند رأی و فکر او را زایل خواهد نمود.»

۱۵- روح بی نیازی از مردم و توکل به خداوند

(۲) از ارزش های بلند اخلاقی و نشانه های ایمان و یقین، اطمینان به وعده های خداوند و غنای نفس و بی نیازی از مخلوق است. خداوند می فرماید: «اهل ایمان با یاد خداوند آرامش و اطمینان پیدا می کنند و هراسی برای آنان نخواهد بود؛ چرا که با یاد خدا دل ها آرامش می یابد.»

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر کسی می خواهد هرچه از خدا سؤال کند به او داده

ص: ۲۱۲

۱- (۱) البحار... عن سليمان بن خالد قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إستشتر العاقل من الرجال الورع فإنه لا يأمر إلا بخير، وإياك والخلاف، فإنّ خلاف الورع العاقل مفسده في الدين و الدنيا. (المصدر ص ۱۰۱) البحار... قال أبو عبد الله عليه السلام: من استشار أخاه فلم ينصحه محض الرأي سلبه الله عزوجل رأيه. (البحار ج ۱۰۲/۷۲)

۲- (۲) ۱۵- الإستغناء عن الناس و التوكلن على الله قال الله سبحانه: الَّذِينَ آمَنُوا و لم يلبسوا إيمانهم بظلم أولئك لهم الأمن و هم مهتدون» (انعام / ۸۲) البحار... قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا أراد أحدكم أن لا يسأل الله شيئاً إلا أعطاه فليأس من الناس كلهم، و لا يكون له رجاء إلا من عند الله عزوجل فإذا علم الله عزوجل ذلك من قلبه لم يسأل الله شيئاً إلا أعطاه ألا فحاسبوا أنفسكم قبل أن تحاسبوا فإنّ في القيامة خمسين موقفاً كلّ موقفٍ مثل ألف سنه مما تعدّون الخ (البحار ج ۱۰۷/۷۲) البحار... قال أبو عبد الله عليه السلام: شرف المؤمن قيام الليل، و عزّه إستغناؤه عن الناس. (المصدر) الكافي... قال أبو عبد الله عليه السلام: إنّ الله تبارك و تعالی يقول: و عزّتی و جلالی و مجدی و ارتفاعی على عرشی لأقطعنّ أمل كلّ مؤمل [من الناس] أمل غیرى بالیأس و لأكسوّنّه ثوب المذلّه عند الناس و لأنجینه من قربی و لأبعدّه من فضلی، أیؤمل غیرى فی الشدائد؟! و الشدائد بیدى و یرجو غیرى و یقرع بالفکر باب غیرى؟! و بیدى مفاتیح الأبواب و هی مغلقه و بابی مفتوح لمن دعانى... (الكافی ج ۲/۶۶)

شود باید خود را از همه مردم بی نیاز بداند و تمام امید او به خدا باشد و چون خداوند چنین چیزی را در قلب او بیابد هر چه می خواهد به او می دهد. پس به فکر حساب آخرت خویش باشید که در قیامت پنجاه موقف هست و هر موقعی هزار سال دنیا می باشد.»

و فرمود: «عزت و شرافت مؤمن به دو چیز است: عبادت و قیام در شب، و بی نیاز دانستن خود از مردم.»

و فرمود: «خداوند به عزت و جلال... خود سوگند یاد نموده که اگر مؤمنی به غیر او امیدوار شود امید او را قطع نماید.»

۱۶- نگهداری و برگرداندن امانت

(۱) از نشانه های دیانت مؤمن حفظ امانت و برگرداندن آن می باشد. خداوند در قرآن امر نموده که امانت ها را به صاحبانش باز گردانید و در سوره مؤمنون یکی از نشانه های آنان را امانتداری نام برده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «از خدا بترسید و امانتی را که کسی نزد شما سپرده است به او باز گردانید.» (۲)

سپس می فرماید: «اگر قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام امانتی نزد من بسپارد من امانت او را به او باز خواهم داد.»

امام سجاد علیه السلام نیز می فرماید: «بر شما باد به ادای امانت. سوگند به خدایی که پیامبر خود صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث نمود، اگر قاتل پدرم شمشیری که با آن پدرم را

ص: ۲۱۳

۱- (۱)۱۶- فضل ردّ الأمانه إنّ الله يأمرکم أن تؤدّوا الأمانات إلى أهلهاو إذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل. نساء / ۵۸) و الذینهم لأماناتهم وعهدهم راعون. (مؤمنون / ۸)

۲- (۲) البحار... قال الصادق علیه السلام : اتقوا الله و علیکم بأداء الأمانه إلى من إئتمنکم، فلو أنّ قاتل أميرالمؤمنین علیه السلام إئتمنی علی أمانه لأدّيتها إليه. (البحار ج ۷۲/۱۱۴)

کشته است نزد من امانت سپارد من امانت او رابه او خواهم داد.»(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «تا زمانی که امت من اهل دوستی و محبت و احسان به یکدیگر و ادای امانت و پرهیز از گناه و میهمان نواز و رعایت کننده نماز و زکات باشند در خیر و سعادت خواهند بود و اگر رعایت این امور را نکنند گرفتار قحطی و عقوبت الهی خواهند شد.»

۱۷- تواضع و فروتنی

نشانه ارزش و شخصیت مؤمن تواضع و فروتنی اوست. خداوند نشانه بندگان شایسته خود را قبل از هر چیز تواضع و فروتنی قرار داده و در سوره فرقان می فرماید(۲): «بندگان خداوند رحمان با تواضع بین مردم زندگی می کنند و در پاسخ افراد نادان سلام می گویند.» و در سوره مائده می فرماید: «آنان در مقابل مؤمنان ذلیل و در مقابل کفار عزیز و با صلابت می باشند.»(۳)

حضرت عسکری علیه السلام می فرماید: «هرکس در دنیا در مقابل برادران خود متواضع باشد نزد خداوند از صدیقین خواهد بود.»(۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تواضع منزلت انسان را بالا می برد. پس شما تواضع کنید تا خداوند منزلت شما را بالا ببرد.»(۵)

امام صادق علیه السلام می فرماید: چهار چیز نشانه تواضع است: ۱- به هر که برخورد

ص: ۲۱۴

۱- (۱) البحار... عن الثمالی قال: سمعت علی بن الحسین علیه السلام یقول لشیعته: علیکم بأداء الأمانه فوالذی بعث محمداً بالحقّ نبیا لو أنّ قاتل أبی الحسین بن علیّ علیه السلام إثمّنی علی السیف الذی قتله به لأدیته الیه. (المصدر)

۲- (۲) البحار... عن الرضا عن آبائه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا تزال أمتی بخیر ما تحابّوا و تهادوا و أدّوا الأمانه و اجتنبوا الحرام و قروا الضیف، و أقاموا الصلاه، و أتوا الزکاه فاذا لم یفعلوا ذلك أبتلوا بالقحط و السنین. (البحار ج ۷۲/۱۱۵)

۳- (۳) ۱۷- فضل التواضع

۴- (۴) وعباد الرحمان الذین یمشون علی الأرض هونا و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما. الفرقان/ اذله علی المؤمنین أعزّه علی الکافرین. (المائده ۵۴/ البحار... قال العسکری علیه السلام: و من تواضع فی الدنیا لإخوانه فهو عند الله من الصدیقین. (البحار ج ۷۵/۱۱۷)

ج ۷۵/۱۱۷) البحار... قال النبی صلی الله علیه و آله: و إنّ التواضع یزید صاحبه رفعة فتواضعوا یرفکم الله. (المصدر ص ۱۱۹)

می کنی سلام کنی؛ ۲- به پایین مجلس راضی باشی؛ ۳- از مراء و خصومت خودداری کنی، گرچه حق با تو باشد؛ ۴- دوست نداشته باشی که تو را برای تقوا ستایش کنند» (۱)

۱۸- احترام به بزرگ تر و ترحم به کوچک تر

(۲) از اخلاق نیکوی اسلامی احترام به بزرگ تر و رعایت حال فرزندان و افراد خوردسال می باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «احترام به بزرگسالان احترام به خداوند است.» و فرمود: «به بزرگ تر احترام کن تا در قیامت از رفقای من باشی.» و فرمود: «از ما نیست کسی که به افراد خردسال ترحم نکند و به بزرگسالان احترام ننماید.» و فرمود: «هر که احترام به بزرگ تر را نگهدارد و به جهت سن او او را احترام نماید خداوند او را از وحشت قیامت ایمن خواهد نمود.»

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: «پیری زود به طرف مؤمن می آید و آن سبب وقار او در دنیا و نور اوست در قیامت و به وسیله آن خداوند، خلیل خود ابراهیم علیه السلام را احترام نمود. ابراهیم سؤال کرد: سفید شدن مو برای چیست؟ خطاب شد: این وقار و بزرگواری است.» امام صادق علیه السلام فرمود: «احترام به پیرمرد مؤمن احترام به خداوند است.» و فرمود: «پیرمرد وسیله برکت و همانند پیامبر خواهد بود بین اهل خود.»

ص: ۲۱۵

۱- (۱) البحار... قال الصادق علیه السلام: إنَّ من التواضع أن يرضى الرجل بالمجلس دون المجلس و أن يسلم على من يلقى، و أن يترك المراء و ان كان محققاً، و لا يحب أن يحمد على التقوى. (المصدر ص ۱۱۸)

۲- (۲) فضل توقیر الكبير و الترحم على الصغير البحار... قال النبي صلى الله عليه و آله: من عرف فضل كبير فؤقره لسنه آمنه الله من فرع يوم القيامة و قال: من تعظيم الله عزوجل إجلال ذى الشبهه المؤمن. (البحار ج ۷۵/۱۳۷)

۳- (۳) و قال صلى الله عليه و آله... و وقّر الكبير تكن من رفقائى يوم القيامة. و قال صلى الله عليه و آله: ليس منّا من لم يرحم صغيرنا و لم يوقر كبيرنا. (المصدر) و قال صلى الله عليه و آله: من عرف فضل كبير لسنه فؤقره آمنه الله تعالى من فرع يوم القيامة. (المصدر) و قال الصادق علیه السلام: ما رأيت شيئاً أسرع إلى شىء من الشيب الى المؤمن و أنه وقار للمؤمن فى الدنيا و نور ساطع يوم القيامة، به وقّر الله خليله إبراهيم فقال: ما هذا يارب؟ قال له: هذا وقار، فقال: يا رب زدنى وقاراً، قال أبو عبدالله عليه السلام: فمن إجلال الله إجلال شبيهه المؤمن. (المصدر ص ۱۳۸)

(یعنی باید حرمت او را حفظ نمایند و از سخنان او پند گیرند)

۱۹- پاداش احترام به مؤمن و گناه توهین به او

(۱) احترام و اکرام به بندگان خدا احترام به خداوند است؛ چنان که توهین به آنان نیز توهین به خداوند می باشد. خداوند در قرآن می فرماید: «اهل دوزخ به وسیله توهین به مؤمنان و خندیدن به آنان از یاد خدا غافل و گرفتار عذاب شدند.» و می فرماید: «با لقب زشت یکدیگر را صدا نزنید که این عمل [اگر] پس از ایمان آوردن [انجام شود] بسیار زشت و نکوهیده است.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند فرموده است به جنگ با من برخاسته هرکس به بنده من توهین کند، و از خشم من درامان است هرکس به بنده مؤمن من احترام نماید.»

(۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند سه چیز را در سه چیز پنهان نموده است: خشنودی خود را در طاعت خود، خشم خود را در نافرمانی خود، ولی و دوست خود را بین خلق خود. پس هیچ طاعتی را کوچک نشمارید، شاید رضای خداوند در آن باشد؛ و هیچ معصیتی را نیز سبک نشمارید، شاید خشم خداوند در آن باشد؛ و به هیچ بنده ای از بندگان خدا توهین نکنید، چرا که کسی نمی داند کدام آنان ولی و دوست خداوند است.»

ص: ۲۱۶

۱- (۱) ۱۹- فضل إکرام المؤمن و حرمة هتکه قال الله سبحانه: فاتخذتموهم سخريا حتى أنسوكم ذكري و كنتم منهم تضحكون
إني جزيتهم اليوم بما صبروا أنهم هم الفائزون (مؤمنون / ۱۱۰) و قال سبحانه: و لاتنازروا بالألقاب بئس الإثم الفسوق بعد
الإيمان. (الحجرات / ۱۱)

۲- (۲) البحار... عن الصادق عليه السلام قال الله عزوجل: ليأذن بحرب مني من أذلّ عبدى المؤمن، و ليأمن غضبي من أكرم
عبدى المؤمن. (البحار ج ۷۵/۱۴۵) البحار... قال رسول الله صلى الله عليه و آله : إن الله عزوجلّ كتم ثلاثة في ثلاثة: كتم رضاه
في طاعته و كتم سخطه في معصيته و كتم وليه في خلقه فلا يستخفن أحدكم شيئا من الطاعات فإنه لا يدري في أيها رضا الله، و
لا يستقلن أحدكم شيئا من المعاصي فإنه لا يدري في أيها سخط الله، و لا يزرأن أحدكم بأحد من خلق الله فإنه لا يدري أيهم ولي
الله. (المصدر ص ۱۴۷)

۲۰- کيفر قهر و پاداش آشتی و گذشت

(۱) در کتاب کافی، از مفضل نقل شده که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: «دو نفر از یکدیگر قهر نمی کنند جز آن که یکی از آنان مورد لعنت و بیزاری خداوند قرار می گیرد و بسا هر دو مستحق لعنت و بیزاری واقع می شوند.» یکی از اصحاب آن حضرت گفت: فدای شما شوم، ظالم چنین می شود، مظلوم برای چه؟ امام علیه السلام فرمود: «او نیز به علت آشتی نکردن و [یا] کوتاه نیامدن و تغافل نکردن مستحق لعنت و بیزاری خداوند واقع می شود.» سپس فرمود: «از پدرم (امام باقر علیه السلام) شنیدم می فرمود: هنگامی که دونفر با هم نزاع می کنند و یکی از آنان به دیگری ظلم می کند باید مظلوم نزد ظالم برود و راه آشتی را باز نماید تا جایی که به او بگوید: ای برادر! من به تو ستم نموده ام! تا جدایی به آشتی و دوستی تبدیل شود، چرا که خداوند حاکم عادل است و حق مظلوم را از ظالم خواهد گرفت.»

۲۱- گناه غیبت و بدگویی از مردم

(۲) خداوند در قرآن می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها بپرهیزید و از عیب دیگران تجسس نکنید و غیبت همدیگر را ننمایید. آیا

ص: ۲۱۷

۱- (۱) ۲۰- حرمة الهجران و فضل السبق إلى المواءة الكافي... عن المفضل قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: لا يفترق رجلان على الهجران إلا استوجب أحدهما البراءة واللعنة، وربما إستحق ذلك كلاهما، فقال له معتب: جعلني الله فداك هذا الظالم فما بال المظلوم؟ قال: لأنه لا يدعو أخاه إلى صلته، ولا يتغامس له عن كلامه، سمعت أبي يقول: إذا تنازع إثنان فعاز أحدهما الآخر فليرجع المظلوم إلى صاحبه حتى يقول لصاحبه: أي أخي أنا الظالم حتى يقطع الهجران بينه وبين صاحبه. فإن الله تبارك و تعالی حکم عدل يأخذ للمظلوم من الظالم. (الكافي ج ۲/۳۴۴) الكافي... عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا هجره فوق ثلاث. (المصدر) الكافي... قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أيما مسلمين تهاجرا فمكثا ثلاثا لا يصطلحان إلا - كانا خارجين عن الإسلام، و لم يكن بينهما و لايه، فأيهما سبق إلى كلام أخيه كان السابق إلى الجنة يوم الحساب. (المصدر ص ۳۴۵)

۲- (۲) ۲۱- حرمة الغيبة و كفارة الإغتياب قال الله سبحانه: يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن إن بعض الظن إثم و لا تجسس سوا و لا يعتب بعضكم بعضا أيحب أحدكم أن يأكل لحم أخيه ميتا فكرهتموه و اتقوا الله إن الله تواب رحيم. (الحجرات/۱۲) البحار... عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أعلم أنه لا مورع أنفع من تجنب محارم الله، و الكف عن أذى المؤمنين، و إغتيابهم. (البحار ج ۷۵/۲۵۳)

یکی از شما دوست می دارد که گوشت مرده برادر خود را بخورد؟ پس چون از آن کراهت دارید [غیبت برادر خود را نکنید] از خدا بترسید. همانا خداوند تَوَّاب و رحیم است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هیچ پرهیزی بهتر و سودمندتر از پرهیز از محرمات و خودداری از آزار به مؤمنین و غیبت از آنان نیست.»

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هرکس از آبروی برادر مؤمن خود دفاع کند و مانع غیبت از او شود بهشت برای او واجب خواهد شد و فرمود: غیبت از زنا بدتر است؛ چرا که زنا کار توبه میکند و بخشوده می گردد، ولی توبه غیبت کننده پذیرفته نمی شود تا صاحب غیبت او را حلال کند.»

و فرمود: «کفاره غیبت این است که [هر وقت به یاد آن افتادی] برای صاحب آن استغفار نمایی.»

۲۲- گناه اسراف و تبذیر

(۲) اسراف مصرف بی جا و زیاده روی در مصرف است و تبذیر از بین بردن و هدر دادن نعمت های خداوند است. خداوند در قرآن می فرماید: «بخورید و

ص: ۲۱۸

۱- (۱) البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من ردّ عن عرض أخيه المسلم وجبت له الجنة البتّه. (المصدر ص ۲۵۴) البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الغيبة أشدّ من الزنا، فقیل: یا رسول الله ولم ذلك؟ قال: صاحب الزنا يتوب فيتوب الله عليه، و صاحب الغيبة يتوب فلا يتوب الله عليه حتّى يكون صاحبه الذى يحلّه. (المصدر ص ۲۴۲) البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله: كفّاره الإغتیاب أن تستغفر لمن إغتبته. (المصدر ص ۲۵۳) اقول: روى العلامة المجلسی عن عدّه من العلماء رحمهم الله: أنّ الغيبة اذا بلغت المغتاب وجب الاستحلال منه و ان لم تبلغه لم يجب الاستحلال منه و يجب الندم و التوبه فى كلاهما.

۲- (۲) حرمة الإسراف و التبذیر قال الله سبحانه: و كلوا و اشربوا - و لاتسرفوا إنّه لایحبّ المسرفین. (انعام ۱/۱۴۱ - اعراب ۳۱/ و قال سبحانه: و لاتبذّر تبذیرا إنّ المبدّرین كانوا إخوان الشیاطین و كان الشیطان لربّه كفورا - و لاتجعل یدك مغلوله الى عنقك و لاتبسطها کلّ البسط فتقعد ملوما محسورا. (الأسرا ۲۶/ - ۲۹)

بیاشامید و [لکن] اسراف نکنید. خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی دارد.»

و می فرماید: «تبذیر مکن که تبذیر کنندگان برادران شیطان هستند و شیطان نعمت های خدا را کفران نمود.»

و می فرماید: «[از بخل] دست خود را به گردن نیاویز و در انفاق نیز تمام آنچه داری را در راه خدا مده تا گرفتار ملامت و حسرت نشوی.»

(۱) امام صادق علیه السلام فرمود: «انفاق در غیر راه خدا تبذیر است و انفاق در راه خیر اقتصاد و میانه روی است.»

و فرمود: «از خدا بترس و اسراف مکن و سختگیر نیز مباش بلکه مقتصد و معتدل باش.»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «نشانه های اسراف کننده سه چیز است: ۱- خوراک او در شأن او نیست؛ ۲- لباس او در شأن او نیست؛ ۳- چیزهایی تهیه می کند که در شأن او نیست.»

ص: ۲۱۹

۱- (۱) قال الصادق علیه السلام: من أنفق شيئاً في غير طاعة الله فهو مبذّر، و من أنفق في سبيل الخير فهو مقتصد. (البحار ج ۷۵/۳۰۲) و قال علیه السلام: إتق الله و لاتسرف ولا-تقتر، وكن بين ذلك قواماً. (المصدر ص ۳۰۳) و قال أميرالمؤمنين عليه السلام: للمسرف ثلاث علامات: يأكل مائيس له، ويلبس مائيس له، و يشتري مائيس له. (المصدر) و قال الصادق عليه السلام: أترى الله أعطى من أعطى من كرامته عليه و منع من منع من هوان به عليه؟ لا و لكنّ المال مال الله يضعه عند الرجل و دايع و جوزّ لهم ان يأكلوا قصدا... (المصدر ص ۳۰۵)

برای تشکیل یک خانواده سالم و با ارزش - چنان که گذشت - رعایت دستورات زندگی و حقوق متقابل زن و شوهر ضروری است. هر کدام از زن و مرد باید پیش از آغاز زندگی مشترک و تشکیل خانواده وظایف لازم و آداب زندگی و زناشویی را بدانند تا این که حقوق همدیگر را ضایع نکنند و فرزندان که از آنان به وجود می آید نیز سالم باشند و با تربیت های اخلاقی رشد نمایند و از کودکی تربیت های صحیح را بیاموزند و بر هر کدام از زن و مرد و فرزندان خانواده نیز لازم است که برای رسیدن به یک زندگی سالم و با برکت، آداب و دستورات العمل های لازم را در ابعاد گوناگون زندگی بدانند و با رعایت آن آداب، شیرینی و طراوت و برکت زندگی خود را بچشند. از این رو، در این بخش نیز آداب زندگی اسلامی در حد نیاز یک خانواده، به طور مختصر آورده می شود. البته آنچه در این بخش آمده، همانند بخش گذشته، ترجمه و توضیح سخنان معصومین علیهما السلام می باشد که از کتب معتبر گرفته شده است.

۱- سلام و احترام به برادران و خواهران مسلمان

خداوند در سوره نور می فرماید: «هنگامی که وارد خانه ها [و...] می شوید بر برادران مسلمان خود سلام کنید که آن تحیت مبارک و پاکی است که خداوند به آن امر نموده. این چنین خداوند آیات خود را بر شما بیان می نماید تا شاید شما [در اسرار آن] تعقل نمایید.»

(۱) و در سوره نساء می فرماید: «هنگامی که بر شما سلام و تحیت فرستاده شد

ص: ۲۲۱

۱- (۱) - فضل السلام قبل الکلام قال الله سبحانه: فاذا دخلتم بيوتا فسلموا على أنفسكم تحية من عند الله مباركة طيبة كذلك يبين الله لكم الآيات لعلكم تعقلون. (نور/۶۱) و قال سبحانه: و إذا حييتم بتحية فحيوا بأحسن منها أو ردوها إن الله كان على كل شئ عاظما. (نساء/۸۶)

شما نیز بهتر از آن و یا همانند آن را پاسخ دهید. همانا خداوند بر حساب هر چیزی آگاه است.»

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که با شما بدون سلام وارد سخن شود پاسخ او را ندهید.»

و فرمود: «بخیل ترین مردم کسی است که از سلام کردن بخل ورزد.»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «برای سلام هفتاد پاداش است و شصت ونه پاداش آن مربوط به سلام کننده است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به وسیله سلام با یکدیگر وداع و خداحافظی کنید.» و فرمود: «با صدای بلند بر یکدیگر سلام کنید تا سلامت را بیابید.» و فرمود: «سخن نیک و شروع در سلام وسیله آمرزش است.»

۲- اجازه ورود به اتاق پدر و مادر

(۲) علی بن ابراهیم قمی در تفسیر آیه «یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکت ایمانکم... ثلث عورات لکم» می فرماید: «خداوند نهی نموده که بدون اجازه، بعد از طلوع فجر و بعد از ظهر و بعد از نماز عشا کسی وارد اتاق پدر و مادر و خواهر و مادر شود و در غیر این اوقات که اوقات خلوت با همسر محسوب می شود بدون اجازه وارد شدن مانعی ندارد.»

ص: ۲۲۲

۱- (۱) البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من بدأ بالكلام قبل السلام، فلا تجبوه. (البحار ج ۳/۷۶) و قال صلی الله علیه و آله : و إن ابخل الناس من بخل بالسلام. (المصدر ص ۴) و البحار... قال علی علیه السلام : السلام سبعون حسنة تسعه و تسعون للمبتدی و واحده للزاد. (المصدر ص ۱۱) البحار قال النبی صلی الله علیه و آله : إذا قام أحدکم من مجلسه فیلودعهم بالسلام و قال: أفشوا السلام تسلّموا. (المصدر) و قال صلی الله علیه و آله : إن من موجبات المغفرة بذل السلام و حسن الكلام. (المصدر)

۲- (۲) آداب الدخول علی الوالدین قال الله سبحانه: یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکت ایمانکم و قال سبحانه: یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوت النبی إلاّ- أن یؤذن لکم (الأحزاب/۵۴) البحار... عن الصادق علیه السلام قال: الاستیذان ثلثة أولهنّ یسمعون، و الثانیه یحذرون و الثالثه إن شاءوا أذنوا و إن شاءوا لم یفعلوا فیرجع المستأذن. (البحار ج ۱۴/۷۶)

امام صادق علیه السلام فرمود: «برای وارد شدن به خانه سه مرتبه باید اجازه گرفته شود: ۱- برای شنیدن صاحب خانه؛ ۲- آماده شدن اهل خانه؛ ۳- اگر مایل بودند اجازه ورود بدهند و الا اجازه گیرنده باید بازگردد.»

(۱) امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله اجازه ورود خواستم. آن حضرت اجازه دادند و چون من وارد شدم، فرمودند: یا علی! مگر نمی دانی خانه من خانه تو نیز می باشد؟ برای چه اجازه گرفتی؟ گفتم: یا رسول الله! دوست داشتم با اجازه وارد شوم. فرمود: آنچه خدا دوست می دارد دوست داشتی و به آدابی که او دستور داده عمل کردی.»

۳- احوالپرسی و پند و اندرز

در پاره ای از سخنان معصومین علیهم السلام در قالب احوالپرسی حقایق و نصایح زیبایی بیان شده برای نمونه به برخی از آنها اشاره می شود.

(۲) به حضرت زین العابدین علیه السلام گفته شد: کیف اصبحت؟ (حال شما چگونه است؟) امام علیه السلام فرمود: من خود را مقابل هشت طلبکار می بینم: ۱- خداوند واجبات خود را می طلبد؛ ۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله سنت دین خود را می طلبد؛ ۳- عیال قوت خود را طلب می کنند؛ ۴- نفس از من شهوت طلب می کند؛ ۵- شیطان معصیت می طلبد؛ ۶- دو ملک حافظ اعمال، صدق عمل از من می طلبند؛ ۷- ملک الموت روح من را می طلبد؛ ۸- قبر جسد من را می طلبد، و من در مقابل اینها قرار گرفته ام.»

(۳) به حضرت امام حسین علیه السلام گفته شد: حال شما چگونه است؟ فرمود: «من

ص: ۲۲۳

۱- (۱) البحار... قال امیرالمؤمنین علیه السلام: دخلت علی النبی صلی الله علیه و آله و هو فی بعض حجراته فاستأذنت علیه فأذن لی فلما دخلت قال لی: یا علی أما علمت أن یتى بیتک فمالک تستأذن علی؟ قال: فقلت: یا رسول الله أحببت أن أفعل ذلك قال: یا علی أحببت ما أحب الله وأخذت بآداب الله الخیر (المصدر ص ۱۵)

۲- (۲) الجواب عن قول القائل کیف أصبحت البحار... قيل لعلی بن الحسین علیهما السلام: کیف أصبحت یا بن رسول الله؟ فقال: أصبحت مطلوباً بثمان خصال: الله تعالی یطلبنی بالفرائض، و النبی صلی الله علیه و آله بالسنة، و العیال بالقوت، و النفس بالشهوه، و الشیطان بالمعصیه، و الحافظان بصدق العمل، و ملک الموت بالروح، و القبر بالجسد، فانابین هذه الخصال مطلوب.

(البحار ج ۱۵/۷۶)

۳- (۳) البحار... قيل للحسین بن علی علیهما السلام: کیف أصبحت یا بن رسول الله؟ فقال: أصبحت ولی رب فوقی، و النار أمامی، و الموت یطلبنی، و الحساب محدد بی، و أنا مرتهن بعملی، لأجد ما أحب و لا أدفع ما أكره، و الأمور بید غیری، فإن شاء عدتبی، و إن شاء عفی، فأی فقیر أفقر منی؟ و قال علیه السلام: قلت لأمیرالمؤمنین علیه السلام: کیف أصبحت؟ فقال: کیف یصبح من كان لله علیه حافظان، و علم أن خطایاه مكتوبه فی الدیوان، ان لم یرحمه ربّه فمرجهه إلى النیران؟ (البحار ج

صبح کردم در حالی که خدا را بالای سر خود، و آتش را مقابل خود، و مرگ را در انتظار خود، و حساب را در پیش خود، و خویش را در گرو اعمال خود یافتم. به آنچه میل من هست دست نمی یابم و از آنچه کراهت دارم نمی توانم دور شوم. امور خود را در دست دیگری می بینم. او اگر بخواهد مرا عذاب می کند و اگر بخواهد می بخشد. کدام فقیری از من فقیرتر است؟ سپس فرمود: «به پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام گفتم: حال شما چگونه است؟ پدرم فرمود: چگونه می تواند باشد حال کسی که از طرف خداوند دو نگهبان دارد، و گناهان او در دفتری ثبت می شود، اگر خدا به او ترحم نکند بازگشت او به دوزخ خواهد بود.»

۴- پاداش سلام و مصافحه (دست دادن) و معانقه (در آغوش گرفتن)

(۱) از اخلاق شریفه و آداب نیکوی اسلامی مصافحه و دست دادن به برادران دینی است که نشانه محبت و وسیله آمرزش گناهان است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «مؤمن چون با برادر مؤمن خود دست می دهد، گناهان هر دو بخشوده می گردد.»

(۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که با یکدیگر ملاقات می کنید با سلام و مصافحه ملاقات کنید و چون از هم جدا می شوید برای یکدیگر طلب مغفرت کنید.»

(۳) امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که دو نفر مؤمن با یکدیگر ملاقات می کنند و

ص: ۲۲۴

۱- (۱) فضل المصافحه و المعانقه البحار... قال ابو جعفر علیه السلام: إن المؤمن إذا صافح المؤمن تفرقاً من غير ذنب. (البحار ج ۲۰/۷۶)

۲- (۲) البحار... قال و قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إذا تلاقیتهم فتلاقوا بالتسليم و التصافح و إذا تفرقتهم فتفرقوا بالاستغفار (المصدر)

۳- (۳) البحار... و قال الباقر علیه السلام: إن المؤمنین إذا التقیا فتصافحاً أقبل الله عزوجل علیهما بوجهه و تساقطت عنهما الذنوب كما تتساقط الورق عن الشجر. (المصدر ص ۲۵)

مصافحه می نمایند خداوند نظر رحمت به آنان می افکند و گناهان آنها مانند برگ درخت در فضل خزان می ریزد.»

(۱) و فرمود: «هنگامی که دو نفر با یکدیگر مصافحه می کنند. آن که دیرتر دست خود را می کشد پاداش بیشتری دارد و گناهانشان برطرف می شود تا جایی که یک گناه بر آنها نمی ماند.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله با هر که مصافحه می نمود دست خود را نمی کشید تا او دست خود را بکشد.»

۵- پاداش زیارت و بوسیدن پیشانی مؤمن

(۲) امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرموده اند: «هر مؤمنی که به زیارت برادر خود برود و حق او را شناخته باشد خداوند به هر قدمی که بر می دارد حسنه ای به او می دهد و گناهی از او محو می کند و درجه ای بر او می افزاید و چون در خانه او را می زند درهای آسمان بر روی او گشوده می شود و چون یکدیگر را ملاقات می کنند و مصافحه و معانقه می نمایند خداوند نظر رحمت به آنان می افکند و بر ملائکه خود مباحثات می نماید و می فرماید: به این دو بنده من بنگرید که برای من همدیگر را زیارت نموده و دوست می دارند و بر من واجب است که آنان را بعد از این به آتش

ص: ۲۲۵

۱- (۱) البحار... و قال الباقر علیه السلام: إذا صافح الرجل صاحبه فالذی يلزم التصافح اعظم اجرا من الذی يدع ألا و إنّ الذنوب لتتحات فيما بينهم حتى لا يبقى ذنب. (المصدر ص ۲۸) البحار... قال الصادق علیه السلام: ما صافح رسول الله صلی الله علیه و آله رجلاً قط فتزع يده حتى يكون هو الذي ينزع يده منه. (المصدر ص ۳۰)

۲- (۲) فضل زیاره المؤمن الکافی... عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام قالوا: أيما مؤمن خرج إلى أخيه يزوره عارفاً بحقه كتب الله له بكل خطوه حسنه و محبت عنه سيئه، و رفعت له درجه فإذا طرّق الباب فتحت له أبواب السماء فإذا التقيا و تصافحا و تعانقا أقبل الله عليهما بوجهه، ثم باهى بهما الملائكة فيقول: أنظروا إلى عبدی تراورا و تحاببا في حق عليّ ألا أعدبهما بالنار بعدذا الموقف، فإذا انصرف شيعه ملائكة عدد نفسه و خطاه و كلامه يحفظونه عن بلاء الدنيا و بوائق الآخرة إلى مثل تلك الليله من قابل فإن مات فيما بينهما أعفى من الحساب، و ان كان المزور يعرف من حق الزائر ما عرفه الزائر من حق المزور كان له مثل أجره. (الکافی ج ۲/۱۸۳ البحار ج ۷۶/۳۴)

عذاب نکنم.

و چون دیدار تمام شود و زایر به خانه خود باز گردد به اندازه نفس ها و گام ها و سخنان او با برادر خود ملائکه او را بدرقه می کنند و او را از بلائی دنیا و گرفتاری های قیامت تا سال آینده حفظ می نمایند و اگر در بین سال از دنیا برود از حساب قیامت معاف خواهد بود و اگر برادر او نیز حق او را شناخته باشد همین پاداش را خواهد داشت.»

(۱) امام صادق علیه السلام فرمود: «سر و دست کسی را نباید بوسید جز رسول خدا صلی الله علیه و آله و یا کسی که به احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله سر و یا دست او را می بوسند.»

۶- آداب عطسه و تحیت آن

(۲) امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که انسان عطسه می کند اگر بگوید: «الحمد لله» دو ملک همراه او می گویند: «رب العالمین کثیرا لا شریک له» و اگر این را نیز بگوید، آنها می گویند: «و صلی الله علی محمد». اگر این را نیز بگوید آنها می گویند: «و علی آل محمد» و اگر این را نیز بگوید، آنها می گویند: «رحمک الله»

(۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر کسی مشغول سخن باشد و دیگری عطسه کند عطسه او شاهد حقانیت سخن اوست.» و فرمود: عطسه مریض دلیل سلامتی و راحت بدن اوست.»

(۴) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هنگامی که کسی عطسه می کند به او بگویید:

ص: ۲۲۶

۱- (۱) الکافی... عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا يقبل رأس أحدٍ ولا يده إلا رسول الله صلى الله عليه وآله أو من أريد به رسول الله صلى الله عليه وآله. (الکافی ج ۲/۱۸۵ البحار ج ۷۶/۳۷)

۲- (۲) العطاس و آدابه البحار... قال الصادق عليه السلام: إذا عطس الإنسان فقال: «الحمد لله» قال الملكان الموكلان به: «رب العالمین کثیرا لا شریک له» فإن قالها العبد قال الملكان: «و صلی الله علی محمد» فإن قالها العبد قالوا: «و علی آل محمد» فإن قالها العبد قال الملكان: «رحمک الله».

۳- (۳) البحار... قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا كان الرجل يتحدّث فعطس عاظم فهو شاهد حقّ. و قال صلى الله عليه وآله: العطاس للمريض دليل على العافية، و راحه للبدن.

۴- (۴) البحار... قال أمير المؤمنين عليه السلام: إذا عطس أحدكم فسمّوه: قولوا: یرحمکم الله و يقول هو لكم: یرحمکم الله و یرحمکم. قال الله تبارک و تعالی: «و إذا حیّتم بتحیّہ فحیّوا بأحسن منها أو ردّوها. (البحار ج ۷۶/۵۴)

«یرحمکم الله» و او باید در پاسخ شما بگوید: «یغفرالله لکم ویرحمکم» چنانکه خداوند فرموده: «و اذا حیتم بتحیه فحیوا بأحسن منها او ردوها.»

(۱) خادم حضرت عسگری علیه السلام می گوید: خدمت امام زمان علیه السلام بودم و چون عطسه نمودم به من فرمود: «یرحمک الله» پس من خشود شدم و آن حضرت فرمود: «تو را بشارت بدهم؟» گفتم: آری. فرمود: «عطسه امان از مرگ است تا سه روز.»

۷- آداب آروغ زدن و آب بینی و دهان انداختن

(۲) از روایات ظاهر می شود که آروغ زدن به دلیل امتلا و سنگینی معده است و هرکس در دنیا بیشتر شکم خود را پر کرده باشد در قیامت گرسنه تر خواهد بود و در روایتی آمده که صدای آروغ خود را بلند نکنید و بعد از آن «الحمد لله» بگویید که آن از نعمت های خداوند است.

(۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که یکی از شما آروغ می زند و یا آب دهان می اندازد صدای خود را بالا نبرد و آروغ از نعمت های خداست پس باید حمد خدا را به جا آورد.»

(۴) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «آب دهان را به طرف قبله نینداز و اگر از روی فراموشی چنین کردی استغفار کن.»

ص: ۲۲۷

۱- (۱) البحار... قالت نسیم خادم ابی محمد علیه السلام: قال لی صاحب الزمان علیه السلام و قد دخلت علیه بعد مولده بلیله فعطست عنده فقال لی: یرحمک الله ففرحت بذلك فقال لی: ألا أبشرك فی العطاس؟ فقلت: بلی قال: هو أمان من الموت ثلثه آیام. (البحار، ج ۵/۵۱)

۲- (۲) ۷- آداب التجشأ و التبصق البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إذا تجشأ أحدکم فلا یرفع جشاءه إلی السماء و لا إذا بزق، و الجشاء نعمه من الله جلّ و عزّ، فإذا تجشأ أحدکم فلیحمد الله. (البحار ج ۴/۷۶)

۳- (۳) البحار... عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سمع رسول الله صلی الله علیه و آله رجلاً يتجشأ فقال: یا عبدالله قصیر من جشائك فإن أطول الناس جوعاً یوم القیامه أكثرهم شبعاً فی الدنیا. (المصدر ص ۵۷)

۴- (۴) البحار... قال امیرالمؤمنین علیه السلام: لا یتفل المؤمن فی القبلة فإن فعل ذلك ناسیا فلیستغفرالله عزّوجلّ منه. (المصدر)

۸- مزاح و خنده و شیرینی سخن

از روایات استفاده می شود که مؤمن خنده رو و شیرین سخن و اهل مطایبه و مزاج است، ولی از مزاح و شوخی زیاد پرهیز می کند.

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «مزاح و شوخ زیاد آبرو را می برد و خنده زیاد ایمان را محو و نابود می کند و دروغ زیاد ارزش و آبروی انسان را ضایع می نماید.»

(۲) امام صادق علیه السلام فرمود: «داود به سلیمان علیهما السلام فرمود: فرزند عزیزم، از خنده زیاد پرهیز کن که خنده زیاد موجب فقر انسان در قیامت است.»

(۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از خنده زیاد پرهیز کن که قلب را می میراند.»

(۴) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هیچ مردی مزاح نمی کند جز آن که از عقل او کاسته می شود.» و در وصیت خود به امام حسن علیه السلام فرمود: «پرهیز از سخنی که موجب خنده شود؛ گرچه آن سخن را از دیگری نقل کنی.»

۹- سنت های ابراهیمی و محمدی صلی الله علیه و آله در نظافت

(۵) از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: «سنت های حنیفیه ابراهیمی که

ص: ۲۲۸

۱- (۱) ۸- کثره المزاح و الضحک البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : کثره المزاح تذهب بماء الوجه، و کثره الضحک تمحو الایمان، و کثره الکذب تذهب بالبهاء. (البحار ج ۷۶/۵۸)

۲- (۲) البحار... عن الصادق عن أبيه عليهما السلام قال: قال داود لسليمان عليهما السلام : يا بنی إياک و کثره الضحک، فإن کثره الضحک تترك العبد فقيرا يوم القيامة. (المصدر)

۳- (۳) البحار... فيما أوصى به النبي صلی الله علیه و آله إلى أبي ذرّ: عجبیت لمن أيقن بالنار لم يضحك؟ و قال صلی الله علیه و آله : إياک و کثره الضحک فإنه يمیت القلب. (المصدر ص ۵۹)

۴- (۴) نهج البلاغه: قال أمير المؤمنين عليه السلام : ما مزح رجل مزحاً إلا معج من عقله معجاً. (المصدر ص ۶۰) و قال عليه السلام فی وصيته للحسن عليه السلام : إياک أن تذكر من الكلام ما كان مضحكا و إن حکیت ذلک من غيرک. (المصدر)

۵- (۵) ۹- السنن الحنیفیه البحار... قال الرضا عليه السلام : أما السنن الحنیفیه التي قال الله عزوجل لنبيه صلی الله علیه و آله : «واتبع مله إبراهيم حنیفا، فهي عشرة سنن خمسة فی الرأس و خمسة فی الجسد فأما التي فی الرأس: فالمسواک، و اخذ الشارب، و فرق الشعر، و المضمضه، و الإستنشاق، و أميا التي فی الجسد، فالختان، و حلق العانة، و نتف الإبطین، و تقليم الأظفار، و الإستنجاء. (البحار ج ۷۶/۶۷ الخصال ج ۱/۱۳۰)

خداوند در قرآن به پیامبر خود صلی الله علیه و آله فرموده: «و اتبع مله ابراهیم حنیفا» ده چیز است که پنج چیز آن مربوط به سر انسان است و پنج چیز آن مربوط به بقیه بدن است. آنچه مربوط به سر می باشد: مسواک، کوتاه کردن شارب، تنظیم موی سر، مضمضه و استنشاق است. و آنچه مربوط به بقیه بدن است: ختنه کردن، برطرف نمودن موی اطراف عورت، برطرف نمودن موی زیر بغل، گرفتن ناخن، و استنجا، یعنی شستن خود بعد از رفتن به دستشویی است که در آیین حضرت ابراهیم علیه السلام بوده و تا قیامت نیز جزء آیین پیامبران می باشد.»

(۱) و در کتاب طبّ الائمه، از حضرت ابی الحسن یعنی موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که فرمود: «ناخن های خود را روز سه شنبه بگیرید، و روز چهارشنبه حجامت کنید، و روز پنج شنبه حمام بروید، و بهترین بوی خوش را روز جمعه مصرف کنید.»

(۲) امام صادق علیه السلام فرمود: «من دوست ندارم مسلمانی از دنیا برود و خصلتی از خصلت های رسول خدا صلی الله علیه و آله را انجام نداده باشد.»

۱۰- نگهداشتن محاسن و برطرف نمودن موهای دیگر بدن

(۳) امام صادق علیه السلام می فرماید: «گرفتن ناخن و کوتاه کردن شارب از جمعه تا جمعه از جذام جلوگیری می نماید.»

(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که ناخن و شارب خود را روز شنبه و پنجشنبه

ص: ۲۲۹

۱- (۱) البحار عن مكار الاخلاق عن طبّ الائمه عليهم السلام عن أبي الحسن عليه السلام قال: قلموا أظفاركم يوم الثلاثاء، و احتجموا يوم (۲) الأربعاء، و أصيبوا من الحمام حاجتكم يوم الخميس، و تطيبوا بأطيب طبيكم يوم الجمعة. (المصدر ص ۷۹) البحار... عن الصادق عليه السلام قال: إنني لأكره للرجل أن يموت و قد بقيت خله من خلال رسول الله صلی الله علیه و آله لم يأت بها. (المصدر ص ۶۷) (۳) ۱۰- أخذ الشارب و إعفاء اللحي البحار... عن أبي عبدالله عليه السلام قال: تقليم الأظفار و أخذ الشارب من الجمعة إلى الجمعة أمان من الجذام. (البحار ج ۷۶/۱۱۰) البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من قلم أظفاره يوم السبت و يوم الخميس، و أخذ من شاربه عوفى من وجع (۴) الأضراس و وجع العين. (المصدر) البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا يطولن أحدكم شاربه، و لاعانته، و لاشعر إبطه، فإن الشيطان يتخذها مخابى يستتر بها. (المصدر ص ۱۱۱)

بگیرد از درد دندان و چشم درامان خواهد بود.» و فرمود: «نباید کسی موی شارب و عانه و زیر بغل را رها کند؛ چرا که شیطان بین آنها پنهان می شود.»

(۱) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «عده ای از مردم که ریش خود را می تراشند و شارب و سبیل را بلند می گذارند لشکر مروان [دشمن رسول خدا صلی الله علیه و آله] می باشند.»

(۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آتش پرستان و مجوس محاسن خود را می تراشند و سبیل خود را بلند می گذارند [لکن] ما سبیل (شارب) را کوتاه می کنیم و محاسن را بلند می گذاریم و این مطابق فطرت انسان است.»

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: «محاسن [و موی صورت] اگر بیش از یک قبضه (گرفتن دست) باشد باید کوتاه شود.»

۱۱- آداب ناخن گرفتن

(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در روز جمعه ناخن بگیرد خداوند درد را از انگشتان او خارج و دارو را در آنها وارد می کند.»

(۵) امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس ناخن های خود را روز پنج شنبه بگیرد و یک ناخن را برای جمعه باقی گذارد فقر از او دور می شود.»

(۶) امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس در هر جمعه ناخن ها و شارب خود را بگیرد و

ص: ۲۳۰

۱- (۱) البحار... قال أمير المؤمنين عليه السلام: أقوام حلقوا اللحي و فتلوا الشوارب هم جند مروان. (المصدر ص ۱۱۲)

۲- (۲) البحار... قال النبي صلی الله علیه و آله: إنَّ المجوس جزوا لحاهم و وقروا شواربهم، و أنا نحن بخز الشوارب و نغفی اللحي، و هی الفطره. (المصدر ص ۱۱۲)

۳- (۳) البحار... قال الصادق عليه السلام: تقبض بيدك على اللحيه و تجز ما فضل. (المصدر ص ۱۱۳)

۴- (۴) ۱۱- فضل تقليم الأظفار البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من قلم أظفاره يوم الجمعة أخرج الله من أنامله الداء و أدخل فيه الدواء. (البحار ج ۷۶/۱۲۰)

۵- (۵) البحار... قال أبو عبد الله عليه السلام: من قصَّ أظفيره يوم الخميس و ترك واحدهً ليوم الجمعة نفى الله عنه الفقر. (المصدر)

۶- (۶) البحار... عن أبي جعفر عليه السلام: من أخذ أظفاره و شاربہ کل جمعه و قال حين يأخذه: بسم الله و بالله و على سنّه محمّد و آل محمّد لم يسقط منه قلامه و لا جزاه إلاّ كتب الله له بها عتق رقبة، و لم يمرض إلاّ المرضه التي يموت فيها. (المصدر ص ۱۲۳)

بگویند: «بسم الله و بالله و علی سنه محمد و آل محمد» به عدد هر مو و هر ریزه ناخن خداوند پاداش آزاد کردن بنده ای را به او می دهد و جز مریضی مرگ بیماری دیگری پیدا نمی کند.»

(۱) مرحوم صدوق می فرماید: پدرم به من وصیت نمود: برای گرفتن ناخن از انگشت کوچک دست چپ شروع کن و به انگشت کوچک دست راست خود ختم کن. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مو و دندان و ناخن و خون را دفن کنید.»

۱۲- پاداش مسواک و پاکیزه کردن دهان

(۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر برای امت من مشقت نبود بر آنان واجب می کردم که برای هر نمازی مسواک کنند.»

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که برای نماز شب حرکت می کنی مسواک کن؛ چرا که ملک مأمور به اعمال و عبادات دهان خود را بر دهان تو می گذارد و آنچه تو می خوانی او به آسمان می برد. پس باید دهان تو پاکیزه باشد.»

(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مسواک دوازده فایده دارد: ۱- پاک کننده دهان است؛

ص: ۲۳۱

۱- (۱) البحار... قال الصدوق رحمه الله: قال أبي رضى الله عنه في وصيته إلى: قلم أظفارك، و خذ من شاربك، و ابدء بخنصرك من يدك اليسرى، و اختم بخنصرك من يدك اليمنى. (المصدر ص ۱۲۱)

۲- (۲) البحار... قال أبو عبد الله عليه السلام: أمرنا رسول الله صلى الله عليه و آله بـدفن أربعة: الشعر، و السن، و الظفر، و الدم. (المصدر ص ۱۲۵)

۳- (۳) فضل السواك البحار... عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك مع كل صلاة. (البحار ج ۷۶/۱۲۶) قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا قمت بالليل فاستك فإن الملك يأتيك فيضع فاه على فيك، فليس من حرف تتلوه و تنطق به إلا صعد به إلى السماء فليكن فوقك طيب الريح. (البحار ج ۷۶/۱۲۶)

۴- (۴) البحار... قال النبي صلى الله عليه و آله: في السواك إثنتا عشرة خصلة: مطهره للضم، و مرضاه للرب، و يبيض الأسنان، و يذهب بالحفر، و يقلل البلغم، و يشهي الطعام، و يضاعف الحسنات، و تصاب به السنه، و تحضره الملائكة، و يشد اللثة، و هو يمر بطريقه القرآن، و ركعتين بسواك أحب إلى الله عزوجل من سبعين ركعه بغير سواك. (المصدر ص ۱۲۹)

۲- موجب خشنودی خداست؛ ۳- دندان ها را سفید می کند؛ ۴- جرم دندان را برطرف می نماید؛ ۵- بلغم را کم می کند؛ ۶- اشتهای غذا می آورد؛ ۷- پاداش عبادات را دو چندان می کند؛ ۸- به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می شود؛ ۹- ملائکه نزد مسواک کننده حاضر می شوند؛ ۱۰- لثه ها را محکم می کند؛ ۱۱- راه قرائت قرآن را پاکیزه می کند؛ ۱۲- دو رکعت نماز با مسواک نزد خداوند بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک است.»

۱۳- پاداش استعمال عطر و بوی خوش

(۱) امام صادق علیه السلام می فرماید: «عطر از سنت های پیامبران علیهم السلام است.»

(۲) رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بوی خوش قلب را قوی و قدرت جماع را زیاد می کند.»

(۳) امام کاظم علیه السلام فرمود: «سزاوار نیست در هر روزی عطر استعمال نشود و اگر ممکن نبود یک روز در میان و اگر ممکن نبود در هر جمعه ترک نشود.»

(۴) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بوی خوش در شارب از اخلاق پیامبران علیهم السلام و احترام به فرشتگان نویسنده اعمال است.»

(۵) امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس در آغاز روز عطر مصرف کند عقل او تا شب کاستی پیدا نمی کند.» و فرمود: «یک نماز با عطر بهتر از هفتاد نماز بدون عطر است.»

(۶) و فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله برای عطر و بوی خوش بیش از غذا و طعام پول

ص: ۲۳۲

۱- (۱) ۱۳- فضل التّطیّب الکافی... عن ابی عبدالله علیه السلام قال: العطر من سنن المرسلین. (الکافی ج ۵/۵۱۰)

۲- (۲) الکافی... قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إنّ الریح الطیبه تشدّ القلب و تزيد فی الجماع. (المصدر)

۳- (۳) الکافی... عن ابی الحسن علیه السلام قال: لا ینبغی للرجل ان یدع الطیب فی کلّ یوم فان لم یقدر علیه فیوم و یوم لا، فان لم یقدر ففی کلّ جمعه و لا یدع. (المصدر)

۴- (۴) الکافی... قال امیرالمؤمنین علیه السلام: الطیب فی الشارب من أخلاق النبیّین و کرامه للکاتبین. (المصدر)

۵- (۵) الکافی... قال أبو عبد الله علیه السلام: من تطیّب أوّل النهار لم یزل عقله إلى اللیل. و قال علیه السلام: صلاه متطیّب أفضل من سبعین صلاه. (المصدر ص ۵۱۱)

۶- (۶) و قال علیه السلام: کان رسول الله صلی الله علیه و آله ینفق فی الطیب أكثر ممّا ینفق فی الطعام. (المصدر ص ۵۱۲)

۱۴- اجابت دعوت مؤمن و پاداش آن

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من به امت خود - حاضر و غایب آنها وصیت می کنم که دعوت برادر مسلمان خود را بپذیرند گرچه با فاصله پنج میل (نزدیک به دو فرسخ) باشد. همانا این دستور دین من است.»

(۲) امام صادق علیه السلام فرمود: «از حقوق واجب مؤمن بر برادر خود این است که دعوت او را بپذیرد.»

(۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که دعوت برادر خود را نپذیرد با خدا و رسول او صلی الله علیه و آله مخالفت نموده است.»

و فرمود: «اگر کسی مرا برای یک پاچه گوسفندی دعوت کند من او را اجابت خواهم نمود.»

(۴) و فرمود: «عاجزترین مردم کسی است که بدون عذر دعوت برادر خود را نپذیرد.»

(۵) و فرمود: کسی که روزه مستحبی گرفته باشد و داخل منزل برادر خود شود و

ص: ۲۳۳

۱- (۱) ۱۴- فضل اجابه دعوه المؤمن البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : أوصی الشاهد من أمتی و الغائب أن یجیب دعوه المسلم ولو علی خمسہ أمیال، فإنّ ذلك من الدین. (البحار ج ۷۵/۴۴۷)

۲- (۲) البحار... قال الصادق علیه السلام : من الحقوق الواجبات للمؤمن علی المؤمن أن یجیب دعوته. (المصدر)

۳- (۳) مستدرک الوسائل... قال النبى صلی الله علیه و آله : من لم یجب الدعوه فقد عصی الله و رسوله. (ج ۱۶/۲۳۶)

۴- (۴) البحار... قال صلی الله علیه و آله : لودعیت إلى ذراع شاه لأجبت. (البحار ج ۷۵/۴۴۸)

۵- (۵) البحار... قال صلی الله علیه و آله : من أعجز العجزه رجل دعاه أخوه إلى طعام فترکه [من غیر علّه]. البحار... عن العلل عن بعضهم علیهم السلام قال: من دخل علی أخیه و هو صائم تطوعاً فأفطر کان له أجران: أجر لئیه صیامه و أجر لإدخال السرور علیه. (البحار ج ۹۷/۱۲۵)

دعوت او را اجابت نماید و افطار کند پاداش روزه و پاداش ادخال السرور بر او خواهد داشت.

(۱) امام صادق علیه السلام فرمود: افطار تو در منزل برادر مؤمن خود بهتر از هفتاد و یا نود روزه است که تو روزه بگیری.

۱۵- نکوهش از میهمان بدون دعوت

(۲) از وصایای رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام این است که فرمود: «هشت گروه از مردم هستند که اگر مورد اهانت واقع شدند باید خود را ملامت کنند: ۱- کسی که بر سر سفره ای که دعوت به آن نشده است حاضر شود...»

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر یکی از شما را به میهمانی دعوت کردند نباید فرزند خود را همراه ببرد و اگر چنین کند کار حرامی انجام داده و غاصب خواهد بود؛ جز آن که طبق فرموده قرآن از خانه پدر و یا مادر و یا برادر و یا خواهر و یا عمو و یا عمّه و یا دایی و یا خاله و یا دوست و یا خانه کسی که وکیل او محسوب می شود و کلید خانه خود را به او سپرده است غذایی بخورد که نیاز به اجازه و دعوت ندارد و حلال است.»

ص: ۲۳۴

۱- (۱) البحار... قال أبو عبد الله عليه السلام: لأفطارك في منزل أخيك المسلم أفضل من صيامك سبعين ضعفاً أو تسعين ضعفاً. (المصدر)

۲- (۲) ۱۵- من لم يدع إلى مائدة البحار... في وصايا النبي صلى الله عليه و آله لعلي عليه السلام: يا علي ثمانية إن أهينوا فلا يلوموا إلا أنفسهم: الذاهب إلى مائدة لم يدع إليها... (البحار ج ۷۵/۴۴۴) قال رسول الله صلى الله عليه و آله: إذا دعى أحدكم إلى طعام فلا يستبعن ولده، فإنه إن فعل ذلك كان حراماً و دخل غاصباً. (المصدر ص ۴۴۵)

۳- (۳) قال الله سبحانه: ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج ولا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت آبائكم أو بيوت أمهاتكم أو بيوت إخوانكم أو بيوت أخواتكم أو بيوت أعمامكم أو بيوت عمّاتكم أو بيوت أخوالكم أو بيوت خالاتكم أو ما ملكتم مفاتحه أو صديقكم ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعاً أو أشتاتاً. (النور آية ۶۱) البحار... عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله: «أو ملكتم مفاتحه» قال: الرجل يكون له وکیل يقوم في ماله فيأكل بغير إذنه. (البحار ج ۷۵/۴۴۶)

(۱) خداوند در قرآن می فرماید: «ای اهل ایمان! بدون اجازه وارد خانه های پیامبر صلی الله علیه و آله نشوید، جز آن که برای طعامی به شما اجازه داده شود. پس برای آماده شدن غذا شتاب نکنید و انتظار نکشید و چون به شما اجازه داده شد وارد شوید و هنگامی که طعام خود را خوردید پراکنده شوید و مجلس سخن برقرار نکنید که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن آزرده می شود و از شما حیا می کند ولی خداوند از بیان حق حیا نمی نماید.»

(۲) امام هشتم می فرماید: «شخصی از امیرالمؤمنین علیه السلام دعوت نمود. پس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود به او: من تو را اجابت می کنم به سه شرط: ۱- چیزی از خارج خانه تهیه نکنی؛ ۲- آنچه داری از من دریغ نکنی؛ ۳- به عیال و خانواده خود سخت نگیری.»

(۳) امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که وارد خانه برادر خود می شوید هرکجا او می گوید بنشینید؛ چرا که او به اسرار خانه خود آگاه تر است.»

(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق میهمان است که او را تا در خانه بدرقه کنید.»

ص: ۲۳۵

۱- (۱) ۱۶- فضل الإطعام و آداب الضیافه قال الله سبحانه: يا أيها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم الى طعام غير ناظرين إناه ولكن إذا دعيتم فادخلوا فإذا طعمتم فانتشروا و لا مستأنسين لحديث إن ذلكم كان يؤذي النبي فيستحيي منكم و الله لا يستحيي من الحق. (الاحزاب / ۵۳)

۲- (۲) البحار... عن الرضا عن آباءه عليهم السلام قال: دعا رجل أميرالمؤمنين عليه السلام فقال له: قد أجبتهك على أن تضمن لي ثلاث خصال قال: و ما هنّ يا أميرالمؤمنين؟ قال: لا تدخل على شيئا من خارج و لا تدخل على شيئا في البيت و لا تجحف بالعيال قال: ذلك لك فأجابه أميرالمؤمنين عليه السلام . (البحار ج ۷۵/۴۵۱ عن عيون الأخبار ج ۱/۲۵۹)

۳- (۳) البحار... عن الباقر عليه السلام قال: إذا دخل أحدكم على أخيه في رحله فليقعد حيث يأمر صاحب الرحل فإنّ صاحب الرحل أعرف بعوره بيته من الداخل عليه. (المصدر)

۴- (۴) البحار... إنّ رسول الله صلى الله عليه و آله قال: من حقّ الضيف أن تمشي معه فتخرجه من حریمك إلى الباب. (المصدر) البحار... قال أبو جعفر عليه السلام : لأن أشبع أخا لي في الله أحبّ إليّ من أن أشبع عشرة مساكين. (المصدر ص

(۴۵۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: «اطعام نمودن یک برادر مخلص در دین نزد من از اطعام ده فقیر بهتر است.»

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از کرامت انسان است که هدیه برادر خود را بپذیرد و به او نیز هدیه بدهد و خود را به زحمت نیندازد.»

۱۷- پاداش احترام به میهمان

(۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس ایمان به خدا و قیامت دارد باید میهمان را گرامی بدارد.» سپس فرمود: «میهمانی سه شبانه روز است و روز چهارم صدقه خواهد بود و سزاوار نیست میهمان صاحب خانه را خسته و ناراحت کند.»

(۳) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی که از صدای میهمان [و ورود او] خوشنود شود گناهان او آمرزیده می شود؛ گرچه از زمین تا آسمان را پر کرده باشد.»

(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که خداوند به مردمی اراده خیر نماید هدیه ای برای آنان می فرستد.» گفتند: آن هدیه چیست؟ فرمود: «میهمان است که رزق خود را می آورد و چون می رود گناهان صاحب خانه را نیز می برد.»

و فرمود: «طعامی که چهار خصلت داشته باشد برکت آن کامل است: ۱- از حلال تهیه شده باشد؛ ۲- دست های زیادی بر آن وارد شود؛ ۳- با بسم الله شروع شود؛ ۴- با الحمدلله تمام گردد.»

ص: ۲۳۶

۱- (۱) البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من مکرمه الرجل لأخيه ان يقبل تحفته و أن يتخفه بما عنده و لا يتكلف له شيئاً و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا أحب المتكلفين. (المصدر ص ۴۵۴)

۲- (۲) فضل إكرام الضيف و آداب الضيافه البحار... قال النبي صلی الله علیه و آله : من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فليكرم ضيفه، و الضيافه ثلاثه أيام ولياليهنّ فما فوق ذلك فهو صدقه و جائزه يوم وليله و لا ينبغي للضيف إذا نزل بقوم أن يملهم فيخرجهم او يخرجوه.

۳- (۳) البحار... عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: ما من مؤمن يسمع بهمس الضيف و فرح بذلك إلا غفرت له خطاياه و إن كان مطبقه بين السماء و الأرض. (المصدر)

۴- (۴) البحار... قال النبي صلی الله علیه و آله : الطعام إذا جمع فيه أربع خصال فقدتمّ: إذا كان من حلال، و كثرت الأيدي عليه، و سمّي في أذله، و حمد في آخره، و قال صلی الله علیه و آله : طوبى لمن طوى و جاع و صبر أولئك الذين يشبعون يوم القيامة. (المصدر ص ۴۶۱)

(۱) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هیچ مؤمنی در دنیا میهمان را دوست نمی دارد، جز آن که چون از قبر خارج می شود صورت او مانند ماه شب چهارده می باشد و اهل محشر می گویند: او جز پیامبر نیست. پس ملکی گوید: او مؤمنی است که میهمان را دوست دارد و گرامی می دارد پس او را مسیری جز بهشت نخواهد بود.»

مؤلف گوید: اگر برای اثبات حقانیت اسلام هیچ دلیلی جز دستورات اخلاقی و عاطفی و... آن نبود همین دستورات اخلاقی و حقوقی و عاطفی برای اثبات حقانیت آن کافی بود.

(۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که شخصی وارد شهری می شود میهمان اهل آن شهر است تا از آن شهر خارج گردد و صحیح نیست میهمان بدون اجازه میزبان خود روزه بگیرد، چرا که ممکن است آنان غذایی برای او آماده کنند و فاسد گردد و صاحب خانه نیز نباید بدون اجازه میهمان روزه بگیرد چرا که ممکن است میهمان میل به غذایی داشته باشد و ملاحظه حال میزبان را بکند و خودداری نماید.»

(۳) و فرمود: «میهمانی سه روز است: روز اول حق و لازم است، و روز دوم و سوم [جایز است]، و بعد از آن صدقه خواهد بود.» سپس فرمود: «نباید کسی میهمانی خود را ادامه دهد تا برادر خود را به گناه وادارد.» گفته شد: چگونه او را به گناه وامی دارد؟ فرمود: «آن قدر نماند که صاحب خانه چیزی نداشته باشد که او را

ص: ۲۳۷

۱- (۱) البحار... عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: ما من مؤمن يحبّ الضيف إلا و يقوم من قبره و وجهه كالقمر ليله البدر فينظر أهل الجمع فيقولون: ما هذا إلا نبيّ مرسل، فيقول ملك: هذا مؤمن يحبّ الضيف و يكرم الضيف و لاسبيل له إلا أن يدخل الجنة و قال النبيّ صلى الله عليه و آله: إذا اراد الله بقوم خيرا أهدى اليهم هديّة قالوا: و ما تلك الهدية؟ قال: الضيف ينزل برزقه و يرتحل بذنوب أهل البيت. (المصدر)

۲- (۲) البحار... عن رسول الله صلى الله عليه و آله قال: إذا دخل الرجل بلدة فهو ضيف على من بها من أهل دينه حتى يرحل عنهم، و لا ينبغي للضيف أن يصوم إلا بإذنهم لئلا يعملوا له الشيء فيفسد عليهم و لا ينبغي لهم أن يصوموا إلا بإذن ضيفهم لئلا يحشّمهم فيشتهى الطعام فيترکه لمكانهم. (البحار ج ۴۶۲/۷۵)

۳- (۳) البحار... قال رسول الله صلى الله عليه و آله: الضيافة ثلاثة أول يوم حقّ و الثاني و الثالث [جایزه] و ما بعد ذلك فأنها صدقه تصدّق بها عليه ثمّ قال صلى الله عليه و آله: لا ينزلن أحدكم على أخيه حتى يؤثمه قيل: يا رسول الله و كيف يؤثمه؟ قال: حتى لا يكون عنده ما ينفق عليه. (المصدر ص ۴۶۳)

۱۸- پرهیز از مجالس گناه

مولدف گوید: در این زمان مجالسی که مورد تأیید اسلام و اولیای خدا باشد و از آلودگی و فساد و گناه پاک باشد بسیار کمیاب است. برای روشن شدن این موضوع خوب است شرایط و آداب مجالس را مطابق آیات قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام بیان کنیم تا این حقیقت روشن گردد.

از آیات قرآنی استفاده می شود که مجلسی که در آن یاد خدا نباشد خیری در آن نیست و روز قیامت مایه حسرت اهل آن خواهد بود. خداوند در قرآن می فرماید: «بسیاری از اجتماعات سرّی [و غیر سرّی] شما خیری ندارد، جز آن که اهل آن از صدقه و کمک به فقرا و یا اصلاح بین مردم و یا انجام کارهای خیر و سودمند سخن بگویند. چنین افرادی اگر برای خشنودی خداوند و انجام امور یادشده گردهم جمع شده باشند زود است که ما به آنان پاداش بزرگی را عطا کنیم.»

و یا می فرماید: «آیا نمی دانی که خداوند به آنچه در آسمان ها و زمین است آگاه می باشد و هیچ مجلسی نیست که سه نفر در آن جمع شده باشند جز آن که خداوند چهارمین آنان خواهد بود و اگر چهار نفر در آن جمع شده باشند خداوند پنجمین آنان است و اگر پنج نفر جمع شده باشند او ششمین آنان می باشد و اگر کمتر و یا بیشتر جمع شده باشند خداوند با آنان خواهد بود و در قیامت آنان را به اعمال خویش آگاه خواهد نمود؟ همانا خداوند به همه چیز دانا می باشد.»

و در روایات آمده است: کسی که وارد مجلسی می شود باید براهل آن تحیت و سلام بفرستد و در جای مناسب خود بنشیند و به پایین آن مجلس راضی باشد؛ اهل آن مجلس نیز باید تحیت و سلام او را پاسخ بدهند و برای او جا باز کنند. خداوند به این مسأله اخلاقی توجه نموده و به مؤمنان می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که به شما گفته می شود: [برای واردین] جا باز کنید شما باید برای آنان جا باز کنید تا خداوند به شما گشایش دهد و چون گفته می شود: از جای خود حرکت کنید و به خانه های خویش بروید [و یا برای نماز و یا جهاد آماده شوید] به

آن توجه کنید و مجلس را ترک نمایید. خداوند اهل ایمان و دانش را درجات بیشتری عطا خواهد نمود و او به اعمال شما آگاه است.» مولف گوید: آداب مجالس فراوان است به جهت اختصار به اهم آنها اشاره می شود.

(۱)۱- مجلسی که برای عده خاصی تشکیل شده است، کسی که به آن مجلس دعوت نشده حرام است وارد آن مجلس شود و اگر مورد اعتراض واقع شود باید خود را ملامت کند.

(۲)۲- در مورد انتخاب مجالس حضرت لقمان به فرزند خود فرمود: «مجالس را به دقت بنگر. پس اگر دیدی اهل آن به یاد خدا هستند با آنان بنشین؛ چرا که اگر تو عالم باشی علم تو در آن مجلس سودمند خواهد بود و به آن افزوده خواهد شد و اگر جاهل و نادان باشی آنان تو را از علم خود بهره مند خواهند نمود و شاید خداوند رحمتی بر آنان فرو فرستد و تو نیز از آن بهره مند گردی. و اگر دیدی اهل آن مجلس مردمی جاهل و نادانند با آنان همنشین مشو، که اگر عالم باشی علم و دانش تو برای تو سودی نخواهد داشت و اگر جاهل باشی آنان بر جهل تو خواهند افزود.

و شاید خداوند نکبت و عقوبتی بر آنها فرو فرستد و تو نیز مشمول آن عقوبت شوی.»

ص: ۲۳۹

۱- (۱)۱۸- آداب المجالس قال الله سبحانه: لاخیر فی کثیر من نجویهم إلا من أمر بصدقه أو معروف أو اصلاح بین الناس و من یفعل ذلک إبتغاء مرضات الله فسوف نؤتیه اجرا عظیما. (النساء / ۱۱۴) و قال سبحانه: ألم تر أن الله یعلم ما فی السماوات و ما فی الأرض ما یکون من نجوی ثلثه إلا هو رابعهم و لایخمسه إلا هو سادسهم و لا أدنی من ذلک و لا أكثر إلا هو معهم اینما کانوا ثم یتبئهم بما عملوا یوم القیامه إن الله بکل شیء علیم. و قال سبحانه: یا ایها الذین آمنوا إذا قیل لکم تفسیحوا فی المجالس فافسحوا یفسح الله لکم و اذا قیل انشزوا فانشزوا یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین أوتوا العلم درجات و الله بما تعملون خبیر. (مجادله / ۷)

۲- (۲) البحار... قال لقمان لابنه: یا بنی اختر المجالس علی عینک فإن رأیت قوما ینذرون الله عزوجل فاجلس معهم فإنک إن تک عالما ینفعک علمک و ینزیدونک علما و إن کنت جاهلاً علموک و لعل الله ان ینظلمهم برحمه فتعمک معهم و إذا رأیت قوما لا ینذرون الله فلا تجلس معهم فإنک إن تک عالما لا ینفعک علمک و إن تک جاهلاً ینزیدونک جهلاً و لعل الله ان ینظلمهم بعقوبه فتعمک معهم. (البحار ج ۷۵/۴۶۶)

(۱)۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «چند گروه از مردم اگر اهانت شدند جز خویش را نباید ملامت کنند: ۱- کسی که بدون دعوت داخل مجلسی شود...»

(۲)۴- در مورد آداب ورود و نشستن در مجالس، حضرت عسکری علیه السلام فرمود: «کسی که وارد مجلسی می شود اگر به پایین آن مجلس راضی باشد، تا در آن مجلس نشسته است خدا و ملائکه بر او درود می فرستند.»

و فرمود: «از نشانه های تواضع این است که به هر مسلمانی برخورد می کنی سلام کنی و راضی باشی که در پایین مجلسی که وارد می شوی بنشینی.»

(۳)۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد قیام و برخاستن مقابل دیگری فرمود: «ای مردم، در زمان حیات و پس از مرگ من به اهل بیت من اکرام و تعظیم کنید و آنان را بر دیگران مقدم دارید.» سپس فرمود: «کسی از محل نشستن خود در مقابل احدی برنخیزد جز در مقابل اهل بیت من.»

(۴)۶- امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد بوسیدن صورت مؤمن فرمود: «چون جعفر بن ابی طالب علیه السلام از حبشه بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله او را ملاقات نمود و بین دو چشم او را بوسید.»

(۵)۷- در مورد رعایت امانت در مجالس، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در مجالس

ص: ۲۴۰

۱- (۱)البحار... أوصى النبي صلى الله عليه وآله علياً عليه السلام فقال: يا عليّ ثمانية إن أهيّنوا فلا يلوموا إلا أنفسهم: الذاهب الى مائده لم يدع إليها، و المتأمّر على ربّ البيت، و طالب الخير من أعدائه، و طالب الفضل من اللئام، و الداخل بين إثنين في سرّ لم يدخله فيه، و المستخفّ بالسلطان، و الجالس في مجلس ليس له بأهل، و المقبل بالحديث على من لا يسمع منه. (البحار ج ۷۵/۴۶۴)

۲- (۲)البحار... قال العسکری علیه السلام: من رضی بدون الشرف من المجلس لم يزل الله و ملائکته يصلون علیه حتّى يقوم و قال علیه السلام: من التواضع: السلام على كلّ من تمرّبه، و الجلوس دون شرف المجلس. (المصدر ص ۴۶۶)

۳- (۳)البحار... قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أيها الناس عظّموا أهل بيتي في حياتي و من بعدى و أكرمهم و فضّلهم، فإنّه لا يحلّ لأحد أن يقوم من مجلسه لأحدٍ إلا لأهل بيتي. (البحار ج ۷۵/۴۶۷)

۴- (۴)البحار... قال على علیه السلام: قدم جعفر بن أبيطالب علیه السلام فتلّقاه رسول الله صلى الله عليه وآله و قبل بين عينيه. (المصدر)

۵- (۵)البحار... قال رسول الله صلى الله عليه وآله: المجالس بالأمانة و لا- يحلّ لمؤمن أن يوثر عن مؤمن اوقال: عن أخيه المؤمن فييحاً. (المصدر)

باید امانت داری شود و صحیح نیست کسی خود را بر دیگری تفضیل دهد و یا عیب برادر مؤمن خود را بگوید.»

(۱) ۸- در مورد لغزش های اهل مجلس و کفاره آن ها رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: [در پایان مجلس] بگو: «سبحانک اللهم و بحمدک لا إله إلا أنت ربّ تب علی و اغفر لی.»

(۲) ۹- در مورد رعایت حق جالسین فرمود: «نباید کسی را از جای خود بلند کنید و دیگری به جای او بنشیند.» و فرمود: «در مجالس به دیگران جای دهید.» و فرمود: «کسی حق ندارد بدون اجازه بین دو نفر بنشیند.»

امام باقر علیه السلام فرمود: «مجلسی که در آن یاد خدا و یاد ما نشود در قیامت موجب حسرت خواهد بود؛ چرا که یاد ما یاد خدا می باشد و یاد دشمنان ما یاد شیطان خواهد بود.»

و فرمود: «هر کس می خواهد حق مجلس را ادا نموده باشد باید هنگام برخاستن از آن مجلس بگوید: «سبحان ربّ العزّه عمّا یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله ربّ العالمین.»

(۳) ۱۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره مجالس ذکر خدا و ذکر فضایل و مصایب اولیای

ص: ۲۴۱

۱- (۱) البحار... وقال صلی الله علیه و آله : إنّ کفاره المجلس: سبحانک اللهم و بحمدک لا- إله إلا- أنت ربّ تب علی و اغفر لی. (المصدر) البحار... نهی النبی صلی الله علیه و آله عن أن یقام الرجل عن مجلسه و یجلس فیہ آخر ولكن تفسّحوا و توسّعوا. و نهی صلی الله علیه و آله أن یجلس الرجل بین الرجلین إلا بإذنها. (المصدر ص ۴۶۸)

۲- (۲) البحار... قال الصادق صلی الله علیه و آله : ما إجتمع قوم فی مجلس لم یذكروا الله و لم یدکرونا إلا کان ذلك المجلس حسرة علیهم یوم القیامه. ثم قال الباقر علیه السلام : إنّ ذکرنا من ذکر الله و ذکر عدونا من ذکر الشیطان. (المصدر)

۳- (۳) وقال علیه السلام : من أراد ان یتکمال بالمکیال الأوفی فلیقل إذا اراد القیام من مجلسه: «سبحان ربّ العزّه عمّا یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله ربّ العالمین.» البحار... قال النبی صلی الله علیه و آله : إنّ الملائکه یمرون علی حلق الذکر فقومون علی رؤوسهم و یبکون لبکائهم و یؤمنون علی دعائهم فإذا صعّدوا إلی السماء یقول الله تعالی: یا ملائکتی أین کنتم؟ و هو اعلم فقولون: یا ربّنا إنّنا حضرنا مجلسا من مجالس الذکر فرأینا أقواما یسبحونک و یمجدونک و یقدسونک و یخافون نارک فقول الله سبحانه: یا ملائکتی أزوها عنهم و أشهدکم أنّی قد غفرت لهم و آمنتهم ممّا یخافون فقولون: ربّنا إنّ فیهم فلانا و إنّهم لم یدکروک فقول الله تعالی: قد غفرت له بمجالسته لهم، فإنّ الذاکرین من لایشقی بهم جلیسهم. (البحار ج

(۷۵/۴۶۸)

او فرمود: «همانا ملائکه چون به مجالس ذکر برخورد می کنند بالای سر اهل آن می ایستند و همراه گریه آنان گریه می کنند و دعای آنان را آمین می گویند و چون به آسمان بالا- می روند خداوند که داناتر به حال آنهاست به آنان می گوید: ای ملائکه من، کجا بودید؟ آنان می گویند: پروردگارا، ما در مجلسی از مجالس ذکر شرکت نمودیم و عده ای را دیدیم که تسبیح و تمجید و تقدیس تو را می کردند و از عذاب تو در هراس بودند. پس خداوند می فرماید:

ای ملائکه، آگاه باشید که من عذاب خود را از همه آنان برداشتم و شما را گواه می گیرم که آنان را بخشیدم و از عذاب خود در امان قرار دادم. پس ملائکه می گویند: بین آنان فلاخن گناهکار نیز بود که تو را یاد نکرد [و توبه نمود و ذکر تو را نگفت]. خطاب می شود: من او را نیز به جهت مجالست با بندگانم بخشیدم؛ چرا که ذاکرین من کسانی هستند که هرکس بین آنان باشد نجات خواهد یافت.»

(۱) ۱۱- امیرالمؤمنین علیه السلام در باره چگونگی نشستن در مجلس و در کنار سفره غذا فرمود: «هنگامی که یکی از شما بر سر سفره غذا می نشیند باید همانند غلامی که در مقابل مولای خود می نشیند بنشیند و هرگز بر سر سفره غذا یکی از پاهای خود را بر روی دیگری قرار ندهد و چهار زانو ننشیند که مورد خشم خداوند می باشد.»

(۲) ۱۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در باره چگونگی نشستن در مجلس می فرماید: «هر چیزی را شرافتی است و شریف ترین مجالس مجلسی است که اهل آن رو به قبله بنشینند.»

(۳) ۱۳- در باره مجلسی که وسیله نجات و هدایت انسان شود و کسی از آن

ص: ۲۴۲

۱- (۱) البحار... قال أمير المؤمنين عليه السلام: إذا جلس أحدكم على الطعام فليجلس جلسة العبد، ولا يضعن أحدكم إحدى رجليه على الأخرى ويربع فإنها جلسة يبغضها الله و يمقت صاحبها. (البحار ج ۷۵/۴۶۹)

۲- (۲) البحار... قال رسول الله صلى الله عليه و آله: إن لكل شئٍ شرفاً و إن أشرف المجالس ما استقبل به القبلة. (المصدر)

۳- (۳) الكافي... قال عباد بن كثير: قلت لابي عبد الله عليه السلام: إنني مررت بقاص يقص و هو يقول: هذا المجلس [الذي] لا يشقى به جليس. قال: فقال أبو عبد الله عليه السلام هيهات هيهات أخطأت أستاذهم الحفره، إن لله ملائكة سياحين، سوى الكرام الكاتيين، فإذا مروا بقوم يذكرون محمدا و آل محمد قالوا: قفوا فقد أصبتم حاجتكم فيجلسون، فيتفقهون معهم فإذا قاموا عادوا مرضاهم و شهدوا جنازتهم و تعاهدوا غائبهم فذلك المجلس الذي لا يشقى به جليس.

آسیبی نبیند روایت شده که عباد بن کثیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من یک نفر قصه پرداز (دروغ پرداز) را دیدم که می گفت: جلسه من جلسه ای است که هر کس در آن بنشیند خسارت نمی کند و گمراه نمی شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «هیئات، هیئات تو اشتباه کردی و او نیز به غلط سخن گفته است.»

همانا خداوند ملائکه ای را غیر از کرام کاتبین خلق نموده که روی زمین حرکت می کنند و چون به مجلسی برخورد می کنند که اهل آن، فضایل و مصایب محمد و آل محمد علیهم السلام را بیان می کنند به یکدیگر می گویند: توقف کنید که به حاجت خود رسیدید. پس در آن مجلس می نشینند و به سخنان گوینده آن مجلس گوش فرا می دهند و هنگامی که اهل آن مجلس متفرق می شوند آنان به عیادت بیماران آنان می روند و مرده های آنان را تشییع می کنند و از احوال غایبین آنان تفقد می نمایند.»

سپس فرمود: «این است مجلسی که هر کس در آن شرکت کند گمراه نمی شود [و هدایت می یابد].»

(۱) ۱۴- امام صادق علیه السلام در باره دیدار دوستان، به شیعیان خود فرمود: «به زیارت یکدیگر بروید که موجب زنده شدن دل های شما و ذکر احادیث ما خواهد بود و احادیث ما شما را با یکدیگر مهربان می نماید.»

سپس فرمود: «اگر شما به احادیث و سخنان ما توجه کنید رشد پیدا می کنید و نجات خواهید یافت و اگر به سخنان ما توجه نکنید گمراه و هلاک می شوید. پس احادیث ما را بگیرید و عمل کنید که در آن صورت من ضمانت نجات شما را به عهده می گیرم.»

مؤلف گوید: با توجه به مطالب یاد شده و وضع بیشتر مجالس این زمان،

ص: ۲۴۳

۱- (۱) الکافی... قال الصادق علیه السلام: تراوروا فإن فی زیارتکم إحياء لقلوبکم و ذکر لأحاديثنا و أحاديثنا تعطف بعضکم علی بعضٍ فإن أخذتم بها رشدتم و نجوتم و إن ترکتموها ظللتم و هلکتکم فخذوا بها و أنا بنجاتکم زعيم. (المصدر ص ۱۸۶)

روشن است که میان ماه من تا ماه گردون هزاران فرسنگ فاصله است.

امیدواریم که با توجه به فرموده های خدا و اولیای او حال ما تغییر پیدا کند و از تاریکی های جهالت و غفلت نجات یابیم و خود را به انوار مقدسه حضرات معصومین علیهم السلام نزدیک کنیم.

۱۹- آداب مسافرت

(۱) کسی که اراده سفر دارد مستحب است به اموری توجه نماید:

۱- برادران خود را مطلع سازد؛

۲- در روز شنبه و یا پنج شنبه و یا سه شنبه مسافرت کند و از مسافرت در روزهای جمعه و دوشنبه و چهارشنبه پرهیز نماید، جز آن که صدقه بدهد و در هر روزی می خواهد به مسافرت برود و در روزی که قمر در عقرب باشد نیز مسافرت و ازدواج و زناشویی ننماید که خیری در آن نیست.

(۲) ۳- در ابتدای حرکت آیه الکرسی و سوره حمد را بخواند و صدقه بدهد و دو رکعت نماز بخواند و پس از آن بگوید: «اللهم انی أستودعک نفسی و اهلی و مالی و ذریّتی و دنیای و آخرتی و امانتی و خاتمه عملی». (مستند الشیعه ج ۱۳/۳۴۵ الکافی ج ۴/۲۸۳ الفقیه ج ۲/۱۷۷) و دعای دیگری نیز بخواند.

۴- تنها مسافرت نکند و هنگامی که پیاده می شود دو رکعت نماز بخواند و از غذایی که می خورد صدقه بدهد و در حال حرکت قرآن و در حال عمل تسبیح و در حال فراغت دعا بخواند.

۵- اول شب حرکت نکند. (المصدر ص ۳۴۸)

ص: ۲۴۴

۱- (۱) ۱۹- آداب السفر المستند: إنّ رسول الله صلى الله عليه وآله كان يسافر يوم الخميس ويقول: يوم الخميس يحبه الله ورسوله وملائكته، و في روايه حفص: من تعذرت عليه الحوائج فليتمس طلبها يوم الثلاثاء فإنه اليوم الذي ألان الله فيه الحديد لداود عليه السلام.

۲- (۲) و في روايه الخثعمي: لا تخرج يوم الجمعة في حاجه ولا في يوم الإثنين ففي صحيحه الخزار: وأى يوم أعظم شؤما من يوم الإثنين فقدنا فيه نبينا صلى الله عليه وآله و ارتفع الوحي عنا لا تخرجوا و اخرجوا يوم الثلاثاء. و في روايه محمّد بن حمران: من سافر و تزوج و القمر في العقرب لم ير الحسنی. (المستند ج ۱۳/۳۴۴ المحاسن ۳۴۷)

مؤلف گوید: در پایان کتاب برای جلوگیری از برنامه های غیر مشروع و حرام اشعاری را ذکر نمودیم که مجالس عقد و عروسی را شاد و شونندگان آن مجالس را از گناه دور نگهدارد.

مبارک است!

این جشن پر عواطف و شیوا مبارک است وین فیض کردگار تعالا مبارک است

این ازدواج سنت دین محمد است قانون شرع چون شده اجرا مبارک است

این ازدواج مایه خیر و سعادت است بر مردم هنرور و دانا مبارک است

از ازدواج کثرت نسل بشر بود این امر خیر هست به هر جا مبارک است

از ازدواج مجلس شادی به پا شود اکنون که جشن خوش شده برپا مبارک است

امشب شب وصال دو زیبا جوان بود این اتصال همسرو همتا مبارک است

وصلت نموده اند دو فامیل ارجمند در یرتو ولایت مولا مبارک است

جشن شکوهمند دو دسته گل عزیز بر دوستان و جمله احبا مبارک است

پیوند مهر و ماه متین را خجسته باد همبستگی عصمت و تقوا مبارک است

از دوستان تشکر و تقدیر می شود ابراز مهرتان همه بر ما مبارک است

از بهر شادمانی داماد کف زیند جشنی پر افتخار سراپا مبارک است

بهر عروس یک کف محکم تری زیند بر او لباس اطلس و دیبا مبارک است

هرچند به دسته های گل این بزم روشن است داماد گل است که گلها مبارک است

داماد را ببین و بزنی بوسه بر رخس بر گو که جشنت ای گل رعنا مبارک است

تبریک گو که این جشن پرسرور بر این دو خانواده والا مبارک است

داماد بر صفای عزیزان به پای خیز گویند چون به منطق گویا مبارک است

ای مایه امید که داماد گشته ای دامادیت به مادر و بابا مبارک است

از بهر یاد بود بگير عكس ای فُتو بیننده گویدت به تماشا مبارک است
بر کوچک و بزرگ درود و سلام ما این بزم بهر خانم و آقا مبارک است

ص: ۲۴۷

شیرین کنید جمله ز شیرینی کام خویش این میوه هاست خوب و گوارا مبارک است

گارسون بیار بستنی پسته دار را برگیر بهر دوستان که طهور و مبارک است

تا شام میهمانان آماده می شود خارج کسی نگردد از اینجا مبارک است

جوجه کباب با چلو برگ حاضر است سالاد هست و پیسی و کوکا مبارک است

انعام حاج قاری باشد سفارشی این جایزه ز اهل تولا مبارک است

نقدی کنید پاکت خواننده را ز لطف در پای چک اگر شده امضا مبارک است

زن بگیر!

جشن اگر خواهی بگیری مجلس دینی بگیر دعوت از اسلامیان از پاک آیینی بگیر

ای که تا این لحظه تنهایی برو کن ازدواج این سخن در گوش همچون دُرّ تزیینی بگیر

تا که انسان زن ندارد هر طرف ویلان بود زن پی سرگرمی و هم رفع غمگینی بگیر

هر جوان بالغ شود باید نماید ازدواج ای مجرد زن پی اعزاز و سنگینی بگیر

هر چه من گویم عزیزم خیر خواهی می کنم جان من مرد عمل شو راه خوش بینی بگیر

زن بگیر و زود کن جشن عروسی برقرار تا که شیرین کام ما گردد تو شیرینی بگیر

رهنمود من برادر رهگشای راه تست سعی کن چون باغبان یک زن به گلچینی بگیر

چار زن عقدی مجازی ای رفیق با وفا صیغه ای خواهی مترس از کس برو چینی بگیر

دخت طهرانی و شیرازی بود یک سیستم خرجشان باشد فزون بر خود چو می بینی بگیر

مشهدی و سبزواری چون قمی کاشانی است گر نمی خواهی برو رشتی و قزوینی بگیر

اصفهانی و اراکی هر دو دانا و نجیب گر نشد قسمت برو یزدی و نایینی بگیر

دخت کارآمد اگر خواهی برو در شهر ری میوه می خواهی اگر دخت ورامینی بگیر

بندرعباسی و اهوازی است دلخواه عموم بهر رفع گرمیش رو چای دارچینی بگیر

گر که بیلاقی دلت خواهد برو سوی کرج یا شمیرانی که باشد شیک و سیمینی بگیر
دخت تبریزی برایت آورد ماست و پنیر گر انار خوب می خواهی برو فینی بگیر
گر عرب خواهی برو بغداد و مصر و سوریه خارجی خواهی اگر ژاپونی و چینی بگیر
همتی کن ای برادر جشن را کن برقرار مرغ رسمی گر نباشد مرغ ماشینی بگیر
گر که میز و صندلی هم نیست چندان غم مخور ظرف استیل ار نمی باشد ملامینی بگیر

ص: ۲۴۸

ای دلاور هر چه بتوانی برو تولید کن روی دست خویشتن هر ساله یک نی نی بگیر

شیر و کاکائو بیاور از برای دوستان بستنی لیوانی و چایی تو در سینی بگیر

حاج قاری تا که انعامت نگیری رد مشو پول نقدی گر نشد چک های تضمینی بگیر

در این مجلس صفا بسیار باشد

در این مجلس صفا بسیار باشد مگر این مطلع الانوار باشد

چراغان مجلس بزم سروری است مزین خوش در و دیوار باشد

بود از اُمت پاک محمد به رفعت سرور ابرار باشد

بود اسلامی این جشن عروسی که جای خواندن اشعار باشد

صفایی کاندرا این بزم نشاط است کهجا در گلشن و گلزار باشد

بگو تبریک خوش بر آقا داماد که خندان چون گل بیخار باشد

چه دامادی که می باشد مبارز مُحب عترت اطهار باشد

عروس خانم دختی با فضیلت بر او از جان و از دل یار باشد

عجب افراد با شخصیت و پاک نظر بنما در این تالار باشد

کف محکم زیند ای آشنایان که مجلس خالی از اغیار باشد

زجا برخیز یک دم آقا داماد که اکنون موقع دیدار باشد

نما از جمله اظهار تشکر که آن تقدیر از حُضار باشد

تمنا می شود از اهل مجلس کف محکم زدن تکرار باشد

در اینجا دوستان آل عصمت ز عرفان قلبشان سرشار باشد

همه روشن ضمیر و پاکدامان خوش آن کو مؤمن و دیندار باشد

بریزید نقل و سکه بهر داماد که گویی ریزش رگبار باشد

پذیرایی شود از میهمانان خوش آن مهمان که برخوردار باشد

یکی چایی نماید نوش جاننش یکی را بر لبش سیگار باشد

خیار و پرتقال و سیب و انگور روا نبود کسی بی کار باشد

ز شیرینی دمام نوش جان کن که تا کام تو شکر بار باشد

چلو مرغ است شام اهل مجلس به خوردن هر کسی ناچار باشد

ص: ۲۴۹

کباب کوبیده بهتر هضم گردد خدا ناکرده گر بیمار باشد

کف محکم زدن سهل است و آسان شما را از چه رو دشوار باشد

خدایا هر کسی آهسته کف زد به پشت در بماند زار باشد

شب دامادیش باران بیاید خجل از دلبر طرّار باشد

هر آن شخصی که گوید زن نخواهم کجا او واقف از اسرار باشد

در اینجا هرکسی خورده نمک را زند کف چون که بالاجبار باشد

فکاهی ها که گوید حاج قاری کجا در طبله عطار باشد

کنون انعام ما حاضر نمایند به شرط آن که صد دینار باشد

بود دینار دینار عراقی بسی صرّاف در بازار باشد

آدرس جهت انتخاب همسر!

جوان کن از جوانی قدردانی که از هر چیز بهتر شد جوانی

شنو پند مرا از جان و از دل که عمر خویش را خوش بگذرانی

مُجرد تا به کی تزویج بنما به شادی در جهان کن زندگانی

به هنگام توانایی تو زن گیر که باشد مونس در ناتوانی

النکاح سستی قول رسول است چنین گفت آن خدیو آسمانی

چونصف دین تو در ازدواج است برو کن ازدواج ارنکته دانی

زنی با عفت و تقوا طلب کن اگر خواهی نمایی کامرانی

هر آن دختر که محبوب و عقیف است نصیب همسرش شد شادمانی

تو تا آگه شوی مردم مُعرف بگیر این آدرس ها با نشانی

زهر شهری پسند خاطرت شد همی شو خواستگار او به آنی

شما گر دخت تهرانی بگیری بری لذت گه شیرین زبانی
اگر که مؤمن و دیندار خواهی قمی بستان و یا گلپایگانی
اگر خواهی زرننگ و کارآمد تو رشتی گیر یا مازندرانی
اگر خواهی گلاب و عطر قمصر ز کاشان بگیر ای یارجانی
اگر که سبزه و زیبادلت خواست بگیر اهوازی یا که آبادانی

ص: ۲۵۰

اگر خواهی که اهل حال باشد بگیر شیرازی یا که کازرانی
اگر که زیرک و هوشیار خواهی بگیر از دختران اصفهانی
ز قزوینی به عالم ساده تر نیست ولی داناست دخت همدانی
ز گرگانی و سمنانی چه گویم که خون گرمند همچون دامغانی
خراسانی اگر شد قسمت تو از او پیوسته بینی مهربانی
ز کرمانی ندیدم با وفاتر از او شد با صفاتر شیروانی
زنان شاهرود و سبزواری ز خوبی بهر آنها نیست ثانی
اگر که چایی کلکته خواهی بکن در بندرعباس کشتی رانی
زن کرمانشهی بی باک باشد ولی یزدی است خون سرد و امانی
ز شهر ری و یا شهر ورامین بگیر گر سبزی خواهی رایگانی
اگر خواهی سخن تُرکی بگوید بگیر ای دوست، آذربایجانی
گلین چوخ یا خچیدی شهر مراغه ارومیّه بگو داد از گرانی
اگر ارزان و بی غصه دلت خواست برو هی صیغه کن اما نهانی
ترازین آدرس هایی که گفتم همی باید کنی سیر جهانی
به بزم جشن و شادی محبان کند آقای قاری دُرفشانی
بود انعام ما ای آقا داماد اگر نقدی بود ملیون تومانی
عجب جشنی!

عجب جشنی هم اکنون برقرار است که یکسر لطف و فضل کردگار است

مبارک بزم جشن و شادمانی است سراپا مهر و عشق و افتخار است

چه جشنی جشن عقد و ازدواج است که دستور رسول نامدار است

بود چون سنت دین محمد ملائک را در این محفل گذار است

کنون اجرا شده قانون اسلام چه قانونی که تا روز شمار است

بود در پرتو قرآن و عترت به حضار گرامی بخت یار است

به داماد و عروس تبریک گوئیم کز این تزویج هر یک کامکار است

ص: ۲۵۱

بجا باشد اگر محکم زنی کف که این مرسوم هر شهر و دیار است

چه دامادی که باشد شاخه گل زجان دین خدا را پاسدار است

عروسش دختری با دین و ایمان که از تقوا و عفت با وقار است

بود داماد دانشجوی قرآن هر آن کس مرد حق شد رستگار است

عروسش پیرو زهرای اطهر چنین دوشیزه بی نیکو شعار است

بود گل ها در اینجا دسته دسته که داماد نوجوانی گل عذار است

بزن کف از برای ساق دوشان که او را در یمین است و یسار است

به باب ارجمند تازه داماد مبارک گو که شخصی نامدار است

به باب نوعروس تبریک گوئیم کز این دختر قرین افتخار است

تشکر می کنم از میهمانان که دل این دوستان را دوستدار است

نظر بنما تو بر اعیان و اشراف در اینجا شادمان خرد و کبار است

یکایک محور روی ماه داماد که نور دین ز رویش آشکار است

در اینجا فیلمبرداران استاد گرفته عکس بهر یادگار است

عجب بزمی متین و دلپذیر است که خود بی سابقه در روزگار است

ز شیرینی است کام جمله شیرین که شیرینی اعلا خوشگوار است

بخور از بستنی فرد و ممتاز که خود یادآور فصل بهار است

تناول کن ز سیب نغز مطبوع که ویتامین در او ای سور خوار است

دگر از پرتقالش میل فرمای چرا کاین پرتقال از شهسوار است

مشو غافل ز نارنگی و انگور تر و تازه نظر بنما خیار است

هر آنچه میل داری نوش جان کن تو را نعمت کنون در اختیار کن

ز چایی باز تجدید قوا کن که دشمن از تو در حال فرار است

دمی بیکار منشین ای برادر بخور از میوه زیرا آبدار است

بباید میل فرمایی غذا را در این سالن که شام است و نهار است

کف محکم بزن خواهی نگویند که بی حال است گویا روزه دار است

اگر اینجا کف محکم نکوبی بگویندت جوانی بی بُخار است

به بزم مذهبی بین حاج قاری بود مداح و خوش خدمتگذار است

ص: ۲۵۲

ز داماد عزیز انعام خواهد سعادت بهر او امیدوار است

مبادا کمتر از میلیون بیاری ولی تخفیف او یکصد هزار است

راهنمایی داماد

نکته ای شیوا ز من ای مرد دانشور بگیر گوش جان بگشا و پندی بهتر از گوهر بگیر

مطلبی حساس باشد ای جوان در ازدواج پرسشی بنما و پاسخ را از این چاکر بگیر

دو حرامی را در اول می کند با هم حلال بهر کسب اطلاع آیین پیغمبر بگیر

نسل و پیوند بشر سرچشمه گیرد زین عمل حاصل ار خواهی به دنیا نخل بار آور بگیر

ازدواج است ای جوان قانونی از احکام دین گر تویی مرد عمل روبهر خود همسر بگیر

دختری با عفت و عصمت اگر پیدا شود رو به عقد خود در آور کام از آن دلبر بگیر

دختر اقوام اگر باشد ترا اولی تر است گر ندادندت ز همسایه برو دختر بگیر

دخت همسایه نباشد گر پسند خاطرت با کمال همت از یک کوچه دیگر بگیر

آن که را خواهی اگر در شهر هم پیدا نشد دخت دهقان یا کشاورز ای بلند اختر بگیر

گر که می خواهی کند کار از برایت روز و شب یا زمشهد یا زبجنورد یا که از کاشمر بگیر

گر که می خواهی بود خوش مشرب و مهمان نواز یا زقلهک یا زشمران یا که از چندر بگیر

ثروت محفوظ دارد دخت پاک اصفهان گر که خواهی مالت افزون گردد از رامسر بگیر

دخت تهرانی بدان جیب تو را خالی کند گنج قارون گر که داری رو بزیر سر بگیر

دختر مازندرانی بهر تو آرد برنج ماهی ار خواهی برو از رشت یا رودسر بگیر

دخت شیرازی تو را پیوسته دارد شادمان میل داری میل سر کار است رو زودتر بگیر

انقلابی گر که می خواهی بگیر از شهر قم گر دلاور خواهی از دزفول یا شوشتر بگیر

دخت قزوین و اراکی با تو سازش می کند نامزد کن از برایش زود انگشتر بگیر

بزله گو خواهی اگر رو سوی شهرهمدان گرچه دانایی زنی از خویش داناتر بگیری

دختر کردی اگر خواهی به کرمانشاه رو لیک بهر حفظ دین او برو معجز بگیر

گر تواضع پیشه می خواهی برو گلپایگان دختر خون گرم اگر خواهی زخرمشهر بگیر

گر که خواهی جوزقند و میوه و عطر و گلاب رو به کاشان دختری از قریه قمصربگیر

لهجه ترکی اگر خواهی سوی تبریز رو هان تزل قارداش ز آذربایجان قیزلر بگیر

ص: ۲۵۳

دخت آبادان سخن گوید به آهنگ عرب مَرِحَا يَرْحَبِ بِكَمْ آن دخت با مشعر بگیر
جنس قاچاق ار که خواهی وارد از خارج کند روی کن سوی جنوب و دختر از بندر بگیر
آن چه دانستم بگفتم سر به سر بهر شما این زمان تصمیم خود را ای همایونفر بگیر
مجلس جشن عروسی را برو تشکیل ده دعوت از یاران خود از کهتر و مهتر بگیر
سیب و موز و پرتقال و شیرینی آماده کن موز لبنان گر نباشد رو خیار چنبر بگیر
حاج قاری بر کلام خویشتن ده خاتمه لیک انعامت ز داماد ادب پرور بگیر
چون که این داماد می باشد یکی از دوستان صحبت از میلیون مکن از دوستان کمتر بگیر

توصیه به جوونای بی زن «به لهجه اصفهانی»

جوون برو زن بی گیر یه وصله تن بی گیر

سنت دیند اینس اگر دلد حق بینس

حافظ دین و ایمون زنس براد عزیز جون

داشتن زن عاليس جاش پیش تو خاليس

اینقدر دل دل نکون بی خودی معطل نکون

با این که چیز گرونس قیمتی زعفرونس

دراومدد مکفی نیست کارد دوروغ بافی نیس

نگو گرفتار می شم جلدی عیالوار می شم

اگر می خوای شادباشی از غصه آزاد باشی

تو اجتماع امروز قوی باشی و پیروز

بوگند تو وم یک کسی با خوب خوبا هم دسی

چشم و دلد را واکون دور و ورد، نیگاکن

بین که زن عزیزس کاراش همه تمیزس

همیشه کار می کوند قدرشا کس نیمدوند

خونه و بچه داری بود براش شعاری

زندگی بی زن ولس بی برو بی حاصلس

هر جا که زن نباشد خوشی به تن نباشد

کانون مهر و وفاس ماییه لطف و صفاس

ص: ۲۵۴

زن مٹی شعم می سوزد لباس براد می دوزد

در همه جا یاردس مونس وغمخواردس

با نوق نوقاد می سازد به دشمناد می تازد

هیجا کارش پیدا نیس تو گفته هاش ریانیس

به کاری خونه سفتس بد خواه او خرفتس

پا جای پاد می زارد عزت براد میارد

محبتش زیادس همیشه چش برادس

حول و هوا دا دارد جور و جفا ندارد

او وختی که پیر می شی پیر و زیمین گیر می شی

دس می کوند لابلد کمک می شد به خالد

براد پرستار می شد تو را نیگر دار می شد

به وختی بی دندونی تو را می شد جون جونی

زندگی با زن و ذول باشد تمیز و مقبول

آبروی زندگی زن بود و بندگی

این سخن از «بی ریاس» زن برای مرد دواس

مؤلف گوید: اشعار مربوط به فضایل علی و فاطمه علیهم السلام در پایان کتاب میزان الحق و اسوه النساء درج شده است،
مراجعه شود.

و تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا

آثار مؤلف تاکنون

۱ - الحجّ و الزیارت، عربی

۲ - آداب حج و زیارت حرمین شریفین، فارسی

۳ - میزان الحق یا حقیقت مظلوم، فارسی عربی

۴ - آیات الفضائل یا فضائل علی علیه السلام در قرآن، عربی فارسی

۵ - دوله المهدی علیه السلام یا حکومت امام زمان عجل الله فرجه الشریف، فارسی عربی

۶ - اسوه النساء، بانوی نمونه عالم، فارسی عربی

۷ - امام الشهداء و سالار شهیدان، فارسی عربی

ص: ۲۵۵

۸- انتظار مهدی علیه السلام و نشانه های ظهور، فارسی عربی

۹- شهید خراسان و پناه شیعیان، فارسی عربی

۱۰- عاشقان کربلا، زیارات عتبات عالیات عراق

۱۱- آیین همسرداری و آداب زندگی در اسلام، فارسی عربی

۱۲- بشارت های معصومین علیهم السلام ، فارسی عربی

۱۳- بشارت های قرآنی، ، فارسی عربی

۱۴- محرمات اسلام در قرآن و حدیث، فارسی عربی

ص: ۲۵۶

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

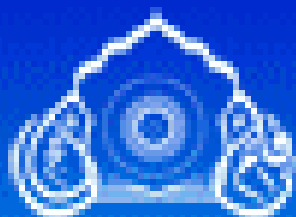
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

